کارگران

یک گزارش جالب از دوزندگی ها
ودوزندگان لباسهائی که بتن داریم

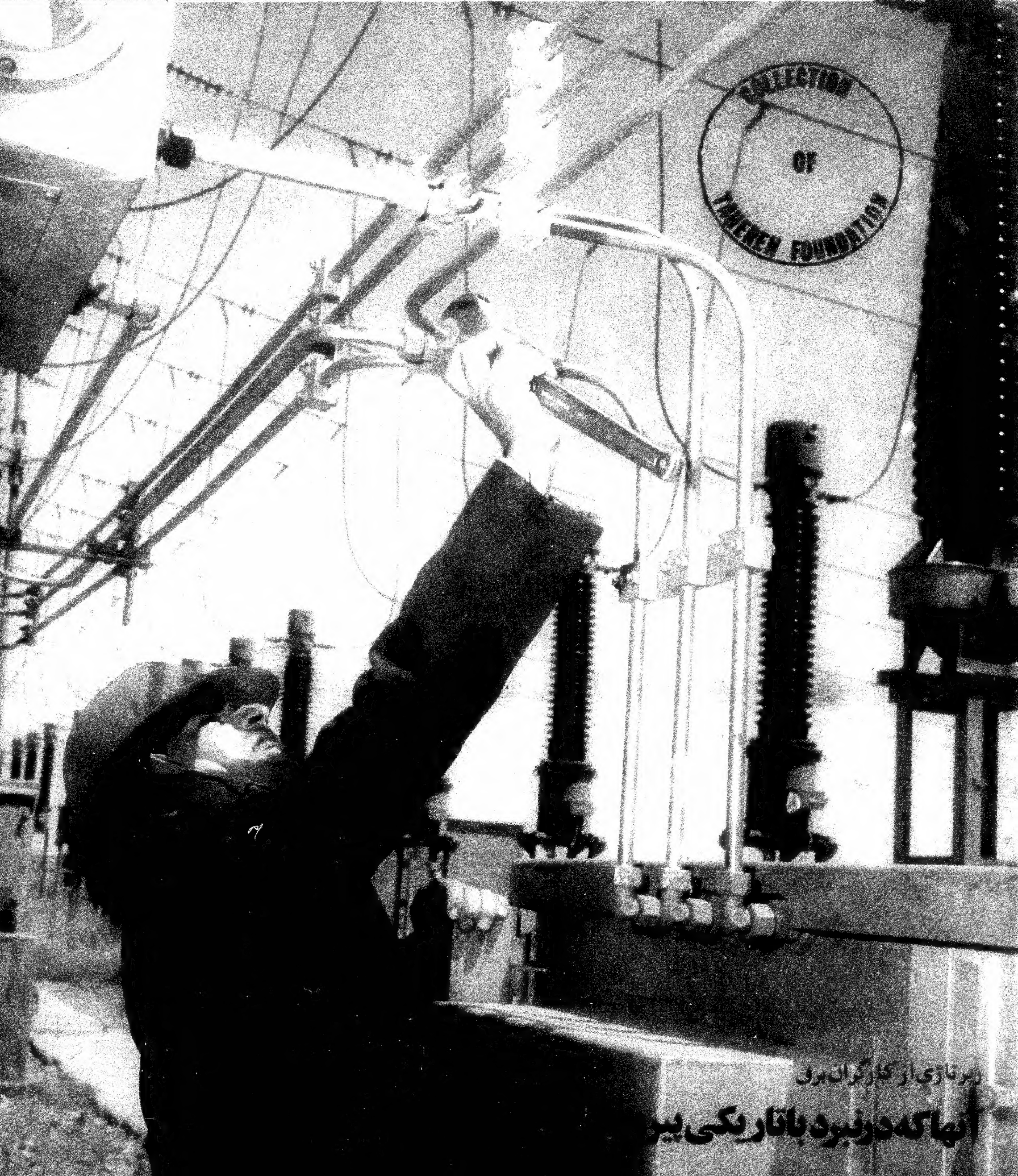

رپرتاژی از کارگران برق

آنها که درنبرد باتاریکی پیر

در تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور :
لندن ـ پاریس ـ نیویورک ـ مونیخ ـ هامبورگ ـ
ابوظبی ـ جده ـ شارجه ـ دبی ـ بحرین ـ مسقط ـ
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
درگردش استفاده نمائید
دفترچه حساب درگردش
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

رستاخیز **کارگران**

دوشنبه بیست و یکم تیرماه ۲۵۳۵ شماره هفدهم

«نشریه حزب رستاخیز ملت ایران» این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

مدیر مسئول: محمد حسین کردبچه

نشانی: خیابان وصال شیرازی چهارراه بزرگمهر پلاک ۱/۱۴۸

تلفن مدیر مسئول و سردبیر ۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه ۶۶۳۷۵۵

تلفنخانه ۶۶۶۰۴۴-۶۶۷۱۵۹-۶۴۰۷۹۹

جلوه‌گاه مشارکتها...

هرچه به تشکیل کنگره حزب رستاخیز ملت ایران نزدیکتر می‌شویم، شور و هیجان قشر های مختلف اجتماع را درراه تشکیل کانون های جدید بیشتر احساس می کنیم. کانون ها، آنطور که همواره دبیر کل حزب گفته‌اند، بصورت واقعی و مرکب از گروههای اجتماعی یکی پس از دیگری تشکیل میگردند وخود را برای تحقق بخشیدن به برنامه مهم حزب، یعنی برگزاری یک کنگره عظیم و چشمگیر آماده می سازند.....

و این درواقع افراد مملکت هستند که باگرد همائی درسازمان و واحد حزبی بنام کانون خود را مهیا و مجهز برای شرکت کردن در اجلاسیه بزرگ حزب می کنند....

بی‌شک حضور داشتن در کنگرهٔ حزب، یعنی عالی ترین مرجع تعیین کننده سازمان اجتماعی وسیع ملی مظهر بارزو مشخصی است از اینکه فرد در مرحلهٔ تصمیم گیری نهائی شرکت داشته و بعنوان یک عضو مؤثر و تعیین کننده در کارهای وطنش مشارکت بعمل میآورد، و این حد اعلای هدف دموکراسی درهرجامعه است....

البته کلیه افراد مملکت نباید و نمی توانند در یک مجمع گفت و شنود ملی ولوهرقدر هم وسیع و پردامنه و پرگنجایش باشد شرکت داشته باشند، ولی با اقدام به انتخاب نماینده به نسبت تعداد گروهها و اعرام، نمایندگان مزبور به مجمع ملی مورد نظر درواقع کلیه افراد در برگزاری و شکل دادن و رسالت بخشیدن به آن دخالت می کنند و نظرات خود را بوسیله نماینده های برگزیده خویش به مجمع اظهار می دارند وآثار مورد انتظار ازحضورخود را در آن مجمع بیارمی نشانند. و این «فورمول» همه دموکراسی هاست....

و اما برای اینکه این «فورمول» قبول شده عملا منعکس سازنده آرمانها و ایده آلها و آرزو های قبلی افراد باشد باید که «فرد» عملا و شخصاً به این فورمول شکل ببخشد وآنرا بوجود بیاورد....

یعنی در کانونهای حزبی فعالانه و منظم شرکت کند، در آنجا صاحبنظر باشد، درآنجا گرفته های خود را از اعماق جامعه و گروه و طبقه خویش آزادانه منعکس کند، در آنجا نظرات دیگران را بشنود، درآنجا به گفت وشنود های همه جانبه — نه یک طرفه — شکوه وجلال بخشد و بالاخره درآنجا آئینه ای تمام نما لااقل ازقسمتی ازجامعه بزرگ وطنش را بوجود آورد، آئینه‌ای که کم و کلستی ها و فزونی ها و پیشرفتها وخواسته ها و امکانات و دورنمای آینده درارتباط با دستاورد- های گذشته وحال را بخوبی وعادلانه منعکس سازد و به ملت درترسیم راه‌حل های مشکلاتش کمک واقع بینانه نماید....

این منطقی ترین و مطبوع ترین شکل مشارکت داشتن فرد در تعیین مسیر زندگی و سرنوشت جامعه میتواند باشد.....

هم اکنون که در وطنمان حزب بزرگ فراگیرنده، همهٔ قشر ها و گروهها رابی آنکه اختلاف وتفاوتی بین گروهها وافراد — جز درلیاقت و خدمتگزاری — قائل باشد در آغوش خود دارد، حق اینست که کارگران نه تنها بصورت عادی و معمولی بلکه بعنوان پیشاهنگان مشارکت در کار حزب در کانون های حزبی فعالانه شرکت کرده و ضمن شنیدن نظرات افراد گروههای دیگر در باره مسائل مملکتی — من جمله درباره حاصل کارو کوشش کارگران — خود را آماده برای مشارکت داشتن در کنگره عظیم و آینده نگر حزب بزرگمان بکنند....

بی آنکه حمل برخودستائی وغرورشود یقیناً کارگران بامشارکت داشتن فعال در کانونها بخوبی و بهتر از دیگران خواهند توانست از یک سومسائل مربوط به تولید کالا ها را درنقش تولید کننده وازسوی دیگر درنقش مصرف کننده توقعات سایر گروهها را منعکس سازند و به رفع نقایص احتمالی اقتصادی کشوربپردازند....

(بازدر این باره سخن خواهد رفت)

در این شماره

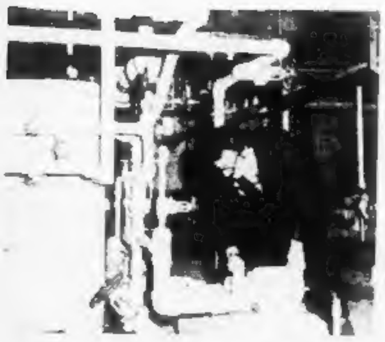

آنها که درنبرد باتاریکی پیروزند....

بیش از ۱۸۰۰۰ کارگر، شبانه روز در کوشش و تلاشند تا خانه‌های ما روشن باشند وچرخهای کارخانه‌های کشور درگردش....

رستاخیز کارگران، دراین شماره رپرتاژی از کار این کارگران، وچگونگی کارآنها تهیه کرده‌است. که می خوانید.

صفحات ۴—۵—۶—۷

حماسهٔ سنگتراش ها، فراموش نمی‌شود

کارسنگتراشی، که درقرن‌های گذشته، حرفه یی مهم وآمیخته باهنربود، این روزها رونقی ندارد.... کارخانه‌های سنگبری، کارسنگتراشان را کساد کرده است، اما آثاری که این کارگران هنرمند، درقرن‌های پیشین بوجود آورده‌اند، نشانه هائی ازعظمت و هنردارد، وازآثارباستانی کشورماست...

دراینشماره در رستاخیز کارگران رپرتاژی از این حرفه که می رود، بفراموشی سپرده‌شود، انتشارداده‌است.

صفحات ۱۸—۱۹

ساعتی در کنارخانواده یک کارگرخوشبخت

خبرنگاررستاخیز کارگران اینبار، ساعتی در کنارخانواده یک کارگرمقیم اراک نشسته وبه گفتگو پرداخته است.

این کارگرمحمدسلک که قهرمان دوم کشتی‌فرنگی کشور نیز هست، باخبرنگارما از تلاش و کوشش خود برای ساختن زندگی بهتر، صحبت کرده است وازوظیفه یی که کارگران عصر رستاخیز به عهده دارند.....

صفحات ۳۶—۳۷

میزگرد «رستاخیز کارگران»

«رستاخیز کارگران» آئینه زندگی کارگرعصررستاخیزاست. هم ازاین رو منعکس کننده پیشرفت‌ها، افکار، خواسته ها ومسائل گوناگون جامعه کارگری است. درمیزگرد اینشماره «رستاخیز کارگران» اعضای سندیکای کارگران کارخانه سیمان سفید، باحضور نمایندگان وزارت کاروامور اجتماعی وبهداری و بهزیستی، مسائل وخواسته های خود را مطرح کرده‌اند، که خواندنی است.

صفحات ۲۰—۲۱

ازحوادث بیاموزیم... ازحوادث جلوگیری کنیم..

هرماه متأسفانه برای عده‌یی از برادران کارگر ما، حوادث ناگواری رخ می دهد، که گاه در این حوادث دچار نقص عضو می‌شوند، ویا خدای نا کرده، جان می‌سپرند..

اگر به بررسی این حوادث بپردازیم، متوجه می‌شویم که اغلب آنها دراثر بی توجهی به امور حفاظت وعدم استفاده ازوسایل ایمنی بوجود آمده است....

رستاخیز کارگران درهرشماره، بادرج خبر این حوادث تأسف‌انگیز، وبررسی علل بوجود آمدن آنها، خواهران وبرادران کارگر را هشدارمیدهد، که با استفاده ازوسایل ایمنی ورعایت دقت ازاینگونه حوادث جلوگیری کنند...

صفحه ۴۲

ورزش کارگر... نماینده رستاخیز کارگران درالمپیک‌مونترال

«رستاخیز کارگران» که درهرشماره ضمن انعکاس خبرهای ورزشی کارگران ازانتشار رویدادهای مهم ورزشی کشورغافل نبوده است، برای آگاهی خوانندگان عزیز خود ازخبرهای المپیک مونترال، وموفقیت‌هائی که نصیب قهرمانان اعزامی ایران بمونترال خواهد شد، دبیر سرویس ورزشی خود، اسماعیل یگانگی را که از نویسندگان قدیمی و مفسران ورزشی است این هفته به‌مونترال اعزام داشت، ومنتظر خبرهای اختصاصی او که از المپیک ۱۹۷۶ برایمان خواهدآوردباشید. این چهارمین المپیک است که یگانگی درآن شرکت‌می کند.

آقای هویدا نخست وزیر در جلسه هیأت اجرائی سازمان کارگران ایران:

پیشرفت وشکوفائی اقتصاد مملکت ما به نحوه کار فرد فرد کارگران ارتباط مستقیم دارد

مراحل تکامل صنعتی مستلزم آن است که روزبروز میزان دانش اجتماعی وتخصصی کارگران افزایش یابد

ضرورت واهمیت تقسیم کار در سازمان کارگران ضروری است

باحضور آقای هویدا نخست وزیر و مدیر کل حزب رستاخیز ملت ایران جلسه هیأت اجرائی سازمان کارگران ایران چهارشنبه شانزدهم تیر ماه جاری در محل سازمان کارگران تشکیل شد.

در آغاز این جلسه که وزیر کار و اعضای شورای سازمان کارگران حضور داشتند آقای ابکاری رئیس سازمان کارگران ایران ضمن بر شمردن فعالیتهای انجام شده گفت برای تعمیم و گسترش کانون‌های حزبی نهایت تلاش و کوشش مداوم و همه جانبه بعمل آمده و تا اول تیرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی تعداد ۳۶۱ کانون حزبی در تهران، کرج و شهرری و تعداد ۱۱۹۵ کانون در سایر استانها و شهرستانها و جمعاً ۱۵۵۶ کانون حزبی تشکیل شده است، که این تعداد نسبت بدو ماه قبل صد در صد افزایش داشته است.

وی افزود: بمنظور رسیدگی بمسائل کارگران در امور مربوط بخدمات درمانی و تأمین اجتماعی جلسات هفتگی با حضور نمایندگان سازمانهای تأمین اجتماعی و خدمات درمانی تشکیل گردیده ویک هیأت همکاری متشکل از ۴۰ نفر نمایندگان کارگران بسازمان خدمات درمانی معرفی شده‌اند که ضمن مراجعه بمراکز درمانی بمسائل ومشکلات بیمه شدگان بیمار رسیدگی میکنند.

رئیس سازمان کارگران درمورد اقدامات رفاهی برای کارگران یادآورشد بمنظور استفاده کارگران از استراحتگاههای بندر پهلوی و محمود آباد و زائر سرای مشهد، وزارت کار وامور اجتماعی موافقت کرد که تهمیه بندی کارگران از طریق سازمان کارگران ایران انجام شود. بهمین جهت فهرست کاملی از کارگرانیکه از این مراکز استفاده خواهند کرد تنظیم شد و هم اکنون کارگران و خانواده‌های آنان بتدریج از استراحتگاهها و زائرسرا استفاده میکنند.

وی سپس در قسمتی دیگر از گزارش خود به شرکت کارگران در کنفرانسهای بین المللی پرداخت و گفت نمایندگان کارگران کشورمان در کنفرانس جهانی اشتغال و اجلاسیه بین المللی کار در ژنو شرکت جستند وسخنان قابل توجهی در زمینه موقعیت کارگر در کشورمان و امتیازاتیکه در دوران انقلاب شاه و ملت نصیب کارگران شده است ایراد کردند.

وی سپس اقداماتی را که پس از تشکیل اولین جلسه هیأت اجرائی از طرف سازمان کارگران صورت گرفته تشریح کرد.

پس از گزارش رئیس سازمان کارگران برای انتخاب یک نفر نایب رئیس هیات اجرائی و دو منشی اخذ رای بعمل آمد و در نتیجه آقایان قربانی نسب، سربی و خانم زهرا فرهنگیان به ترتیب به این سمتها برگزیده شدند.

گوشه‌ای از جلسه هیئت اجرائی سازمان کارگران ایران

بدنبال این انتخاب رئیس سازمان کارگران رؤسای کمیته‌های دوازده‌گانه را که براساس توصیه‌های سومین کنگره کارگران تشکیل شده‌است، بدین شرح معرفی کرد.

آقای حسنعلی مهران، مسئول کمیته بهره‌وری کار

آقای منوچهر آزمون، مسئول کمیته آموزش

آقای محمود شایان، مسئول کمیته روابط کار

خانم پری اباصلتی، مسئول کمیته امور زنان

خانم ویدا داودی، مسئول کمیته قوانین

آقای عبدالله جوانشیر، مسئول کمیته تعاون

آقای محمد مجیدی، مسئول کمیته مسکن

خانم پریوش سرخوش، مسئول کانونهای حزبی

آقای دکتر محمدعلی زرنگار، مسئول کمیته تشکیلات وروابط عمومی

آقای دکتر حسین مقدم، مسئول کمیته خدمات درمانی

آقای یوسفی زاده، مسئول کمیته تأمین اجتماعی

آقای میرابی، مسئول کمیته اشتغال

در این هنگام آقای قربانی نسب طی سخنانی از اینکه مسئولیتی دیگر در جهت امور کارگران

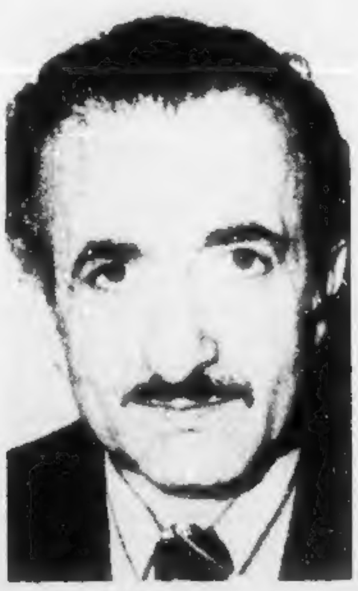

محمود شایان

عبدالله جوانشیر

پری اباصلتی

حسنعلی مهران

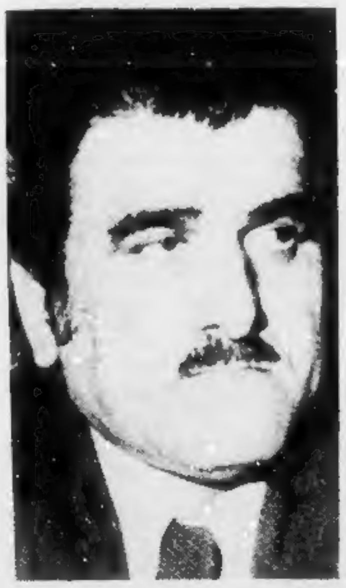

دکتر محمدعلی زرنگار

منوچهر آزمون

آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران درجلسه هیأت اجرائی سازمان کارگران ایران گفتند: باید رابطه‌ای منطقی بین سطح بهره‌وری ودستمزد بوجود آید.

به‌وی محول شده‌است تشکر کردوپیشنهاد کرد آقای هویدا که ریاست شورایعالی سازمان کارگران را بعهده دارند ،از این نظر دفتری درسازمان کارگران داشته باشند.

سپس آقای هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیزملت ایران طی سخنانی در اجتماع اعضای هیأت اجرائی سازمان کارگران ایران تأکید کردند که پیشرفت و شکوفائی اقتصاد مملکت با به‌نحو کار فرد فرد کارگران ارتباط مستقیم دارد.

آقای هویدا که ریاست شورای عالی سازمان کارگران ایران را نیز بر عهده دارند، پس از اشاره به وظایف مهم هیئت اجرائی بعنوان مغز متفکر و مهم‌ترین واحد اجرائی سازمان اهمیت برقراری تماس مستمر بین هیئت اجرائی و هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را یادآور شدند و گفتند از طریق این تماس ها است که باید سیاست‌های کشور و مسائل کارگری برای سندیکاها و اتحادیه‌ها تشریح شود و کارگران نیز با حقوق و وظائف شغلی خود آشنا گردند.

آقای نخست‌وزیر همچنین توجه هیات اجرائی را به ضرورت و اهمیت اصل تقسیم کار در سازمان کارگران جلب کردند و اظهار داشتند بهمین دلیل است که تشکیلات این سازمان نیز از قسمت‌ها و کمیته‌های مختلف ترکیب یافته است.

آقای نخست‌وزیر ضمن اشاره بوظایف کمیته های ۱۰ گانه که در تشکیلات سازمان کارگران پیش بینی شده است، از اهمیت کار و مسئولیت این کمیته‌ها، از جمله کمیته بهره‌وری و دستمزد، کمیته‌آموزش، کمیته مسکن، کمیته اشتغال، کمیته تعاون، کمیته زنان و کمیته کانون‌های حزبی یاد کردند و خصوصاً در مورد وظائف خطیر کمیته های بهره‌وری و دستمزد و آموزش گفتند با توجه به نقش افزایش سطح بهره‌وری در پیشرفت اقتصاد کشورمان و افزایش سطح دانش و تخصص کارگران دارای اهمیت زیادی است لذا این کمیته‌ها وظیفه بسیار سنگینی بر عهده دارند.

آقای نخست‌وزیر اضافه کردند که طی مراحل تکامل صنعت مستلزم آنستکه روزبروز میزان دانش اجتماعی و تخصص کارگران افزایش یابد.

آقای هویدا تاکید کردند که در این زمینه سیاست آموزش نیز باید در خدمت افزایش سطح بهره‌وری ملی قرار گیرد تا با دادن مهارت‌های لازم بکارگران این هدف به نحواحسن تحقق یابد.

پس از بیانات آقای هویدا نخست‌وزیر، هیأت اجرائی سازمان کارگران برای‌بحث و بررسی در خصوص آئین‌نامه دریافت حق عضویت ،آئین‌نامه نحوه شرکت نمایندگان سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و نمایندگان کارگران در مراجع قانونی و کنگره و شعب سازمان کارگران — آئین‌نامه‌مالی و آئین‌نامه امور اداری شعب سازمان کارگران وارد شور شد که پس ازاصلاحاتی درآنها آئین‌نامه‌های مذکوربتصویب رسید.

گزارش نماینده «رستاخیز کارگران» حاکیست که آقای هویدا نخست‌وزیر پیش از شرکت در جلسه هیأت اجرائی سازمان کارگران از مرکز اسناد و آمار پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی که در محل سازمان کارگران ترتیب یافته است دیدن کردند.

وبدا داودی

ناصر یوسفی‌زاده

میرابی

پرنوش سرخوش

محمد مجیدی.

آنها که در نبرد با تار

اسلایدها از: علی‌اکبر رهبر

بیش از ۸۰ هزار کارگر، شبانه‌روز در کوشش و تلاشند، تا خانه‌های ما روشن باشند، و چرخهای کارخانه‌های کشور به حرکت ادامه دهند...

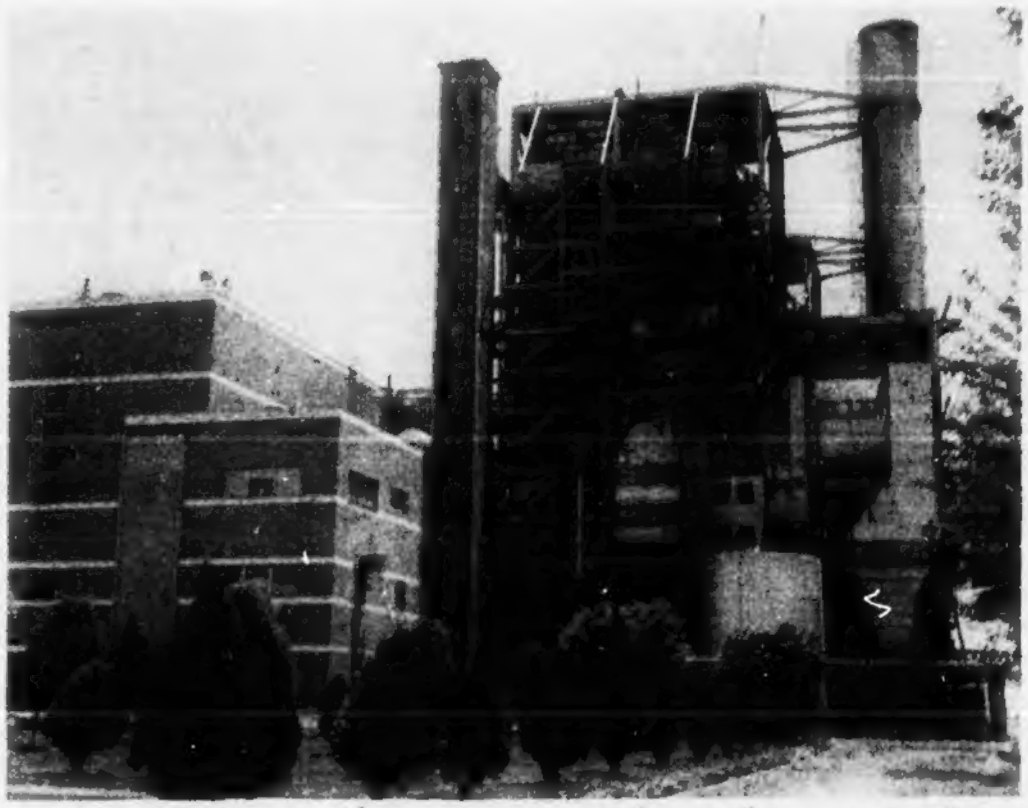

نیروگاه برق شهریار، بزرگترین نیروگاه بخاری کشور. این نیروگاه ۶۰۰ هزار کیلووات قدرت تولید دارد

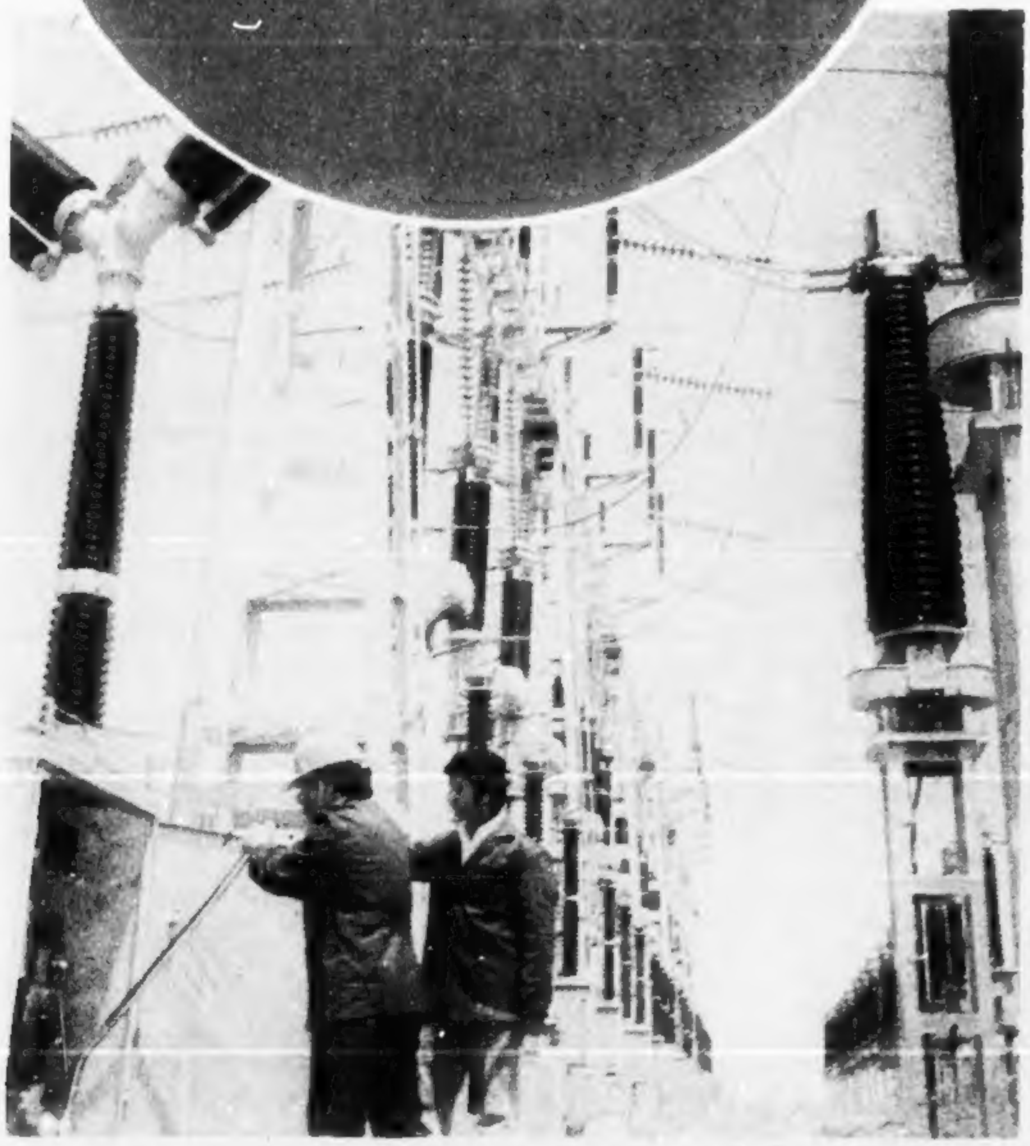

پست فشار قوی ۲۳۰ کیلوولتی. عبدالرحیم مدنی مشغول کار است. قدرت برق در اینجا به حدیست که از فاصله یک‌متری باعث مرگ انسان می‌شود

«کارگر دیگر نوکری خور نیست، از احترام زیادی برخوردار است و در سالهای انقلاب وضعش خیلی خوب شده.» این جملات کوتاه ولی صمیمانه سیدمحمود محمودی است. وی

که کارگر نیروگاه برق شهریار است با این جملات تاریخچه کار و کارگری در ۳۰ سال اخیر را که شاید می‌بایستی در چند کتاب نوشته می‌شد، خلاصه کرد و از پایان خوش آن سخن گفت.

سیدمحمود گفت: ۲۰ سال است که با کار برق سروکار دارم، و از پنج سال پیش نیز در نیروگاه برق شهریار بزرگترین نیروگاه برق ایران مشغول به کار شده‌ام.

او اضافه کرد: مدرک کلاس پنجم ریاضی را گرفته بودم و در بازار کار دنبال کاری می‌گشتم ۲۰ سال پیش بود. با این که مملکت در آغاز پیشرفت بود، ولی هنوز کارگران گذشته‌ها را بیاد داشتند. کارگر از احترامی که امروز برخوردار است، برخوردار نبود، ابتدا قصد داشتم پشت میزنشین شوم، ولی بعد به‌خود آمدم مملکتم در آستانه انقلاب شاه و ملت احتیاج به کارگر ماهر داشت. می‌دانستم که باید به دعوت آبادانی و سازندگی پاسخ مثبت بگویم تا من نیز از سازندگان آینده باشم. آینده آن روز من که امروز است و فردای بهتر مشغول به کار شدم. صمیمانه کار کردم و با ماهی هزار تومان حقوق زندگی کوچک اما شرافتمندانه‌ای برای خود و همسرم درست کردم. اکنون دو فرزند یازده و نه ساله دارم که تحصیل می‌کنند. حقوقم نسبت به سال اول کار ۴/۵ برابر شده و با زندگی کنونیم آدم خوشبختی هستم.»

سیدمحمود خیلی چیزهای دیگر گفت ولی من دیگر چیزی نمی‌شنیدم چون با هم به داخل

تنها در سال گذشته ، میزان تولیدی انرژی برق ،
۱۳ ۱۶ ، ۱ میلیون کیلووات‌ساعت افزایش یافت.

یکی پیرو زند...

کارخانه رسیده بودیم وصدای مداوم گردش توربینها، امکان شنیدن هرصدای دیگری‌را می‌گرفت. در پی‌صدای توربینها گرمای شدید نیز عرق بربدنم دوانده بود. کلافه شده بودم. به‌سیما وهیکل‌مردانه سیدمحمود و دیگر همکارانش که‌در این موقعیت کار می‌کنند، نگاه کردم، در جستجوی خستگی وناتوانی در وجودشان بودم ، نمی‌توانستم باور کنم که آنان در این شرایط کار می‌کنند وحاصل کارآنان رفاه من‌وتوشما... است، من که چندساعت قبل صدای کولرآزارم داده بود و در پی حل این مسأله بودم که نسیم‌خنک

کولر را بدون محتصر صدایی داشته باشم ، در کارخانه خجالت کشیده. بیاد آورده که آسایش من

بستگی به کارآنان دارد ، آنان‌شبانه روز زحمت می‌کشند تا برق در سیمها جاری شود و هموطنانشان درآسایش به‌سر برند . تنها کاری که‌می‌توانستم در آن لحظه برای قدردانی بکنم نگاه تشکرآمیزم بود که سید محمود خیلی زود متوجه آن شد و با لبخندی به این نگاه پاسخ گفت . چند دقیقه بعد صدای شدید کارخانه را پشت سر گذارده بودیم ، ولی توانستم دوباره سخنان‌اورابشنوم ،ادامه‌داد:

— بی‌شک ، کار مشکلی است . ولی من آن را دوست دارم ، چون بکارم ایمان دارم و خوشحالم که مهره کوچکی برای چرخاندن چرخ صنعت کشور هستم . او همچنین ازارزش برق سخن گفت : یک لحظه فکر کنید اگر این کارخانه‌ها نبودند چه میشد . بیشتروسائل برقی است ، کولرها کار نمیکردند ، نمی‌توانستیم خستگیمان را با گوش دادن به رادیوو با نگاه کردن تلویزیون‌ازتن خارج کنیم و......

گفتم : با این حال برق کم داریم ود رچند روز گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم . ایکاش این وضع پیش نمی‌آمد و یا تولید برق بیشتر می‌شد.

پاسخ این سخنان‌را عبدالرحیم‌مدنی داد. او متصدی پست فشار قوی نیروگاه است ، با ناباوری به من خیره شد . مثل این که انتظار داشت خود من پاسخ این سؤال را بدهم یا

بیش از ۸ هزارنفراز نیروی کار کشورمان شبانه‌روز فعالیت می‌کنند تابرق درتمام سیمهای کشورجریان‌یابد

آغاز تحویل نابسامانی‌ها به
پهلوی دوم

از: م. سعیدوزیری

ملت قدرشناس ایران، همواره خدمات درخشان رضاشاه پهلوی را در خاطره‌اش زنده نگاه‌میدارد. خدماتی که ثبت تاریخ شده‌است. رضاشاه کبیر بهنگام ترک وطن، مشتی از خاک ایران را درسواحل خلیج فارس با دست خود از زمین برداشتند، در کیسه‌ای ریختند و تا پایان عمر با بویش آن بیاد وطن اشک می‌ریختند

دوست عزیزم،

برای منتقل‌کردن گفتگو از دوران پهلوی اول بدوران پهلوی دوم (که از دوشماره پیش وعده داده‌ام) ناگزیر باید بحوادثی اشاره شود که متأسفانه یادآوری آنها خوانندگان را رنجیده خاطر خواهد ساخت...

در تاریخ شاهنشاهان ایران، که سلطنت در یک‌سلسله از پادشاهی به پادشاه دیگر منتقل شده است، انتقال سلطنت معمولا بصورت جریان توارث انجام گرفته...

ولی در مورد انتقال سلطنت از رضاشاه کبیر به اعلیحضرت محمد رضاشاه باید بخاطر آوریم که اینکار در زمان حیات پهلوی اول و براثر یک حادثه طوفان‌زائی صورت گرفت که‌واقعاً وحشتناک و یک‌فاجعه بود...

من باید بعنوان عقیده‌شخصی خودم بنویسم که، منظورم از این نوع نامگذاری‌ها یعنی بکار بردن کلماتی از نوع «وحشتناک وفاجعه و حادثه طوفان‌زا..و...و» نه ذکر مصیبت است و نه بزرگ نمائی وقایع و نه اینکه برآن عقیده‌ام که

گویا از این نوع حوادث ووقایع فقط برای ایران رخ داد و دیگران در امان بوده‌اند.... بلکه بدینگونه یاد کردن نگارنده ازوقایع شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی(۲۵۰۰ شاهنشاهی) از جهت جنبهٔ غیرعادلانه وتوطئه گرانه‌ای است که وقایع نامبرده در برداشتند.... بگفته‌ی شاعر بزرگ وعارف ربانی ایران حافظ شیرازی:

«بلبلی خون دلی خورد وگلی حاصل کرد»
«باد غیرت بصدش خار پریشان دل کرد»

ازسال ۱۲۹۹ خورشیدی تا ۱۳۲۰، بیش از بیست‌سال رضاشاه باهزاران‌خون دل‌خوردن دست در دست ملتش راه‌پرنشیب و فراز عبور از بن‌بست فناواقراض را طی کرده و تازه به نقطه‌ای رسیده بود که میتوانست ازافق دیدگاه بلندتری نگاهی به سوی آینده بیفکند وطرح نوینی برای ادامه راه‌پیمائی تاقله پیروزیهای ملی را بریزد که ناگهان توطئه ها، خیانتها، اغفال‌ها، انتقامجوئی‌ها، و کینه‌توزیها از پیشامدهای جنگ جهانی دوم بعنوان فرصت مناسب برای درهم شکستن قدرتهای ملت ایران استفاده کردند و لبه‌تیز شمشیرشان را بر پیکرجوانه های امید ایران نهادند وشکوفه های آرزوهای رضاشاه پیرشده و ایران جوان شده را نشکفته پرپر کردند و بدست تندباد بیدادگریها وبیعدالتی‌ها سپردند!!

این یک شعر زائیده‌ی تخیل ها نیست، این یک عبارت پردازی و قافیه‌سازی نیست، این زبان‌حال ملتی است که بجرم بیدارشدن از یک خواب دویست ساله— که دیگرانش به حیله و افسون و افیون استعمار بخواب کرده بودند— در سحرگاه یک روز داغ تابستان ویا بهتر بگوییم در اواخر یک شب پر سکروفسون مورد حمله ناجوانمردانه چندین بیگانه انتقامجو قرار گرفت‌همه میدانستند که ایران خود را برای جنگ آماده نمیکند، همه میدانستند که ایران فقط در سایه یک صلح پایدار میخواهد به آرمانهای انسانی خود دست یابد، همه میدانستند که ایران فقط در مرحله خودسازی است ونه دست اندازی بدیگران، وهمه میدانستند که ایران وشاهنشاهش با هیچ یک از طرفین جنگ جهانی دوم ساخت‌وباختی برعلیه دیگری ندارد، ولی فرصتی بدست انتقامجویان (داخلی وخارجی) افتاده بود که باید از آن استفاده میکردند و دستاوردهای زمان بیست سالهٔ شکوهمند شاهنشاهی رضاشاه را از کف ایرانی میربودند و برباد میدادند!!.. داستان غم انگیز وتلخ «چگونه بما تاختند» را اززبانها و قلم های گوناگون شنیده وخوانده‌اید ومن اکنون برآن نیستم که‌چگونگی آن‌حادثه را بیان کنم... زیرا عده‌ای ازشما خوانندگان که همزمان باآن حوادث بوده‌اید آنرا کم وبیش دیده وچشیده‌اید وآنان‌هم که بخاطر ندارند، باید بدانند که بقول آن نیشابوری درگذشته که درباره حمله مغولها گفته بود:

«آمدند و کشتند وسوختند ورفتند» اینان‌هم آمدند وخراب کردند وخراب کردند ودرهم ریختند وبازدرهم ریختند و بذرهای بسیار تلخ و ناپسند افشاندند و انسانیت را دراین سرزمین بچوب بستند و محکوم ساختند وچه کارهای زشت کردند وبماهم یاد دادند که هرایرانی را ازیادآوری آنها وبازگوئی‌شان دل بدرد می‌آید ومن هم..!!

(هرآن کس‌دل‌نمیسوزد براین درد—
خدایش هم براین آتش نشاند!)

دوست از همانجا که رضاشاه شروع به ساختن کرده بود، دست بکارخراب کردن ودرهم ریختن شدند.... ارتش جوان ما را که قبل از هر کار برای حفظ امنیت ملی و دربند کردن گردنکشان شهری و کوهستانی داخل بوجود آمده بود، بطوری متلاشی کردند که تامدتها قادر به تجدید حیات نبود وطبیعی است که در پناه این متلاشی شدن ارتش، آتش ناامنی‌ها و بیعدالتی‌ها و زورگوئی‌ها زبانه کشید وخائنان وفتنه برانگیزها سربلند کردند ودرسایه سرنیزه بیگانگان دست بکار تاراج سرمایه‌های مادی و معنوی‌ملی شدند....

بموازات برهم زدن نیروهای امنیت‌ساز ملی، پایگاههای فتنه ونفاق را پی افکندند و دارودسته‌هائی بوجود آوردند، که یکپارچگی ملی را ازبین ببرند، وباکمک‌این گروهها، به نیات وهدف‌های پلید خویش دست یابند....

با هجوم قوای بیگانه ، کارخانه ها بصورت تعطیل ونیمه تعطیل درآمدند و کارگران بیکار شدند... تمام رشته ها گسیخت... اما

همه امیدها در وجود شاه جوان خلاصه شد

نوشته: شاهرخ تویسرکانی

دوستان عزیز کارگر، همانطور که در شماره قبل وعده کردیم ، از این شماره خواهیم کوشید که تحولات زندگی کارگران وصنایع کشورمان را از شهریـــور ۱۳۲۰ کـه سلطنت پرمیمنت شاهنشاه آریامهر در این سرزمین آغاز گردید تا به امروز بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم و کوشش های رهبر کشورمان را در طریق پیشرفت و عظمت ایران بازگوکنیم و بخاطر آوریم که در شهریور ۱۳۲۰ شاهنشاه جوان ما چگونه بـــا رهبری داهیانه خویش ، مملکت وملت را که در کام توفان حوادث و روزهای پرآشوب بسر میبرد گذراندند و به روزهای آرام وثبات سیاسی و اقتصادی امروز رهنمون گردیدند و این سرزمین آریائی ومهد تمدن جهان را در ردیف یکی از مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان درآوردند. کشوری که با هجوم ارتش بیگانه‌ـ گان و اشغال آن ، کارخانه هایش بصورت نیمه تعطیل درآمدند و در آن شرایط توسعه صنایع نه تنها امکان پذیر نبود ، بلکه بعلت حضور بیگانه در کشور، اغلب کارخانه ها تعطیل و کارگران آن بیکار شدند.

رضاشاه چرا از سلطنت کناره‌گیری کرد

شاهنشاه آریامهر در کتاب ماموریت برای وطنم ، در این خصوص مرقوم فرموده‌اند «اینجا موضوعی را فاش میکنم که شاید تا کنون کسی از آن آگاهی نداشته باشد و آن اینکه پدرم چند سال قبل از استعفای خود در نظر داشت کـــه شخصاً از سلطنت بنفع من کناره‌گیری کند.»

رضاشاه کبیر خود صلاح ملت و کشور را در کناره گیری از سلطنت تشخیص داده ومعتقد بودند که مقامات عالی متفقین با جانشین او زودتر میتوانند به تفاهم برسند و بسیاری از مشکلات سیاسی واقتصادی موجود حل شود.

آخرین گفتار

نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند سالـــه مصروف امور کشور کرده ونــاـ توان شده‌ام حس میکنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه وبنیه جوان تری بکارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد واسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد. بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کرده واز کار کناره نمودم ، از امروز که روز بیست و پنج شهریورماه ۱۳۲۰ ، است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن می‌ـ کردند، نسبت به ایشان منظور دارند.

کاخ مرمر — تهران — ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ ، امضا شاهنشاه آریامهر در مورد علت استعفای بنیان‌ـ گذار ایران نو در کتاب ماموریت برای وطنم مرقوم فرموده‌اند «علت اساسی استعفای پدرم این بود که وی مردی نبود که بماند و اشغال وطن را بدست نیروهای اجنبی و دخـــالت آنها را در امور داخلی ایران مشاهده کند و این نکته را با کلماتی که از احساسات وعشق نهائی او حکایت میکرد بمن فرمودند: مردم همیشه مرا شاهنشاهی مستقل و صاحب اراده ، نیرومند و حافظ منافع خود در کشور شناخته‌اند و بـــا این حقیقت و حسن اعتماد و اطمینانی که مردم بمن دارند نمی‌توانم پادشاه اسمی کشور اشغال شده‌ای باشم و از یک افسر جزء انگلیسی ویا روسی دستور بگیرم.» واکنش و تأثیر کلام متین و منطقی رضاشاه کبیر در ذهن ولیعهد رسمی کشور که بعداً زمام امور کشور ایران را بدست گرفت چنان بود که وقتی بـــه سلطنت رسیدند با هیچ یک از نمایندگان متفقین جز سران دولتها و سفرای کبار آنان ملاقات و مذاکره نکردند و با تمام قوای فکری و توانائی روحی خود در راه قطع مداخله مقامات بیگانـــه در امور داخلی میهن خویش کوشیدند.

وبدین سان به پایان کارنامه رادمرد بزرگی میرسیم که مدت بیستسال بر تارك آئیـــن شاهنشاهی ایران درخشید ، شاهنشاه بزرگی که بر ویرانه های قاجار ساخته ایران ، کشوری نو و اساس شهریاری پرعظمتی را بنا نهاد کــــه ملک وملت را عمر دوباره وحیات نوین بخشید.

وسرانجام در سوم شهریورماه بدلایلی که ذکر شد ، از صحنه سیاست ایران کناره گرفت و با صدور اعلامیه‌ای امر سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض نمودند ، اعلامیه‌ایکه از مشیت الهی شرف صدور یافته و خدای ایـــران مقدر ساخته بود نهال نبوغ نظامی پدر را نبوغ سیاسی پسر ، بارور نماید و از ثمراتش کشور و ملت ایران را بهره‌ور سازد.

شاهنشاه در مجلس شورایملی

ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه بیست و ششم شهریورماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران طی تشریفات خاصی در جلسه فوق العاده مجلس شورایملی (دوره دوازدهم) حضور یافتند وطبق اصل ۳۹ متمم قانون اساسی متن سوگند نامه را قرائت و امضاء فرمودند:

«بسمه تعالی» من خداوند قادر متعال را گـــواه گـــرفته بـــه کلام الله مجید

وبه آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده ، حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم ، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن قوانین مقرره سلطنت نمایم. در ترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم در تمام اعمال و افعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته و منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم ، و از خداوند متعال در خدمت ترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد می کنم. اکنون که مقتضیات داخلی کشور ایجاب نموده است که من وظایف خطیر سلطنت را عهده‌دار شوم و در چنین موقعی سنگینی مهام امور کشور را مطابق قانون اساسی تحمل نمایم لازم میدانم ، باتوجه‌وافی باصول مشروطیت و تفکیک قوا لزوم همکاری دائم و کامل را بین دولت ومجلس شورای‌ملی خاطرنشان نموده برای تأمین مصالح عالی کشور متذکر شوم که هم من و هم دولت و مجلس شورای ملی و عموم افراد ملت ، هریک باید مراقبت تام نسبت به انجام وظایف خود داشته باشیم و هیچگاه وبهیچوجه از رعایت کامل قوانین فروگذار نکنیم.

در این زمینه مخصوصاً برای رفاه اهالی کشور فرمان موکد داده شد که به عموم مامورین و مستخدمین کشوری ولشکری ابلاغ گردد هر کس از حقوق قوانین و مقررات وانسته تجاوز نماید و یا به حقوق افراد تعدی کند موافق قانون به کیفر مقرر خواهد رسید.

دولت ماموریت دارد گذشته از اهتمام جدی در اجرای دقیق قوانین برای حصول تامین قضائی برنامه جامعی حاکی از رئوس اصلاحات مربوط بامور اجتماعی و اقتصادی و مالی و تغییر مقرراتی که باحتیاجات و مقتضیات امروز وفق نمیدهد ، هرچه زودتر با موافقت و تصویب مجلس تهیه نموده و بموقع اجرا بگذارد که موجبات آسایش عموم طبقات اهالی کشور وهمچنین بهبود اوضاع زندگی خدمتگذاران لشگری و کشوری از هرجهت آماده و وسائل رفاهیت آینده کشور فراهم گردد.

این نکته را مخصوصاً یادآور میشوم که من جدوافی خواهم داشت ، پیوسته وظایف خود را موافق قانون و وجدان انجام دهم و انتظار دارم نمایندگان ملت و عموم کارکنان ادارات دولت و طبقه روشنفکر هم همین معنی را نصب العین خود نموده برای سعادت و بهروزی میهن که مقصود مشترك همه ما ها میباشد از این روش منحرف نگردند. ضمناً دولت من اهتمام کاملی بعمل خواهد آورد که با همکاری نزدیک با دولتهائی که منافع ما با آنها ارتباط مخصوصی دارد ، بطوریکه مصالح مملکتی کاملا رعایت شود ، مشکلاتی که فعلا برای ما پیش آمده حل شده ، جریان امور بروفق دلخواه گردد ، در اینصورت امیدوارم بفضل خداوند با منتهای کوششی که همه باتمام قوا بعمل خواهیم آورد. کشتی سلامت کشور را به ساحل برسانیم.»

با این سوگند آسمانی و مواعید انسانی ، شهریاری بر اریکه سلطنت ایران تکیه زد که تا ایران هست وایرانی زنده است از وی چون کوروش ثانی واز نوسازنده مجد وعظمت واساس شاهنشاهی ایران ، و آموزگار و راهبر ایرانیان بسوی زندگی بهتر و افتخار آمیزتر ، یاد خواهد کرد واو شاهنشاه آریامهر محمد رضاشاه، پهلوی دوم بود که پس از ادای این سوگند میرفت تا سکان کشتی به توفان دچار آمده ایران را بدست گیرد و بساحل نجاتش رهنمون گردد و آنروز ، روز بیست و ششم شهریور ماه ۱۳۲۰ بود ، اکنون همه چشم ها و قلب ها متوجه شاهنشاه جوان بود ، و همه امید ها در وجود شاهنشاه جوان خلاصه شده بود......

بقیه در صفحه ۹۲

آنها که در نبرد با تاریکی پیروزند

سید محمود محمودی، استاد کار تعمیرات توربین. او در میان گرما و صدای شدید کارخانه کار می کند تا ما از وسائل برقی خانه‌مان به راحتی استفاده کنیم.

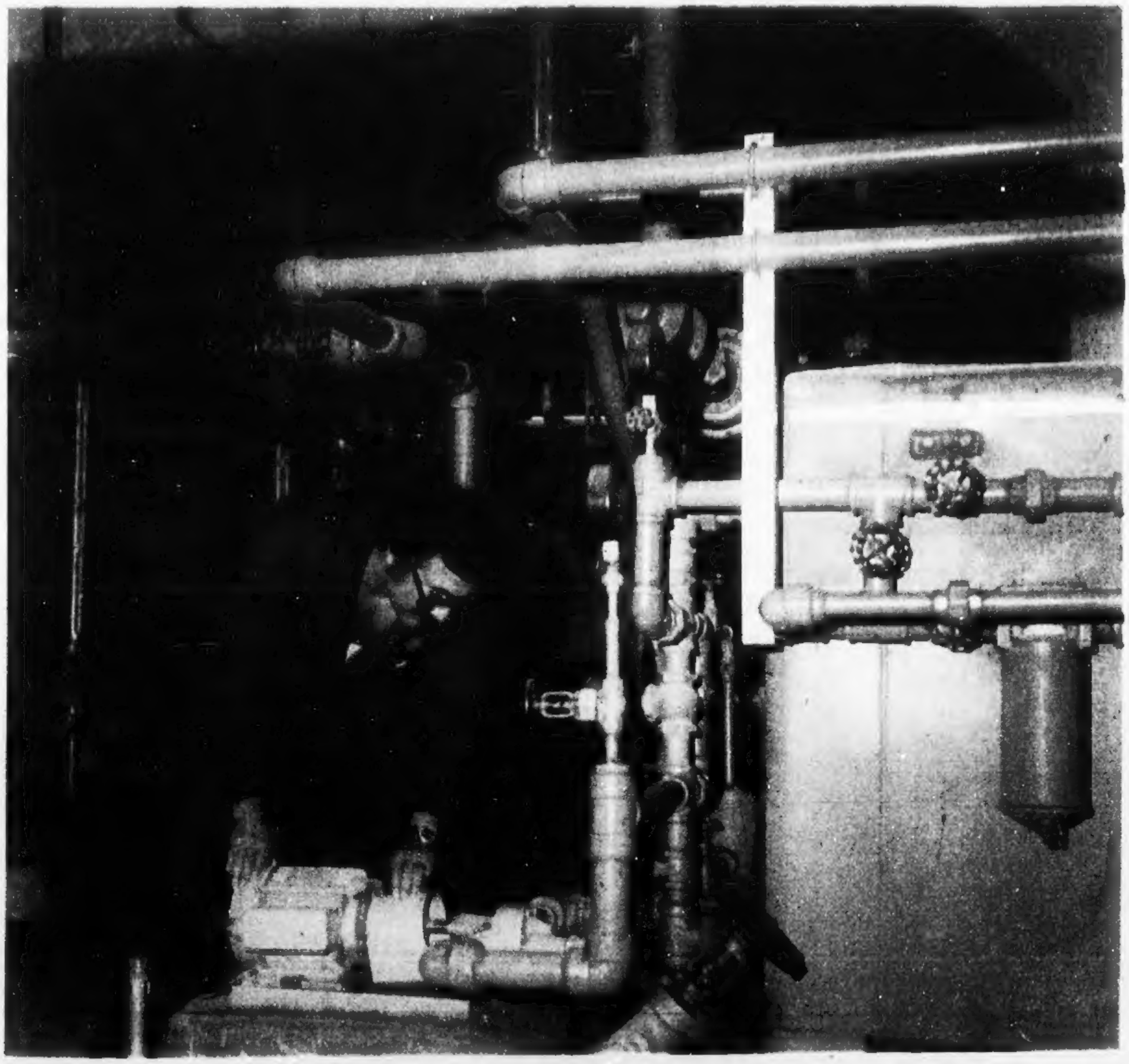

حداقل بدانم . او گفت : « کمبود برق نتیجه بالا رفتن سطح زندگی و افزایش رفاه مردم است. اصولا می توان گفت در همه جای دنیا هر چه مصرف برق بالاتر برود ، نشانه پیشرفت بیشتر زندگی مردم است ، این مساله در مورد مملکت ما نیز صادق است . چه در چند سال اخیر همیشه آمار مصرف برق بر آمار افزایش تولید که روندی متناسب با کشورهای اروپائی دارد ، برتری داشته است . ساده‌تر بگویم . مردم پول دارند و می خواهند همه وسائل زندگیشان برقی باشد و از دادن صورتحساب برق نیز نمی ترسند ، وگرنه هیچگاه اسراف نمی کردند . با تمام این احوال اگر مردم کشور در یک سطح کلی فکر کنند و در مصرف برق زیاده‌روی نکنند ، هیچگاه این خاموشیها پیش نخواهد آمد ... »

تازه به‌یاد آوردم که او چه می گوید اگر در هر خانه یک لامپ زیادی روشن باشد ، این خود در سطح مملکت تلف شدن چند هزار کیلووات ساعت برق را به دنبال دارد و نباید انرژی برق که در خدمت سازندگی است به همین آسانی تلف شود.

سید محمود و عبدالرحیم چون برق را خوب می شناسند حق دارند که در این زمینه نظر بدهند

خاتمه این بحث به اینجا کشید که به آنان قول دادم در مطالبم اشاره‌ای به اسراف نکردن (نه صرفه جوئی) برق بکنم . به دنبال این گفتگوها با چند کارگر دیگر هم صحبت کردم . درباره کارشان پرسیدم و این که اکنون چه دارند که در گذشته نداشته‌اند . جوابها جالب بود . آنان از بهبود زندگیشان سخن می گفتند . جنبه‌های مادی و معنوی این بهبودی را می شکافتند و جوابها همه مانند هم بودند . مثل این که هر انسان به تنهائی سخنگوی بقیه بودند آنان درباره از بین رفتن تبعیض سخن می گفتند ، از مزایای کارگری که نداشتند و اکنون دارند صحبتها داشتند . از قوانینی که حافظ منافعشان است سپاسگزار بودند.

از این مساله سخن می گفتند که در حال حاضر حتی اگر ده دقیقه هم اضافی کار داشته باشند ، در مقابل آن مزد می گیرند . آنان همچنین از ساعت کار مشخص ، بیمه و دیگر مزایای کارگری صحبت داشتند ، کارگران صنعت برق از این که تحت پوشش تأمین خدمات درمانی درآمده‌اند و می توانند خود به پزشک مراجعه کنند راضی بودند ، ولی در مقابل گله‌ای نیز داشتند ، آنان می گفتند اگر بیمار شویم و نتوانیم کار کنیم ، مزد سه روز اول بیماری را نمی پردازند و می‌خواستند که این قسمت از مقررات به سود آنان تغییر کند.

سخن این کارگران از جانب بیش از ۱۸ هزار نفر از همکارانشان است که در سرتاسر مملکت در نیروگاههای برق و یا سازمانهای برق منطقه‌ای کار می کنند ، تا برق با همان آسانی که با زدن یک دکمه وارد لامپ اتاقمان میشود در کشور جاری شود .

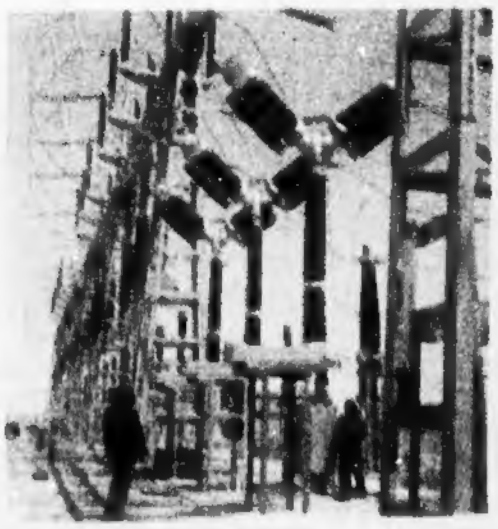

اینجا پایان کار تولید است. برق از اینجا به شرکتهای برق منطقه‌ای می رود تا در منازل و کارخانجات توزیع شود.

تشکیلات برق رسانی از ابتدا تا پایان و یا به زبانی دیگر از کارخانه تا خانه دو قسمت می شود . آنچه که مربوط به تولید برق است سازمانی جدا دارد که به آن شرکت توانیر می گویند . کلیه امور مربوط به تولید در دست این شرکت است و بوسیله کارگران توانیر انجام می گیرد . شرکت توانیر برق تولیدشده را تحویل شرکتهای برق منطقه‌ای میدهد و کار توزیع در دست هر شرکت برق منطقه‌ایست که در مناطق مختلف کشور پراکنده هستند و قسمت اعظم کارگران صنعت برق نیز در شرکتهای برق منطقه‌ای به کار اشتغال دارند . این شرکتها هر کدام برق را از شبکه سراسری تحویل می گیرند و بر اساس برنامه‌ای که دارند آن‌را بین خانه‌ها و کارخانجات توزیع می کنند کارگران شرکت برق منطقه‌ای اکثراً در پستهای ترانسفورماتور و یا در مسیر جریان برق کار می کنند و کارشان رساندن سریع برق و جلوگیری از پاره شدن سیمها و کابلها و مرمت

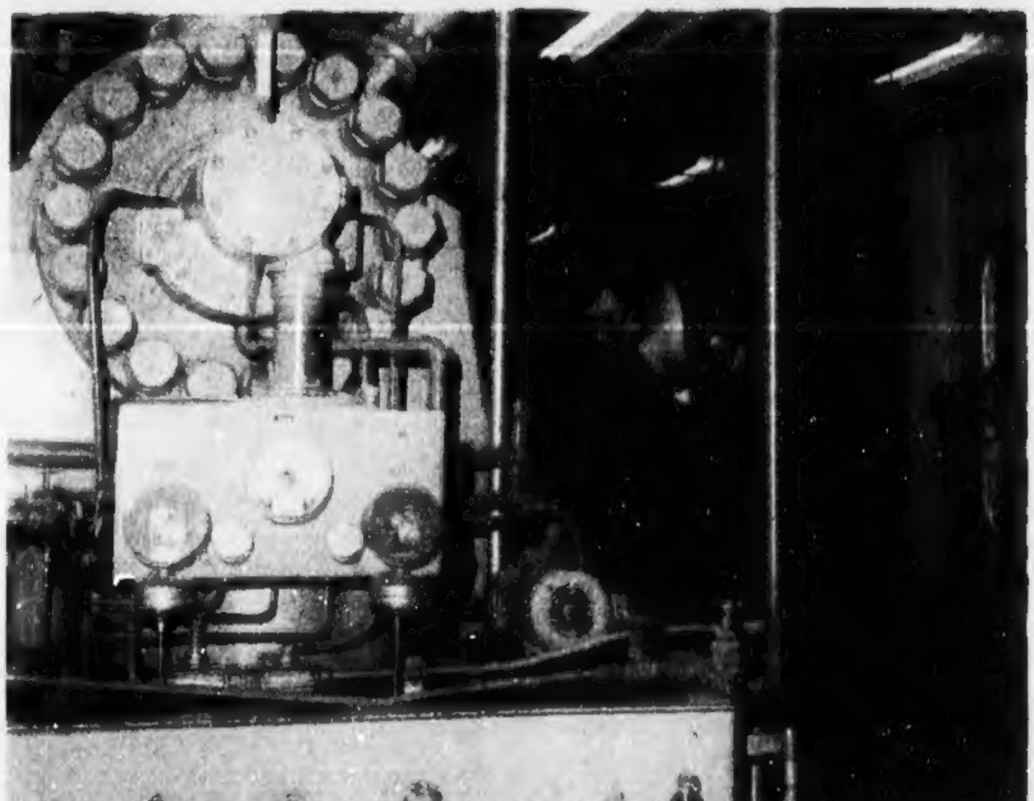

یکی از توربینهای بزرگ نیروگاه شهریار، با این که هر سال چند نوع توربین به کارخانجات کشورمان اضافه می شود با زمصرف از تولید فزونتر است.

آنهاست. کارگران شرکتهای برق منطقه‌ای در سراسر شهرها پراکنده‌اند و هیچگاه نمیتوان آنان‌را مانند کارگران توانیر که تولید کننده هستند در یک مجتمع یافت.

آنچه که آمارها نشان می‌دهند حاکی از افزایش سریع تولید و مصرف برق در کشور است. تنها در سال گذشته میزان تولید انرژی برق ۱۶۱۳ میلیون کیلووات ساعت افزایش یافت و به ۱۲۷۷۸ میلیون کیلووات ساعت رسید که روند افزایش آن ۱۳/۴ درصد است که بالاترین رقم مربوط به نیروگاههای گازی بوده است.

در اینجا بد نیست اشاره‌ای نیز به نیروگاههای مختلف برق و درصد کار آنان بشود در سراسر مملکت اکنون نیروگاه‌های آبی ۲۷ درصد، بخاری ۶۰/۹ درصد گازی ۷/۵ درصد برق را تولید می کنند.

یک بررسی موشکافانه نیز در روند افزایش تولید و مصرف برق در کشور آمار جالب دیگری بدست می دهد.

در سال ۲۵۲۲ ظرفیت نصب‌شده نیروگاههای ایران جمعاً ۴۴۰ هزار کیلووات بود و در سال ۲۵۳۲ که آخرین آمار را دارد، این ظرفیت به دومیلیون و ۷۹۴ هزار کیلووات رسید، یعنی تقریباً طی ده‌سال ظرفیت نیروگاههای ایران ۶/۳ برابر شد.

در این مدت تعداد مشترکین نیز افزایش چشمگیری یافت و در حدود چهار برابر شد. بر اساس همین آمار تولید برق کشور در سال ۲۵۳۲ نسبت به سال ۲۵۱۵ هفده‌ودو برابر شده است.

تاریخ تأسیس کارخانه برق در ایران به ۶۰ سال قبل می رسد. بانی این کار حاجی حسین امین‌الضرب بود که در سال ۲۴۷۰ کارخانه برقی به قدرت ۴۰۰ کیلووات با دویست ترانسفورماتور در تهران نصب کرد. در آن زمان بهای برق براساس هر لامپ ۶۰ واتی سی دینار محاسبه و دریافت می‌شد.

در پی تأسیس این کارخانه دولت نیز به فکر افتاد که کارخانه های برق دولتی برپا کند و به‌این ترتیب در سال ۲۴۹۳ کمیسیونی برای تأمین برق تهران تشکیل شد و در هیجدهم اردیبهشت‌ماه همان سال تصویب‌نامه‌ای از سوی هیأت وزیران گذشت که به دنبال آن یک کارخانه ۶ هزار کیلوواتی خریداری شد و سه سال بعد یعنی در سال ۲۴۹۶ بهره‌برداری از آن آغاز شد.

توجه عمومی مردم به مصرف نیروی برق از سال ۲۴۹۸ شروع شد و در مدت کوتاهی کلیه نیروی برق کارخانه ۶ هزار کیلوواتی واگذار شد و حتی در اواخر همین سال از برق کارخانه های سیلو، سلطنت‌آباد وسیمان ری نیز کمک گرفته شد. در سال ۲۴۹۸ برق سیمان ری به شهر وصل شد و یکسال بعد در سال ۹۹ نیز برق سیلو به‌شهر و برق سلطنت‌آباد به‌شمیران متصل گردید.

در سال ۲۵۰۰ تولید برق تهران به ۱۹/۸ میلیون کیلووات ساعت و تعداد مشترکین به ۱۷۳۶۸ رسید و رفته رفته مضیقه برق ایجاد شد و ناگزیر برق کارخانه های نظامی سلطنت‌آباد به وسیله یک رشته کابل فشارقوی هوائی به تهران متصل شد.

به موازات تأمین وتوسعه برق تهران، در بعضی از شهرهای بزرگ کشور نظیر اصفهان، مشهد و تبریز، شهرداریهای محل اقدام به ایجاد تأسیسات تولید برق کردند و در شهرهای دیگر نیز صاحبان صنایع کوچک به تأمین برق محلات حوزه کارخانه خود ترغیب شدند.

تا سال ۲۵۱۱ که بنگاه برق تهران زیر نظر وزارت کشور وشهرداری تأسیس شد. کارخانه‌های برق خصوصی در شهر افزایش پیدا کردند و این افزایش بعدها نیز ادامه یافت تا این که در سال ۲۵۱۶ تعداد کارخانه‌های برق خصوصی به ۲۳ واحد و تعداد مشترکین آنها به ۱۲۰ هزار رسید.

اولین اقدام بزرگ درزمینه صنعت برق در سال ۲۵۱۳ با خرید کارخانه برق آلستوم از فرانسه انجام گرفت و تا سال ۲۵۲۱ طرح تولید و توزیع نیروی برق با مشارکت شهرداریهای مناطق مختلف کشور و سازمان برنامه تحت نظر گروهی از مهندسان خارجی اجرا شد. این طرح در ۱۶۷ شهر باصرف هزینه‌ای بیش از ۱۶۸ میلیون تومان اجرا شد.

سرانجام با ملی شدن برق و نصب نیروگاه طرشت و استفاده از نیروی برق سد امیر کبیر شرکتهای برق خصوصی در شرکت برق تهران ادغام شدند و در شهرستانها نیز این کار آغاز شد.

همزمان با آغاز انقلاب شاه و ملت در برنامه عمرانی سوم کشور به نقش نیروی برق برای صنایع کشور توجه خاصی شد و پیش بینی شد برای اداره صنعت برق در کشور سازمان جداگانه‌ای ایجاد شود و بهره‌برداری از آن بر اساس ضابطه‌های علمی و اصول جدید قرار گیرد.

در دیماه سال ۲۵۲۱ تصویب‌نامه قانونی تأسیس سازمان برق ایران گذشت و یک سال بعد این سازمان زیر نظر سازمان برنامه قرار گرفت و سرانجام درهمان سال وزارت آب و برق تأسیس شد که تا سال ۲۵۲۷ نود و سه درصد ظرفیت تولید نیروی برق در اختیار این وزارتخانه قرار گرفت.

برنامه سوم برنامه تحول صنعت برق ... شبکه های سنتی شهری به شبکه بهم پیوسته ناحیه‌ای بود. در این برنامه عملا نیروی برق با خطوط انتقال فشارقوی از مراکز تولید بزرگ نظیر سدها به مراکز توزیع و مصرف منتقل شد. وزارت آب و برق علاوه بر سازمان آب و برق خوزستان ده مرکز بزرگ تولید نیروی برق ایجاد کرد و نیز مولدهائی بمنظور تامین روشنائی در شهرهای کوچک نصب شد و بطور کلی در این برنامه ۳۳ میلیارد ریال صرف توسعه شبکه ... کشور گردید.

در برنامه عمرانی چهارم کشور نیز ... توسعهٔ صنعت برق و گسترش شبکه های آن در درجه اول اهمیت قرار گرفت.

در همین برنامه شمال و جنوب و غرب ... به سیستم ... برق مجهز شد و ۸۰۰ ... ریال اعتبار برای گسترش صنعت ... تخصیص یافت.

برای تولید نیروی برق در سراسر ... سال ۲۵۲۵ یک برنامه ۲۰ ساله تنظیم شد که تا سال ۲۵۴۶ ادامه خواهد داشت. در اجرای این برنامه چهار برنامه ۵ ساله پیش بینی شد که اکنون در دومین آن هستیم در ... ۱۱۰۵ مگاوات نیروی اضافی در ... اصفهان و کرج (شهریار) تولید شد و برنامه های گسترش کارخانه های برق و همچنین سد ها ادامه خواهد یافت تا این که در پایان برنامه ۲۰ ساله مجموع نیروی تولیدی برق به ۶ هزار مگاوات برسد.

پایتخت کشور، تهران، بخش عظیمی از نیروی برق تولیدی کشور را بمصرف خود اختصاص داده است، هم اکنون بیش از ۷۵۰ هزار مشترک در تهران نزدیک یک میلیون کیلووات برق مصرف میکنند، در حالی که سی‌سال قبل مصرف برق تهران حدود ۱۴۰ هزار کیلووات بود، برق تهران را بیشتر نیروگاههای آلستوم با ۷۰ هزار کیلووات، شهریار با نزدیک به ۶۰۰ هزار و فرح‌آباد با ۲۴۰ هزار کیلووات تأمین می کنند.

در برنامه های آینده تولید نیروی برق نیز استفاده از انرژی هسته‌ای پیش‌بینی شده است، در این زمینه گفته میشود که از آغاز برنامه ششم عمرانی کشور کار بهره‌برداری از نیروگاههای اتمی آغاز میشود، تولید برق نیروگاههای اتمی تا ۲۵ سال دیگر به ۳۵۰۰۰ مگاوات خواهد رسید. البته همزمان با آغاز کار نیروگاههای اتمی، دیگر نیروگاهها نیز ساخته خواهد شد که در این زمینه میتوان از نیروگاه نکاء مازندران نام برد که به‌وسیله آب دریا خنک میشود و یک نیروگاه گازی است، این نیروگاه که در نوع خود بزرگترین در خاورمیانه خواهد بود، ۱۷۶۰ مگاوات برق تولید خواهد کرد نیروگاه دیگری نیز در بندرعباس با قدرت ۱۲۸۰ مگاوات در سال ۲۵۳۷ مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. باید اضافه کرد که همزمان با استفاده از نیروگاههای اتمی بررسی در باره استفاده از دیگر منابع انرژی که تا بحال مورد استفاده قرار نگرفته است نیز آغاز شده است. مولدهای خورشیدی اکنون به طور آزمایشی در چند روستای اصفهان و خراسان مورد آزمایش قرار گرفته‌اند تا پس از آن در روستاها مورد استفاده قرار گیرند، این مولدها درصورتی که طرح آن قابل استفاده باشد و آزمایشها مفید قرار گیرند در روستاهایی نصب خواهند شد که دور افتاده هستند و استفاده آنها از خطوط شبکه سراسری برق هزینه گرافی را در پی دارد.

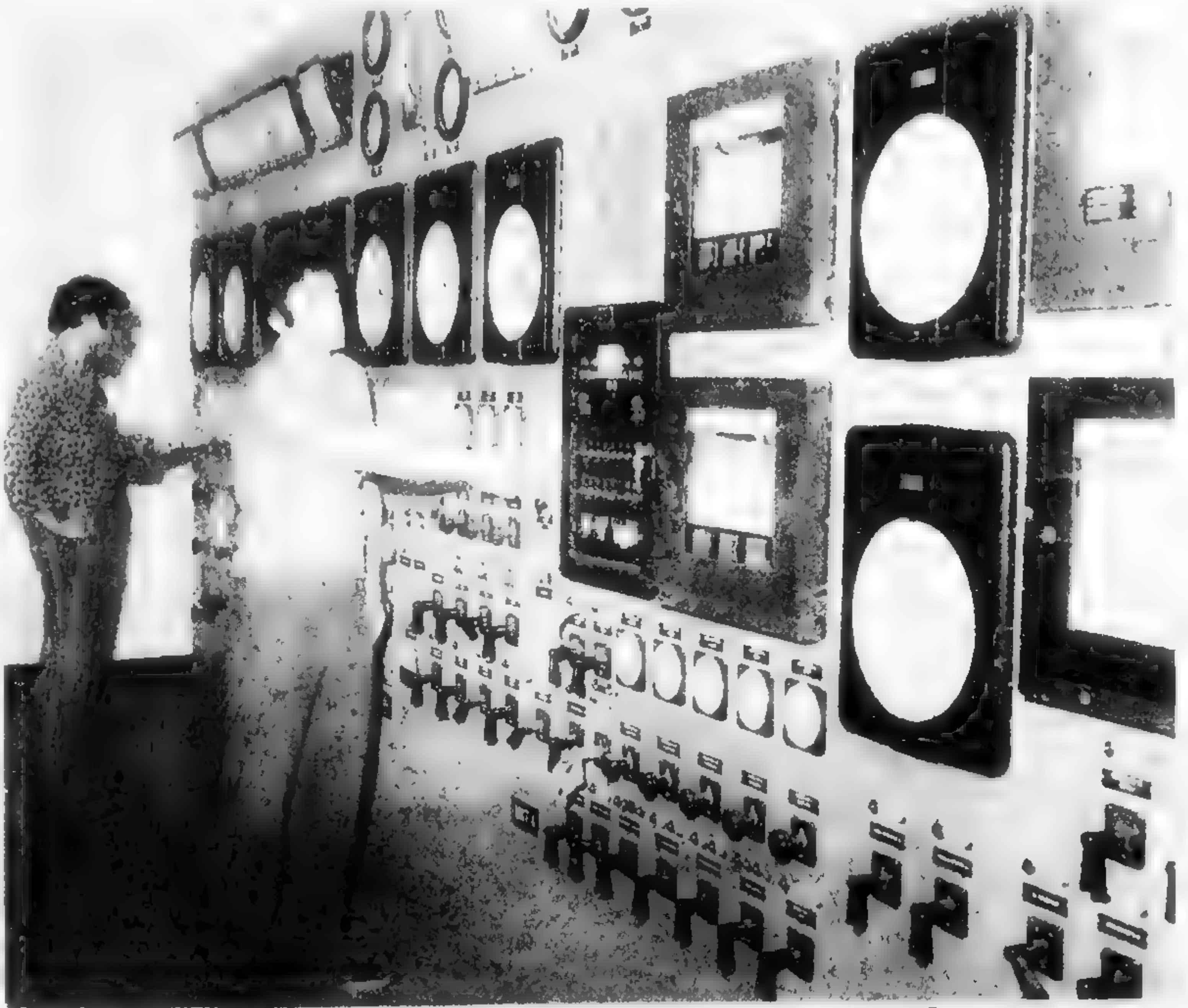

صنعت برق در کشورمان از آنچنان پیشرفتی برخوردار است که برای کنترل آن دیگر از سیستمهای ماشینی و کامپیوتر کمک گرفته می‌شود

آغاز تحویل نابسامانی‌ها به پهلوی دوم

از م. سعید وزیری

مشت خاک ایران همواره حکمت دو دستان رضاشاه پهلوی را در خاطره‌ها زنده نگاه میدارد. حدیثی که ثبت تاریخ شده است.
رضاشاه کبیر هنگام ترک وطن، مشتی از خاک ایران را در سواحل خلیج فارس با دست خود از زمین برداشتند، در کیسه‌ای ریختند و تا پایان عمر با خویش آن را با یاد وطن اشک می‌ریختند

دوست عزیزم،

برای مستمر کردن گفتگو از دوران پهلوی اول بدوران پهلوی دوم، که از دو شماره پیش وعده داده‌ام، ناگزیر باید بحوادثی اشاره شود که متأسفانه یادآوری آنها خوانندگان را رنجیده خاطر خواهد ساخت...

در تاریخ شاهنشاهی ایران، که سلطنت در یک سلسله از پادشاهی به پادشاه دیگر منتقل شده است، انتقال سلطنت معمولاً بصورت جریان نوازشی انجام گرفته...

ولی در مورد انتقال سلطنت از رضاشاه کبیر به اعلیحضرت محمد رضاشاه باید بخاطر آوریم که اینکار در زمان حیات پهلوی اول و در اثر یک حادثه طوفان‌زائی صورت گرفت که واقعاً وحشتناک و یک فاجعه بود...

من باید بعنوان عقیده شخصی خودم بنویسم که منظورم از این نوع نامگذاری‌ها یعنی بکار بردن کلماتی از نوع «وحشتناک و فاجعه و حادثه طوفان‌زا... و...» نه ذکر مصیبت است و نه بزرگ‌نمائی وقایع و نه اینکه بر آن عقیده‌ام که گویا از این نوع حوادث و وقایع فقط برای ایران رخ داد و دیگران در امان بوده‌اند... بلکه بدینگونه یاد کردن نگارنده از وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ خورشیدی (۲۵۰۰ شاهنشاهی) از جهت جنبهٔ غیرعادلانه وتوطئه گرانه‌ای است که وقایع نامبرده در برداشته... بگفته‌ی شاعر بزرگ و عارف ربانی ایران حافظ شیرازی:

«بلبلی خون دلی خورد و گلی حاصل کرد»
«باد غیرت بصدش خار پریشان‌دل کرد»

از سال ۱۲۹۹ خورشیدی تا ۱۳۲۰، بیش از بیست سال رضاشاه با هزاران خون دل خوردن دست در دست ملتش رهبرشیب و فراز صعود از بن‌بست فنا و انقراض را طی کرده و دیگر به نقطه‌ای رسیده بود که میتوانست از افق دیدگاه بلندتری نگاهی به سوی آینده بیفکند وطرح نوینی برای ادامه راه‌پیمائی ناقله پیروزیهای ملی را بریزد که ناگهان توطئه‌ها، حیله‌ها، اغفال‌ها، انقلابجوئی‌ها، و کینه توزیها از پیشامدهای جنگ جهانی دوم بعنوان فرصت مناسب برای درهم شکستن قدرتهای ملت ایران استفاده کردند و لبه‌تیز شمشیرشان را بر پیکر جوانه‌های امید ایران نهادند وشکوفه‌های آرزوهای رضاشاه پیرشده و ایران جوان شده را نشکفته پرپر کردند و بدست تندباد بیدادگریها و بیعدالتی‌ها سپردند!!

این یک شعر زائیده‌ی تخیل‌ها نیست، این یک عبارت پردازی و قافیه‌سازی نیست، این زبان‌حال ملتی است که بجرم بیدار شدن از یک خواب دویست ساله — که دیگرانش به حیله و افسون و افیون استعمار بخواب کرده بودند — در سحرگاه یک روز داغ تابستان وبا بهتر بگویم در اواخر یک شب پر مکر وافسون مورد حمله ناجوانمردانه چندین بیگانه انتقامجو قرار گرفت. همه میدانستند که ایران خود را برای جنگ آماده نمیکند، همه میدانستند که ایران فقط در سایه یک صلح پایدار میخواهد به آرمانهای انسانی خود دست یابد، همه میدانستند که ایران فقط در مرحله خودسازی است وبه دست اندازی بدیگران وهمه میدانستند که ایران وشاهنشاهش با هیچ یک از طرفین جنگ جهانی دوم ساخت‌وپاختی وقصد دیگری ندارد، ولی فرصتی بدست آمده بود، [illegible] افتاده بود که باید از آن استفاده میکردند و دستاوردهای بیست ساله شکوهمند شاهنشاهی رضاشاه را از کف ایرانی میربودند و برباد میدادند!!.. داستان غم انگیز وتلخ، چگونه بما تاختند را از زبانها و قلم‌های گوناگون شنیده وخوانده‌اید و من در صدد بر آن نیستم که چگونگی آن حادثه را بیان کنم... زیرا عده‌ای از شما خوانندگان که همزمان با آن حوادث بوده‌اید آنرا کم وبیش دیده وچشیده‌اید وآنان‌هم که بخاطر ندارند، باید بدانند که بقول آن نیشابوری در گذشته که در بارهٔ حمله مغولها گفته بود:

«آمدند و کشتند وسوختند ورفتند» اینان‌هم آمدند وخراب کردند وخراب کردند ودرهم ریختند وباز درهم ریختند و بذرهای سم تلخ و ناپسند افشاندند و انسانیت را در این سرزمین بچوب بستند و محکوم ساختند وچه کارهای زشت کردند وبما هم یاد دادند که هر ایرانی را از یادآوری آنها وبازگوئی‌شان دل بدرد می‌آید ومن هم...!!

(هرآن کس دل نمیسوزد براین درد —
خدایش هم براین آتش نشاند!)

درست از همانجا که رضاشاه شروع به ساختن کرده بود، دست بکار خراب کردن ودرهم ریختن شدند... ارتش جوان ما را که قبل از هر کار برای حفظ امنیت ملی و دربند کردن گردنکشان شهری وکوهستانی داخل بوجود آمده بود، بطوری متلاشی کردند که تامدتها قادر به تجدید حیات نبود وطبیعی است که در پناه این متلاشی شدن ارتش، آتش ناامنی‌ها و بیعدالتی‌ها و زورگوئی‌ها زبانه کشید وخائنان وفتنه برانگیزها سربلند کردند ودرسایه سرنیزه بیگانگان دست بکار تاراج سرمایه‌های مادی و معنوی ملی شدند....

بموازات برهم زدن نیروهای استیسار ملی، پایگاههای فتنه ونفاق را پی افکندند و دار و دسته‌هائی بوجود آوردند، که یکپارچگی ملی را ازبین ببرند، وبا کمک این گروهها، به نیات وهدف‌های پلید خویش دست یابند....

دستیار کارگران

با هجوم قوای بیگانه ، کارخانه ها بصورت تعطیل ونیمه تعطیل درآمدند و کارگران بیکار شدند... تمام رشته ها گسیخت... اما

همه امیدها در وجود شاه جوان خلاصه شد

نوشته: شاهرخ تویسرکانی

دوستان عزیز کارگر، همانطور که در شماره قبل وعده کردیم، از این شماره خواهیم کوشید که تحولات زندگی کارگران وصنایع کشورمان را از شهریور ۱۳۲۰ که سلطنت پرمیمنت شاهنشاه آریامهر در این سرزمین آغاز گردید تا به امروز بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم و کوشش های رهبر کشورمان را در طریق پیشرفت و عظمت ایران بازگو کنیم و بخاطر آوریم که در شهریور ۱۳۲۰ شاهنشاه جوان ما چگونه با رهبری داهیانه خویش، مملکت وملت را که در کام توفان حوادث و روزهای پرآشوب بسر میبرد گذراندند و به روزهای آرام وثبات سیاسی و اقتصادی امروز رهنمون گردیدند و این سرزمین آریائی ومهد تمدن جهان را در ردیف یکی از مترقی‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان درآوردند. کشوری که با هجوم ارتش بیگانگان و اشغال آن، کارخانه هایش بصورت نیمه تعطیل درآمدند و در آن شرایط توسعه صنایع نه تنها امکان پذیر نبود، بلکه بعلت حضور بیگانه در کشور، اغلب کارخانه ها تعطیل و کارگران آن بیکار شدند.

رضاشاه چرا از سلطنت کناره گیری کرد

شاهنشاه آریامهر در کتاب ماموریت برای وطنم، در این خصوص مرقوم فرموده‌اند «اینجا موضوعی را فاش میکنم که شاید تا کنون کسی از آن آگاهی نداشته باشد و آن اینکه پدرم چند سال قبل از استعفای خود در نظر داشت که شخصاً از سلطنت بنفع من کناره گیری کند».

رضاشاه کبیر خود صلاح ملت و کشور را در کناره گیری از سلطنت تشخیص داده و معتقد بودند که مقامات عالی متفقین با جانشین او زودتر میتوانند به تفاهم برسند و بسیاری از مشکلات سیاسی و اقتصادی موجود حل شود.

آخرین گفتار

نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چند ساله مصروف امور کشور کرده و ناتوان شده‌ام حس میکنم که اینک وقت آن رسیده است که قوه وبنیه جوان تری بکارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد. بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کرده و از کار کناره نمودم، از امروز که روز بیست و پنج شهریورماه ۱۳۲۰ است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت بمن می‌کردند، نسبت به ایشان منظور دارند.

کاخ مرمر — تهران — ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ امضا

شاهنشاه آریامهر در مورد علت استعفای بنیان‌گذار ایران نو در کتاب ماموریت برای وطنم مرقوم فرموده‌اند «علت اساسی استعفای پدرم این بود که وی مردی نبود که بماند و اشغال وطن را بدست نیروهای اجنبی و دخالت آنها را در امور داخلی ایران مشاهده کند و این نکته را با کلماتی که از احساسات وعشق نهائی او حکایت میکرد بمن فرمودند: مردم همیشه مرا شاهنشاهی مستقل و صاحب اراده، نیرومند و حافظ منافع خود در کشور شناخته اند و با این حقیقت و حسن اعتماد و اطمینانی که مردم بمن دارند نمی‌توانم پادشاه اسمی کشور اشغال شده‌ای باشم و از یک افسر جزء انگلیسی و یا واکنش و تأثیر کلام متین و منطقی رضاشاه کبیر در ذهن روسی دستور بگیرم. واکنش و تأثیر متین و منطقی رضاشاه کبیر در ذهن ولیعهد وسپس کشور که بعداً زمام امور کشور ایران را بدست گرفت چنان بود که وقتی به سلطنت رسیدند با هیچ یک از نمایندگان متفقین جز سران دولتها و سفرای کبار آنان ملاقات و مذاکره نکردند و با تمام قوای فکری و توانائی روحی خود در راه قطع مداخله مقامات بیگانه در امور داخلی میهن خویش کوشیدند.

وبدین سان به پایان کارنامه رادمرد بزرگی میرسیم که مدت بیستسال بر تارک آئین شاهنشاهی ایران درخشید، شاهنشاه بزرگی که بر ویرانه های قاجار ساخته ایران، کشوری نو واساس شهریاری پرعظمتی را بنا نهاد که ملک وملت را عمر دوباره وحیات نوین بخشید.

وسرانجام درسوم شهریورماه بدلایلی که ذکر شد، از صحنه سیاست ایران کناره گرفت و با صدور اعلامیه‌ای امر سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض نمودند؛ اعلامیه ایکه از مشیت الهی شرف صدور یافته و خدای ایران مقدر ساخته بود نهال نبوغ نظامی پدر را نبوغ سیاسی پسر، بارور نماید و از ثمراتش کشور و ملت ایران را بهره‌ور سازد.

شاهنشاه در مجلس شورا یملی

ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه بیست و ششم شهریورماه ۱۳۲۰ اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران طی تشریفات خاصی در جلسه فوق العاده مجلس شورا یملی (دوره دوازدهم) حضور یافتند وطبق اصل ۳۹ متمم قانون اساسی متن سوگند نامه را قرائت و امضاء فرمودند:

«بسمه تعالی» من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بسه کلام الله مجید
وبه آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده، حدود مملکت وحقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن قوانین مقرره سلطنت نمایم. درترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم در تمام اعمال و افعال خداوند عزشانه را حاضر و ناظر دانسته و منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم، و از خداوند متعال در خدمت ترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد می کنم. اکنون که مقتضیات داخلی کشور ایجاب نموده است که من وظایف خطیر سلطنت را عهده‌دار شوم و در چنین موقعی سنگینی مهام امور کشور را مطابق قانون اساسی تحمل نمایم لازم میدانم، باتوجه وافی باصول مشروطیت و تفکیک قوا لزوم همکاری دائم و کامل را بین دولت ومجلس شورای ملی خاطرنشان نموده برای تامین مصالح عالی کشور متذکر شوم که هم من و هم دولت و مجلس شورای ملی و عموم افراد ملت، هریک باید مراقبت تام نسبت به انجام وظایف خود داشته باشیم و هیچگاه وبهیچوجه از رعایت کامل قوانین فروگذار نکنیم.

در این زمینه مخصوصا برای رفاه اهالی کشور فرمان موکد داده شد که به عموم مامورین و مستخدمین کشوری ولشکری ابلاغ گردد هر کس از حقوق قوانین و مقررات وابسته تجاوز نماید و یا به حقوق افراد تعدی کند موافق قانون به کیفر مقرر خواهد رسید.

دولت ماموریت دارد گذشته از اهتمام جدی در اجرای دقیق قوانین برای حصول تامین قضائی برنامه جامعی حاکی از رئوس اصلاحات مربوط بامور اجتماعی و اقتصادی و مالی و تغییر مقرراتی که باحتیاجات ومقتضیات امروز وفق نمیدهد، هر چه زودتر با موافقت و تصویب مجلس تهیه نموده و بموقع اجرا بگذارد که موجبات آسایش عموم طبقات اهالی کشور وهمچنین بهبود اوضاع زندگی خدمتگذاران لشکری و کشوری از هرجهت آماده و وسائل رفاهیت آینده کشور فراهم گردد.

این نکته را مخصوصاً یادآور میشوم که من جدوائی خواهم داشت، پیوسته وظایف خود را موافق قانون و وجدان انجام دهم و انتظار دارم نمایندگان ملت و عموم کارکنان ادارات دولت و طبقه روشنفکر هم همین معنی را نصب العین خود نموده برای سعادت و بهروزی میهن که مقصود مشترک همه ماها میباشد از این روش منحرف نگردند. ضمناً دولت من اهتمام کاملی بعمل خواهد آورد که با همکاری نزدیک با دولتهائی که منافع ما با آنها ارتباط مخصوصی دارد بطوریکه مصالح مملکتی کاملا رعایت شود، مشکلاتی که فعلا برای ما پیش آمده حل شده، جریان امور بروفق دلخواه گردد. در اینصورت امیدوارم بفضل خداوند با سعیهای کوششی که همه باتمام قوا بعمل خواهیم آورد، کشتی سلامت کشور را به ساحل برسانیم.»

با این سوگند آسمانی و مواعید انسانی، شهریاری بر اریکه سلطنت ایران تکیه زد که تا ایران هست وایرانی زنده است از وی چون کوروش ثانی واز نوسازنده مجد وعظمت و اساس شاهنشاهی ایران، و آموزگار و راهبر ایرانیان بسوی زندگی بهتر و افتخار آمیزتر، یاد خواهد کرد و او شاهنشاه آریامهر محمد رضاشاه پهلوی دوم بود که پس از ادای این سوگند میرفت تا سکان کشتی به توفان دچار آمده ایران را بدست گیرد و بساحل نجاتش رهنمون گردد و آنروز روز بیست و ششم شهریورماه ۱۳۲۰ بود، اکنون همه چشم ها و قلب ها متوجه شاهنشاه جوان بود، و همه امید ها در وجود شاهنشاه جوان خلاصه شده بود.

بقیه در صفحه ۹۲

برای مراجعه به صندوق تأمین اجتماعی، راه زیادی نخواهیم پیمود

برای ۳۴ میلیون ایرانی شمارهٔ تأمین اجتماعی تهیه میشود.

حیدرقلی عمرانی، معاون وزارت بهداری و بهزیستی، در گفتگو با شاهرخ تویسرکانی نویسنده رستاخیز کارگران.

همانطور که کارگران عزیز در جریان هستند، هفته گذشته لایحه ادغام وزارت رفاه اجتماعی و وزارت بهداری از تصویب مجلسین گذشت و بدولت ابلاغ شد. بهمین جهت، بمنظور اطلاع از چگونگی کار وزارت خانه جدید که وزارت بهداری و بهزیستی نام گرفته است گفتگوئی با آقای دکتر حیدرقلی عمرانی، معاون وزارت رفاه اجتماعی و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی که درگذشته بیشترین تماس کارگران با این قسمت از وزارت رفاه اجتماعی بود، انجام داده‌ایم، و آنچه در پی خواهد آمد، حاصل این گفتگواست، امیدواریم کارگران عزیز با خواندن این مطالب اگر پرسش و مسائلی داشته‌اند که با ادغام این دو وزارتخانه در ابهام بوده است، به آن دست یابند.

دکتر عمرانی در آغاز این گفتگو در پاسخ اینکه با ادغام دو وزارتخانه و تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی ممکن است چه تغییراتی در کار سازمان تأمین اجتماعی و بطور کلی کارهای وزارت رفاه اجتماعی و بهداری بوجود آید، گفت:

«شاید لازم به توضیح باشد که این لایحه همانطور که از اسمش پیداست، ادغام وزارت رفاه اجتماعی و وزارت بهداری در یکدیگر است، و در اصل میشود گفت که موضوع اساسی این قانون، مسائل تأمین اجتماعی نیست، اما چون در وزارت رفاه اجتماعی قسمت قابل ملاحظه آن در سازمان تأمین اجتماعی و سازمان خدمات درمانی بوده است و این دوشاخه بصورت دوشاخه‌ای بودند که کار تأمین اجتماعی مملکت را عهده‌دار بودند. طبیعی است که با این تحول و ادغام، در کار ما هم تحولاتی بوجود خواهد آمد و علاوه بر این ادغام یک سلسله مقررات و موازینی در جهت اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی در این قانون پیش‌بینی شده که بعضی از روزنامه‌ها مطالب را بشکل ناقص و اشتباه‌آمیزی مطرح کردند و موجب شد که کارگران مملکت تاحدودی نگران شوند و درموردی نیز برای کارآمایان سوءتفاهمی پیش آید. کارآمایان تصور کردند سازمان تأمین اجتماعی منحل خواهد شد، و بنابراین تعهداتی که از بابت پرداخت حق بیمه وغیره دارند، ازبین خواهد رفت، درحالیکه چنین نیست. کارگران احتمالا نگرانی‌هائی برایشان پیش آمد. ولی باید توجه داشت که با تشکیل وزارتخانه جدید، نه تنها از مزایا و امتیازاتی که درقانون تأمین رفاه اجتماعی برای کارگران مملکت پیش‌بینی شده بود، چیزی کم نشده، بلکه در جهت تقویت مبانی اجرائی این قوانین و مقررات، پیش‌بینی‌هائی صورت گرفته است. که مهمترین قسمت آن منطقه‌ای کردن وظایف سازمان مرکزی میباشد. همانطور که میدانید مادام که سازمان بیمه‌های اجتماعی گروه خاصی را تحت حمایت داشت، و دامنه عمل آن نیز محدود بود، میشد کارها را در سازمان مرکزی متمرکز کرد، ولی هم اکنون که در نظر است همه مردم مملکت، زیرچتر حمایت تأمین اجتماعی قرار گیرند، مسلم است که سیستم تمرکز نمی تواند عملی باشد و ما ناچاریم که به عدم تمرکز توجه داشته باشیم و وظایف اجرائی را باستانها وشهرستانها احاله کنیم. بدون شک این موضوع یکی از کمکهای اصلی است که در جهت اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی صورت می گیرد، و میتوان گفت با اجرای این طرح بطور قطع و یقین منافع بیمه‌شدگان و بخصوص کارگران مملکت بهتر تضمین میشود. از نظراینکه وقتی برای کارهای مربوط به مستمری‌ها یا کارهای مربوط به دریافت غرامت دستمزد و یا سایر کمکها، خود واحدها شعبه محل، در شهرستانها اختیارات کامل داشته باشند و بادرنظر گرفتن موازین قانونی وظایف محوله را انجام دهند وطبعاً بیمه‌شدگان وقتی به این واحدها مراجعه نمایند، کمتر گرفتار مزاحمت میشوند و کارشان زودتر انجام میگیرد، و با سهولت به مقصود میرسند در حقیقت میتوان گفت ادغام دو وزارتخانه و تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی درهم شکستن مرکزیتی است که در امور تأمین اجتماعی وسایر سازمانهای وابسته به وزارت رفاه اجتماعی و بخصوص وزارت بهداری که وزارتخانه‌ای بسیار قدیمی بود می‌باشد.»

با این اظهار اطمینان از دکتر عمرانی پرسیدیم: «پس کارگران امیدوار باشند که کارها یشان سریعتر و بهتر انجام خواهد شد.؟» دکتر عمرانی در پاسخ گفت:

— «صد در صد، با اعتقاد میگویم که با تشکیل وزارتخانه جدید قسمت عظیمی از مشکلات ما از نظر اجرائی و قسمت عظیمی از مشکلات کارگرانیکه با سازمان تأمین اجتماعی یا با سازمان خدمات درمانی سروکار دارند، از بین خواهد رفت و در هر منطقه و هر محل و هر شهرستان کارگران میتوانند مسایل خود را حل و فصل کنند.

در اینجا سئوال کردم: در لایحه آمده است که صندوق تامین اجتماعی جایگزین سازمان تامین اجتماعی خواهد شد. ممکن است در مورد کار این صندوق توضیح بفرمائید؟

دکتر عمرانی در پاسخ این پرسش اظهار داشت: بله، همینطور است با تصویب لایحه ادغام وزارت رفاه اجتماعی و بهداری نام سازمان تامین اجتماعی بصندوق تامین اجتماعی تغییر پیدا کرده است و این صندوق عیناً جانشین سازمان تامین اجتماعی خواهد شد، با تمام تعهدات و وظایفی که درحال حاضر این سازمان بعهده دارد، و همانطور که گفتم مقدار زیادی از وظایف اجرائی که در مرکز این سازمان انباشته شده آزاد خواهد شد و به واحدهای اجرائی در مراکز استانها انتقال خواهد یافت.

طبق پیش بینی‌هائی که شده، ولی تا کنون صورت تحقق بخود نگرفته است ما در هر استان سازمانهای منطقه‌ای خواهیم داشت، یعنی سازمان بهداری و بهزیستی مثلا «اصفهان» و این سازمانها خود دارای هیئت‌مدیره خواهند بود و مدیرعامل خواهند داشت وبصورت مستقل میتواند همه مسائل مربوط به وزارتخانه جدید را که یک قسمت آن صندوق تامین اجتماعی است، درخود آن محل با توجه به امکانات محلی و با توجه به نیازهای محلی حل و فصل نمایند. به‌نظر من این یکی از بزرگترین مزایای این ادغام است، یعنی درهم شکستن قدرت مرکزی اداری.» از معاون وزارت بهداری و بهزیستی پرسیدیم: «پس به این ترتیب تمام صندوقهای حمایتی که در کشور وجود دارد و فکر می کنم تعداد آنها هم صندوق باشد، ازبین خواهند رفت و در همین صندوق تأمین اجتماعی ادغام میشوند؟»

دکتر عمرانی ضمن تشریح فواید این کار گفت: «در حال حاضر غیر از صندوق تأمین اجتماعی (سازمان تأمین اجتماعی) هشت صندوق احمایت داریم که کارهای بیمه کارمندان حقوق بگیر کشور را انجام میدهند. بدون شک باوجود این صندوق حالت دوگانگی در کارهای تصمیم گیری و اجرای برنامه‌ها، بخصوص استفاده از ذخائر و منابع مالی که بوجود آمده بود ازبین خواهد رفت وهمانطور که اطلاع دارید اساس ومبنای کار این صندوق یکی است. منتها عملیات آنها درچندواحد اداری مختلف با مدیریت جداگانه انجام میشد. بهمین جهت باتصویب لایحه مذکور این چندگانگی نیز از بین خواهد رفت، و کار مجموع آنها در صندوق تأمین اجتماعی انجام خواهدشد.»

با اشاره دکتر عمرانی به ذخائر صندوق سازمان تأمین اجتماعی از ایشان سؤال کردیم: «چندی پیش آقای دکتر شیخ الاسلام زاده وزیر بهداری و بهزیستی درمجلس سنا اعلام کردند که ذخائر این صندوق ۶ هزار میلیون تومان است. ممکن است در مورد این سرمایه و چگونگی استفاده از آن توضیح روشن تری بفرمائید.»

ایشان درپاسخ گفت:

—«ما دو نوع دارائی داریم که از ۹ سال پیش تا کنون برای سازمان جمع شده است، قسمتی مربوط میشود به اموال غیرمنقول (زمین، ساختمان، وسائل و ابزار کار تجهیزات و تاسیسات) و یک مقدار ذخائر نقدی است، که درحقیقت مازاد درآمد برخرج ما بوده است که هر سیستم بیمه‌ای وجود دارد. در حال حاضر همانطور که گفتید، ذخایرنقدی ما ۶هزار

با پیام والاحضرت همایون ولایتعهد ، که بوسیله آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی قرائت شد کنگره دانش آموزان گشایش یافت

با پیام والاحضرت ولایتعهد، دومین کنگره دانش آموزان وابسته به حزب رستاخیز ملت ایران گشایش یافت

درکنفرانس انقلاب آموزشی رامسر

ده تن از دانش آموزان شرکت خواهند داشت

دومین کنگره دانش‌آموزان سراسر کشور وابسته به‌حزب رستاخیز ملت‌ایران سه‌شنبه پانزدهم تیرماه باپیام والاحضرت همایون ولایتعهد وباحضور آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب‌رستاخیز ملت‌ایران‌گشایش یافت.

در این کنگره که بمدت پنج‌روز ادامه داشت دوهزار وپانصدتن ازدانش‌آموزان سراسرکشور بنمایندگی هفت‌میلیون همتاهای خوددر کمیته‌های مختلف به بحث وگفتگو درباره‌مسائل دانش‌آموزان پرداختند.

به‌هنگام ورود آقای هویدا نخست‌وزیر به‌محل برگزاری کنگره در مجموعه ورزشی آریامهر، فریبا حکمت یکی از دانش‌آموزان استان فارس از سوی شرکت‌کنندگان در کنگره دسته‌گلی تقدیم کرد و به آقای نخست‌وزیر خوش آمد گفت.

پس‌از رسمیت یافتن جلسه، سرود شاهنشاهی توسط دانش‌آموزان خوانده شد وسپس آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی پیام والاحضرت همایون ولایتعهد را قرائت کرد ودر پی آن سرود رستاخیز توسط دانش‌آموزان ودسته‌موزیک طنین‌انداز سالن وزنه‌برداری مجموعه ورزشی آریامهر شد.

سپس هیأت رئیسه کنگره که از دانش‌آموزان استانهای مختلف طی یک جلسه پرشور روزپیش ازآن برگزیده شده‌بودند معرفی‌شدند وآنگاه آقای فریدروحانی رئیس جلسه کنگره از آقای نخست‌وزیر تقاضا کرد که‌سخنانی بیان دارند.

آقای نخست‌وزیر باتأکید برنیروی‌جوانان وآینده‌سازان کشورگذشته تاریک را برشمرد وگفت برخلاف بسیاری از جوامع دیگر، مسئله‌ای بنام بحران نسلها درکشورما وجود ندارد آقای نخست‌وزیرکه دانش‌آموزان را باعنوان «دوستان جوانم» مورد خطاب قرار میداد ،گفتند یکی‌دیگر از موفقیتهای‌شما این‌است که بنابه اوامر شاهنشاه ده نفر از شماهادرکنفرانس انقلاب آموزشی رامسر که درپیشگاه معظم‌له تشکیل میشود شرکت خواهید کرد.

رئیس جلسه پس از سخنان ارشاد کننده آقای هویدا نخست‌وزیر تشکر کرد و فریبا زندی نماینده دانش‌آموزان استان زنجان گزارش کار جلسه انتخاب هیأت رئیسه را که روزگذشته ، دوشنبه چهاردهم تیرماه برگزارشده بود قرائت کرد.

براساس این انتخاب فریدروحانی ازاستان کرمانشاهان سمت رئیس جلسه را بدست آورد. محمدحسن نورشاهی ازناحیه پنج آموزش وپرورش تهران بعنوان نایب‌رئیس— دوشیزه میترا متولی ومحمدرجبی از استان مازندران دوشیزه فاطمه آخی از استان خوزستان به‌عنوان اعضای هیأت رئیسه برگزیده‌شدند.

بدنبال این گزارش آقای احمدهوشنگ شریفی وزیرآموزش وپرورش‌سخن‌گفت و دانش‌آموزان را برای مشارکت هرچه بیشتر درمسائل گفت‌وشنود دعوت کرد.

آنگاه رئیس سازمان دانش‌آموزان و چندتن دیگر به قرائت‌گزارشهای مربوط به کمیته‌ها و چگونگی کارکنگره پرداختند.

نخستین جلسه‌دومین کنگره دانش‌آموزان باخواندن‌سرود انقلاب پایان یافت.

این کنگره تاروز نوزدهم تیرماه جاری به بحث وبررسی مسائل دانش‌آموزان پرداخت.

میلیون ریال است که مقداری از اینها اوراق قرضه است که ما از بهره‌اش استفاده میکنیم و مبالغی از این وجوه دربانک رفاه کارگران است که بصورت سپرده از آن استفاده میشود و بانک هم درجهت رفاه کارگران و بهرحال خانه سازی برای افراد مملکت بخصوص بیمه‌شدگان و کارگران استفاده‌میکند.»

آقای دکتر عمرانی آنگاه به لزوم توجه بیشتر درسرمایه گذاری این ذخایر و بازده آن اشاره کرد و یادآورشد درآمدی که ازاین بابت نصیب صندوق تأمین اجتماعی میشود، بهیچ وجه رضایت‌بخش نیست، وما دلخوشیم که ۸/۵ تا ۱۰ درصد از این ذخایر برای تأمین ... بهره میگیریم، در حالیکه حساب ... میشویم که این میتواند جوابگوی آینده‌سازمان باشد، چرا که هرچه ازعمرسازمان بگذرد، تعهدات ما سنگین‌تر میشود و اگر دران زمان امکانات مالی ما ضعیف باشد و نتوانیم جوابگوی تعهدات خود باشیم ، آن موقع است که خطربزرگی رادربرداریم.

برای رفع این نگرانی برهمه مدیران صندوق تأمین اجتماعی فرض ولازم است که راه ورسمی را انتخاب کنند که حداکثر بهره برداری لازم را ازاین ذخایربنمایند.»

رقم ۴ هزار میلیون تومان مبلغ قابل توجهی است. باین جهت از دکتر عمرانی خواستیم که درصورت امکان توضیح دهد این ذخایر ازچه منابعی جمع شده است و چه کسی بر کارسرمایه گذاری آن نظارت دارد....

دکترعمرانی درجواب بااشاره به گسترش بیمه در سطح کشور گفت:«همانطوریکه میدانید، هربیمه شده حدود ۳۰ درصد ازحقوقش را به صندوق میدهد، باین ترتیب که ۲۰ درصد آنرا کارآما، ۷درصدخود کارگریا کارمند و ۳درصد بقیه را دولت میپردازد. از این بودجه یک مقدار خرج خدمات درمانی و غرامت دستمزدها و پرداختهای نقدی و درمجموع مستمری‌ها میشود و یک مقدارهم صرف هزینه‌های اداری میگردد. ولی از این مبلغ شاید حدود ۳۲ درصد باقی بماند که درحقیقت مازاد درآمد ما است و جمع شدن اینمبلغها ذخایرسازمان‌تأمین اجتماعی راتشکیل میدهد.»

هیات سرمایه گذاری

درمورد اینکه ذخایر صندوق به چه صورت وزیرنظرچه کسانی سرمایه گذاری میشود، لازم به یاد آوری است که درگذشته، یعنی قبل از قانون تأمین اجتماعی، هیأت مدیره سازمان بموجب قانون میتوانست درموردسرمایه گذاری ذخایر تصمیم بگیرد، ولی خوشبختانه درقانون

بقیه درصفحه ۹۷

رپرتاژی از دوزندگی ها و

گزارش از: محمود احیائی
اسلایدها از: علی اکبر رهبر

دوزندگان لباسهائی که بتن دارند

نیمی از دوزندگی های تهران در خیابان های لاله زار، لاله‌زار نو، شاه‌آباد، سعدی و فردوسی قرار دارند

بی تردید صنف دوزندگان تهران، یکی از قوی‌ترین و پر عضوترین اصناف پایتخت بشمار می‌رود، چنانکه در دیگر شهرها و شهرستانها هم، دوزندگان، در ردیف پرجمعیت‌ترین صنف‌ها هستند.

هم اکنون حدود ۳۵۰۰ مغازه دوزندگی زنانه و مردانه در تهران وحومه آن وجود دارد که در این مغازه‌ها حدود ۳۰۰۰۰ نفر مرد و ۷۰۰۰ نفر دوزنده زن بکار مشغول هستند، که میتوان گفت حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر از این طریق زندگیشان میگذرد...

از این گذشته عده زیادی دوزنده خانگی در محله های تهران وجود دارند که بنا به وضعشان بعضویت سندیکای دوزندگان در نیامده‌اند.

نیاز روزافزون مردم به پوشش های گوناگون و افزایش سریع جمعیت، علت این رواج چشم‌گیر است.

تنها در ده سال گذشته ۳۵٪ بر تعداد مغازه‌های دوزندگی تهران افزوده شده است. دوزندگان تهرانی بیش از هر صنف دیگر در طی بیست و پنج سال اخیر نحوه کار خود را تغییر داده و آنرا با تحولات زمان هماهنگ کرده‌اند.

دگرگونی مداوم سلیقه ها و پیروی مصرانه مردم، بویژه از مدهای جدید، علت اصلی این تغییر و تحول در کار دوزندگان است. شاید همین نحوه کار باعث شده تا دستمزد دوزندگان به بیش از مزد اعضای دیگر اصناف سیر صعودی داشته باشد. درحال حاضر مزد کارگری که یک یا دوسال سابقه داشته باشد، از ۲۵۰ ریال در روز کمتر نیست، درحالیکه کارگران دوزنده باسابقه‌ای هم هستند که تا ۲۰۰۰ ریال در روز مزد میگیرند.

قریب به اتفاق کارگران خیاطی، که عضو سندیکای دوزندگان هستند، از شرایط بیمه های اجتماعی استفاده میکنند و ساعات کارشان تابع مقررات و قوانین موجود کار می‌باشد.

هرچند بسیاری از دوزندگان به انواع کارهای خیاطی آشنا هستند اما در سالهای اخیر با توجه به افزایش حجم کار، هر کارگری در دوختن یکی از انواع پوشاک تخصص یافته

اریم

است. بطوری که درکارگاههای دوزندگی لباس‌های مردانه عده‌ای فقط به دوختن شلوار اشتغال دارند و گروهی تنها کت می‌دوزند. این نحوه تقسیم کار بیشتر در کارگاههای بزرگ خیاطی بچشم میخورد، درحالیکه درمغازه های کوچک، هر کارگری ممکن است به انواع کار‌های دوزندگی بپردازد.

نحوه تقسیم کار باعث شده که بعضی از مغازه‌ها و کارگاهها تنها به دوختن کت یا شلوار اکتفا کنند و باین ترتیب مغازه‌های بسیاری درتهران وجود دارند که درآنها تنها به دوختن شلوارمیپردازندوهیچ نوع کار دیگری راقبول نمی کنند.

این تفکیک کار، گذشته از هر چیز، پیشرفت وبالا رفتن کیفیت کاردوزندگان رادرپی داشته است، چرا که یک کارگر تمام استعداد و کوشش خود را بر روی یک نوع کار متمرکز می کندوبهترین نتیجه را هم می گیرد.

تبدیل یک «توپ» پارچه به یک کت و شلوار، در واقع مراحل بسیار گوناگون را می گذراند.

دوزندگان بیش از هر کار با توجه به اندازه‌های بدن شخص، پارچه را می‌برند. در این نحوه برش بیش از هر چیز حفظ معیارها و اندازه‌های بدن و رعایت آخرین مد روز در نظر است، بطوری که هشتاد درصد کیفیت خوبی یا بدی لباس در این مرحله تعیین می‌شود.

خانم مهری ....، سالهاست که از طریق دوزندگی، زندگی خود و فرزندانش را تامین می کند، اوشوهرندارد.

یکی کوک می‌زند، یکی کت می‌دوزد، و دیگری شلوار...

بریدن پارچه تنها از عهده دوزندگان با سابقه برمی‌آید و کارگران کم سابقه بیشتر به دوخت‌ودوزمی‌پردازند.

بعداز انجام برش است، که هر کدام از قسمتهای کت یا شلوار مثل آستین‌ها تنه و پاچه شلوار بطور جداگانه دوخته می‌شود و بعد از پایان این مرحله قسمتهای دوخته شده بهم می پیوندد. عده‌ای معتقدند دوختن لباس‌های زنانه به هنر و تجربه بیشتری نیاز دارد، در حالیکه در مقابل، گروهی اعتقاد دارند، لباس مردانه خوب دوختن، کار هر دوزنده‌یی نیست، واز لباس زنانه دوختن مشکل تراست.

منصور کمالی، یک دوزنده البسه زنانه در این مورد میگوید: تنوع لباس‌های زنانه و همچنین گوناگونی متدهای دوخت این لباس بقدری زیاد است که تنها سال‌ها تجربه اندوزی و کار مداوم می‌تواند دوزنده‌ای را با نحوه دوختن این لباس‌ها آشنا کند»

بلوز، دامن، مانتو، پیراهن، شلوارهای زنانه و بسیاری انواع دیگر از لباس‌های عمده‌ای است که زن‌ها امروزه از آن استفاده می کنند، درحالیکه انواع دیگری ازلباس های زنانه وجود دارد که البسه فصلی بشمار می‌رود و یا گاهگاهی مد می‌شود.

این دوزنده زنانه ـ و یا به اصطلاح خودشان «زنانه دوز» ـ می‌افزاید: «اما مورد مهمتری که بردشواری «دوخت و دوز»

لطفاً ورق بزنید

دوزندگان لباس هائی که بتن داریم

دوختن لباس عروس، وقت بیشتری میگیرد، اما همه زنانه‌دوزها، دوست دارند که لباس عروس بدوزند.

لباس های زنانه می‌افزاید، سلیقه های جور واجور وطبع مشکل پسند زنان است. این حالت خاص زنها باعث می‌شود تا کار ما به مراتب دشوارتر شود. چرا که خرده گیری وعیبجوئی‌های این گروه در بسیاری از موارد «دو باره کاری» ها را در پی دارد.»

نحوه دوختن لباس های زنانه و مردانه، بویژه کت و شلوار در سالیان اخیر دچار دگرگونی های زیادی شده است.

پیروی دوزندگان ایرانی از اینهمه تغییر و تحول و هماهنگ کردن نحوه کار خود با آن، بهترین نمایانگر هنر این گروه است.

تا قریب به سی سال پیش، کت جلو چهار گوش چند دکمه با شلوارهای نه چندان گشاد مد بود.

تقریباً بیست و هفت — هشت سال پیش بود که کت وشلوار آمریکائی مدشد ولی فرم کت‌های آمریکائی کمی با کت های قبلی فرق داشت. مثلا نوك یقه کت های آمریکائی به تیزی نوك یقه کت های پیشین نبود. یا یقه پهن تر بود، و «اپل» کمتری هم به سرشانه ها می گذاشتند... چندی بعد کم کم کت های یک چاك (در پشت) و دو چاك (در پهلو) وشلوار های پاچه تنگ و باصطلاح لوله تفنگی مد روز شد.

این تحول بتدریج بتداوم رواج یافت که هرکس بالباس های قدیمی در خیابان های

هم اکنون اجرت دوخت یک کت و شلوار در تهران از ۱۵۰۰ تا ۷۰۰۰ ریال است.

تهران دیده می شد کاملا جلب نظر می کرد.

اما برخلاف تصور جوان ها و همه مردم، این مد تازه هم خیلی زود تغییر کرد و تنها چهار یا پنج سال دوام آورد.

بعد از این مرحله، پوشیدن شلوار های پاچه گشاد و بدون برگردان مد روز شد. این مد که هنوز هم رواج دارد، در واقع از آخرین مد های رایج در کشور های اروپا و آمریکاست.

دوزندگان لباسهای زنانه می‌گویند: کار زنانه دوزها، بمراتب دشوارتر از کار مردانه دوزهاست.

یک گزارش جالب از دوزندگی ها

*** در چند سال اخیر، مشکل پارکینگ برای مشتریان، دوزندگی های تهران را از مرکز شهر فراری داده است.**
*** بیش از ۳۷،۰۰۰ کارگر زن و مرد در خیاطخانه های تهران کار میکنند که از ۲۵۰ ریال تا ۲۰۰۰ ریال دستمزد می گیرند.....**

کت هائی که با استفاده از این مدل دوخته میشود، باصطلاح «کمر کرستی» می باشد و برخلاف کت های قبلی تنها یک یا دو دکمه دارد. یقه این گونه کت ها کاملا باز است و برگردان آن عریض تر از کتهای دوخت سال- های قبل می باشد.

نصرالله حامی، یکی از خیاط های باسابقه تهران است. او یک مغازه خیاطی دارد و دو کارگر زیر دستش کار می کنند. به گفته خودش روزانه بطور متوسط با کسر مخارج ۸۰۰ ریال درآمد دارد. او درباره نحوه کار خیاط ها و پیروی آن ها از مد های روز با ما زیاد سخن گفت، که میتوانیم خلاصه آنرا، از زبان او اینطور بخوانیم:

— ویژگی اصلی کار یک دوزنده و موردی که او برای حفظ موقعیت خودش در بین مشتریان باید به آن توجه داشته باشد، همان استعداد درک چگونگی مدهای جدید است. اگر دوزنده‌ای فاقد این استعداد باشد، بی شک بعد از مدتی کارش کساد خواهد شد. مثلا یک دوزنده خوب باید با از مد افتادن شلوار های پاچه تنگ و رواج شلوار های پاچه گشاد، فوراً نحوه کار خودش را تغییر دهد و بی آنکه گرفتار جمود فکری شود، خودش را با آخرین تغییرات هماهنگ کند.»

وسائل کار دوزندگان هم با گذشت زمان دگرگون شده است. این نحوه دگرگونی در واقع با تاریخچه دوزندگی مترادف است.

تاریخچه لباس

انسان جنگلی در اوائل از برگ و پوست درختان جنگل برای پوشش بدن خودش استفاده می کرد .... و بالاخره زمانی رسید که پوست حیوانات وحشی را پوشش بدن خود ساخت. با گذشت زمان و دستیابی بشر به دانه- های گیاهی ویژه تولید پارچه و همچنین اختراع چرم، دوختن لباس، بصورت حرفه مستقلی درآمد.

در زمان های باستان، در کشور های متمدن بویژه ایران، دوختن لباس معمولا بعهده زن ها بود و در واقع حرفه‌ای زنانه بشمار می آمد. اما پرداختن به این حرفه در آن زمان و با وسائل آن روزی بسیار دشوار بود، بطوری که دوختن یک دست لباس کامل مردانه یا زنانه، دستکم یک هفته از وقت دوزنده را می گرفت.

تمام مراحل کار در آن زمان که هنوز چرخ خیاطی اختراع نشده بود، با استفاده از یک یا چند سوزن و قیچی تمام می شد و با این وسایل، کار به کندی صورت می گرفت...

لباسهای بومی زنان هخامنشیان، معمولا از یک پیراهن بلند و یک شلوار تشکیل می شد. در زمستان پوشیدن یک لباده کلفت بر روی لباس های اصلی لباس فصلی را تکمیل می کرد.

در آن زمان تفاوتی اساسی بین لباس های مرد ها و زنها وجود نداشت. فقط زن ها در فصل زمستان بجای قبا، از پیراهن های بلند و تقریباً کلفت استفاده می کردند، اما در انتخاب رنگ پارچه و زینت بخشیدن آن، تفاوت زیادی میان البسه مردانه و زنانه بچشم می خورد. این گونه پوشش ها تا اواخر دوره ساسانیان ادامه یافت و با وجود رسوخ افکار و آداب یونانی و رومی، در کیفیت لباس ها چندان تغییری حاصل نشد. با رواج دین اسلام در ایران، نحوه لباس پوشیدن مردم، بویژه زن ها به اقتضای [illegible] تغییر یافت. زن ها بجای [illegible] و مرد ها [illegible] های عربی را بر لباس های [illegible] ترجیح دادند.

هرچند این پوشش [illegible] سادی به یکدست شکل شدند، اما شکل [illegible] آن تا همین [illegible] بیشتر ادامه یافت و حتی هنوز هم در بعضی نقاط ایران، بویژه شهر های مذهبی کهنه بچشم می خورد.

کت و شلوار و پیروی از مد های اروپائی مردان که در زمان ناصرالدین شاه قاجار به ایران آمد و موجب شد که رجال و شخصیت- های سیاسی که به اروپا سفر میکردند از این لباس [illegible] شدند. اما هنوز اکثریت مردم قبا و لباده می پوشیدند تا اینکه در زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر، و دگرگونی بنیادی که در همه زمینه ها بوجود آمد مردم به لباس های اروپائی روی آوردند و مردان کت و شلوار و زنان پیراهن تن کردند...

* گذشته از لباس هائی که خیاط هائی دوزند، درحال حاضر انواع لباس های دوخته و آماده بین مردم رواج یافته است. اینگونه لباس ها [illegible] شده تا گروه زیادی از مردم بویژه جوانها از پوشیدن لباس های معمولی خودداری کنند. که جین، جلیقه، کاپشن و نیم تنه از اینگونه لباس هاست.

سبکی و راحتی این لباس ها، و امکان جنبش بیشتر در موقع پوشیدن آن، از یکسو و هماهنگ بودن آن با مد های روز از سوی دیگر، علت اصلی رواج اینگونه لباس هاست. محمود مزینی، یک دوزنده «جین»، در این مورد می گوید: «رواج هیپیگری و همچنین بی حوصلگی مردم برای آراستن سر و وضع خود، از علل اصلی رواج لباس های سبک است. چرا که یک جوان امروزی بهیچوجه مثل یک جوان ۲۰ تا ۳۰ سال پیش فرصت و حوصله کافی ندارد تا به کیفیت لباس خودش توجه کند.»

رواج و فروش فوق العاده اینگونه لباسها باعث شده است تا گروه زیادی از دوزندگان به دوختن چنین پوشش هائی روی آورند.

هم اکنون حدود ۳۰ کارگاه بزرگ خیاطی در تهران صرفاً به دوختن جین و سایر لباسهای سبک میپردازند و درآمد آنها هم از دیگر همکارانشان کمتر نیست.

لباسهای دوخته شده که گاه از خارج وارد می شود، از موارد دیگریست که در جهت کسادی کار دوزندگان تاثیر دارد. والبته این را هم فراموش نکنیم که در کسادی بازار کار دوزندگان، فعالیت خیاطان غیرمجاز هم تأثیر دارد. این گونه خیاط ها که معمولا پروانه کار ندارند، بیشتر در بالاخانه ها به کار میپردازند. این گروه معمولا بوسیله بوتیک ها و مغازه های لباس فروشی «کنترات» میشوند و تنها برای آن ها کار میکنند.

عده قابل توجهی از دوزندگان امروزی، دوره های کوتاه و بلند مدت کار خیاطی را در خارج از کشور طی کرده‌اند.

اینگونه دوزندگان با دیدن چنین دوره هایی نه تنها تجربه اندوزی بیشتری میکنند، بلکه با آخرین تکنیک های هنر دوزندگی آشنا میشوند.

فتح اله ورزنده، از دوزندگانی است که مدت یکسال در ایتالیا دوره خیاطی دیده است و اکنون کارگاه تقریباً بزرگی را اداره میکند. او درباره کیفیت آموزش این دوره ها میگوید: «به نظر من هر دوزنده‌ای برای پیشرفت کار خودش باید همیشه در تکاپو باشد. هرچند من پیش از رفتن به ایتالیا، باندازه کافی در کار خودم تجربه داشتم، اما دیدن این دوره ششماهه مرا با ریزه کاری های بسیاری آشنا ساخت که قبلا از آن آگاهی نداشتم. کاری هم که اکنون انجام میدهم، به گفته مشتری ها به مراتب از گذشته بهتر است.»

مهین شهری، یکی دیگر از خیاط های باسابقه تهران است. او حدود ۲۰ سال سابقه کار دارد و اکنون خیاط خانه زنانه‌ای را در یکی از محله های تهران اداره میکند. او درباره کیفیت کارش میگوید:

«من از دوران کودکی به کار خیاطی علاقه زیادی داشتم. از سه، چهارسالگی تکه های کوچک و رنگارنگ پارچه را بهم می دوختم و لباس عروسک درست میکردم. درزمان تحصیل هم مرتباً در آموزشگاههای

بقیه در صفحه ۸۳

این روزها، کارگر خیاط هم کم است. البته کارگر ماهر

رعایت سلیقه‌های متنوع خانم‌ها و جلب رضایت آنها، از جمله مشکلات کار دوزندگان زنانه‌دوز است

مشهور ترین سنگتراش تاریخ ، فرهاد کوهکن است که به انگیزه عشق لیلی ، تیشه‌اش را بر کوه فرود می‌آورد تا جوئی برای عبور بسازد که لیلی درحوضی ازشیر استحمام کند....

فراموش نمیشود

کساد کرده است

سنگتراش پیر با تردید به ساخته‌های هنرمندانه‌اش نگاه میکند. آیا او در فکر آینده سهم خودش است

در اصلی این گروه ، ایجاد نقشهای جورواجور برروی دیوار ، سقف وستون کاخها بود . اینگونه نقشها ممکن بود برروی تمام قسمتهای کاخ از دیوار گرفته ، تا سقف ، سردر ، ستونها و حتی پله ها ایجاد شود .

این کار معمولا بدو صورت انجام میگرفت. طریقه اول که آسانتر بود باین نحو بود که نقش مورد نظر را باگچ یا رنگ برروی سنگ رسم میکردند وسپس داخل آن را میکندند. این گونه نقشها که فرو رفته بود، معمولا برروی دیوارها ایجاد میشد. اما طریقه دوم ایجاد نقش بصورت برجسته بود. این کار تنها از تعداد معدودی سنگ‌تراشان برمی‌آمد . هنرمندان برای این کار ابتدا نقش مورد نظر را برروی سنگ رسم می کردند وسپس درست برعکس آنچه در مورد نقش فرو رفته انجام میدادند، بیرون از خطوط شکل رسم شده را میکندند، بطوریکه پس‌از پایان کار، تصویر مورد نظر بخوبی برروی سنگ دیده‌میشد.

هنر سنگ تراشی در زمان هخامنشیان باوج خود رسید، اما باهجوم اسکندر وتسلط جانشینان او برایران، وسپس بوجود آمدن سلسله اشکانیان، رونق هنر سنگ تراشی تا حدی از میزان گذشته کمتر شد، ولی در زمان سلسانیان دیگر باز اهمیتی تازه یافت.

هرچند در قرون پس از ظهور اسلام هم سنگ تراشی بصورت حرفه‌ای باقی ماند، اما بعلت منسوخ شدن تقریبی کاخ سازی، رونق گذشته‌اش را از دست داد و،در واقع کاشیکارها جای سنگ‌تراشها راگرفتند...

هم‌اکنون ۳۰ مغازه سنگ تراشی در تهران وجود دارد ودراین مغازه‌ها حدود ۱۰۰ نفر بکار مشغول هستند. هرچند ایجاد نقشهای فرو رفته وبرجسته هنوز هم رواج دارد، اما نحوه کار این سنگ تراشها نسبت به گذشته تا حد زیادی فرق کرده‌است.

مصطفی باورزاده، پیر مردی ۶۳ ساله است. به گفته خودش از سن ده سالگی بکار سنگ تراشی پرداخته وهم اکنون هم مغازه‌ای را باسه کارگر اداره میکند. او خاطرات زیادی از نحوه کارش در گذشته دارد. همانطور که آرام تیشه‌اش را برلبه سنگی صیقلی فرومی‌آورد، میگوید:

— امروز دیگر کارخانه‌های بزرگ سنگ‌بری باآن همه ماشینها، موتورها و دستگاههای گوناگون جائی برای فعالیت‌ما باقی نگذاشته‌اند. در واقع آنها یک ساعته کاری را که ما در عرض یک هفته تحویل میدهیم، بانجام میرسانند، اما کیفیت کار ما باآنها زمین تا آسمان تفاوت دارد، درست مثل قالی‌ماشینی وفرش دستباف.»

سنگ تراش پیر ادامه میدهد: «من در ساختن بناهائی که امروز نقش عمده‌ای در جریانات اداری کشوردارند شرکت داشته‌ام. مثلا سنگهای کاخ دادگستری بدست من و ۵۰ سنگ تراش دیگر تراشیده شده است و اکنون هروقت از جلو این بنا میگذرم، بیاد جوانی خودم ورونق حرفه‌ام می‌افتم.»

* * *

تراشیدن مجسمه‌های زینتی از کارهای عمده‌سنگ‌تراشان امروزی است.

ساختن ستون‌های سنگی ویژه سالن، پایه میز وچالبلسی، میزهای سنگی دایره‌ای ویکعبی ومخصوصاً تراشیدن دکورهای سنگی جورواجور از کارهای عمده سنگ‌تراشهای امروزی است درواقع امروز ظریف‌کاری و پرداختن به تزئینات گوناگون ، جای کارهای اساسی وسنگین گذشته راگرفته است.ازسوئی ایجاد نقش برروی سنگها که در گذشته هنر اصلی سنگ تراشها بشمار میرفت ، امروزه تاحد زیادی بفراموشی سپرده شده‌وبصورت ناقصی درآمده است .

بهای هر کدام ازساخته های سنگ تراشها بستگی به جنس سنگ و همچین میزان کاری که برروی‌آن انجام شده‌است دارد بطور کلی قیمت این ساخته ها بین ۱۰۰۰ الی ۳۰/۰۰۰ ریال ،والبته اگر بسیار پرکار باشد. تادویست هزارریال‌است .

کمبود کارگر ازدشواری های اصلی کار سنگ تراشهای امروزی است .

حسین خامنه ، یکی دیگر ازسنگ تراشان تهران‌میگوید:

امروزه‌سنگ تراشی بصورت کسب «ضعفی» درآمده‌است . ازاین مهمتر، این کار زحمت زیادی دارد . اینست که کمتر جوانی حاضر میشود اینهمه حرفه های صنعتی و پر منفعت را نادیده گرفته به حرفه سنگ تراشی روی آورد . زیرا درمدتی که یک کارگر سنگتراش برای ایجاد نقش مورد نظر کارمی کند. اگر به کار دیگری مشغول شود . درآمد بیشتری نصیبش خواهد شد. اما خوب ، این یک کار ذوقی وسنتی است. مثل صنایع دستی نبایـد

بقیه درصفحه ۸۱

ساعات تحصیل کارگران در کلا

اشاره:

درمیزگرد این شماره رستاخیز کارگران، نظرها و مسائلی را خواهیم شنید که ازطرف اعضای سندیکای کارگران کارخانه سیمان سفید دماوند مطرح شده است. آنچه در این گفتوشنود بیشتر بر آن تکیه شد تاکید بر لزوم ایجاد نظم و ترتیب بیشتر درامر خدمات درمانی وتشکیل کلاسهای سوادآموزی برای کارگران این واحد بود، که نمایندگان وزارت کار و اموراجتماعی و سازمان خدمات درمانی ضمن تشریح فعالیتهائی که درجهت رفع این نقائص درجریان است، نوید دادند بزودی رفع نگرانی دوستان عزیز کارگرا زاین جهت خواهدشد.

شرکت کنندگان درمیزگرد:

۱ــ آقای حبیب‌الله حسامی مدیر کل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و اموراجتماعی
۲ــ آقای کارنیک آقابانس مسئول اداری کارخانه و نماینده کارفرما
۳ــ آقای حسین جعفری نماینده کارگران وعضو هیات مدیرسندیکا
۴ــ آقای حسینعلی ساوجی نیا دبیرسندیکا
۵ــ آقای سیدعظیم حسینی عضوهیات‌مدیره
۶ــ آقای عزت‌اله تقی بخش رئیس هیات‌مدیره
۷ــ آقای محمد دادفرنیا عضوهیات‌مدیره

رستاخیز کارگران: تأیید همه‌جانبه کارگران عزیز سراسر کشور از مجله «رستاخیز کارگران» ما را برآن داشت تا در راه کمال رسالتی که بعهده داریم، بیش از پیش کوشیده و درجهت انعکاس خواستها، نظرات و مسائل کارگران، که اساسی ترین رکن وظیفه ما را تشکیل میدهد، مجاهدت بیشتری کنیم.

با تشکر از حضوراعضای هیات مدیرهٔ سندیکای کارگران سیمان سفید دماوند و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی آماده‌ایم که نظرات خود را بیان کنید.

کارنیک آقابانس (مسئول اداری کارخانه و نماینده کارآما): گمان میکنم کارگران ما مشکلی از نوع مشکلاتی که تا کنون در میزگرد های شما مطرح شده ندارند، بلکه مسائل ما مربوط میشود به امور بیمه و درمان که اجازه می‌خواهم علیرغم سمتی که بعنوان نماینده کارآما در این میزگرد دارم، ضمن تائید نظرات کارگران در این مورد به این مشکلات اشاره‌ای کنم - بدون اینکه بذکر موارد آن بپردازم - باشد که ازطریق انعکاس آن در مجله رستاخیز کارگران بهبودی - ولونسبی - در وضع کارگران بوجود آید.

عزت‌اله تقی‌بخش (رئیس هیات مدیره سندیکا): بعد ازسپاسگزاری ازمسئولین مجله رستاخیز کارگران که به حق وظیفه خود را تاکنون بخوبی انجام داده‌اند به استحضار میرسانم که کارگران حساس ایران همواره سپاسگزار مراحم شاهنشاه بوده و قدر مواهبی را که بر اثر اوامر مؤکد معظم‌له نصیبشان شده است، می‌شناسند. اختصاص دو اصل از انقلاب شاه وملت بکارگران، یکی از نمودهای توجه خاص شهریار خردمند ایران به این طبقه مولد است. ما این مواهب را درک کرده و خود را سرفراز میدانیم. استدعا دارم نقائص و نارسائی هائی را که مطرح میسازیم، حمل بر غرض ورزی نفرمائید. بلکه هدفمان بهبود وضع کارگر و کارآما - هردو - است. ازآقای جعفری خواهش میکنم، مطالبشان را عنوان کنند.

حسن جعفری (نماینده کارگران و عضو هیات مدیره سندیکا): بطوریکه اطلاع دارید کارخانه سیمان سفید دماوند در کیلومتر ۴۶ جاده آبعلی و درمنتهی الیه یک جاده فرعی قرار دارد، بعلت همین دورافتادگی و عدم دسترسی به وسائط نقلیه، ایاب و ذهاب ما خیلی مشکل است. با توجه به این امر و برا زندگی کارگران در روده‌ن یا شهر ری و سلسل، دستیابی به وسائل درمانی برای ما غیر مقدور است، کارآمای این کارخانه برای تامین بیشتر آسایش کارگران ازسالها قبل، درمان‌قراردادی را انتخاب کرده و از این راه سالانه در حدود دو میلیون تومان هزینه صرف میکرد، این که میگویم دو میلیون تومان و روی آن تکیه می کنم، بدان جهت است که اگر بیمه‌های اجتماعی، امور درمانی کارگران را بعهده میگرفت، هرگزهزینه های صرف‌شده به‌این مبلغ نمی‌رسید. مضافاً به اینکه دولت این رقم را قبول نداشت و نمیپرداخت و اصولا هزینه درمانی را جزءدرآمد کارخانه بحساب آورده و ۲۵ درصد بابت این دومیلیون تومان را مالیات میگرفت. این دلیل حسن نیت کارآمای ما است وهم‌اکنون هم‌حاضر است این مبلغ را بپردازد. بهرحال از فروردین ماه سال ۲۵۳۴ از آنجائیکه سازمان تامین خدمات درمانی ایجاد شد، این قرارداد لغو گردید. درسیستم بیمه های اجتماعی سابق از ۱۸ درصد حق بیمه‌ای که دریافت میشد ۸/۵ درصد آن به کارآما برمیگشت، بشرط آنکه خود خدمات درمانی را تعهد کند درصورتیکه کارآمای ما

اعضای سندیکای کارگران کارخانه سیمان سفید دماوند، در میزگرد «رستاخیز کارگران» [illegible] و نویسنده مجله (شاهرخ [illegible]) و خبرنگار مجله (غلامرضا قیصری)، مسائل و نظرات خود را بیان کردند، و ازطرف نمایندگان وزارت کار و اموراجتماعی و وزارت [illegible] پاسخ [illegible]

...سهای سوادآموزی کافی نیست

حاضر به قبول این تعهد و تحمل ضررهای بیشتر است ، چه دلیلی دارد که سازمان خدمات درمانی حاضر به واگذاری امور درمانی کارگران

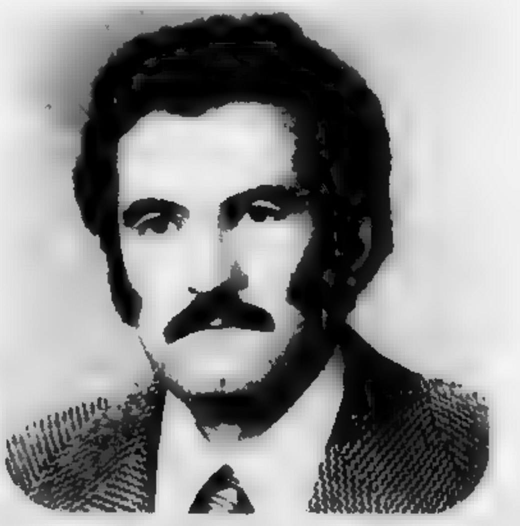

حسینعلی ساوجی نیا

عبدالله بختیاروان

بکارخانه نیست ؟

این کارخانه ۲۷۰ کارگر دارد و یک واحد ۲۰۰ تنی دیگر هم در دست ساختمان است که ۵۰۰ نفر کارگر نیز در آنجا مشغول بکار خواهند شد و با وضع موجود ، امکان تأمین خدمات درمانی درسطحی که نیاز آنها را بکلی برآورد ، موجود نیست .

گارنیک آقابانس : کادر ثابت کارخانه ۲۷۰ نفراست که اگر بطورمتوسط هر خانواده را ۵ نفرحساب کنیم بیش ازهزارنفرمیشوند . در سال ۱۳۴۰ ، شرکت سیمان شمال به لحاظ عدم دسترسی کارگران بسازمان بیمه های اجتماعی سابق ، قراردادی با این سازمان منعقد ساخت ، که ازمجموع ۱۸ درصد حق بیمه ۸/۵ درصد آنرا بردارد و به انجام کلیه کمکهای مندرج در بیمه نامه ها ، و پرداخت خسارتهای ناشی از کار غیر از مستمری ها ـ اختصاص دهد و در اجرای این دستور ، درمحل کارخانه یک بهداری تحت نظر پزشک متخصص اداره میشد و با دو بیمارستان هم در تهران طرف قرار داد بودیم و بیش از ۱۵ پزشک متخصص در نقاط

مختلف وسه درمانگاه در سه نقطه تهران ، باتوجه به تجمع کارگران ، خدمات درمانی آنها را انجام میدادند .

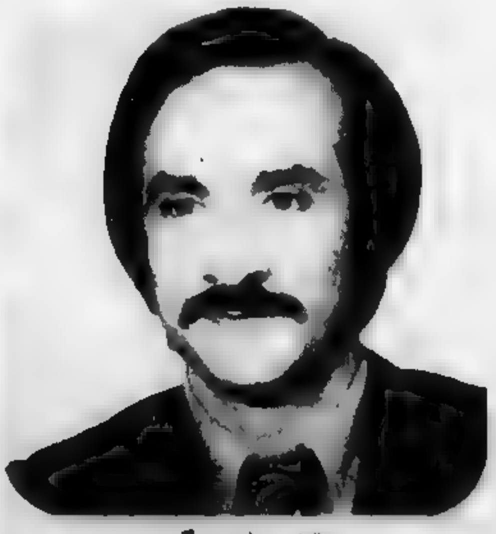

مرتضی علی عسگری

سیداعظم حسینی

این قابل تذکر است . که درتمام این مدت هیچگونه فرقی بین مهندسین با پنج تا ده هزارتومان حقوق و کارگری که ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان دستمزد میگرفت وجود نداشت و همگی بطور یکسان از این کمکهای درمانی سود میبردند . حدود ۵۰ درصد کارگران کارخانه درروستا های اطراف ساکن هستند . این دوری مسافت کمترین تاثیری در وضع کارگران تا آخر سال ۲۵۳۴ نداشت و همگی از وضع درمان خود ، کمال رضایت را داشتند ، ناگفته نماند که درسالهای مختلف ، هزینه ها نیز مختلف ، بوده است ، ولی بهر صورت همه ساله بیش ازدومیلیون تومان هزینه کمکهای درمانی کارگران میشد که این مبلغ غیر از ۸/۵ درصدی است که ازسوی بیمه در اختیار کارآماقرارداشت .

از مهرماه ۲۵۳۴ که حق بیمه افزایش یافت ، برای تمدید قرار داد ، همواره باسازمان درمذاکره بودیم تا سرانجام در دیماه ۲۵۳۴ قراردادی منعقد شد که درمقایسه باقرار داد قبلی باتوجه به اینکه مجموع حق بیمه از ۱۸ درصد به ۲۵ درصد و بیش افزایش یافته بود

علیرضا عابدنجفی

حسن جعفری

بازهم کارآما ۸ درصد از ۲۵ درصد را بپردازد ، به این شرط که قرارداد تا پایان سال ۲۵۳۴ معتبر باشد و درصورتیکه هیچیک از طرفین قرار داد اعتراضی نداشته باشند ، پس از این مدت نیز قرارداد یادشده قابل تمدید باشد . در ۲۸ بهمن ماه سال گذشته بشرکت اطلاع دادەشد که قرارداد منعقدشده ، ملغی و کارگران باید به نزدیکترین مراکز بهداشتی مراجعه و کارت بهداشت دریافت کنند . (با وجودی که ۱۴ سال این قرار داد ادامه داشت ، فقط کسانی که نیاز به وام مسکن داشتند به بیمه مراجعه و دفترچه گرفته‌اند . دیگر کارگران حتی حاضر نبودند دفترچه بگیرند) در تاریخ ۱۷ اسفند به شعبه ۱۹ تأمین اجتماعی ـ که رئیس ومعاون فنی آن همواره ما را یاری کرده‌اند ، وسپاسگزارمراحمشان هستیم ـ مراجعه کردیم ، چون مشکل ما را درک کرده و نگرانی مارا میدانند چیست ، با آنکه هیچ یک از کارگران دفترچه نداشتند ، موافقت بعمل آمد که از اول سال ۲۵۳۵ ولو بدون دفترچه بتوانند بمراکز درمانی مراجعه کنند و مادام که دسترسی به دفترچه ندارند ، این امکان ازآنها دریغ نشود .

حدفاصل بین کارگاه تااولین مرکز درمانی ، که شعبه ۱۹ است ، ۵۰ کیلومتر راه است . بدین جهت تا کنون کارآمای ما برنامه درمانی خود را تعطیل نکرده است و همچنان بکار خود ادامه میدهد .

چندی پیش همسر یکی از کارگران در زمین وضع حمل دچار مشکلاتی میشود که معاینه

فوری وحضور پزشک ببالین اوضروری میگردد . بلافاصله پنج پزشک متخصص بر بالین او حاضر شده و تحت مداوایش قرار میدهند ، مسلماً در شرایط درمانی کنونی ، امکان چنین بهره وری از وجود ۵ پزشک در آن واحد مقدور نیست ، یا حداقل فعلاً ممکن نیست .

در برخی از موارد هم که معالجه بیمار در ایران میسر نبوده ، وی را بخارج اعزام کرده‌اند ، که نمونه آن را میتوانیم ارائه دهیم . در یک

محمد دادرنیا

مورد هزینه درمان یک مریض ۱۶ هزار تومان شده است که کارآما ، برای نجات جان بیمار پرداخته است ، و صورت حساب آن نیز موجود است . یکی از کارگران که مبتلا به مرض قلبی بود ، بتصویب هیئتمدیره به ژنو اعزام شد و شادروان احمدعلی ابتهاج دستورپرداخت هزینه درمان اورا داد .

نکته دیگر اینکه در مرکز کارخانه ما چند کلاس سوادآموزی دائر بود . که تاسال گذشته به امر تدریس کارگران میپرداخت ، سال قبل به ما تکلیف شد که اینگونه کلاسها بایستی تحت نظر وزارت کار وامورلجتماعی دائرشود ، زیرا این وزارتخانه برای سوادآموزی متخصصینی دارد که الزاماً عهده‌دار این وظیفه هستند برای تأمین این منظوربه مرجع مربوطه در وزارت کار مراجعه کردیم ، متاسفانه مأمور رسیدگی به این امر وقتی به کارخانه آمد که کارگران کارشان را تعطیل کرده بودند واز آن پس دیگر این کلاسها بکار خود ادامه نداد . این علاقه ما است که کلاسها ادامه یابد . کارخانه‌هم امکانات لازم را در اختیار میگذارد . ناگفته نگذاریم که خود ما نیز علاقمندیم این کلاسها تحت نظروزارت کارو اموراجتماعی اداره‌شود امیدواریم آقای حسامی که دراین جلسه حضور دارند اقداماتی بعمل آورند که دستور مقتضی دراین باره صادرشود

حبیب‌الله حسامی : (مدیر کل نظارت بر فروش سهام ونماینده‌وزارت کارواموراجتماعی)

بقیه درصفحه ۸۰

زیرنظر شاهرخ تویسرکانی

صفحه خودمون

چرچیل .... و علت طلاق

ازچرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلستان پرسیدند: «چرا بسیاری از ازدواج‌های رجال به طلاق منجر میشود ؟» او در جواب گفت: برای اینکه شوهر مجبوراست پیش از آنکه با زنش شام بخورد، با منشی خصوصی خود شام بخورد.

ابراهیم همتی — کارگر نقاش کرمانشاه

سازمان های اختصاصی سازمان ملل متحد

* با خود سازمان ملل متحد که آشنائی دارید.... سازمانی است که برای حفظ صلح بعد ازجنگ بین‌الملل دوم تأسیس شدو امروزه مقرآن درشهر بزرگ نیویورک که در آمریکاست و بیش از ۱۳۰ کشور جهان عضو آنند، اما سازمانهای اختصاصی سازمان‌ملل را میدانید که کدامها هستند؟ دهسازمان باین‌شرح:

۱ — سازمان بین المللی کار (ایلو) ۲ — سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) ۳ — سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل‌متحد (یونسکو) ۴ — سازمان هواپیمائی کشوری بین المللی (بی. کا. او) ۵ — بانک بین المللی ترمیم و توسعه (ایبرد) ۶ — صندوق بین المللی پول (ایمف) ۷ — سازمان جهانی بهداشت (وهو) ۸ — اتحاد به پستی جهانی (یوپو) ۹ — اتحادیه بین المللی مخابرات (ایتو). ۱۰ — سازمان جهانی هواشناسی (ومو)

ثریا میرزوئی — کارگر کارخانه‌آزمایش

..... کوسه به فکر ریش است!

این روزها همجا صحبت از ترافیک است و این که بعلت بدی وضع ترافیک مردم نمیتوانند به موقع درسر کارشان حضور پیدا کنند وگفتنی است که مدیر یک کارخانه‌اتومبیل سازی نیز ازشلوغی ترافیک‌شکایت داشت ومی گفت:

— بعلت بدی وضع ترافیک حداقل یک‌سوم کارگران ما دیر به کارخانه میرسند، اگر اینها سرساعت درکارخانه حضور پیدا میکردند، میتوانستیم حداقل روزی بیست‌اتومبیل بیشتر تولید کنیم!

ام کلثوم‌سعادت — کارگر کارخانه‌ترانس پیک

چراگل بو میدهد؟

برای اینکه یک گل بتواند خوب رشد کند و گرده برویاند باید با گرده گل دیگری ترکیب شود اما چون گل نمیتواند مانند حیوان حرکت کند، از این جهت بوی مطبوعی میسازد تا بدان وسیله حشرات را بخود جلب کند، و این حشرات با نشستن روی گلها گرده های آن را از یکی بدیگری منتقل میکنند.

از میان گلها معمولا گل های سفید دارای عطر بیشتری میباشند و غالباً غنچه آنها در شب هم مثل روز باز است که در نتیجه حشرات شبانه را نیز بخود جذب میکنند، ولی گلهائی که دارای عطر خیلی قوی هستند، عمرشان از همه کوتاهتر است. مثلا تعدادی از «کاکتوس» ها دارای گلهای بسیار قشنگی میباشند که شب باز میشوند و تا صبح میمیرند. عطر این گل ها آنچنان قوی است که گیاهان نزدیک خود را میکشند.

باید دانست که باد نیز گرده بعضی از گیاهان، مانند علفها را با خود حمل میکند و باعث‌عمل لقاح درگیاهان میشود.

حسن پاك نیت کارگر دخانیات

نوری در تاریکی

مهین، کنار ساحل ایستاده بود. آفتاب سوزنده نیمروز تنش را می‌سوزاند. به دور‌دست‌های دریا، آنجا که افق به سطح آب نزدیک می‌شود، نگاه می کرد. همه‌جا جلال را می‌دید. جلال سرکارگر کارخانه‌ای بود که او در آن کار می کرد و باتفاق دیگر کارگران کارخانه به اردو آمده بودند، اردوئی که او هم یکی از افرادش بشمار می‌رفت. از یکسال پیش که در این کارخانه مشغول به کارشده بود، به جلال دلبسته بود. اوسر کارگر قسمتی بود که مهین درآن کارمی کرد.

جلال درنظرمهین جوانی پاك ویک کارگر واقعی بود. حرکات، طرز حرف‌زدن و بخصوص رفتار او با کارگران زیردستش نمونه بود. بهمین جهت مهین حس می کرد جلال‌میتواند شریک‌خوبی برای زندگیش باشد.

هرچند در کارخانه هم، آندو هر روز باهم برخورد می کردند، اما اکنون فرصت مناسبی پیش آمده‌بود تا‌مهین با جلال روبروشود.

تمام افراد اردو توی پلاژها بودند. فقط او تنها کنار ساحل ایستاده بفکر جلال بود. حس کرداگر او را از دست بدهد، دیگر زندگی برایش بی‌معنی می‌شود. چند لحظه دیگر ایستاد. بعد فکر کرد برود توی پلاژ. دیگر موقع ناهار بود. نگاهی دیگر بدریا انداخت. امواج کوتاهی از دور جلو می‌آمد و بر ساحل می‌غلتید. مهین با قدم‌های کوتاه، بطرف پلاژ براه‌افتاد. هنوزچندقدم‌جلوترنرفته بود، که جلال را دید. ناگهان جا خورد، او بایک دختر دیگر روبروی پلاژگرم صحبت بود. نزدیک بود قلب مهین از جا کنده شود. فکر کرد با فاجعه‌بزرگ زندگیش روبروشده‌است!

بدنش شروع به لرزیدن کرد، جلال و آن دختر بی خبر از همه جا با هم حرف می‌زدند مهین هرچه سعی کرد خودش را بی‌اعتنا نشان دهد، نتوانست، همانجا سرجایش ایستاد و به آندو خیره شد. دلش می‌خواست جلو برود و با ناخن هایش صورت‌جلال را پاره کند. دیگر زندگی برایش تیره‌و تارشده‌بود.

درهمین موقع آن دختر که یکی از دوستان و همکاران مهین بود، برگشت. تا چشمش باو افتاد خنده‌ای کرد و با دست او را به جلال نشان‌داد.

مهین سرش را بزیر انداخت. فکر کرد آن‌ها از اینکه نگاهشان می کرد، مسخره‌اش می کنند. خواست راهش را ادامه دهد. در همین‌موقع آن دختر که نامش فریده بود، با سرعت‌خودش را باو رساندو‌گفت: «مهین پیامی برایت دارم.» مهین جاخورد. فکر کرد فریده سربسرش می‌گذارد و اما آن دختر دوباره‌گفت: تو باید خیلی خوشحال باشی، جلال پسر پاکی است.

مهین بهت‌زده بصورت دوستش خیره‌شد... چند لحظه در سکوت گذشت، و سپس گفت: منظورت‌چیه فریده؟!

— آخر جلال آنقدر صبروقرار ندارد که به‌تهران برسدو مادرش را به‌خواستگاری تو بفرستد.

— به‌خواستگاری کی؟!

— به‌خواستگاری‌تو!

مهین با ز‌فکر کرد فریده مسخره‌اش می کند، اما قیافه مصمم جلال که از دور او را می‌پائید همه‌چیز را باو ثابت کرد.

مهین سرش را زیرانداخت. گوش‌ماهی‌های ساحل‌هم باو لبخند می‌زدند. او هرگز فکر نمی کرد جلال‌هم اینقدر شیفته‌اش شده باشد. زیرلب گفت: راست گفته‌اند که دل‌بدل‌راه داره!

خانم ن — حیدری، کارگر کارخانه تولیدارو — تهران

[illegible]

خوب، اگر کسی از شما پرسید «سال نوری» چه جورسالی است و مدت آن چقدر است، چه جواب میدهید...؟ البته ممکن است اطلاعاتی در این باره داشته باشید، اما بهتر است اطلاعات خود را در این باره کاملتر کنید.

سال نوری یعنی مدتی که لازمست نور یک‌ستاره باسرعتی برابرسیصد هزار کیلومتر در ثانیه به زمین برسد. فاصله ای که این نوردرعرض این مدت طی میکند، برابر است با ۹۴۸۷۸۰۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر... حالا با این راه کم نزدیکترین ستاره بزمین، ستاره‌ای است بنام «آلفا» که با ما ۴٫۳ سال نوری فاصله دارد، یعنی ۴۴۶۰۲۶۶۰۰۰۰۰۰۰۰ کیلومتر.

سهراب‌سمنانی — کارگرچاپخانه تهران

قصه‌ای از غم و پیروزی

اشک چون نم‌نم باران چشمانش، گونه های استخوانی وظریفش را خیس می کرد. این اشک‌ها در واقع غمهای دلش را بیرون می ریخت.

راستی او برای چه گریه می کرد؟ چه چیز او را اینقدر در لاک خویش فرو برده واشکش را سرازیر کرده بود؟

شاید به‌گذشته دردبارش که مملو از بدبختی وزحمت بود می‌اندیشید. آری، هنوز کودکی چند ماهه بود که خداوند، پدر، این موهبت آسمانی را از او گرفت واو را بما در دلسوز ومهربانش که به‌راستی بهترین بهترینهاست، تنها گذاشت. از همان دوران کودکی با از دست دادن پدر، درد یتیمی و طعم رنج وبدبختی را چشید.

هنوز غنچه‌ای نوشکفته بود که برای کمک به‌مادرش، در خانه همسایه بعنوان کلفت شروع بکار کرد. کم کم کار در آن خانه که برای دخترك چون زندانی بود خسته‌اش کرد واو را که استعداد عجیبی داشت، وادار ساخت تا برای آینده‌ای روشن تلاش وکوشش کند. باین جهت به‌یاری مادرش، در کلاسهای شبانه ثبت نام کرد. بعد از چندی، به‌خاطر علاقه وافرش به‌علم و دانش، جای خود را در قلب دوستان واولیای کلاس باز کرد ودیری نپائید که از او به‌عنوان دانش‌آموزی موفق وبا استعداد نام بردند.

این خوشبختی تا کلاس ششم ادامه داشت، تا اینکه آن اتفاق دردناك پایه آرزوهایش رافروریخت...

آن شب خندان وشادمان به‌طرف خانه می‌آمد، تا نتیجه موفقیت خودش را به‌مادرش نشان دهد. همینکه به‌نزدیک خانه رسید، ضجه وموبه چند زن بگوشش خورد، قلبش ناگاه به‌تپش درآمد، به‌طوری که صدای ضربان تند آنرا می‌شنید.

گوبی در آن خانه بدبختی نامعلومی در کمینش بود، در آستانه درخانه به‌او خبر دادند که مادرش دچار سکته شده وزندگی را بدرود گفته است. دنیا در نظرش تیره وتار گشت. دیگر هیچ چیز برایش اهمیت نداشت، زندگی اکنون بدون وجود مادر، یعنی کسی که در تمام لحظه‌ها یار ویاورش بود، پوچ وتهی می‌نمود.

اکنون او بود و او. دیگر بدون اینکه رنج وزحمت‌وافری را که در خانه همسایه می‌کشید درك کند، کار می کرد، شبها ساعتها در برابر عکس مادر، تنها حامی و پشتیبانش را که از دست داده بود، می‌نشست و می‌گریست. روزها دوباره زندگی را از سر می‌گرفت... سه سال از مرگ مادرش گذشته بود که احساس کرد دیگر آن محله وآن شهر برایش غریب شده است، باانداك پس‌انداز خویش، راهی شهر دیگری شد، شهری که می‌پنداشت به‌یاریش می‌شتابد واز کوله بارغمش می کاهد.

بعد ازمدتی جستجو، درشرکتی بعنوان نظافتچی مشغول کار شد وکم کم امکان تحصیل دوباره‌برایش فراهم گشت.

هر روز همینکه بعداز کار روزانه خود را پشت میز ونیمکت آموزشگاه می دید، خستگی و فرسودگی کار روزانه را فراموش می کرد واز تمام فکر ووجود خود را در راه آموزش علم ودانش مایه میگذاشت، شبها هم از ترس صاحبخانه در نور چراغ نفتی کوچکی درس می‌خواند، کم کم کوششهای شبانه‌روزی او نتیجه خود را نشان داد وتوانست وارد دانشگاه شود وباین ترتیب پس ازچند سال در رشته مهندسی راه وساختمان فارغ التحصیل شد.

بلی، اکنون آن کسی که روزی مجبور بود برای معاش زندگی خود کلفتی کند، براثر کوشش وتلاش توانست به‌تمام آرزوهای شیرین خویش برسد وخوشبختی را با تمام وجودش حس کند.

او اکنون می‌فهمد که هر دقیقه و ثانیه برای کار وکوشش ورسیدن به‌هدف چقدرارزش دارد.

فاطمه الراسبایی- کارگر شرکت مخابرات شیراز

«مونالیزا» یا «ژوکوند» بالبخند عجیبش بدون اشک بزرگترین تابلوی نقاشی است که بیشتر از هر تابلو دیگر در تمام دنیا نظرها را جلب کرده است. این اثر بی نظیر بوسیله نابغه بزرك رنسانس «لئوناردو داوینچی» دراواخرقرن پانزدهم میلادی بوجود آمد واکنون درموزه «لوور» پاریس ازآن نگاهداری می‌شود

مدل این نقاشی همسر سوم یک مقام سیاسی در «فلورانس» بود و گفته میشود که «لئوناردو» برای خلق این تابلو گروهی ازنوازندگان را استخدام کرد که بطور یکنواخت بنوازند تا مدلش حالت مشتاقانه خود را حفظ کند.

«لئوناردو داوینچی» یکی ازمردان متفکر و انگشت شمار روی زمین است که درعصر رنسانس زندگی میکرد وبحق یکی ازاعجوبه‌های کره زمین محسوب می‌شود.

درباره «لئوناردو داوینچی» بد نیست بدانید که او نقاش بود، معمار بود، فیلسوف بود، آهنگ ساز بود، پیکر تراش بود، ورزشکار بود، ریاضیدان بود، مخترع بود، کالبدشناس بود.

فرستنده: ابراهیم حسنی- کارگر نقاش، کرمانشاه

ارنست همینگوی نویسندهٔ نامدارآمریکائی در ابتدای نویسندگی در روزنامه هم کار میکرد و چندی قبل از مرگش، ضمن تعریف شرح حال خود گفت:

— در آغاز کارم، در روزنامه‌ها، طی دو ماه، چهار قطعه فروختم!

دوستش پرسید:

— مگرشما شعر هم می گفتید:

همینگوی پاسخ داد:

— نه، منظورم از چهار قطعه، بارانی، کلاه، کت وشلوارم بود!

حسین شیرازی
کارگر چاپخانه، تهران

تاریخچهٔ عینک یک چشمی

گهگاه در مطبوعات با دیدن عکس افرادی که عینک یک چشم دارند، خاطرهٔ عینکهای یک چشم که سالها پیش مد روز بود، زنده میشود و بد نیست بدانید که عینک یک چشم سابقه‌ای بس طولانی دارد و برای اولین بار «نرون امپراطور روم» از آن استفاده کرد.

«نرون» عقیده داشت که اگر از ماوراء یک قطعه زمرد به دنیا نگاه کند، تصویر زیبائی خواهد دید. باین جهت یک قطعه زمرد را به جواهر سازان داد تا آنرا طوری بتراشند که بتواند درمقابل یکی ازچشمهایش قرار دهد. (همانطور که عینک های یک چشم را قرار میدهند) و باین ترتیب عینک یک چشم اختراع شد.

حسین رادمهر کارگرشرکت برق اهواز

افراد مبتلا به بیماریهای سل وبیماریهای کبدی باید از شنا وآب تنی در دریا پرهیز کنند.

تابستان فصل دریا است. عاشقان دریا با بدست آوردن اندک فرصت برای بهره‌گیری از نور آفتاب وآب‌تنی وشنا خود را به کنار دریا می‌رسانند.

آغوش دریا به‌هنگام آرامش، برای مسافرین بااحتیاط همیشه باز است. از آنها بگرمی استقبال می کند. آنها را غرق در لذت می‌سازد وشادابیشان را چندبرابر می کند.

***چگونه ازآفتاب استفاده کنیم؟**

در اینکه نور آفتاب در زمین مایه حیات و سلامت ساکنین آن است شکی نیست. اگر روزی این کره نورانی پشت بما کند مسلماً زمین ما را سردی وتاریکی فرا خواهد گرفت و حیات بتدریج از آن رخت برخواهد بست و بهمین دلیل است که عده‌ای از قبائل دورانهای گذشته آفتاب را بصورت خدای حقیقی می‌پرستیدند وبرای آن نذر ونیازها داشتند. عادت نواختن موزیک صبح زود ویا غروب آفتاب که در اغلب نقاط هنوز هم معمول است مسلماً اجرای یک عادت قدیمی است که برای قدردانی از آفتاب انجام می‌گیرد.

ولی بااین همه این سئوال پیش می‌آید که آیا همیشه وهرچه بیشتر می‌توان در معرض آفتاب قرارگرفت؟

وآیا بهره‌گیری از آن بمثابه مخصوصی نیازمند است؟ درست است که آفتاب یک داروی مؤثر ومفید برای سلامت بدن وحفظ حیات بشمار میرود ولی همانطور که مصرف هر دارو میزان واندازه‌ای دارد استفاده از نور آفتاب هم باید بمیزانی باشد که عوارض ناشی‌از آفتابزدگی ظاهرنشود.

خواص آفتاب چیست؟

بطورکلی خواص آفتاب را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

اول : خاصیت از بین‌بردن میکربها که مسلماً برهمه روشن‌است‌آنجا که آفتاب‌می‌تابد میکرب‌سل می‌گریزد سایرمیکربها نیزکم‌و بیش از اشعهٔ آفتاب رنج می‌برند وبنابراین آفتاب درتصفیه وتمیزنگاهداشتن هوای محیط اثربسزائی‌دارد.همه کس‌از بیماری مردمی که مدتها در سرداب‌های بدون‌آفتاب زندگی می کنند اطلاع دارد.

دوم: خاصیت دیگر نورآفتاب کمک برشدکودکان است. بدین‌معنی که اشعه آفتاب باتابش مستقیم خود روزانه مقدار زیادی‌از چربی‌های زیرجلدی بدن کودک را به‌ویتامین «د» تبدیل می کند وهمانطور که میدانیم ویتامین «د» جـــــزء ویتامین‌های سازنده استخوان‌های بدن کودک است وبدون آن استخوان‌های بدن کودک بخوبی رشد نمی‌کند وکودک بتدریج دچار فقر مواد استخوانی وضایعات آن که بنام راشی تیسم یانرمی استخوان معروفست‌می‌شود.

***آیا نورآفتاب زیان‌هم دارد؟**

آفتاب باهمه خواص مفید وپرارزشی که دارد زیانهائی نیزدارد که باید بآن توجه داشت:

در اوائل آفتاب‌زدگی سوزش سطحی عارض می‌شود وممکن‌است سوزش‌تبدیل به سوختگی وتغییررنگ پوست شود بطوری که بکلی پوست‌را سیاه کند.

اغلب ورم پلک چشم وحتی بالارفتن فشارخون پس از آفتاب‌گرفتن بمدت‌طولانی دیده‌می‌شود.

بطورکلی‌باید «آفتاب‌گرفتن» را در ساعاتی از روزمانند صبح وعصر کەشدت تابش آفتاب زیادنیست انجام داد.

آفتاب‌گرفتن بهتراست‌قبل از صرف غذا صورت‌گیرد.

مدت‌آفتاب‌گرفتن نباید طولانی باشد.

***خواص آب دریا**

مسلم است آب همه دریاها یکسان نیست وهوای ساحلها نیز باهم متفاوت است بنابراین بحسب اینکه درچه نقطه‌ای از دریا باشید و در کدام دریا آب‌تنی کنید نتایج مختلف خواهید گرفت ولی در هرحال آب دریا برای بیماران روماتیسمی، نقرسی وآنها که ضعف روحی دارند وآنها که به‌بیماری‌های پوستی مبتلا هستند بسیار مفید است. در صورتیکه اشخاص عصبانی، مبتلایان به‌بیماری سل، یا بیماریهای قند و بالاخره کبدی باید از دریا دوری کنند.

بهتر است حمام دریا صبح زود انجام گیرد که گرمای هوا، پوست بدن را نسوزاند قبل ازحمام ورزش مخصوص در کنارساحل بسیارمفید است. تا عضلات را بحرکت وخون را به‌گردش آورد.

وپس از عرق کردن باید در دریا رفت ومشغول شنا یاآب تنی شد، برای استفاده بیشتر ازآب دریا احتیاجی بشنا کردن در وسط آن نیست وشنای نزدیک ساحل نیز همان اثر را دارد.افرادی که بوسط دریا هجوم میبرند بیشتر بنظر می‌رسد قصد خودنمائی دارند تااستفاده ازآب دریا.

پس از حمام دریا باید بدن را باآب معمولی شست تا قشر نازک املاح که روی پوست را گرفته شسته شود وسبب خشکی پوست نشود.

کودکان راازخوردن سبزی ومیوه‌های نشسته بازدارید

قبل از لوله کشی آبها تعداد زیادی از اطفال کشورما مبتلا به بیماری کرمک بودند این تعداد گاهی بیش از ۹۰ درصد کودکان را در برمی‌گرفت ولی امروز هم باوجود بالارفتن سطح بهداشت تعدادی از اطفال با این بیماری سرو کار دارند . تا زمانیکه مصرف سبزی و میوه‌های آلوده ادامه دارد و تا هنگامیکه دستورات بهداشتی محیط‌زیست و بهداشت فردی بطور صددرصد اجرا نشود نمی‌توان گفت این بیماری ریشه کن‌شده‌است

کرمک بیماری مخصوصی است که در بین کودکان شایع است و اغلب باعث ایجاد عوارض شدید و آزارهای خسته کننده می‌شود . کودکی که مبتلا به کرمک است چون بعلت خارش شدید ناحیه نشیمن خواب ندارد اغلب عصبانی و تند خو می‌شود . بی‌خوابی بتدریج جسم کودک را به تحلیل می‌برد و او را از خوراک می اندازد . کمبود تغذیه در کودکی که رو به رشد است و باید غذای کافی بخورد ، رشد او را متوقف می‌سازد و زیانهای جبران ناپذیری ایجاد می کند .

*** چگونه میتوان کرمک را در کودکان تشخیص داد ؟** بی خوابی‌های شبانه ، دندان غروچه ، فشار لثه‌ها ، عصبانیت و تندخوئی از علائم ابتلا کودک به بیماری کرمک است .

این دسته از کودکان معمولا مقعدشان شبها خارش دارد و مصرف داروهای ساده و پمادهای ضد خارش فقط موقتا می‌توانند آرامش اندکی در کودک ایجاد کنند.

باید دانست. کرمها معمولا در قسمت تحتانی روده بزرگ منزل می کنند و چون ماده آن ها هنگام شب به تخم گذاری در مقعد مشغول می‌شود خارش شدید در آن ناحیه ایجاد می کند . و کودک چون ناخن‌هایش آلوده به تخم انگل می‌شود دوباره همراه با غذایش آنرا بدهان می‌برد و از نوخود را آلوده می کند بهمین دلیل است که یک کودک مبتلا به کرمک ممکن است مدتها با این بیماری دست بگریبان باشد . و بهبود کامل نیابد :

*** راه علاج**

برای درمان کامل بهتر است قبل از

آیا «اگزما» ناشی از حساسیت پوست است؟

بعضی دستها اغلب برنگ قرمز ومتورم وترك‌دار هستند. بخصوص این حالت باخارش نیز همراه‌است.

باتجربیاتی که انجام شده متوجه شده‌اند که اغلب این افراد کسانی هستند که بطور مداوم باموادشیمیائی مختلف در تماس اند این عارضه اغلب اوقات چیزی جز حساسیت بدن در مقابل تماس باموادشیمیائی نیست.

امروزه باعرضه شدن مواد مختلف ومتعدد به‌بازار برتعداد حساسیت‌ها افزوده شده است و تعداد بیمارانی که بعلت اگزمای پوستی به‌پزشک مراجعه می کنند به‌چندین برابر رسیده است.

اغلب این بیماران کسانی هستند که به‌نحوی باموادی از قبیل پودرهای مختلف: لباس‌شوئی، روغن ها، لاك ها،مواد قلیائی وبعضی مواد صنعتی سرو کار دارند. این مواد خاصیت‌ایجاد اگزمای پوستی را بمقدار زیادتری دارند.

میزان حساسیت افراد درمقابل مواد مختلف متفاوت است. ممکن است فردی مدت زمانی طولانی بایک ماده مخصوص در تماس باشد و هیچگونه عارضه‌ای نیز بوجود نیاید درحالیکه فرد دیگری باتماس مختصر درمدت کوتاه به‌همان ماده حساسیت عجیبی نشان دهد. دراین گونه موارد شخص مبتلا باید بازیرکی‌ودقت علت حساسیت خود را دریابد وسعی کند از تماس بیشتر باآن ماده خودداری کند وحتماً برای درمان اگزمای پوستی که سبب قرمزی وتورم وترك برروی پوست‌شده‌است به‌متخصص پوست‌مراجعه کند.

هر چیز بهداشت را رعایت کرد یعنی زیر پیراهنی شورت دستها و پاها و نشیمن و بالاخره کلیه نقاطی که آلوده‌است بخصوص زیر ناخنها را که

مرکز تخم انگل هاست ازوجود آن پاك کرد. لباسهای زیر را با جوشاندن تاسل ودستو پای

کودك رابایست‌وسوی صابون می‌توان از آلودگي بر کنار داشت مالش

پمادهای ضدخارش به مقعد که در هرحال، آلوده است از خارش جلوگیری می کند وسبب می‌شود که ناخن کودك مجدداً آلوده نشود و او را از نو گرفتار نسازد.

پس از اجرای دستورات بهداشتی مصرف داروهای مخصوص ضدانگل کرمک که بدستور پزشک داده می‌شود عامل بیماری را

باید از بین ببرد.

شیرخواران

آنچه که دربین مادران بغلط مشهوراست کرمک‌نوزادان است زیرا بندسته‌از کودکان اغلب بدون اینکه‌به کرمک واقعی مبتلا

باشند فقط به سبب زیاده روی درمصرف مواد قندی و تولید تخمیرات مخصوص در روده‌ها ممکن است گرفتار یک نوع مخصوص

خارش شوند که مادر را مشکوك سازد البته منظور این نیست که شیرخواران هیچگاه مبتلا به کرمک نمی‌شوند بلکه باید گفت که علت اغلب خارش‌ها عوارض دیگر غیر از کرمک است و باید درطرز تغذیه‌نوزاد دقت شود تا بتدریج حال او روبه بهبود رود.

و

زیرنظر: گوئل کهن

تاکنون درباره تشویه و روشهای گوناگون آن، مطالبی ذکر شده است. در این شماره چگونگی کار دستگاههای تشویه وانواع مختلف سیستم های تشویه را مورد بررسی قرار می دهیم:

همچنانکه می‌دانید «تشویه» عبارتست ازحرارت دادن سنگ معدن در یک محیط اکسیدی تاحدی که، سنگ معدن ذوب نشود.

در عمل تشویه، تغییرات متفاوتی در ترکیب شیمیائی مواد بوجود می‌آید که در نتیجه، سنگ معدن را مناسبتر کرده و بازدهی صنعتی آن را افزایش می دهد،

بر اثر تشویه وزن سنگ‌ها نیز کاهش می یابد.

دستگاههای تشویه

دستگاههای تشویه وابسته به نوع موادی که از آنها بدست می آید بدو دسته تقسیم میشوند بعضی از این دستگاهها مانند وژ — هوسبولدت نیکل — فرمان و تشویه بطریقه «طبقات متلاطم» محصول را بصورت پودر در می آورند در بعضی دیگر مانند دستگاه «دویت لوید» و دستگاه «تشویه بشقابی» محصول تشویه شد بصورت تکه است.

کوره طبقه ای وژ

از دستگاههای متداول باظرفیت زیاد است که از یک برج استوانه ای با قطر خارجی ۷/۵—۶ متر و از هفت طبقه تشکیل شده است. پوشش اصلی آن، مواد نسوز اسیدی است مواد ازطبقه فوقانی وارد می‌شود و بتدریج پائین امده و تشویه میشوند. یک کوره وژ با قطر ۶/۵ متر و ارتفاع ۱۰ مترمیتواند ۷۵ تن مواد سولفوره را در ۲۴ ساعت تشویه کند.

کوره هوسبولدت

کوره‌ایست مدرن و مجهز به یک بخار با توان ۸۰ تن در روز که گازهای حاصله از آن دارای ۱۲—۹ درصد «گازسولفورو» است. در این روش حرارت حاصله بر اثر تشویه مورد استفاده قرار میگیرد. از کوره‌های «وژ» و «هوسبولدت» برای تشویه ابتدائی استفاده میشود و سولفیدهایی با درصد گوگرد ۳۰—۲۰ درصد در این کوره‌ها به موادی با ۸ درصد گوگرد تبدیل میشوند.

کوره های تشویه با طبقات متلاطم

در کوره تشویه با «طبقات متلاطم» و کوره‌های مشابه مانند «نیکول، فرمان، تریل و گیشه» هوا از زیر دمیده شده، سنگ معدن با شناور شدن در محفظه، حالت مایع بخود می گیرد. در این روش برای جلوگیری از گرد و غبار، دانه‌ها نبایدخیلی ریز باشند (حدود ۶ میلیمتر).

برای تشویه «مات مس» نیز از این کوره میتوان استفاده کرد. مقدار «گازسولفورو»ی خروجی و حرارت حاصله زیاد است.

سایر کوره‌ها

از کوره نیکل فرمان فقط برای تشویه «پیریت» (سنگ معدن آهن) استفاده میشود. این کوره با ارتفاع ۹ متر و قطر ۴ متر و بارانداز ۲۰۰ تن در روز است. اندازه ذرات آن ۱ تا ۵ میلیمتر است.

کوره «تریل» با ذرات پودر به اندازه ۰/۰۸ میلیمتر کار میکند و تشویه کامل را انجام میدهد. مدت عمل ۴۰ دقیقه و قدرت این کوره وابسته باندازه آن ۱۰۰ تا ۵۰۰ تن در روز است. کوره «گیشه» مشابه کوره تریل بوده ولی راندمان آن ۲ درصد بیشتر است.

کوره ... مشابه کوره ... است. و توان آن بین ... تن در روز بوده و درصد گوگرد ... خروجی در حدود ... درصد است.

دستگاه دویت لوید

این دستگاه، اجسام را بصورت تکه‌ای تشویه میکند و سنگ معدن با ۸—۶ درصد گوگرد را به موادی با ۱/۵—۱ درصد گوگرد تبدیل میکند.

طول دستگاه حدود ۳۰ متر است و عملیات مخلوط کردن مواد احتراق اولیه و دمش هوا در طول باند انجام میگیرد. توان این دستگاه ... ۲۰۰ تن در روز میرسد برای تشویه شونده‌های

سرب، روی و مس از این دستگاه استفاده میشود.
در تشویه دو مرحله‌ای ابتدا تشویه ناقص در کوره طبقه‌ای [illegible] انجام می‌گیرد و سپس در دستگاه [illegible] تشویه کامل بعمل می‌آید. دستگاه تشویه [illegible] نیز مشابه دستگاه [illegible] است و عملیات تشویه در طول حرکت دورانی دستگاه انجام میشود.
سنگ معدنهای سولفیدی مهم فلزات عبارتند از:

۱ - گالن سولفور سرب.
۲ - بلاند سولفور روی
۳ - کالکوپیریت
۴ - پیریت
۵ - کالکوسیت

فلزاتی که سولفیدهای آنها فشار [illegible] بیشتری دارند میل ترکیبی کمتری نسبت به گوگرد دارند بعبارت دیگر در تجزیه یکسان سولفید هرچه فشار گاز سولفوروزی بیشتر باشد میل ترکیبی فلز با گوگرد کمتر است.

سیستم جدید رادیوئی دزدگیر و درباز کن

در سالهای اخیر برای جلوگیری از دزدی روشهای گوناگون مورد استفاده قرار گرفته [illegible] همراه بوده است.
استفاده از اتصال سیم و ایجاد صوت در زنگهای [illegible] و بعنوان اعلام خطر برای درقفل و سطوح آهنی و فلزی از دیگر روشهای معمول است.
همچنین تولید یک وسیله دزدگیر که با درباز کن همراه باشد، مانع [illegible] بخود مشغول داشت. چرا که بکارگیری این دستگاه میتواند از دو نظر مفید و سازنده باشد:
۱ - صاحب خانه با محل عبور و مرور وسیله را کنترل کند، درباز کن‌ها؛
۲ - افرادی را که خواهان ورود بمکان مورد نظر یا محل رفت و آمد هستند [illegible]

کنند و در را باز کند.
دستگاهی که در شکل می‌بینید، نخستین محصولی است که قادر است این دو کار را انجام دهد و در امریکا به قیمت [illegible] دلار بفروش می‌رسد.
سیستم این وسیله، ساده و [illegible] است [illegible] فوت ارتفاع [illegible] فوت مربع مساحت دارد.

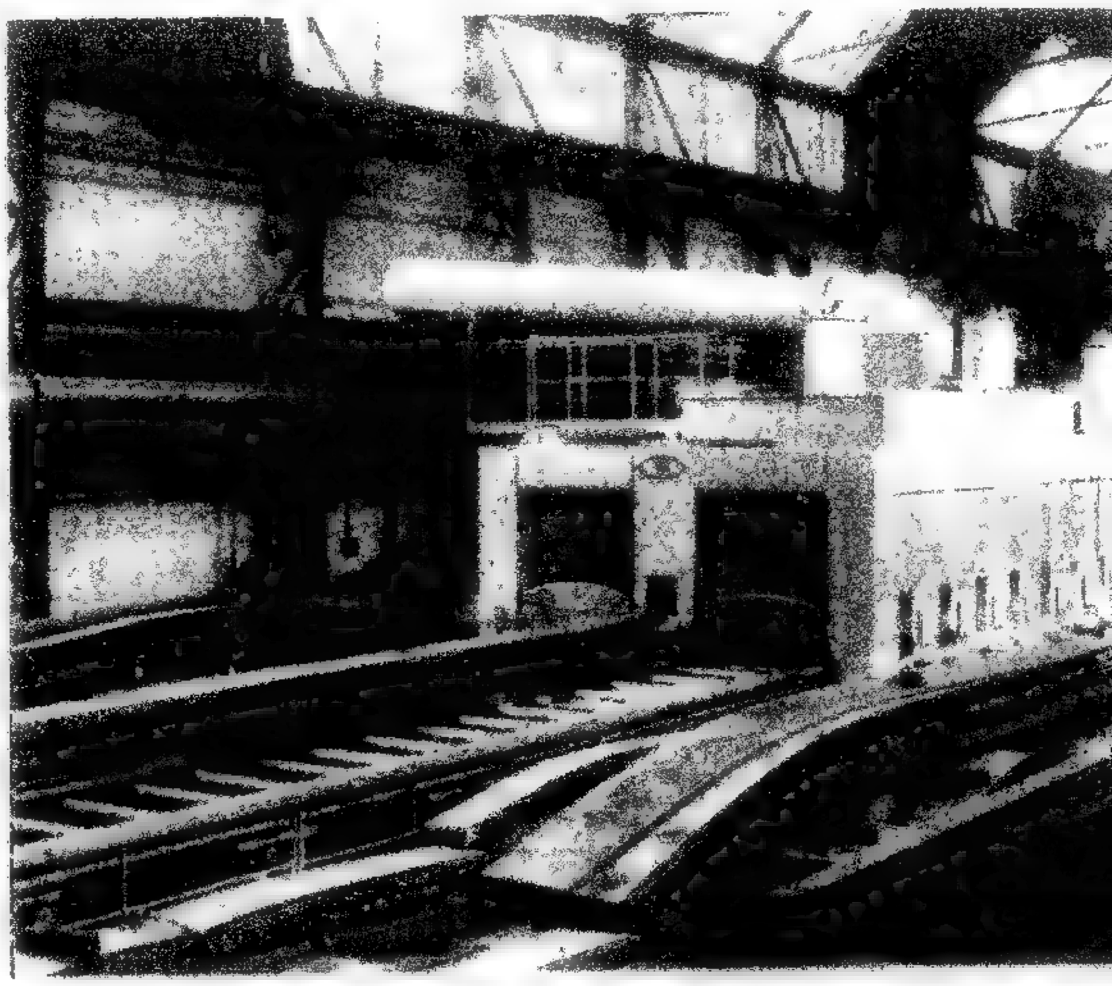

مسابقه دانش صنعتی

قابل توجه شرکت کنندگان در مسابقات دانش صنعتی «سیم کشی ساختمان، فلزکار ریخته گران و قالب کاران»

* نتایج مسابقات مربوط به سه رشته مزبور، پس از بررسی کامل در شماره آینده به چاپ خواهد رسید.
دوستان عزیز دیگری که پاسخ مربوط به پرسش مسابقه دانش صنعتی رشته تعمیر تلویزیون را فرستاده اند نیز در دست بررسی است که امیدواریم در نزدیکترین فرصت اعلام کنیم.

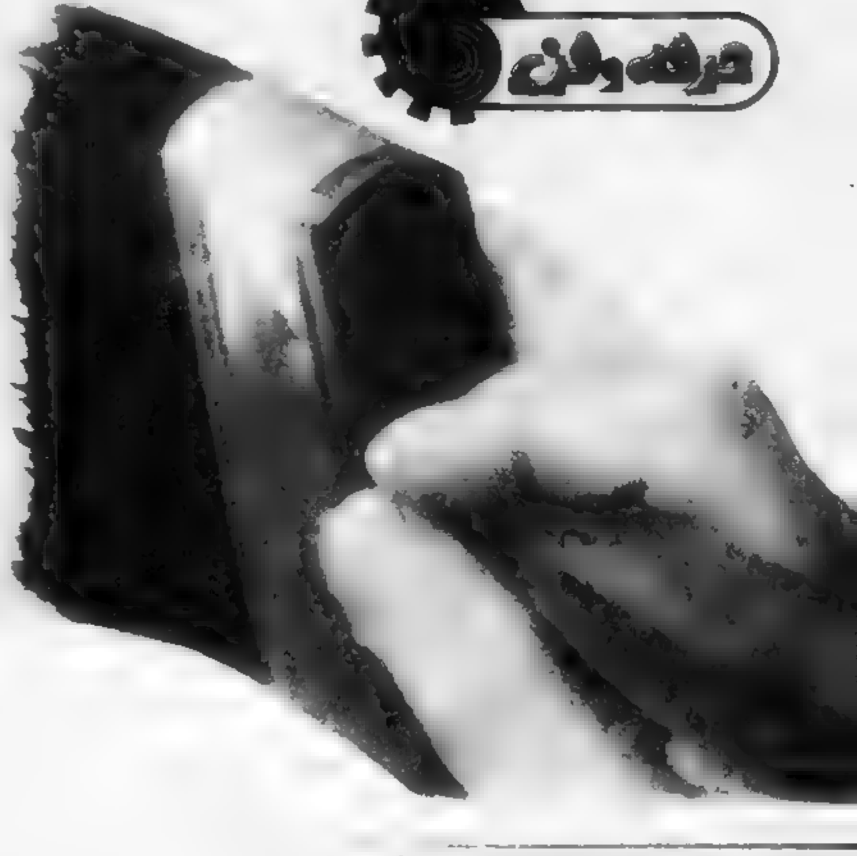

تحول جه

*در رنگ کاری با برق، رنگ« با ر»منفی

رنگرزی و رنگ کاری، یکی از مهمترین مراحل تولید و تهیه روکش های فلزی و لعابی بشمار می رود.

صنایع اتومبیل سازی و مراکز صنعتی تولید وسایل الکتریکی و الکترونیکی، همواره برای ایجاد یک سطح یا لایه مناسب و بجا در مورد محصولات خود پژوهش و مطالعه می کنند.

رنگ کاری با دست از جمله قدیمیترین روشهاست که با روی کار آمدن دستگاه های فشرده هوا، جهشی درخور توجه در تکنیک رنگ کاری پدید آمد.

هم اکنون یکی از کارخانه های امریکا شیوه جدیدی را در رنگ کاری دنبال می کند که به« رنگ کاری با برق» موسوم است.

کار شرکت « تونکا » ممکن است بنظر، یک بازی کودکانه بیاید ولی اینطور نیست. شرکت تونکا از هنگام تاسیس خود در ۲۰ سال قبل بصورت یکی از بزرگترین سازنده های کامیون درجهان درآمده است. اما کامیونهای شرکت تونکا از آنگونه کامیونهائی نیست که در خیابانها و جاده ها دیده میشوند. اینها کامیونهائی کوچکند که در اتاق بازی مورد استفاده کودکان قرار میگیرند. تنها ذکر کلمه تونکا کافی است که کودکان را به وجد آورد و والدین آنها را نیز خوشنود سازد.

اسباب بازیهای کارخانه تونکا بواسطه ویژگیهایشان با استقبال مصرف کنندگان روبرو شده است. کارخانه تونکا در«ماوند مینه سوتا» واقع است و درحدود ۳۵۰۰۰۰ اسباب بازی در هفته به بازار عرضه می کند. این کارخانه سالانه بیش از ۱۲۰۰۰ تن فولاد شماره ۲۰ و ۱۷۰ میلیون قطعات پلاستیکی ۵۰ میلیون تایر کوچک و ۵۰۰۰۰ گالن رنگ مصرف میکند.

«لویدلامن»، مدیر کارخانه تونکامیگوید « ما کوشش میکنیم کامیونهای اسباب بازی خود را همانند کامیونهای واقعی با دوام و قابل اطمینان بسازیم و بهمین سبب پرداخت کردن سطح ظاهری آنها و رنگ کاری از نوع عالی برای آنها ضروری است.

چگونگی انجام کار

تونکا با استفاده از شیوه جدید پرداخت فلزات و استفاده از تکنیک پیشرفته رنگ کاری این ضرورت را برآورده میسازد. پیش از رنگ‌کاری کلیه قطعات اسباب بازی از طریق یک سیستم پرداخت « تری کلن » عبورداده میشوند. این سیستم که بوسیله شرکت دوپونت ساخته شده ابتدا چربی فلز را می گیرد و آنرا تمیز و فسفاته میکند تا یک چسبندگی بسیار با دوام بین فلز و رنگ ایجاد شود و پس از رنگ کاری، محصول جلوه مناسبی پیدا کند. سپس قطعات تمیز شده را به حوضچه هائی میفرستند تا در یک لعاب با دوام غوطه ور شوند.

این پرداخت غیر سمی با « دونوکس » در واقع همان نوع رنگ کاری است که سالیان دراز برای اتومبیلها و کامیونهای بزرگ بکار میرود. قطعات غوطه ور شده در حوضچه ها سپس به جایگاه رنگ پاش الکتریکی حرکت داده میشوند. در آنجا رنگ پاش، رنگ را که دارای بار منفی الکتریسیته است روی بدنه قطعات که دارای بار مثبت الکتریسیته هستند میپاشد و نتیجه آن جذب رنگ بوسیله فلز است.

* هدف رنگ کاری با جریان برق فراهم ساختن سیستم جدید رنگ کاری
برای تأمین نیازمندیهای مدرن است

[illegible] رنگ کاری با جریان برق

[illegible] وفلز» بار. سبب دارد

مهندسان و کارگران شرکت تونکا حتی از این طرز پرداخت کاملا رضایت نداشتند. لذا چهار سال قبل آنها از شرکت دو پونت کمک خواستند تا مشکل رنگ کاری آنها را حل کند. «دایل هیتز» مسوول پرداخت قطعات میگوید:

«رنگ قسمتهای خارجی قطعات محصولات ما، عالی بود ولی از بابت ناهمواری رنگ قسمتهای داخلی اسباب بازیها کاملا راضی نبودیم.»

راه حلی که شرکت دو پونت پیشنهاد کرد پوشش الکتریکی نامیده میشود. این شیوه که برای اولین بار در سالهای ۱۹۳۰ در انگلستان بکار برده شد مشابه رنگ کاری معمولی است و در «فروبردن قطعات در حوضچه رنگ» خلاصه میشود. ولی این تشابه در همانجا خاتمه می یابد.

پوشش الکتریکی شامل عبور دادن جریان برق در محلول مایع رنگ است که طی آن رنگ کردن قطعات انجام میگیرد. قطعات فلز با بار مثبت الکتریکی بداخل بشکه رنگ که دارای بار الکتریکی منفی است فرو برده میشود. جذب دو الکتریسته باعث میشود که ذرات رنگ به حرکت در آمده و بطور مساوی و هموار روی تمام قسمتهای فلز بچسبند.

باتشخیص و مطالعه منافعی که چنین سیستمی ممکن است دربرداشته باشد کارشناسان شرکت دوپونت در اوائل سالهای ۱۹۶۰ کار آزمایشگاهی روی سیستم پوشش الکتریکی را شروع کردند. این کارهای آزمایشگاهی مزایای چندگانه پوشش الکتریکی را تائید کرد.

*عدم وجود آلودگی

لئوهولن، مدیر پرداخت کارهای صنعتی شرکت دو پونت مدعی است که سیستم های معمولی رنگ کاری. با پوشش الکتریکی شامل یک دوره پاک کردن فلزات قبل از فرو بردن آنها در بشکه بزرگ است. با این سیستم باید رنگهای زیادی را که چسبیده است از آن جدا کرد و دور ریخت و این امر باعث یکنوع آلودگی احتمالی است.

باسیستم جدید، قطعات رنگ شده را میتوان روی بشکه رنگ تمیز کرد. بااین روش نه تنها از آلودگی جلوگیری میشود بلکه رنگهای زائد دوباره به بشکه برمیگردد که این به نوبه خود ازلحاظ اقتصادی مقرون به صرفه است.

بنا به اظهارات هولن علاقمندی شرکت تونکا برای بهتر کردن شیوه رنگ کاری اسباب بازیها سبب شد که شرکت دوپونت آزمایش ده ای را شروع کند.

یک حوضچه مخصوص پوشش الکتریکی بظرفیت ۱۷۵۰ گالن پر از محلول رنگ مخلوط «پولی لستر» در ماه ژانویه ۱۹۶۹ در شرکت تونکا کارگذاشته شد. اکنون پس از چهار سال آن حوضچه با ظرفیت کامل مشغول کار است.

حوض بزرگ رنگ کاری

شرکت جنرال موتورز از چند سال پیش تعهدات سنگینی برای رنگ کاری الکتریکی پذیرفته است. این شرکت از این سیستم برای رنگ کاری اولیه بدنه و قطعات فلزی استفاده میکند. قطعاتی که باوسایل الکتریکی رنگ زده میشوند علاوه بر دوام در برابر زنگ زدگی و فرسایش نیز استقامت بیشتری دارند.

یکی از بزرگترین واحدهای رنگ پاش الکتریکی دوپونت که در حال حاضر مشغول بکاراست در بخش توزیع لوازم اتومبیل جنرال موتورز در «درایتون پلینز میشیگان» قرار دارد. حوضچه رنگ آن تقریباً باندازه سه چهارم یک میدان بازی بسکتبال طول دارد ودارای ۴۰۰۰۰ گالن رنگ دوپونت است که باآب رقیق شده است.

وسعت محصولات

درحال حاضر ۵۰۰۰ لوازم فلزی اتومبیل باضافه چندین هزار قطعات کوچک متفرقه فلزی ماهانه رنگ کاری الکتریکی میشوند. در واقع در عرض یک نوبت کار روزانه سیستم مزبور قادر است یک پوشش رنگی به ضخامت پنجدهم تا هفت دهم میلیمتر روی ۱۳۰۰ گلگیر ۸۳۸ درب اتومبیل و ۸۴۰ صفحه فلزی باضافه مقداری لوازم متفرقه قرار دهد. نوار نقاله این واحد ۹۰۰ متر طول و تخمیناً ۹ متر در دقیقه سرعت دارد. رنگ کاری بوسیله تکنولوژی جدید ارزان، با دوام و برای محیط بی ضرر است. این نیز یکی از سیستم های جدید است که برای هدف مشترکی مورد استفاده قرار میگیرد یعنی «فراهم کردن سیستم مدرن رنگ کاری برای تأمین نیازمندیهای مدرن.»

ژنراتورمولد برق بادستگاه کنترل خود کار

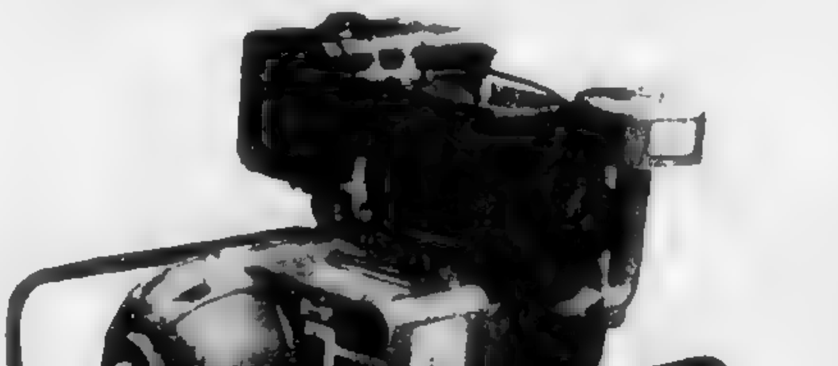

تامین نیروی برق در بسیاری از مناطق دورافتاده و جاهایی که به شبکه های انتقال نیرو دسترسی نیست، همواره به عنوان یک مشکل عمده برای فعالیتهای گوناگون صنعتی و کشاورزی بشمار رفته است.

همچنین دسترسی به جریان برق در زمان قطع برق شهری در کارخانه ها و مراکز عمده تولیدی نیز یکی دیگر از اشکالات و عوامل کاهش دهنده بازدهی منابع ماشینی بوده است.

ژنراتور کوچکی» را که در اینجا مشاهده می کنید دارای قدرت تولیدی ۳۵۰۰ وات وبرق ۲۳۰ ولت است. این ژنراتور بافرکانس حدود ۱۸۰ سیکل برثانیه کارمی کند. این دستگاه مولد برق، یکی ازجالبترین منابع تولید نیروست که جدا از سهولت کاربردیش در مناطق گوناگون روستایی وصنعتی، باداشتن یک سیستم کنترل کننده، حفاظت ویژه ای را بدنبال خود دارد.

البته گفته می شود که در آینده، سیستم این ژنراتور کامل تر وسازنده تر خواهد شد و به عنوان یک وسیله مناسب تولید برق درمواقع اضطراری بکار گرفته می شود.

این دستگاه به نام ((119 H YSS-2B)) به بازار نیویورک عرضه شده ویک مدار اتوماتیک را نیز به همراه دارد

وجود دستگاه کنترل کننده وهماهنگی سیستم این ژنراتور با «کد»های الکتریکی بین المللی، ازجمله امتیازهای دیگر دستگاه مولد برق «119 H Y» بشمار می آید.

و

روش مغناطیسی
جالب

***دانه‌بندی مهم‌ترین مرحله درامر تولیدوتهیه فرآورده های فلزی معدنی بشمارمیرود**

دانه‌بندی و تنظیم ابعاد سنگ ریزه های معدنی ،از دو نظر مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرند:

۱—از آنجا که این مرحله ،آخرین مرحله استخراج سنگ‌معدن و آماده سازی مواد معدنی بشمارمیرود.

۲— بواسطه اهمیت این مرحله بعنوان نخستین فعالیت برای تهیه فلز در کارخانه‌های ذوب و گداز فلزات و تولید فرآورده‌های گوناگون در کارخانه های ذوب‌آهن ومس.

با تکیه براین دونکته است که دراین شماره چگونگی دانه‌بندی در صنعت‌معادن را مورد بحث قرارمیدهیم تا تکنیسین های معدن و کارگران استخراج معادن آشنایی و دانش‌بیشتری در فعالیتهای خود کسب کنند.

تنظیم ابعاد

تنظیم ابعاد دانه‌ها—مواد خروجی ازسنگ شکن‌ها اندازه‌های یکسانی ندارند و برای انجام عملیات بعدی در این مرحله از تکنیک تغلیظ مواد ،دانه‌ها را برحسب اندازه ابعادشان‌دسته‌بندی میکنند. این عمل بوسیله غربالها درحالت خیس یا خشک و یا در« کلاسیفایرهائی» که بطریق خیس کارمیکنند یا بوسیله دستگاههائی که با جریان هوا کار میکنند، انجام‌میگیرد. در صنعت تغلیظ معمولا دانه‌ها به سه دسته رده‌بندی میشوند

الف— دسته بندی دانه‌های درشت که بعدشان از ۰. ۱ میلیمتر بیشتر است و معمولا به وسیله دستگاههای «روست» انجام میگیرند.

ب— دسته بندی دانه‌های متوسط که اندازه دانه‌ها بطور متوسط بین ۱ تا ۰. ۱ میلیمتر است و این رده‌بندی توسط غربالها انجام پذیر است.

پ— دسته بندی دانه‌های ریز که توسط نوعی از غربالهای ریز یا اغلب بوسیله « کلاسی فایرها» و دستگاههائی که با جریان هوا کار میکنند عملی است.

غربالهای دانه‌بندی

غربالها دانه‌هائی را که اندازه معینی دارند جدا میکنند. بدیهی است که اگر دانه‌ها بصورت عمودی روی سطح غربال ریخته شوند عمل جدا کردن بیشتر صورت میگیرد. ولی درصورتی که دانه‌ها بصورت افقی روی غربال انتقال یابند غربال دارای راندمان کمتری است. زمان عبور دانه‌ها از سوراخهای غربال مقدار معینی است که بتعداد سوراخهای غربال در واحد سطح ، ابعاد نسبی ذرات و نوع حرکت دانه‌ها بستگی دارد زمان غربال کردن با اندازه سوراخهای غربال نسبت عکس دارد یعنی هرچه سوراخها تنگ‌تر باشد ،دانه‌ها تندتر غربال میشوند. درهرحال برای بهره‌برداری بیشتر ازغربال بایستی زمان غربال کردن راافزایش داده تادانه‌های ریز کاملاجداشوند.

تغلیظ کردن مواداولیه

سنگهای معدنی کم‌عیار را میتوان با روش‌های فیزیکی و شیمیائی تغلیظ کرد. پرعیار کردن سنگهای معدنی عبارتست از «جدا کردن هرچه بیشتر قشر گانگ از قسمت فلزی سنگ معدن» این عمل با استفاده از ویژگیهای فیزیکی اجسام ، وزن‌مخصوص، سختی، قابلیت نفوذ‌پذیری ، قابلیت هدایت الکتریکی و با استفاده از اختلاف فشار سطحی بین قشرگانگ و قسمت فلزی سنگ معدن صورت میگیرد و در هرحال وضع شیمیائی سنگهای معدنی تغییر نمیکند.

پرعیار کردن سنگ‌معدن

براثر پرعیار کردن سنگهای معدنی گاهی اوقات محصولات دیگری نیز بدست می‌آید که جداگانه پرعیار میشوند.

پرعیار کردن سنگهای معدنی براساس و مبانی زیرصورت میگیرد.

روش سنگ‌جوری

این روش عمل پرعیار کردن سنگ معدن بوسیله دست و تشخیص کارگر انجام میشود یعنی سنگهای مرغوب و غنی ازقشرگانگ جدامیشوند.

روش ثقلی

این روش براساس اختلاف سرعت ته‌نشین شدن اجسام که از اختلاف وزن‌مخصوص آنها حاصل میشود دنبال می‌گردد.

استفاده‌ازخاصیت‌اصطکاک

جدا کردن براساس اختلاف خاصیت اصطکاک در جسم و یا بعبارت دیگراختلاف سرعت جسم روی یک سطح شیب‌دار که بوسیله دستگاه‌های بنام میز انجام می‌گیرد. میزها دستگاه‌هائی هستند که برای جدا کردن دانه‌های مواد کانی مورد استفاده قرارمیگیرند. دراین دستگاه‌ها (که بصورت صفحه‌ای‌شیبدار و شیاردار هستند) آب با جریان افقی حرکت میکند. شیب این سطح خیلی کم است و جنس آن ممکن است چوب یا سیمان باشد. هنگامی که آب توأم با مواد معدنی روی سطح شیبدار ریخته

وش دانه بندی است

میشود دانه های سنگین روی میز مانده و دانه‌ـ های سبک همراه با آب از انتهای شیب خارج می‌شوند میزها دستگاه‌هائی ساده و ارزانی هستند که راندمان آنها کم‌است و برای جدا کردن دانه‌های کم عیار حدود «یک‌درصد مورد استفاده قرار میگیرند. راندمان میزها حداکثر ۵۰ درصد است و برای مواد کانی فقیر استفاده از آن کاملا به صرفه است. میزها ممکن است بصورت بشکل دایره یا مستطیل یادوزنقه باشند.

استفاده از محلولهای ویژه

روش استفاده از محلولهای واسطه که وزن مخصوص آنها قابل تنظیم است، به‌دوصورت انجام می گیرد:

۱ — پرعیار کردن توسط محلولهای سنگین
دراین روش کانیهائی که اختلاف وزن مخصوصشان زیاد است از یکدیگر جدامیشوند این کانیها پس از خورد شدن و دانه بندی بداخل محلولی که وزن مخصوص معینی دارد ریخته میشوند. برای اینکه جداشدن راندمان— بهتری داشته باشد در تنظیم ابعاد سعی میشود که ذرات توام را بحداقل برسانیم.

۲ — پرعیار کردن بوسیله محلولهای سبک که بعضی اوقات مورد استفاده قرارمی گیرد

درحالت‌خاصی که وزن‌مخصوص کانی با وزن‌مخصوص محلول مساوی باشد ذرات کانی درمحلول معلق میمانند.

اجسام از نظر هدایت الکتریکی به سه دسته تقسیم میشوند.

الف — اجسام هادی — هادیها، جریان برق را بخوبی از خود عبور می دهند. دراین گروه اجسامی قرار دارند که بسرعت الکترونهای خود را جابجا کرده، بار الکتریکی مثبت یا منفی روی سطح خود پدید می آورند. فلزات و اکثر سولفورهای فلزی دراین گروه هستند.

ب — اجسام غیرهادی — غیرهادیها، جریان‌برق را ازخود عبورنمی دهند وجابجاشدن الکترونها در روی‌سطوح آنها با مشکل بوده و یا مدت‌زمان‌بیشتری لازم دارند.

پ — اجسام نیمه هادی — این اجسام مابین دوگروه‌فوق قراردارند.

هدایت بستگی به میدانی دارد که جسم درآن قرارگرفته چنانچه ممکن است یک جسم که دریک میدان الکتریکی ضعیف، غیرهادی است اگر دریک‌میدان الکتریکی قوی قرارگیرد تبدیل به یک‌جسم هادی‌میشود. الکترونهائی که در روی سطح یک جسم هادی متمرکز شده‌اند درصورت تماس با یک‌جسم هادی‌دیگر به‌آسانی میتوانندمنتقل شوند

بطور کلی در عمل از این پدیده استفاده میشود که —«اگر جسمی هادی دریک میدان الکتریکی قرارگیرد الکترونهای داخل جسم در یک ظرف سطح متمرکز و بدین صورت یکطرف جسم بارمثبت‌وطرف دیگر دارای بارمنفی جمع می‌شود. و مجموع بارهای مثبت و منفی صفر خواهدشد.

اگر صفحه‌ای داشته باشیم که به شدت مثبت‌شده باشد، این صفحه ذرات دیگری را که تحت میدان الکتریکی آن واقع و از یک طرف منفی و ازطرف دیگر مثبت‌شده‌اند به خودجذب می کند و بمحض اینکه این ذره با صفحه با بار مثبت تماس حاصل کرد درصورت هادی‌بودن بلافاصله بارمنفی خود را ازدست داده و دارای بارمثبت‌می‌شود. دراین موقعیت هم صفحه وهم ذره هم‌بارو دارای بارهای‌مثبت هستند درنتیجه همدیگر را دفع می کنند. اگر جسم‌نیمه‌هادی باشد همین اعمال اتفاق میافتد لیکن مدت زمان بیشتری برای دفع ذره از روی صفحه لازم خواهد بود. جداکننده الکترواستاتیکی برمبنای همین خاصیت اختلاف سرعت هم‌بار شدن اجسام هادی‌و نیمه هادی با یک‌منبع بارمثبت وجدا شدن‌از آن‌ساخته شده‌است.

جداکننده های‌مغناطیسی

جداکننده‌های مغناطیسی دستگاههائی هستند که دانه‌ها را برحسب‌خواص مغناطیسی دسته‌بندی میکنند. دراین دستگاهها ذرات مواد کانی تحت اثر عنوان— مغناطیسی از هم جدا میشوند.

چون کانیها خاصیت مغناطیسی یکسانی ندارند، فقط آن دسته از مواد معدنی دراین دستگاهها مورد استفاده قرار میگیرند که خاصیت مغناطیسیشان کافی و قابل ملاحظه باشد. درهرحال شدت میدان مغناطیسی دستگاه، با خاصیت مغناطیسی مواد نسبت عکس دارد. برای مطالعه خواص مغناطیسی مواد معدنی قابلیت نفوذ مغناطیسی آهن را ۱۰۰ درصدفرض کرده و سایر مواد را با آن مقایسه میکنند. بطور کلی این اجسام را میتوان بصورت زیر دسته‌ـ بندی کرد.

۱ — اجسام «پارامانیتیک» که خواص مغناطیسی خوبی داشته و بخوبی توسط آهن ربا جذب میشوند.

۲ — اجسامی که خاصیت مغناطیسی متوسطی دارند.

۳ — اجسام «دیامانیتیک» که خاصیت مغناطیسی نداشته و توسط آهن ربا جذب نمیشوند

از تعاونی و شرکتهای تعاونی چه میدانید

از: حسین سالکی

زندگی خوش‌تر درسایه شرکت تعاونی اعتبار

در این مدرسه، ضمن دروس مختلف، موضوع شرکت تعاونی ومنافع پس انداز را هم به شاگردان می‌آموزند....

این زن و شوهر ...

از آنجا که وی در شرکت تعاونی اعتبار محل سکونت خود عضو بود موضوع را با مدیرعامل شرکت درمیان گذاشت مدیرعامل شرکت نیز بی درنگ هزینه عمل را بعنوان وام در اختیار پدر گابال قرارداد تا او بتواند زندگی دختر خود را ازمرگ رهائی بخشد.

همکاران گابال نیز داوطلب شدند بخاطر دوست خود فداکاری کرده وهریک مقداری از خون خودرا به بیمارستانی که وی قرار بود در آنجا عمل شود هدیه کنند تا پزشکان جراح فارغ از نگرانی ناشی از خونریزی زیاد بتوانند در فرصت کافی عمل جراحی را با موفقیت بانجام رسانند.

پدرگابال از اینکه توانست با کمک وام دریافتی از شرکت تعاونی زندگی دختر خود را ازمرگ حتمی نجات دهد بشدت تحت تأثیر اهمیت وجودی شرکت تعاونی قرار گرفت واز آن پس تمام زندگی خود را وقف پیشرفت وتوسعه بیشتر آن شرکت نمود تااینکه سرانجام بعنوان مدیرعامل آن انتخاب گردید.

برای گابال نیز که توانست بااستفاده از کمک‌های شرکت تعاونی قلب سالمی داشته باشد حقیقت وجودی شرکت تعاونی اعتبار بصورت داستانی دلپذیر واز یاد نرفتنی جلوه کرد و بهمین دلیل جهت او باقلبی سالم وپراز احساس خود را سهامگزار شرکت تعاونی اعتبار میداند که نقش زندگی بخشی درسلامت قلب گابال ایفا نموده است.

زندگی خوش تر درسایه شرکت تعاونی اعتبار

خدمات وتعالیم شرکتهای تعاونی اعتبار راه زندگی بهتر و خوش‌تر را به میلیونها نفر اعضاء این قبیل شرکتها آموخته است.

فرانک کارول از ساکنین ایالت فلوریدای آمریکا است. او ازوقتی که در شرکت تعاونی اعتبار محل سکونت خویش عضویت یافته بخوبی توانست راه صرفه‌جوئی وپس‌انداز را بیاموزد. پولهائیکه فرانک در شرکت تعاونی اعتبار پس‌انداز کرده بود بمیزانی رسید که وی توانست دست همسر خود را بگیرد وبا استفاده از پس اندازش مدتی در قاره اروپا بسیر وسیاحت بپردازد. روشی که آقای فرانک در کار پس‌انداز وصرفه‌جوئی بکار می‌برد او را بصورت فردی نمونه و زبانزد خاص وعام جلوه داد ودرتاریخ پیدایش شرکتهای تعاونی اعتبار وپس انداز شهره گردید.

درتمام روزهای سال هرگاه که درشرکت تعاونی بازبود «کارول» بدانجا مراجعه میکرد ومبلغی از پول خودرا بعنوان سپرده در شرکت تعاونی پس اندازمیکرد.

بایدگفت درواقع این همسر آقای کارول بود که شوهرش را به پس اندازتشویق میکرد. زیرا خانم «کارول» خود نیز درشرکت تعاونی اعتبار وپس اندازعضویت داشت.

پسر خانم وآقای کارول در اسپانیا اقامت داشت. این زن و شوهر ازوقتی به پس‌اندازمستمر علاقهٔ بیشتری پیدا کردند که فرزندشان آنان را بدیداری از اسپانیا ودیگر شهرهای اروپا دعوت کرد.

بالاخره وقت آن رسید که کارول وهمسرش بار سفر را به بندند ولی کارول بجای آنکه سهم خود رااز شرکت تعاونی پس بگیرد وآنرا صرف هزینه سفر نماید با اعتباری که درشرکت تعاونی داشت توانست ازشرکت وام دریافت کند وباین ترتیب بهمراهی همسرش مدت یکماه قاره اروپا را زیرپا گذاشت وخاطرات ازیاد نرفتنی زیادی باخود آورد. او با این برنامه درواقع به اعضاء شرکت تعاونی اعتبار و افراد غیرعضو آموخت که چگونه باید مقداری از درآمد خود را درشرکت تعاونی اعتباری که عضویت آنرا دارند پس‌انداز کنند تا درموقع ضروری بتوانند از این پس‌اندازها استفاده کنند.

... به دانشگاه راه یابند

این روزها ثبت نام درموسسات عالی آموزشی اروپا و آمریکا مشکل عمده‌ای برای دانشجویان و خانواده‌هایشان محسوب میشود. اما «لوسیل مار اویلا» از اهالی کلورادوی آمریکا توانست این مشکل را به‌آسانی حل کند وبرای ادامه تحصیل، بموقع وارد دانشگاه شهر خود شود، زیرا او قبل از اینکه بسن دانشگاه رفتن برسد، ازشرکت تعاونی اعتباری که درآن عضویت داشت درس صرفه‌جوئی و پس انداز را بخوبی آموخته بود.

طبق قرارومداریکه مدرسه «لوسیل» باشرکت تعاونی اعتبار زادگاه وی گذاشته بود دانش‌آموزان می‌بایست درشعبه شرکت تعاونی مدرسه خود عضوشوند و هر کدام مبلغی از پول توجیبی روزانه خود را درصندوق پس‌انداز تعاونی مدرسه ذخیره کنند تا ادامه تحصیل آنها درآینده با اشکال روبرونشود.

«لوسیل» هفت‌ساله بود که برای اولین بار مبلغی را بعنوان پس‌انداز بصندوق شرکت تعاونی مدرسه خود سپرد.

شرکت تعاونی اعتبار شهر نیز برای توسعه فعالیت خود در نظر گرفت به‌آموزش و پرورش شهر توصیه کند که ضمن سایر درسهای مدرسه مثل حساب — هندسه — تاریخ — جغرافی — خواندن و نوشتن موضوع شرکت تعاونی و منافع پس‌انداز را هم بشاگردان بیاموزند وجوانان را با اهمیت آن آشنا سازند.

آیا این کار عملی بود؟ آری، شرکت تعاونی اعتبار «مونت کارمل» بطورمتوسط هرسال ۹۰۰ عضو جوان کمتراز ۱۲ سال می‌پذیرفت و برای شاگردان خود برنامه پس‌انداز اجرا میکرد. «لوسیل مارآویلا» نیز ازجمله دانش‌آموزان نمونه‌ای بود که توانست درس صرفه‌جوئی و پس‌انداز را بخوبی یاد بگیرد. او برای اولین مرتبه ازحساب پس‌اندازمدرسه برداشت کرد واین برداشت بخاطر آن صورت گرفت که وی تصمیم گرفت در کالج ایالتی کلورادوی جنوبی ثبت نام کند وازمحل پس‌انداز دوران متوسطه برای پرداخت هزینه تحصیلی کالج استفاده نماید.

اینهم نمونه دیگری از خدمات یک شرکت تعاونی اعتبار و پس‌انداز است که اگر ما هم از همین امروز برای تشکیل و عضویت درآن دست بکارشویم، دیر یازود بهمان نتیجه‌های درخشانی میرسیم که دیگران رسیده‌اند.

* * *

شرکتهای تعاونی اعتبار بهترین یاوروسند کار زندگی

در بالا، درباره نقش شرکت تعاونی اعتبار بعنوان سنگ زیر بنای یک شرکت تعاونی چه مصرف باشد و چه تولید کم و بیش مطالبی نوشتیم ویادآوریهائی نیز کردیم. آنچه فرد و جامعه را دچار تنگناهای مالی میسازد پیش‌بینی نکردن برای روزهای مباداست. این موضوع چه درمورد فرد و چه درمورد اجتماع تفاوتی نمی کند. که اگر هریک بخواهند برای خود آینده بهتری بسازند، باید امروز بفکر فردا باشند. آینده‌نگری در هر زمینه کاری است عاقلانه وپسندیده. هیچ فرد آینده‌نگر در نمی‌ماند واز اینکه هر روز بفکر فردای خود است حداقل زیانی نخواهد دید. درحقیقت دنیای فردا بکسانی تعلق دارد که امروز درفکر آن هستند. یکی از لوازم اولیه آینده‌نگری پس‌انداز وصرفه‌جوئی است. باین معنی که هرچه امروز بدست میآوریم نباید همه آنرا همین امروز مصرف کنیم. باید مقداری از دست آوردهای امروزی را برای فردا کنار بگذاریم، یعنی آنرا پس‌انداز کنیم. برخی ازمردم ممکن است باخود بگویند از درآمد کم مگر میشود پس‌انداز هم داشت؟ بی‌شک پاسخ این پرسش مثبت است. بقول معروف از همین قطرات کوچک آب است که آبگیرهای بزرگ پدید آمده ودریاها کم آب و خشک نمیشوند.

پس اگر عده‌ای ازما همان مبلغ‌های کوچک را رویهم گذاریم ویک صندوق تعاونی پس‌انداز تاسیس کنیم ازمجموع پس‌اندازهای کوچک بکارهای بزرگی میتوان دست زد. بانکهای بزرگ نیز ازسپرده‌ها وپس‌اندازهای کوچک اشخاص اداره میشوند وچرخ مالی اقتصادیات مملکت را بگردش وامیدارند.

باین ترتیب منطق زندگی مادی وتدبیر ودرایت اقتصادی وعقل معاش حکم میکند که پیش ازتشکیل هرگونه شرکت تعاونی دیگر نخست همت وکفایت ودانائی خود را بوسیله شرکت تعاونی اعتبار بیازمائیم وسپس بامغزی آماده از دانش مدیریت وهمکاری وبادستی پر از امکانات مالی به‌تاسیس شرکتهای تعاونی تولید ومصرف مبادرت ورزیم.

قدرت عظیم مالی شرکتهای تعاونی ایالات متحده امریکا و کانادا مرهون شرکتها ـ صندوقها واتحادیه‌ها وفدراسیونهای تعاونی اعتبار آن کشورها میباشند. درحقیقت کشاورزی مدرن وپیشرفته امریکا وکانادا برروی پایه‌های مستحکم اتحادیه‌های تعاونی اعتبار آن دیار بنا گردیده است وازهمین رو است که بهترین وفراوان‌ترین محصولات کشاورزی را ببازارهای داخلی وخارج عرضه وصادر مینمایند.

صندوقهای پس‌انداز تعاونی وشرکتهای تعاونی اعتبار ممالک مذکور کافی‌ترین خدمت‌ها را بکشاورزان آن خطه عرضه میدارند. از معجزات این نوع شرکتهای تعاونی، خدمات مربوط به بیمه متقابل است، ودرسایه آن هزاران نفر از مردم که بنحوی بعد از تولدشان علیل وناتوان گردیده‌اند با استفاده از کمکهای این نوع بیمه از بدبختی نجات یافته و می‌یابند.

دنیای صنعت وتکنولوژی بهمان اندازه که موجبات آسایش بیشتری را برای جامعه بشری ارمغان آورده کم وبیش خطرات زیادی راهم بهمراه دارد. وقتی هواپیمائی سقوطی کند، یاقطار

بقیه درصفحه

از دکتر حیدرقلی عمرانی — رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

کمک نقدی که علاوه بر غرامت دستمزد در زمان بیماری پرداخت میشود

..... تا به امروز حقوق بشر فقط مفهوم مساوات افراد را از لحاظ سیاسی و قضائی داشت، ولی در دنیای ما دیگر حقوق سیاسی بدون حقوق اجتماعی و عدالت قضائی بدون عدالت اجتماعی و بالاخره دموکراسی سیاسی بدون دمکراسی اقتصادی مفهوم واقعی ندارد....

از فرمایشات شاهنشاه آریامهر هنگام گشایش کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران ۲ اردیبهشت ۲۵۳۷ شاهنشاهی

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه شدگان از مزایای قانون تأمین اجتماعی رستاخیز کارگران، هر هفته ضمن گفتگو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون تأمین اجتماعی وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و فلسفه وجودی هر یک از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می توانند نظرات وحتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را درهمین صفحه ملاحظه کنند.

قبلا ترتیب محاسبه و میزان پرداخت غرامت دستمزد درحالات مختلف توضیح داده شد، بطور خیلی خلاصه:

۱) غرامت دستمزد از اولین روزی که بیمه شده بر اثر حادثه یا بیماری حرفه‌ای به تشخیص سازمان تأمین خدمات درمانی (پزشک معالج یا درمانگاه یا بیمارستان محل معالجه) قادر بکار نباشد پرداخت میشود.

۲) درمواردی که باقتضای نوع بیماری در بیمارستان بستری شود غرامت دستمزد از روز چهارم عدم اشتغال بکار بشرط اینکه تحت درمان سرپائی (غیر بستری) باشد، پرداخت میگردد.

۳) پرداخت غرامت دستمزد تا زمانی که بیمه شده به تشخیص سازمان تأمین خدمات درمانی قادر بکار نباشد و از کار افتاده شناخته نشده باشد ادامه خواهد یافت.

۴) میزان غرامت دستمزد بیمه شده‌ای که دارای همسر یا فرزند یا پدر و یا مادر تحت تکفل باشد معادل سه چهارم آخرین مزد یا حقوق روزانه او و به بیمه شده‌ای که همسر یا فرزند یا پدر و مادر تحت تکفل نداشته باشد معادل دوسوم آخرین مزد یا حقوق روزانه او پرداخت میشود.

درمواردی که این گونه بیمه شدگان به هزینه سازمان تأمین خدمات درمانی بستری شوند میزان غرامت دستمزد آنان به نصف آخرین مزد یا حقوق روزانه تقلیل پیدا میکند.

۵) درمواردی که بیمه‌شده‌ای برای معالجه به شهرستانی جز شهرستان محل اقامت خود اعزام محل اقامت گردد واو را بستری نکنند (بطور سرپائی تحت درمان قرار گیرد)، علاوه برغرامت دستمزدی که باو تعلق میگیرد معادل همان مبلغ غرامت دستمزد روزانه نیز بعنوان هزینه اقامت باو پرداخت میشود. لازم به توضیح نیست که این رقم اضافی که برابر است با صددرصد غرامت دستمزد استحقاقی بیمه‌شده بمنظور جبران هزینه‌هائی پرداخت میشود که بیمه‌شده درمحلی دور از شهر وخانه خود متحمل میگردد.

۶) در مواردی که لازم باشد کسی بیمار را در سفر و محل غیر از محل اقامت او همراهی کند، هم هزینه سفر این شخص پرداخت میشود وهم روزانه معادل نصف حقوق یا دستمزد بیمه شده باو پرداخت خواهد شد.

۷) منظور از آخرین مزد یا حقوق روزانه بیمه‌شده که مبنای محاسبه غرامت دستمزد ایام بیماری میباشد عبارتست از جمع کل دریافتی بیمه‌شده که مأخذ محاسبه حق بیمه بوده است در آخرین نود روز قبل از شروع بیماری تقسیم بر روزهای کار. به بیان دیگر اگر بیمه‌شده‌ای بحکایت صورت مزد یا حقوق و یا گزارش بازرسی سازمان تأمین اجتماعی در نود روز قبل ازشروع بیماری و عدم اشتغال بکار فرضاً روزانه چهارصد ریال دریافتی بعنوان مزد یا حقوق داشته است، جمع کل دریافتی او در مدت نود روز که در این حالت ۳۶٬۰۰۰ ریال میشود بر تعداد روزهائیکه طی نود روز مورد محاسبه کار کرده است تقسیم میشود وحاصل آن بعنوان آخرین مزد یا حقوق بیمه‌شده مأخذ احتساب میزان غرامت دستمزد استحقاقی قرار میگیرد.

در اینجا لازم است یاد آور شود که دریافتی عده‌ای از بیمه‌شدگان درقبال انجام کار بصورت مزد یا حقوق معین نیست. به بیان دیگر درقبال کاری که ساعتی یا روزانه یا هفتگی یا ماهانه انجام میدهند رقم معینی بعنوان مزد یا حقوق دریافت نمیکنند بلکه به نسبت میزان کار ومحصولی که ارائه میدهند حق الزحمه نقداً و یا مقداری کالا دریافت میکنند. این نوع کار را در حقوق کار و درعرف روابط کار، «کارمزد» میگویند. محاسبه غرامت دستمزد اینگونه بیمه شدگان طبق قسمت اخیر ماده ۶۳ قانون تأمین اجتماعی باین ترتیب صورت میگیرد که جمع کل دریافتی بیمه شده از محل کارمزد در آخرین نود روز قبل ازشروع بیماری که بمأخذ آن حق بیمه دریافت شده است برعدد نود تقسیم میشود وحاصل این محاسبه مبنای احتساب غرامت دستمزد قرار میگیرد ولی چنانچه این رقم از غرامت دستمزدی که به حداقل مزد کارگر عادی تعلق میگیرد کمتر باشد معادل غرامت دستمزد اخیرالذکر به بیمه شده پرداخت میشود.

موضوع دیگری که در مورد غرامت دستمزد بیمه شدگانی که بطور کارمزد کار میکنند لازم است توضیح داده شود، عبارتست از اینکه امکان دارد بیمه شده در طول مدت نود روز قبل ازشروع بیماری جدید خود احیانا ایامی را بعلت بیماری وعدم اشتغال بکار کارکردی نداشته و درقبال آن «کارمزدی» دریافت نکرده باشد درانصورت جمع کل دریافتی که باید بر عدد نود تقسیم شود احتمالا رقمی ناچیز خواهد بود و درنتیجه حاصل محاسبه که بعنوان آخرین مزد یا حقوق مأخذ احتساب غرامت دستمزد قرار میگیرد مبلغ قابل ملاحظه‌ای نخواهد بود، لهذا در قانون تأمین اجتماعی همانطور که شأن ومنزلت این قانون است برای جلوگیری از زیان بیمه شده پیش بینی لازم بعمل آمده است کما اینکه در قسمت اخیر ماده ۶۳ قانون تأمین اجتماعی مقرر میدارد در صورتیکه بیمه شده دریافت کننده کارمزد ظرف سه ماه قبل ازشروع بیماری مدتی از غرامت دستمزد استفاده کرده باشد متوسط دستمزدی که مبنای محاسبه غرامت دستمزد قرار گرفته است به منزله دستمزد روزانه ایام بیماری تلقی میشود و در محاسبه غرامت دستمزد بیمه‌شده بیمار منظور میگردد.

ضمناً مواردی وجود دارد که طبق قوانین و مقررات دیگری، غیر از قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، کارفرمایان مکلفند حقوق یا مزد بیمه شدگان بیمار را پرداخت کنند که البته در این موارد باستناد ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی سازمان تعهدی برای پرداخت غرامت دستمزد بآنان ندارد. زیرا وقتی بیمه‌شده‌ای در زمان بیماری مانند زمان اشتغال حقوق یا مزد خود را دریافت می کند دلیلی ندارد که سازمان تأمین اجتماعی علاوه بر حقوق یا مزد دریافتی او مبلغی بعنوان غرامت دستمزد پرداخت کند چون قبلا توضیح داده شد که غرامت دستمزد در واقع بمنزله جبران درآمد از دست رفته بیمه‌شده می باشد.

تکلیف کارفرما درقبال بیمه‌شده‌ای که دچار حادثه می‌شود:

بموجب ماده ۶۵ قانون تأمین اجتماعی درمواردی که در محیط کار و در اثر کار برای بیمه‌شده حادثه‌ای رخ دهد کارفرما مکلف است اقدامات لازم اولیه برای جلوگیری از تشدید وضع حادثه دیده بعمل آورد و حتی‌المقدور از بروز عوارض شدیدتری که احتمالا متوجه شخص حادثه دیده می‌شود ممانعت کند و مراتب را حداکثر ظرف سه روز کتباً باطلاع سازمان تأمین اجتماعی یا سازمان تأمین خدمات درمانی برساند. بدیهی است کلیه هزینه‌هائی که کارفرما درحد متعارف از این بابت متحمل می‌شود وسیله سازمان تأمین خدمات درمانی پرداخت می‌شود. البته چنانچه ثابت شود که وقوع حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی بوده است و یا در موارد بیماری ثابت شود بروز بیماری ناشی از عدم رعایت مقررات بهداشتی واحتیاطات لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده است، کلیه هزینه‌هائی که از بابت معالجات و غرامات دستمزد یا نقص عضو و یا مستمریها و امثال آن وسیله سازمان تأمین اجتماعی وسازمان خدمات درمانی انجام می‌شود از کارفرما مطالبه و وصول خواهد شد (ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی).

طریقه وصول اینگونه مطالبات نیز مانند سایر مطالبات قانونی سازمان طبق ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی معین شده است، باینصورت که کلیه مطالبات ناشی از اجرای قانون تأمین اجتماعی درحکم مطالبات مستند باسناد لازم الاجرا می باشد و طبق مقررات مربوط باجرای مفاد اسناد رسمی بوسیله مأمورین اجرای سازمان قابل وصول می باشد.

با همکاری علی سپهرپور نماینده نشریات رستاخیز در اراک
عکس ها از: علی اکبر رمزی، عکاس رستاخیز

سهم ما کارگران در انقلاب شاه و ملت اینست که در انجام وظیفه، فداکارانه بکوشیم

نسرین نادرشاهی

آقای محمد سلکه کارگر یکی از کارخانه های تولید فلز در اراک است. او بیست و نه سال دارد و ماهانه دوازده هزار ریال حقوق میگیرد. کانون گرم خانوادهاش را وجود دو پسر پنج ودوساله رونق میبخشد.

همسرش که زن جوانی است، در مورد محمد میگوید: شوهرم واقعاً مرد نمونهای است. نه اهل مشروب است ونه سیگار میکشد و از زمانیکه در کشتی فرنگی کارگران کشور مقام دوم را احراز کرده، بیشتر بخود میبالم.»

شهر تاریخی اراک که درقدیم سلطان آباد نامیده میشد، از نقاط خوش آب وهوای ایران است و ما که از تهران و هوای گرمش فرار کردهایم باسبکبالی نفس میکشیم و از جابجا شدن هوای سالم در ریههامان احساس شعف میکنیم.

با آقای علی سپهرپور نماینده نشریات رستاخیز در اراک و به همراهی آقای علی اکبر رمزی (خبرنگار عکاس رستاخیز) خیابانها را پشت سر میگذاریم و به خانه محمد سلکه کارگر کارخانه تولید آلومینیوم اراک میرویم. خانهاش قدیمی ساز است. بچه های محمد به اتفاق دیگر همسالان خود گوئی به انتظار ما ایستادهاند چرا که بمحض دیدن مافوراً به حیاط خانه میدوند و پدر و مادر خود را با خبر میکنند.

محمد سلکه و خانمش باگرمی ما را میپذیرند. خانم میانه سالی که مادر محمدسلکه است نیز به جمع ما میپیوندد و بعد از تعارفات معمول و احوالپرسی دور یک میز مینشینیم و حرفهای خود را با این خانواده خوشبخت شروع میکنیم.

*یادهای دوران کودکی تا به امروز

— یادهائی که از دوران کودکی دارید و بطور کلی خاطرات خود را برای خوانندگان مجله رستاخیز کارگران تعریف کنید وبگوئید که چه ها کردهاید، تا توانستهاید کانون خانوادگی گرمی تشکیل دهید و روزش نیز به موفقیت دست یابید؟

محمد چنین آغاز سخن میکند:

— بیست و نه سال قبل در اراک و در همین خانه چشم بدنیا گشودم، زندگی کودکیام همراه با بازی وشیطنت و تحصیل گذشت ولی ازآنجا که پدرم را درپنج سالگی ازدست دادم، نتوانستم بیش از کلاس چهارم ابتدائی درس بخوانم و در واقع یکبار دیگر چهره زشت فقر سبب شد با همه شوقی که به تحصیل داشتم، دست از آن بکشم .... بهر صورت دوازده ساله بودم که بتهران نزد برادرم رفتم ودریک کارگاه آهنگری با حقوقی معادل سی و پنج ریال در روز مشغول بکار شدم. پس از چهارده سال کار در تهران، مجدداً به اراک آمدم ودر کارخانه تولید آلومینیوم اراک استخدام شدم. حقوق فعلی من ماهانه دوازده هزار ریال است و از کارم خوشبختانه راضی هستم.

ازدواج؟

— چه شد که تصمیم به ازدواج گرفتید و چگونه با همسرفعلی خود آشنا شدید؟

مثل بشر بچه های محجوب میخندد و می گوید: مهین خانم همسایه ما در تهران بود. یکدختر چهارده ساله— خجالتی که زیاد هم از خانه بیرون نمیآمد. چند بار او را دیده بودم و ازبرادرم خواستم که به خانهاش برود و درصورت موافقت پدر و مادرش ما با هم پیوند زناشوئی ببندیم. خوشبختانه خواستگاری من با موافقت روبرو شد و ازدواج کردیم. دو سال عقد کرده بودیم وواقعاً دوران بسیار خوشی راگذراندیم.

مهین خانم ومسئله ازدواج

عین این سؤال را با مهین خانم در میان میگذارم وعقیدهاش راجویا میشوم، میگوید:

— راستش، من به زندگی خانوادگی خیلی علاقمند هستم و چون سلکه را مرد نجیب و شایستهای دیدم و درضمن پدر و مادرم نیز با این وصلت موافق بودند، به خانه بخت رفتم و از زندگیام فوق العاده راضی هستم و به دو پسر و شوهرم صمیمانه عشق میورزم و تا آنجا که در قدرت داشته باشم، برای سلامت زندگی خانوادگیام میکوشم.

صفات برجسته مرد خانواده

— چه صفات برجستهای در شوهر خود سراغ دارید؟

— سلکه بسیار مهربان و نجیب است. مشروب نمیخورد، سیگار نمیکشد، بفکر من و بچههایش است و خوشبختانه از تمام خصوصیات یک ورزشکار نمونه، دراو نشانهائی هست. از روزیکه در کشتی فرنگی کارگران ایران بهمقام دوم دست یافته، من بیشتر به خود میبالم وافتخار میکنم که زن چنین مردی هستم.

بچه ها ومسئله تنظیم خانواده

—شوهرشما ازاینکه صاحب دو پسر است، احساس خوشحالی میکند. آیا برای آینده درنظر دارید که بازهم بچه دارشوید؟

— پسر و دختر برای من و شوهرم فرقی ندارد، مهم سلامت بچه و نحوه تربیت اوست. بهیچوجه خیال نداریم که دو باره بچهدار شویم و تصمیم داریم تا آنجا که میتوانیم در تربیت وتحصیل بهرام وبهمن ازوجودمان مایه بگذاریم، تا انشاءاله جوانان موفقی به مملکت تحویل دهیم

میزان تحصیل خانم خانواده؟

— مهین خانم، میزان تحصیلات شما چیست؟

— تا کلاس ششم ابتدائی درس خواندم و وقتی این آقا (اشاره به شوهرش میکند) توی زندگی من پیدا شد، دیگر درس خواندن را کنار گذاشتم، ولی همانطور که قبلا هم گفتم سعی

محمدسلک در گفتگو باعلی سپهر پور ، نماینده نشریات رستاخیز در اراك.همسر و دوفرزندسلک در کنار او هستند

محمدسلک . در کنار مادر . همسر و دوفرزندش

میکنم بچه‌هایم تحصیلات عالیه داشته باشند تا به این وسیله کمبود تحصیل خودم را جبران کنم.

بچه اگر بازی نکند، مریض است

— مهین خانم با بچه‌ها چگونه سر میکنید وباشیطنت های آنها چگونه کنار می‌آئید؟

— بچه احتیاج به بازی دارد خانم. اگر بچه بازی نکند، مریض است. این است که من بخودم اجازه نمیدهم از شیطنت و بازی بچه‌ها ناراحت باشم، رفتارم با آنها دوستانه است و گاهی اوقات همبازی خوبی هم .برای آنها می‌شوم. ولی پدرشان بعلت کار زیاد حوصله چندانی ندارد. گهگاه بسرشان فریاد می کشد، که البته بنظر من نبایست این کار را بکند، چرا که زبان خوش خیلی مؤثرتر ازداد کشیدن است.

تعداد بچه های یک خانواده

ازمحمدسلک می پرسم:

—شما درمورد تعداد بچه های یک خانواده کارگری چه نظری دارید؟

می خندد و در حالیکه صورتش را به طرف همسرش برمی گرداند، می گوید:

— والله، من اگر خیلی مرد باشم، همین دو بچه را بتوانم خوب تربیت کنم. ولی مهین خانم گهگاه در این باره نق میزند. حالا تعجب می کنم که چرا باشما از این مسئله که دنش یک دختر هم می خواهد حرفی نزد؟!.

(مهین خانم در حالیکه صورتش سرخ شده‌و سرش را به زیر انداخته، می گوید): حالا ما حرفی زدیم تو هم آنرا یک کلاغ و چهل کلاغ کردی، من گفتم اگر یکی ازاین دوبچه دختر بود خیلی بهتر میشد و باز اگر این دو پسر خواهری داشته باشند بهتر از این است که نداشته باشند. (محمد سلک به میان حرف همسرش میدود و میگوید) حالا آمدیم و بچه سوم هم پسر شد آنوقت چکار کنیم! نه خانم من اهلش نیستم گفتم اگر خیلی زرنگ باشیم بهمین دو بچه می رسیم.

انقلاب پرافتخار شاه و ملت

—آقای سلک حرف از خانواده زیاد گفتیم، برمیگردیم به مهمترین مسئله‌ای که زندگی کارگران ایرانی رادرپرتو نور خود گرفته است و آن انقلاب پرشکوه شاه و ملت است.

می‌توانید در این باره حرف بزنید؟

— من برای حرف زدن در این باره زبانم قاصر است ، ولی حقیقتاً آنچه کارگران ایران دارند در پرتو وجود شاهنشاه آریامهر است. من قبلا که در تهران کارمیکردم، نه بیمه بودم، نه روزهای تعطیل حقوق می گرفتم، ولی الان خود و خانواده‌ام بیمه هستیم. حقوق من در مواقع معین و برابر طبقه بندی مشاغل کارگران افزایش می یابد. همچنین سال گذشته برابر دوماه حقوق سود ویژه گرفتم. بگفته ها و خواسته های ما توجه می‌شود و اگر کار فرما بخواهد حقی از ما تضییع کند، وزارت کار و اموراجتماعی مدافع مان است.

ورزش تا دست یافتن به مقام قهرمانی

—از کی به تمرین کشتی پرداختید؟

— نوزده ساله بودم که تمرین کشتی را شروع کردم ودرچندمسابقه شرکت کردم، در مسابقات کشتی فرنگی کارگران استان مرکز مقام اول را احراز کردم ود رمسابقات کشتی فرنگی استانهای کشورمقام دوم را صاحب شدم و از دست مبارك والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی مدال نقره گرفتم. روزانه دوساعت تمرین کشتی می کنم تا انشاءاله به مقام قهرمانی کشور برسم.

تفریحات خانواده؟

— مهین خانم شماوقتتان را چگونه می گذرانید؟

— حقیقتش این است که این دوبچه تمام وقت مرا پر کرده‌اند. تفریح ما گاهی اوقات، البته روزهای جمعه، سینما رفتن است. پای تلویزیون هم می‌نشینم و از فیلمهای آن لذت می بریم. البته بارها اتفاق میفتد که تصویر و صدا خراب است و حالا که فرصتی پیش آمده می خواهم ازمسئولان رادیوتلویزیون‌ملی ایران تقاضا کنم که ترتیبی بدهند تا علاقمندان برنامه‌های تلویزیونی از جهت تصویر و صدا ناراحت نباشند.

حرف محمدسلک با دیگر کارگران عزیز ایرانی

* مجدداً از محمد سؤال میکنم سخنی برای برادران کارگرخود ندارید؟

میگوید: چرا، حرف من با آنها این است که شکرگزار موهبت‌هائی باشیم که خداوند بما ارزانی داشته است. در دنیا کمتر کشوری است که امنیت ایران و ثبات سیاسی آن را داشته باشد و این همه از اثرات رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر است، ومی بینم که جامعه کارگری ما هم در پرتو این رهبری خردمندانه کسب کرده‌است.

پس باهم باید فداکارانه وظیفه خودرا انجام دهیم وسهمی در این انقلاب عظیم داشته باشیم.

حرفهای این کارگر ورزشکار، شاهدوست و میهن پرست چنان از ته قلب بیرون می‌آید و صمیمی گفته میشود که ایمان و عقیده راسخ او را به انقلاب شاه‌وملت میرساند و ما نیز ضمن ستایش از ایمان وعقیده‌اش با آرزوی خوشبختی و موفقیت او، وعموم کارگران شریف کشور، آماده می‌شویم که خانه محمد سلک را ترک کنیم. دست ورزشکارانه اورا که پرتوان وقوی است می‌فشاریم و باخانواده‌اش خدا حافظی می کنیم.

تنظیم از : شمع

کدام

با این پدر زنم چه کنم؟

گذشته از اینکه اختلاف سن من و پدرم بسیار کم و درحدود هیجده سال بود ، او بسبب برخورداری از سلامت کامل حدود دهسالی از سن واقعی خود جوان‌تر مینمود . بهمین علت هرگاه موجبی پیش می‌آمد که او ناچار می‌شد مرا به بیگانه‌ئی معرفی کند با ژستی بسیار جدی و لحنی شوخی آمیز می‌گفت « با برادرم ناصر آشنا شوید ! » بدیهی است وقتی که حقیقت روشن می‌شد تا چند لحظه‌ئی محیط موجود دستخوش مباحث جالب وپرسش‌هایی دراین زمینه میگردید. گذشته ازاینها ما دونفر شباهت عجیبی بیکدیگر داشتیم و از این رو هر ناآشنایی دروهلهٔ اول مدعای بابا را باورمی کرد.

آن روز هم هنگامی که پدرم را به دوستم گیتی معرفی کردم و به عنوان بهترین بابای روزگار ازوی نام بردم ، پدر بالحنی آمیخته بـه شوخی واعتراض گفت:

— نشد ، ناصرنشد .لودگی را کنار بگذارو حقیقت واقعه را بگو. او موقعی که حسرت آشکار دوستم را دید اضافه کرد.:

— این ناصر اصرار وتعمد عجیبی دارد که مرا بهمه ، خصوصاً دختر خانم های زیبا بـه عنوان پدرش معرفی کند. اماخب مهم نیست چونکه زود دستش رومی‌شود !

وقتی من وگیتی ازبابا جداشدیم ، اونگاه معنی داری به رویم افکند وگفت:

— خودمانیم ناصر ، خیلی پدر خوش تیپی داری !

من که این گفته را واقعیتی همراه با تعارف تلقی کردم ، لبخندی زدم وگفتم :

— ضمناً تا دلت بخواهد شیطان و خوش سلیقه است . منظورم اینست که همیشه از زن زیبا به عنوان بهترین موهبت خداوند یاد می کند واگر دستش برسد همه جور هم مردمیدان است .

این گفته که به خنده مشترک ما انجامید به بحث مربوط به بابا پایان داد وسخن ما بـه مسایل دیگری کشید . از آشنائی من و گیتی متجاوز از یکسال می گذشت و هر روز که سپری می‌شد . علاقه من نسبت به اوفزونی می‌یافت. مضافاً به اینکه وجوه مشترک ما دو نفر ، عامل مهمی برای افزایش این علاقه متقابل بود . به این معنی که ما هر دو درخانواده کارگری پرورش یافته بودیم که سبب داشتن امکانات مالی مناسب ، با افرادی که اززندگی مرفه‌تری از جهت مالی برخوردار بودند ،تماس داشتیم . جالب اینکه مادران نیز هریک اعیان‌زادهی بودند که بدنبال عشقی داغ وراستین با پدرانمان پیوند زناشوئی بسته بودند.

از همه اینها گذشته ، پدر گیتی مدیرفنی یک کارخانه بسیار بزرگ وپدرمن دارنده و کارفرمای یک کارگاه معتبرد رو پنجره‌سازی بود .

همانطور که اشاره کردم این وجوه مشترك

حرف مادر را بپذیرم؟...

بما امکان می‌داد که علاوه بر داشتن روابط ساده و آزاد با افراد خانواده همدیگر نیز تماس داشته باشیم و بدینوسیله تمامی جوانب کار را بسنجیم. با وجود این وبا اینکه من واو با تمامی وجود یکدیگر علاقمند بودیم، لیکن هنوز امکان باشهامت این را نیافته بودیم که دربارهٔ ازدواج صحبت کنیم.

من درباره‌امساك اوچیزی نمی‌دانستم، اما درمورد خودم این اعتقاد را داشتم که هنوز زمان طرح این پیشنهاد نرسیده وموقع، آنچنان که باید برای تشکیل یک زندگی ایده آل مناسب نیست. لیکن حالامی‌فهمم که یگانه دلیل این تحاشی و امساك وحشتی بود که نا خود آگاه در دلم موج می‌زد. وحشت اینکه مبادا گیتی ازپذیرش پیشنهادمن خود داری کند و به اصطلاح دست رد به سینه‌ام بزند. روی همین اصل روزی که اورا به‌پدرم معرفی کردم از وی تنها به عنوان دوست نام بردم وجالب اینکه گیتی نیزدراین مورداعتراضی نکرد. حدود یکماهی ازآن روزگذشت ومن کم کم احساس کردم که بایستی دروضع موجود تغییراتـــی بدهم. زیرا روابط ما بدین صورت نمی‌توانست ادامه داشته باشد. ازاین رو یکشب که قراربود روزبعدش بدیدن گیتی بروم، ساعتها راجع به این مسأله فکر کردم وسر انجام با درنظــــر گرفتن کلیه زمینه‌ها مصمم شدم که بدنبال طرح مقدمه یی کوتاه موضوع را با وی درمیان نهم. فردای آنشب درحالیکه سرگرم قدم‌زدن در یکی از خیابانهای خلوت شهر بودیم من بدون مقدمه ازاو خواستم که برای چند دقیقه آماده شنیدن مطالبی بسیارجدی وحیاتی شود گیتی با هوش فطری خودآنانامتوجه‌شدکه‌من قصد دارم نکته سرنوشت سازی را مطرح سازم. ازاین رو با لحنی مطایبه‌آمیز گفت:

—ببینم خیال داری مغزم را بخوابی؟

من با دستپاچگی به بازویش فشاری وارد کردم وگفتم:

—آه نه، برعکس می‌خواهم پیشنهاد کنم برای تحکیم روابط‌مان راهی اساسی پیدا کنم.

به دنبال این حرف بی آنکه به او مجال سخن گفتن بدهم بلادرنگ اصل مطلب را بازگو کردم. گیتی با خنده‌یی دلنشین تر ازدرخشش شکوفه‌ها گفت:

—من ازمدتها پیش منتظر شنیدن این حرف بودم وحدس میزدم که یک روزاین مسأله را از زبان توبشنوم.

من که ازخوشحالی درپوست نمی‌گنجیدم لبخند تشکرباری زدم وگفتم:

—شاید باورنکنی که امروزبهترین....

او با بلند کردن دست سخنم را قطع کرد و آنگاه درحینی که می کوشید قیافه‌اش حتی‌— المقدورجدی باشد گفت:

—اما جواب من کمی...

دراینجامکثی کردو پس ازآن با ژستی که انگاشتی ازادامه گفتار رنج می کشد، افزود:

—آره‌جواب من کمی، یا بهتراست بگویم خیلی ناخوشایند است. واقعیت اینست کـــه ناصرجان‌من نمی‌توانم باتوازدواج کنم. تصور نکنی که دوستت‌ندارم، برعکس باتمامی وجود می پرستمت. امانمی توانم، نمی‌توانم.

دراین هنگام با تلخی تمام گریه راسرداد و درمیان های های گریه گفت:

—خواهش می کنم دلیلش را ازمن نپرس.

بلافاصله سرش را بالا گرفت و درحالی که می کوشید زبونی وبیچارگی موجود راازوجودش دور کند با انگشتان لطیف خود اشکهایش را سترد واضافه کرد:

—بهتراست ناصر که من و تو همین حالا رابطه خود رابرای‌همیشه قطع کنیم. زیراباطرح این مطلب کارما بجایی کشید که ادامه دوستی ما امکان پذیر نیست. شاید اگراین مسئله طرح نشده بود من وتومی توانستیم مدتی بهمین ترتیب با یکدیگرباشیم.

این آخرین‌جمله ملاطفت‌باری بود که‌من اززبان‌وی شنیدم، زیرااوبی‌آنکه‌وداع کند از من جداشد.

عکس العمل ناهنجار و بی‌دلیل او مرا بیش ازآنکه مضطرب وپریشان سازد، خشمگین ساخت بهمین علت دریک لحظه تصمیم گرفتم که برای همیشه فراموشش کنم. لیکـــن شبانگاه هنگامی که به بستر رفتم و ساعتها از وقت خود را بیاد اوگذراندم، دریافتم نه تنها که خود رابیاداو گذراندم بدریافتم که‌نه‌تنها فراموش کردنش‌محال است، بلکه دوری کردن از وی نیز برای من‌نامقدور است. روی همین اصل ساعت۸صبح‌شتابزده و پریشان به اداره‌اش رفتم و درنخستین لحظات دیدار احساس کردم که او گیـتی روزهای گذشته نیست. رفتارش آنچنان سرد و عاری از صفا بود که پنداشتی در سرتاسر وجودش ذره‌یی از احساس و عطوفت نمانده است. نه تنها آن روز، بلکه دهها بار دیگر بهمین ترتیب بدیدنش رفتم و همچنان با سردی روبرو شدم. تااینکه کم کم کار به تهدیدومجادله کشید. بطوری که یک روزاشکارا اخطار کرد که اگر بار دیگر مزاحمش شوم به پلیس متوسل خواهد شد! این تأکید سرتاپایم را لبریزازکینه ونفرت‌ساخت‌باوجوداین‌پس ازچند ساعت دیگر بازمیل دیدنش دروجودم شعله کشید شعله‌یی که‌لحظه به‌لحظه نـــهیب میکشید وبالا می‌گرفت. تابدانجا که طاقت از کفم ربود و وادارم کرد که برخلاف عزم قبلی باز هم به سراغش بروم. این بار وی برخلاف انتظار با تضرع وزاری ازمن خواست که فراموشش کنم. امامن با قاطعیتی خلل‌— ناپذیر پاسخ منفی دادم. او موقعی که این جواب را شنید لحظاتی بفکر فرو رفت و بعد با لحنی ملتمسانه گفت

—یکی دو روز مهلت بده تافکر کنم و در ضمن خودت هم سعی عاقل باش. فراموش نکن که من همیشه بتو افتخارمی کردم زیرا در میان تمام بستگان و دوستان از هرنظر برجسته بودی با خوشحالی او را ترك کردم و هنگامی که به خیابان رسیدم دل‌و جانم سرشاراز امتنان و رضایت بود. حس می کردم که در تمام طول زندگیم هیچگاه تا این حد راضی و اشباع نبوده‌ام. بهمین جهت دو روزه مهلت را با خاطری خوش گذراندم. روزسوم با دلی لبریز از امید راهی اداره شدم تا طبق قرارقبلی صدای گیتی را ازگوشی تلفن بشنوم. وقتی دوسه ساعت گذشت و ازوی خبری نشد، کم کم اضطرابی ناشناخته بجانم چنگ زد و احساس کردم که التهابی نا معلوم خاطرم را می‌آزارد. حدود ساعت ۱۱ تلفن زنگ زد. با اینکه از لحظه ورودم تا آن ساعت بارها گوشی را با شتاب برداشته و مایوس شده بودم، معهذا این بارناخودآگاه یقین کردم که صدای او را خواهم شنید. وقتی گوشی را برداشتم پروین یکی از همکاران هم اتاقی‌اش مورد خطاب قرارم داد و با لحنی حزن‌آلوده گفت:

— ناصرخان فوراً بیاییدا ینجا.

هرچه اصرار کردم چیز دیگری به گفته‌اش نیفزود و همچنان تأکید کرد که بدیدنش بروم. من ناچار سرازپا نشناخته از اداره خارج شدم و با شتاب تمام به محل کار گیتی رفتم. دوستش جلو دراداره منتظرم بود. وقتی رو در رویش‌قرار گرفتم، با ژستی که لبریز ازدرماندگی بود، پاکتی را بطرفم گرفت و افزود:

—گیتی، همانروز که بدیدنش آمده بودید موقع رفتن بمنزل این پاکت را بمن داد و ازم خواهش کرد که آن را سه روز بعد به شما برسانم. وقتی ازش پرسیدم که مگر به اداره نمی‌آید، سرش را بعلامت نفی تکانی داد و رفت. من امروز ازصبح بااضطراب تمام درصدد گرفتن تماس تلفنی با شما بودم. یکساعت قبل آمادهٔ گرفتن شماره شدم که خبری بسرعت برق در اداره پیچید.

من با اینکه با دقت به سخنان پروین گوش می‌دادم، اما تا آخر کار نتوانستم دریابم که سرانجام این سخنان به فاجعه‌یی می‌انجامد. از این رو موقعی که او افزود: «این خبر ناگوار خودکشی گیتی بود!»، من باز هم متوجه اصل خبر نشدم و بهت زده به انتظار شنیدن دنباله صحبت او ایستادم، اما هنگامی که با سکوت وی مواجه شدم، یکباره این واقعیت تلخ را باتمامی عظمتش دریافتم ازحال وعکس العمل چیزی نمی‌گویم، زیرا مطلقاً درخور توصیف نیست. لیکن پس از ساعتی که ازفشار و هجوم التهاب و سردرگمی رهایی یافتم، نگاه بی رمق و پرسشگرم را به‌روی پروین دوختم. او که به مفهوم نگاهم پی برده بود به آرامی پاکت دربسته را به دستم داد و با گامهای تند از پله‌های ساختمان بالا رفت. من همچنان که پاکت را در دستم می‌فشردم اشکریزان از آن مکان دور شدم. ساعتی در خیابانهایی هدف و سرگردان پیش رفتم. پنداشتی‌درجستجوی مکان امنی هستم تادرآن رابگشایم ونامه را بخوانم، باوجود این بر اثر وحشت نا معلومی توان بازکردن پاکت را ازدست داده بودم با تمام این احوال وقتی به یک خیابان فرعی و خلوت رسیدم یکباره پاکت را گشودم و نامه را جلو چشمانم گرفتم. نوشته بود: «ناصر جونم! شاید باور نکنی که من از بدو آشنایی با تو هر لحظه منتظر پیشنهادت برای تشکیل زندگی مشترك بودم. تنها آرزویم این بود که تا آخرعمر تنها با توسربر یک بالین بگذارم. اما افسوس که یک تصادف غیر مترقبه و یک فاجعهٔ حساب نشده همه چیز را ازما گرفت. من بی آنکه خود بخواهم و یا نقشی داشته باشم، آلوده دامن شدم! بدیهی است چنین موجودی لیاقت همسری تورا ندارد. ازاین رو با آنچه که در توان داشتم، کوشیدم ازتو بگریزم، اما نشد. بهمین علت آخرین راه را انتخاب کردم. راهی که بتواند ما را برای همیشه از هم جدا کند:» این نامهٔ مبهم بر سرگشتگی من افزود و ماهها دستخوش پریشانی و حیرتم کرد. تا اینکه بر اثر بروز یک واقعهٔ ناگهانی همه چیز روشن شد. به این معنی که یک روز بین پدر و مادرم مشاجره سختی رخ داد ومن درآن مجادله دریافتم که عامل سیه روزی من وگیتی، پدرم بوده است! آشکارشدن این رازمرا بمرحلهٔ جنون کشاند، تا بدانجا که تصمیم گرفتم پدرم را بکشم. اما او با ارائه صدها دلیل و با توسل به صادقانه ترین سوگندها از خود رفع اتهام کرد من با اینکه ظاهراً مدعایش را پذیرفتم، معذلک هنوز در تردیدی کشنده بسر می‌برم. زیرا نمی‌توانستم بپذیرم که مادرم بدون جهت واساس پدر رامورد اتهام قرار داده باشد. با اینکه او اکنون مجدانه می‌گوید آنچه گفتم تهمتی بیش نبود، اما یک صدای باطنی بمن نهیب می‌زند که انکار ما در محملی برای نجات تست و آنچه شنیده‌ای حقیقت محض است که باید بپذیری. حالا مانده‌ام متحیر وسردرگم که کدامیک از دو مدعای مادر را قبول کنم و چگونه ازاین برزخی که دل‌وجانم رامی‌آزارد، نجات یابم؟

نوشته: «شاخه نبات»

یک روز صبح، در حالی که مثل هر روز از میله یک اتوبوس شلوغ آویزان شده بودم تا به کارخانه برسم یک باره احساس کردم اصلاً دلم نمی‌خواهد همیشه یک دختر کارگر باقی بمانم دلم میخواست با مردی که در بانک حسابداری داشت آشنا شوم، به او دل ببازم، با او شوهر کنم و بچه‌دار بشوم. از زندگی ماشینی خسته شده بودم، آرزوی شنیدن بوی خانه را داشتم و آرزو داشتم صبح‌ها زنبیل خرید را به یک دست و دستهٔ کالسکه بچه‌ام به دست دیگر بگیرم و مثل زنهایی که هر روز میدیدم، لبخند به لب، زندگی را دنبال کنم.

ولی اینها افکار خطرناکی بودند و من دخترهایی را میشناختم که دنباله این فکرها را گرفته بودند و یکی دو سال بعد در زیر بار سنگین واقعیت خرد شده بودند، چون کبوترها همیشه باید با هم پرواز کنند و مردی از طبقه بالا کمتر میتواند به یک دختر کارگر همان خوشبختی را بدهد که ممکنست از مرد هم طبقه خودش بگیرد.

بسیاری از دخترهای دوست و آشنای من، فقط به عشق اعتقاد داشتند و میگفتند با عشق شکل همه چیز عوض میشود، مشکلات و اختلافات از بین میرود و هر مردی از هر طبقه‌ای میتواند تبدیل به شوهر دلخواه بشود. اما عشق را هم باید شناخت. البته منظورم شناخت واژه عشق نیست، چون این را همه می‌شناسند. عشق را با ماهیت آن باید شناخت، با سوز و سازها و شوق و التهابات و دیوانگی‌های آن. من که هنوز قلبم برای هیچ مردی نتپیده بود بناچار در برابر عقاید آنان سکوت میکردم و تنها چیزی که میتوانستم بگویم این بود:

— «ممکنه، این طور باشه... ولی من چون تا حالا از هیچ مردی خوشم نیومده، صد در صد نمیتونم اظهار عقیده کنم.»

این حرف برای دخترهای دیگری که با من در آن کارخانه کار میکردند، کمی عجیب و غریب بود، چون آنها هر کدام برای خودشان رؤیایی داشتند که از آن برای کار طاقت‌فرسای روزانه خود نیرو میگرفتند. شاید من دیرپسند و شاید هم پرتوقع بودم، شاید هم رفتارم طوری بود که به مردها اجازه جلو آمدن و خودنمایی را نمیدادم. شاید هم اصلاً قدرت جلب توجه مردها را نداشتم. اما یک وقت فکر نکنید زشت بودم، نه، برعکس همه مرا دختر زیبایی میدانستند. زیبا، ولی کمی تلخ. این اظهار عقیده را بارها از زبان این و آن شنیده و رفته رفته به تلخی خودم عادت کرده بودم.

هر کسی ذاتی دارد و ذات من هم با دخترهای دیگر متفاوت بود، به همین دلیل هم مردی را جستجو میکردم که با مردهای دیگر فرق داشته باشد و به همین سبب هم با این که کم کم به سن بیست و پنج سالگی میرسیدم، هنوز تنها مانده بودم. آن همه تنهایی دردناکی فقط دخترهائی که پدرشان را در کودکی از دست میدهند و در زمانی که هنوز جریان واقعی زندگی را نمیشناسند با دردها مصائب و مشکلات آن آشنا میشوند و خود را نسبت به آن وظیفه‌دار و متعهد احساس میکنند، حرف مرا میفهمند. خانواده‌ای که رئیس خودرا از دست میدهد، مثل قایقی است که قدرت انعطاف زیادی دارد و با هر حادثه‌ای که اتفاق میفتد به آسانی شکل عوض میکند. خانواده ما هم پس از فوت پدر حکم قایق بی بادبانی را در روی دریای توفانی داشت و با هر حرکت مقداری از امیدها و آرزوهایی را که برای فردا داشتم با خود میبرد. به همین دلیل من و خواهرم خیلی زودتر از معمول از خواب کودکی بیدار شدیم.

هنوز چندسالی بیش از آغاز نوجوانی نگذشته بود که هر کدام به ناچار درسمان را رها کردیم تا به پول درآوردن بپردازیم. خواهرم در یک کارگاه خیاطی به شغل دلخواهش که دوخت و دوز بود، مشغول شد، من هم در کارخانه با بهه بافی استخدام شدم و فقط به این ترتیب بود که مادرمان توانست کمی کمرش را راست کند و آب خوشی از گلویش پائین برود. اما کار هر چقدر هم راضی کننده و دلپذیر باشد، وقتی بصورت همیشگی و یکنواخت درآید به انسان را مثل چرخ های کارخانه فرسوده میکند. همانطور که من فرسوده شده بودم و در حالی که تکانهای اتوبوس را تحمل میکردم، به خودم میگفتم:

— «ای خدا، یعنی ممکنه معجزه‌ای اتفاق بیفته و زندگی من عوض بشه؟»

اما وقتی از سر دربزرگ کارخانه وارد میشدم، همه چیز را به همان صورت همیشگی خود می‌دیدم. روز درازی انتظارم را میکشید و فشار هوا از همیشه بیشتر بود، با این که آن روز بیشتر از همیشه فشار هوا را احساس میکردم. اما وقتی سوت ناهار کشیدند، یک دفعه وضع را متفاوت احساس کردم. آخر آن روز برخلاف هر روز قابلمه ناهارم را از خانه نیاورده بودم. مادرم شب پیش بدیدن یکی از اقوام رفته بود و با رفتن او مثل همیشه سفرهٔ ما از غذای گرم خالی مانده بود.

به اطرافم نگاهی انداختم. دخترهای دیگر برای خوردن ناهار به رستوران کارخانه رفته بودند. مانعی نداشت من هم مثل آنها یکدفعه به رستوران میرفتم.

جلو آینه دستشوئی شانه‌ای به موهایم کشیدم و براه افتادم. رستوران شلوغ بود و من که همیشه در جمع نیست و پایم را گم میکردم و اعتماد به نفسم را از دست میدادم، حالت دهاتی بهت زده‌ای را در میان یک شهر شلوغ پیدا کرده بودم و نمیدانستم چه کنم، پیرمرد کارگری که پشت سرمن وارد شده بود گفت:

— «وایسادن این جا هیچ فایده‌ای نداره. برین توصف غذا، یعنی غذاتون را بگیرین، بعد بگردین بالاخره یه جایی واسه نشستن پیدا میکنین.»

گذشتن از کنار میزهای شلوغ، با سینی غذا کار آسانی نبود اما، هنوز چند قدمی بیشتر این رنج را تحمل نکرده بودم که یک دفعه صدای در نزدیکی گوشم گفت:

— «خانم، این صندلی خالیه... دوستم الان ناهارش رو تموم کرد و رفت. بفرمائید بنشینید.»

به صاحب صدا نگاه کردم و بجای همه چیز فقط چشم های او را دیدم. یک جفت چشم نافذ کهربایی رنگ، که از مهربانی و ملایمت سرشار بودند به رویم دوخته شده بودند. بدون آنکه بدانم دارم چه میگویم گفتم:

— «متشکرم...»

و بعد سعی کردم به راهم ادامه بدهم. اما مرد که این بار از جایش بلند شده بود گفت:

— «اگه رستوتمی شناسین، من رئیس جدید حسابداری هستم... بفرمائید بنشینید.»

و این بار بدون حرف سینی را روی میز گذاشتم و رو در روی او نشستم. چهره مطبوعی داشت، و با مهربانی نگاهم میکرد. حرفی نزدم. فقط سینی غذایم را جلو کشیدم. سیگاری آتش زد و گفت:

— «ببینم، شما اسمی ندارید؟...»

در حالی که سعی میکردم خیلی جدی به او نگاه کنم و علیرغم نوری که از چشمانش بیرون میجست و قلبم را روشن میکرد تلخ و خشک نگاهش میکردم، جواب دادم:

— «خودم نمیخواستم اسمی داشته باشم، اما مادرم میخواست. بنابراین نمیتونستم اسمی نداشته باشم!»

خندید و همان طور خنده کنان گفت:
— «خوب، پس اسمتون راز بین شما و مادرتونه و کس دیگری حق نداره اون رو بدونه!»

در جایم تکان خوردم. سعی میکردم سر حرف را با من باز کند. چیزی مثل وحشت قلبم را فشار میداد و با هرنگاهی که به رویم می‌انداخت حس گریز و فرار در من قوی تر میشد. گفتم:

— «بهر حال هراسی داشته باشم به درد شما نمیخوره، چون من شوهر و سه بچه دارم و این حرفها دیگه از من گذشته...»

این بار با صدای بلند تری خندید. بطوری که انگار مضحکه‌ترین حرف دنیا را شنیده باشد میخندید. دو مرتبه گفتم:

— «چی شده؟ من که حرف خنده داری نزدم.»

سیگاری روشن کرد و گفت:

— «حتماً میدونین دفتر من پشت سالن کار شماست. به این دلیل همه دخترای اون قسمت رو میشناسم و تا اون جایی که خبر دارم سیما خانم، شما از همه دخترای اون قسمت مجرد تر هستین و تا حالا هم هیچکی نتونسته واستون حرفی دربیاره!»

سرم را تکان دادم و گفتم — «بهتون قول میدم اگه یک کس دیگه غیر از این میز بنشینه و با من حرف بزنه از فردا واسه من هم حرف در بیارن... نمیدونین توی چه محیطی زندگی میکنیم و مردم چقدر به کارای هم کار دارن.»

نگاهی به ساعتش انداخت و گفت:

— «درسته... ولی بگین ببینم، هرروز ناهارتون رو این جامیخورین؟»

— «نه... من همیشه از خونه ناهار میارم...»

— «خوب، پس دیگه شانس دیدنتون رو در این جا ندارم...»

بعد از گفتن این حرف با نگاه عجیبی به من خیره شد.

لبهایم را گزیدم و پرسیدم:

— «شما واقعاً به این میگین شانس؟»

بدون این که چشمش را از صورت من بردارد گفت:

— «اگه پیش خودتون نمیگین چه آدم دروغگوئی هستم، «بله»، چون از شما خیلی خوشم آمده.»

ناگاه قلبم باتپش ریخت... شاید صداقتی که در کلام او موج میزد مرا مجذوب کرده بود و شاید میل به محبوب بودن و دوست داشته شدن مرا به سوی او میکشید. شاید هم رؤیایی که صبح آن روز در اتوبوس احاطه ام کرده بود، بازجان گرفته و زنده شده بود. برای اولین بار با دقت به او خیره شدم. لبخندی زد و گفت:

— «پس فردا روز جمعه است... اجازه میدین واسه ناهار دعوتتون کنم... میدونستم دارم خلاف رسم و سنت حرف میزنم... اما دلم میخواد با اطلاع خانواده تان باشد. وبااطمینان به اینکه هیچ سوء نیتی در بین نیست از طرفی هیچ کدوم از ما بچه نیستیم و به سنی رسیده ایم که میتونیم یک نفر رو برای دوستی انتخاب کنیم... این طور نیست؟»

با چنان سادگی این کلمات را بر زبان آورد که بی اختیار سرم را تکانی دادم و حرفش را تصدیق کردم. خنده کنان گفت: — «این سر تکان دادن علامت قبول دعوت من بود مگه نه؟»

از آن لحظه به بعد بود که کنجکاوی من نسبت به آن مرد شروع شد... کنجکاوی بود یا یک نوع حس تملک نمیدانم — هرچه بود تمام گوشهایم به صحبت‌های دخترها بود و همه‌اش آرزو میکردم یک نفر از امیر حرف بزند. چون همیشه در لابلای شایعات یک مقدار واقعیت وجود دارد که میتوان از آنها کمک گرفت و به عمق واقعیت رسید. آن بعد ازظهر از هیچ کس چیزی نشنیدم اما فردا نزدیک ظهر بود که یک دفعه صدای «سیما» را شنیدم که به پریوش میگفت:

— «تو رئیس حسابداری رو دیدی؟ خیلی خوش قیافه است... نه؟»

— «آره قیافه اش خوبه... اما هیچ بخار نداره.»

— «منظورت چیه؟... به نظر من که خیلی با نمکه.»

— «آره... اما انگار از دخترها خوشش نمیاد من که تا حالا ندیدم به کسی نگا کنه...

توچطور؟»

— «چشماش که خیلی پاکه... اما خوب شاید سرش بیرون کارخونه جای گرم باشه.»

— «هیچ بعید نیست... اما این طور که پیداس جوون سربزیریه. لابد همه شبها توی خونه جلوی تلویزیون خونتشون چمباتمه میزنه وخواب دخترا رو میبینه!»

درصورتی که آن شب این من بودم که خواب او را میدیدم. خوابم مغشوش و نامرتب بود. اما چشم های امیر مرتب در ذهنم خاموش وروشن میشد. آیا حادثه‌ای در راه بود؟

با این سؤال وقتی توانستم جواب بدهم که روز جمعه در حال تماشدن بود ومن با خیال امیر که چندساعتی رودررویم نشسته ومرا با خود به دنیای دیگری برده بود، به خانه بازگشته بودم... آنچه بین ما اتفاق می‌افتاد، یکجمادثه عاشقانه بود ومن سرانجام مرد دلخواهم را پیدا کرده بودم ودیگر خلاء وسیع وغم‌زده قلبم را احساس نمیکردم، چون تصویر امیر تمام آن حجم را پر کرده بود. بااینکه نه از او حرفی ازعشق شنیده بودم ونه خودم حرفی ازعشق به‌زبان آورده بودم. باز خود را سراپا غرق درعشق میدیدم. چون عشق تنها احساسی است که به‌بیان هیچ نیازی ندارد وبدون فروریختن درقالب کلمات، خود را به‌آسانی نشان میدهد. از آن جمعه به‌بعد دیگرتمامی جمعه‌هایم چراغانی شده ورواج جدیدی در زندگیم جاری شد.

من دیگر آن‌سیمای عبارگرفته وغمگین سابق نبودم. هرروز بشادمانی ازمیله اتوبوس آویزان میشدم وهمانطوریکه به کارخانه میرفتم که کسی به یک شب‌نشینی مطبوع وهیجان‌آور میرود. از آغاز کارتازنگ ناهار و زنگ عصر وپایان کار، قلبم باتپش غیرعادی می‌تپید. چشمم مرتب به‌طرف دراتاق امیر میدوید وهربارکه بااو روبرو میشدم، موجی از شادمانی در چشمان وگونه‌هایم میدوید. معمولا جمعه‌ها را باهم ناهار میخوردیم و هرجمعه دراین انتظارمیسوختم که امیر دستم را بگیرد وبگوید «عزیزم زن من میشوی؟» ولی اولین باری که دستم راگرفت و کمی آنرا فشار داد وگفت «منیجان برایت خبر بدی دارم... من باید به‌یک مسافرت دوماهه بروم، وجمعه دیگر اینجا نیستم» ناگاه در جایم تکانی خوردم. شاید باید به‌او جواب ظریفی میدادم، ولی‌مغزم آنچنان ازکارافتاده بود که قدرت‌دادن سادمترین جوابها را هم نداشتم.

بقیه درصفحه ۸۱

عیادت از کارگران در مرکز شماره پنج سازمان خدمات درمانی

پرویز میلانی ، گزارشگر سرویس حوادث ما ، هفته گذشته ضمن عیادت از کارگرانی که براثر حادثه بهنگام کار دچار نقص عضو شده‌اند و در این مرکز بستری هستند، گفتگوهائی انجام داده است که چگونگی وقوع این حوادث را از زبان خود کارگران حادثه دیده را یکجا ملاحظه می کنید:

پیش از تحریر مطالبی که کارگران حادثه دیده عنوان کرده‌اند ، لازم میدانم از همکاری مسئول روابط عمومی سازمان خدمات درمانی و آقای دکتر ملائی مدیر مرکز شماره ۵ سازمان تامین خدمات درمانی که برای تهیه این گزارش صمیمانه با ما همکاری کرده‌اند سپاس‌گزاری نمائیم . اولین کارگری که در این مرکز مورد عیادت و مصاحبه قرار گرفت ، آقای اسماعیل مرادی ، کارگر شرکت ساختمانی سپیدار بود ، او که براثر سقوط از طبقه دوم ساختمان دچار شکستگی دست‌وپا شده است ، به گزارشگر ما گفت : من برای اوستا کارم سوفال می‌آوردم که از طبقه دوم آن ساختمان در اثر یک غفلت کوچک از ارتفاع ۸ متری بزمین سقوط کردم و پس از آن تا چند ساعت چیزی نفهمیدم.

این کارگر جوان که با لهجه‌ای محلی و صمیمانه با گزارشگر ما صحبت میکرد ، گفت : «بخدا قسم خیلی خوشحال شدم که بعد از چند روز بالاخره یکی بعیادت من آمده است . من از شما خواهش میکنم از طریق مجله رستاخیز کارگران ، از کارآسایان بخواهید که وسایل ایمنی کافی را در اختیار کارگران قرار دهند تا چنین حوادثی پیش نیاید.»

گزارشگر ما مینویسد:

دومین کارگری را که ملاقات کردم ، آقای علی مهاجرانی بود او کارگری است ۲۲ ساله که در شرکت سیخ اسدآباد همدان کار میکند و چندماه پیش ، براثر یک بی احتیاطی ، حادثه‌ای برایش پیش آمد که مجبور شدند یک پای او را قطع کنند . این کارگر جوان ، علت حادثه را چنین شرح میدهد : من در طبقه چهارم یک ساختمان مشغول جوش دادن آهن بودم. چون هوا سرد بود و چون یخ زده بود ، یکدفعه با آهن به زمین سقوط کردم و آهن روی پای من افتاد و آنرا له کرد . مرا به بیمارستان بردند و چون در بیمارستان همدان نتوانستند مرا معالجه کنند، به این مرکز منتقل کردند.

مسئول مرکز شماره ۵ به خبرنگار ما گفت: برای این کارگر جوان از طرف سازمان تامین اجتماعی پای مصنوعی تهیه شده است که پس از مداوای کامل خواهد توانست با این پا زندگی خود را ادامه دهد.

این کارگر جوان به خبرنگار ما گفت : من میخواهم بهمه برادران کارگر از طریق مجله شما توصیه کنم که برای حفظ سلامتی خود ، همیشه و در همه حال با دقت و احتیاط بیشتری کار کنند . تا دچار حادثه نشوند.

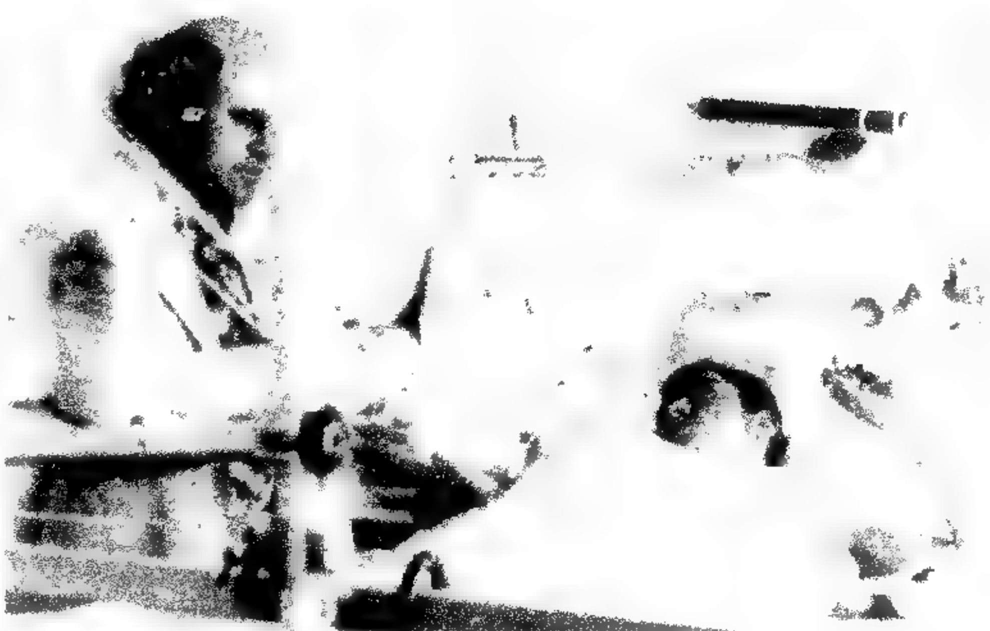

اسماعیل مرادی کارگر جوانی که براثر بی‌احتیاطی دچار حادثه شده است. با پرویز میلانی گزارشگر سرویس حوادث گفتگو می کند.

بی توجهی کارآما باعث قطع نخاع کارگر شد

حمداله محسنی ، ۳۰ ساله ، کارگر شرکت ساختمانی زوان چند روز قبل ، در حالیکه مشغول لوله کشی برق ساختمانی بود ، به داخل جای خالی آسانسور سقوط کرد و نخاع او قطع شد ، این کارگر جوان به گزارشگر ما گفت اگر کارآمای این ساختمان جای خالی آسانسور را که چندین ماه است خالی است درست میکرد، این حادثه برای من پیش نمیامد . وی اضافه کرد تا کنون چندین نفر در این محل سقوط کرده‌اند و یک نفر نیز کشته شده است . آقای حمداله محسنی که مجبور است بعد از این با چرخ دسته دار راه برود گفت : قریب ۵ ماه است که در این مرکز بستری هستم و هنوز لیست حقوق مرا درست نکرده‌اند و تا کنون حقوقی دریافت نکرده‌ام . از رستاخیز کارگران تقاضا دارم در این مورد به مسئولین امر گوشزد نماید که اقدامات قانونی را انجام دهند.

این کارگر جوان در اثر بی احتیاطی همکارش جان خود را از دست داد

در پی هدفی که در این قسمت از مجله دنبال میکنیم ، این شماره نیز چند حادثه را که برای دوستان عزیز کارگر ، در نقاط مختلف رخ داده است ، برای شما بازگو میکنیم اما نه باین جهت که حامل پیامی ناخوشایند باشیم ، بلکه باین دلیل که شما در فرصتی که دارید ، این مطالب را با دقت بخوانید و با آگاهی بر علل این حوادث ناگوار ، شما از تکرار این حوادث پیش‌گیری کنید .

بی احتیاطی کارگر رشتی

آقای گل رمضانعلی پور ، کارگر ۰ ۵ ساله‌ای که چندین سال است در کارگاه چوب‌بری کار میکند ، بالاخره بعد از مدت زیادی تجربه اندوزی براثر یک بی احتیاطی ، چند انگشت خود را از دست داد . آقای رمضانعلی پور ، هفته گذشته درحالیکه یک قطعه چوب را با دستگاه فرز ، فرز میکرد ، این حادثه برایش پیش آمد . این کارگر در مورد چگونگی حادثه میگوید : هنگامیکه یک قطعه چوب بقطر ۵ سانتی‌متر را فرز میکردم ، چون انتهای قطعه چوب دارای گره بود ، در اثر برخورد تیغه فرز با گره قطعه کار از دستم رها شد و دست راستم را با قبضه فرز درگیر و سه بند از انگشتانم را قطع کرد ، که بلافاصله به بیمارستان ۲۰ شهریور منتقل شدم .

علت وقوع حادثه

در تماسی که گزارشگر ما با مسئولین و کارشناسان وزارت کار وامور اجتماعی بعمل آورد ، کارشناسان مذکور علت این حادثه را اینگونه بیان کردند: دستگاه فرزی که حادثه با آن اتفاق افتاده ، از بالا و اطراف محفوظ است و فقط قسمتی از قبضه که مورد استفاده قرار میگیرد ، از گونیا خارج شده است و برای تیغه هیچ گونه وسیله حفاظتی پیش بینی نشده است . با توجه به این امر و نحوه کار روی فرز بنظر میرسد که حادثه در اثر نبودن حفاظ و بی احتیاطی کارگر از نقطه نظر هدایت قطعه کار رخ داده است . و حادثه ناشی از بی احتیاطی در هنگام کار میباشد.

پیشنهادات حفاظتی

روی دستگاه فرز باید حفاظ حلقه‌ای یا قوسی شکل که قابل تنظیم به نسبت قطر قطعه کار باشد نصب گردد واین با فاصله کمی بالاتر از قطر قطعه کار قرار میگیرد . هدایت قطعه کار باید حتی المقدور بوسیله دستک مخصوص انجام شود .

مقصر کیست؟

در این حادثه بدون شک بی توجهی و بی‌احتیاطی خود کارگر سبب اصلی حادثه بوده است ولی کارآمایان شرکت نیز در اجرای مقررات حفاظتی کم کاری کرده‌اند ، بگفته کارشناسان این شرکت با تهیه مقداری کمربند و کلاه که بهیچ وجه مناسب کار وخطرات کار نمی‌باشد باصطلاح از خود رفع مسئولیت کرده است . مسئله دیگر اینکه شواهد و گزارش موجود نشان میدهد اغلب کارگران نحوه استفاده از کمربند‌ها و وسایل حفاظتی را یاد نگرفته‌اند و کارآمایان تا کنون در این مورد اقدامات لازم را انجام نداده‌اند .

بی احتیاطی همکار ، قتل آفرید

در یکی از روزهای گرم اوایل تابستان ، خون یک کارگر جوان براثر بی احتیاطی همکارش در محیط کارگاه ، موزائیک‌های سالن کار را رنگین کرد .

محمد سیفی‌زاده که بیست و چهارمین بهار زندگیش را آغاز کرده بود ، هفته گذشته هنگامی که بدور از هر انتظاری سرگرم کار خود بود ، دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

گزارش خبرنگار ما از محل این حادثه حاکیست که درسالن پرس شاپ کارخانه ایران ناسیونال ، ضایعات کارخانه را بوسیله ماشینهای «لیفتراک» و «واگنت» بخارج از محوطه کارگاه پرس عمل می کنند در روز حادثه لیفتراک شماره ۳۰ در وسط راهرو توقف نموده بود و کارگری بنام اباذر بدیر با کشیدن اهرم متصل بگاری حمل ضایعات ، قصد داشت آنرا به لیفتراک نزدیک نموده و بان متصل نماید ، در حالیکه خود او روبه گاری و پشت به لیفتراک در حرکت بود ناگهان براثر برخورد بیکی از نورهای مقابل پرس ، گاری از مسیر خود خارج شد و تغییر جهت داد و با محمد سیفی‌زاده ، که خم شده بود تصادف کرد و منجر به کشته شدن او شد.

دوشنبه بیست و یکم تیرماه ۲۵۳۵
شماره هفدهم

کارگران

روزنامه رستاخیز

فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیر کل حزب :

کانونها، زیربنای سازمان سیاسی حزب را تشکیل میدهند

*** کانونهایی که جلسات مرتب نداشته باشند، منحل خواهند شد.**

*** تا چندی دیگر ۶ میلیون نفر در کانون‌ها عضویت خواهند داشت.**

آقای مهدوی قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در سمینار همکاران حزبی سخن میگویند.

سمینار آموزش هیاتهای اعزامی حزب رستاخیز ملت ایران که برای نظارت براجرای دقیق اساسنامه وآئینامه های مربوط به کانونهای حزبی بنقاط مختلف مملکت اعزام میشوند با سخنان فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیر کل حزب و وزیر مشاور گشایش یافت.

در آغاز این سمینار دو روزه فریدون مهدوی ضمن برشمردن هدف سمینار گفت برگذاری این سمینار از نظر حزب اهمیت فوق العاده دارد، زیرا سازمان سیاسی حزب در سراسر کشور بسرعت توسعه میباید.

وی افزود اکنون که بیش از یکسال از زمان تشکیل حزب میگذرد کانونهای حزبی در سراسر کشور از مرز ..... ۳ هزار گذشته و در آینده به ..... ۶ خواهد رسید که این تعداد کانون بیش از ۶ میلیون نفر را دربرمیگیرد.

قائم مقام دبیر کل حزب افزود تشکیل کانون یک مطلب است و جلسات مداوم آنها نیز مطلب دیگری که باید هر دوی آنها را توأم و با هم انجام دهیم. مهدوی سپس خطاب به شرکت کنندگان گفت: شما بررسی دقیق نحوه فعالیتهای کانونهای حزبی را برعهده دارید و چنانچه کانونی پس از انتخاب هیات رئیسه تشکیل جلسه نداد، فوراً به حزب گزارش کنید تا منحل شود. زیرا ماهیت حزب فراگیرنده اینست که مسایل مختلف از سطح پائین، یعنی از کانونها به کادر رهبری حزب منعکس شود.

قائم‌مقام حزب افزود: کانونها زیر بنای سازمان سیاسی حزب را تشکیل میدهند و از نظر کیفیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و درحالیکه شبکه سیاسی حزب توسعه میباید، باید به کیفیت کانونها توجه داشته باشیم.

مهدوی سپس به دکترین سیاسی اعضای حزب اشاره کرد و گفت ما برای بالا بردن سطح آگاهی های اعضای حزب بطور ماهانه دو جزوه سال داشته ایم. باید بررسی کنید که چگونه این جزوه ها مورد استفاده قرار گرفته است.

وی اضافه کرد برنامه های اساسی حزب در زمینه آموزش سیاسی هفته آینده به سراسر کشور فرستاده خواهد شد. و بموجب این برنامه ها رؤسای کانونهای حزبی در آینده سخنگویان حزب خواهند بود.

مهدوی سپس با اشاره به بیانات علیاحضرت شهبانو در شرفیابی مسؤولان حزبی ـ دفتر سیاسی و هیات اجرائی گفت توجه و رسیدگی به کیفیت کار کانونهای حزبی را آغاز خواهیم کرد و با یک برنامه وسیع این بررسی دنبال خواهد شد.

در مورد وظایف همکاران تشکیلاتی فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیر کل حزب در گفتگوئی با رستاخیز اظهار داشت: برای ایجاد و هماهنگی و اجرای دقیق اساسنامه وآئین نامه و سایر مصوبات ابلاغ شده، این گروه پس از فراگیری روش های تعلیماتی درسراسر کشور در

سطح شهر ها و بخشها فعالیت میکنند. و امر استوار روشهای تشکیلاتی در کلیه بخشهای کشور نیز انجام خواهد شد و همکاران تشکیلاتی در نشست با مسؤولان حزبی در

استانها و شهرستانها، چگونگی شرایط تعیین دبیران بخشها در روستا ها و نحوه پیشنهاد و انتصاب آنان و شرح وظایف و اختیارات دبیران را در سطح شهر ها و روستا ها نیز مورد بررسی قرار میدهند.

مهدوی افزود: روش انتقال آمار ونحوه تشکیل کلاسهای آموزش سیاسی و همچنین روش انتقال مفاد صورتحساب کانونها از جمله مهم ترین وظایف این گروه خواهد بود.

با حزب رستاخیز ملت ایران بیشتر آشنا شویم

رستاخیز حرکتی است نو، انقلابی است بی مانند ۲

محمد جعفر فتحی زاده

مهم ترین مسئله ای که برای هر ایرانی وجود دارد، نظام شاهنشاهی است.

کارگران عزیز توجه دارند که از شماره قبل سلسله مقالاتی را در مورد حزب رستاخیز ملت ایران آغاز کرده یم.

در این نوشته‌ها سعی میشود بازبانی ساده ارگانهای حزب و شاخه‌های آن شناسانده شود و اینکه وظایف هر کدام چگونه است.

در شماره قبل علت بوجود آمدن حزب رستاخیز ملت ایران و بیانات شاهنشاه آریامهر را به هنگام اعلام حزب منعکس ساختیم و اینکه چگونه مجمع مؤسسین مقدمات کار حزب را فراهم ساخت که طی آن مرامنامه و اساسنامه حزب به تصویب رسید. و در این شماره مرامنامه و اساسنامه را باز گو میکنیم.

مرامنامه

اصولا مرامنامه، اساس و بنیان هر اجتماع است؛ بدین تعریف که حتماً بایستی

بقیه در صفحه ۵۸

کانونهای حزبی بیشترین فرصت

* کارگران با علاقه بسیار در گسترش کانونها فعالیت میکنند
* ۷۰ کانون حزبی توسط کارگران تشکیل شده است.

با تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران، فصل جدیدی در حیات فعالیت‌های ملی و سیاسی کشورمان آغاز شد. زیرا از همان آغاز، همفکری و اظهارنظر و مشارکت عموم ملت ایران در برنامه‌ها و مسائل مملکتی، بعنوان یکی از هدفهای حزب مطرح شد و همانطور که شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند، حزب از بدو تأسیس کوشید همه افکار ملت ایران را برای هماهنگی بخشیدن به فعالیتها و اقدامات مملکتی بسیج کند.

حزب با این ایده و هدف و از آنجائی که بصورت فراگیرنده و متشکل از تمام نیروهای فعال توام یافته است، طرح تشکیل کانونهای حزبی و شرکت فعالانه طبقات و گروههای مختلف مردم را در این کانونها بمرحله اجراء درآورد و در تشکیل هرچه بیشتر و شناخت کامل ارزشهای کانونها، تأکید فراوان بعمل آورد، و در این راه از اعضاء کانونها میخواهد با بحث و گفتگو و بررسی مسائل مختلف مملکتی در کانونها، و ارائه نظرات خود، دستیابی به روشهای بهتر را ممکن سازند.

طبقات مختلف ملت ایران با شناخت ارزش کانونهای حزبی و روح دمکراسی که بر این کانونها حکمفرماست، باگردهم آئی، هزاران کانون حزبی در سراسر ایران تشکیل داده‌اند. کارگران نیز در کنار سایر طبقات فعالیت گسترده‌ای در تشکیل کانونها و شرکت فعالانه در امور مملکتی داشته‌اند. برای آگاهی از این فعالیتها و اقداماتی که در زمینه تشکیل کانونها در واحدهای تولیدی و کارگری بعمل آمده و نیز آشنائی با نظراتی که کارگران در باره کانونهای حزبی دارند، با جمعی از آنان به گفتگو پرداختیم.

کارگران و کانونهای حزبی

قربانی نسب، نماینده مجلس شورایملی از گروه کارگر در گفتگوئی ضمن تشریح اهمیت تشکیل کانونها اظهار داشت:

از زمان اعلام تشکیل کانونهای حزبی، کارگران سراسر کشور اشتیاق خود را برای تشکیل کانون حزبی در واحدهای تولیدی ابراز داشتند. سازمان کارگران ایران برای آنکه کارگران با هدفهای کانون آشنائی بیشتری حاصل کنند و کانونها حالت صنفی بخود نگیرد، کلاسهای آموزشی خاصی برای مسؤولان سندیکاهای کارگری تهران با همکاری حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل داد. در این کانونها هدف از تشکیل کانونها و وظائف و سایر مسائل و ویژگیهای آن از سوی کارشناسان حزب تشریح شد و مسؤولان سندیکها نیز به نوبه خویش کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی خود را با این هدفها و وظائف آشنا کردند. بعلاوه گروههائی نیز مرکب از نمایندگان مجلس شورای ملی از گروه کارگر و مسئولان سازمان کارگران ایران به شهرستانها و استانها اعزام شدند تا کارگران شهرستانی نیز از آموزش سیاسی و حزبی بی‌بهره نمانند، و با فراهم شدن این مقدمات کانونهای حزبی یکی پس از دیگری در واحدهای تولیدی و کارگری سراسر کشور تشکیل و یا در حال تشکیل شدن است.

قربانی نسب تشکیل کانونهای حزبی و شرکت عموم ملت ایران را در اجرای برنامه‌های مملکتی، فرصت گرانقدری خواند که حزب رستاخیز ملت ایران با الهام از نیات شاهنشاه آریامهر در برابر همه اعضای خود و در واقع در برابر همه ملت ایران قرار داده است و افزود: «باید قبول کنیم که از این برنامه ملی نتایج بسیار بدست خواهد آمد.»

صدیقه عبدالله زاده

پوربردباری

قربانی نسب

پور بردباری، نماینده مجلس شورایملی از گروه کارگر و معاون سازمان کارگران ایران نیز تشکیل کانونهای حزبی و شرکت دادن مردم را در اجرای برنامه های مملکتی یک اقدام بزرگ ملی خواند و افزود: «با تشکیل کانونهای حزبی، امکان شنیدن اظهار نظر مردم بیشتر میسر می‌شود و نیز بنحو مؤثری می‌توان به نیازهای جامعه کشورمان پی برد.»

پور بردباری سپس به تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری اشاره کرد و گفت: «سازمان کارگران ایران از چندی پیش کمیته‌ای را مامور آماده کردن مقدمات تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری نمود تا به اشتیاق و ابراز علاقه کارگران مبنی بر تشکیل کانونهای حزبی پاسخ گفته باشد.

این کمیته کار خود را بخوبی به انجام رسانید و با توجه به آموزش هائی که قبلا به کارگران داده شده در یکماه اخیر صدها کانون حزبی بسرعت در واحدهای کارگری تهران و سایر شهرهای کشورمان و با شرکت کارگران، کارمندان و کارآمایان هر واحد تولیدی تشکیل شد.

در کانونها همانطور که اشاره کردم محدودیتی برای عضو شدن قائل نشدیم، بلکه سعی شده است عموم کارکنان و کارگران بهمراه کارآمایان در کانونها فعالیت کنند تا اولا کانون جنبه صنفی نداشته باشد و ثانیاً از برخورد اندیشه ها و عقائد مختلف این گروهها، نتایج مفیدتر و جامع‌تری بدست آید. گذشته از این، عضویت کارگر و کارآما در یک کانون حزبی که روح دموکراسی بر آن حکومت میکند به ایجاد تفاهم بیشتر و گسترش و تحکیم صمیمیت بین طرفین کمک خواهد کرد.

صدیقه عبدالله زاده، کارگر یک واحد تولیدی و تلویزیون در این مورد معتقد بود در کشور ما که از آزادی کامل، دموکراسی پیشرفته و رهبری خردمندانه‌ای برخوردار است و بسرعت در حال توسعه و گسترش می باشد، دیگر تصمیم گیری و تعیین سرنوشت ملت و کشور در اتاقهای در بسته انجام می‌شود، بلکه می بایست هر ایرانی بتواند به راحتی آنچه را در راه خیر و صلاح و پیشرفت کشور مفید میداند، بیان کند. از همین رو بوده است که حزب فراگیرنده ملت ایران، تشکیل کانونهای حزبی و شرکت گسترده عموم ملت ایران را در این کانونها، بعنوان یک هدف و وظیفه ملی فرا روی مردم ایران قرار داده است و برای من و سایر کارگران مایه افتخار است که می‌توانیم در چنین کانونهائی عضویت داشته باشیم و نظرات خود را برای پیشرفت مملکت عزیزمان ارائه دهیم.

کانونهای حزبی کارگری در تهران

عبدالله بلندقد، رئیس سازمان کارگران تهران نیز در این باره اظهار داشت که تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری، امکان شرکت فعالانه کارگران را در مسائل مملکتی میسر میسازد.

وی سپس ضمن تشریح اشتیاق و شوری که کارگران برای تشکیل کانونهای حزبی از خودشان نشان میدهند، اسامی واحدهای تولیدی و کارگری تهران را که در آن ها کانونهای حزبی تشکیل شده و همچنین اسامی این کانونها را به این شرح در اختیار ما قرار داد:

الف ـ شرکت سهامی خاص نخکاره کانون

کانون ۱ ـ رئیس کانون، اسرافیل صالحی، تعداد اعضاء ۱۰ نفر

کانون ۲ ـ رئیس کانون مقصود برادرلیل آبادی. تعداد اعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۳ ـ رئیس کانون جعفر ابراهیمی تعداد اعضاء ۱۰۵ نفر

کانون ۴ ـ رئیس کانون اکبر ناصری تعداد اعضاء ۱۰۵ نفر

کانون ۵ ـ رئیس کانون حشمت‌الله کوهی تعداد اعضاء ۱۰۵ نفر

ب ـ کارخانه جنرال تایر و رایران یک کانون

رئیس کانون عبدالله بلندقد تعداد اعضاء ۱۰۲ نفر

پ ـ گروه صنعتی بهشهر ه کانون

کانون ۱ ـ رئیس کانون زین‌العابدین صفابخش تعداد اعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۲ ـ رئیس کانون حسن علی امینی تعداد اعضاء ۲۰۰ نفر

کانون ۳ ـ رئیس کانون حسن بهروز تعداد اعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۴ ـ رئیس کانون حسن دلخواه تعداد اعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۵ ـ رئیس کانون حسن امیدی‌نوبجاری تعداد اعضاء ۲۰۰ نفر

بحث و گفتگو را فراهم آورده است

ت ـ کارخانه ری‌او‌واک ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون خانم ملیحه گل محمدی تعداد اعضا ۱۲۳ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون علیرضا غلام بلوک تعداد اعضا ۱۲۰ نفر

ث ـ کارخانه لولم ماشین ایران ۳ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون احمد جدیدی تعداد اعضا ۱۲۵ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون خسرو کمرانیان تعداد اعضا ۱۳۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون عاصی ساعدنیا تعداد اعضا ۱۳۰ نفر

ج ـ کارخانه فیروز ۱ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون علی زارعی بیدگلی تعداد اعضا ۱۶۰ نفر

چ ـ شرکت سهامی جنرال الکتریک ایران ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون مرتضی ناظمی‌وش آبادی تعداد اعضا ۱۳۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون علی اصغر خلج تعداد اعضا ۱۳۰ نفر

ح ـ کارخانه سپنتا ۴ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون حبیب سلطانی تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون سید حسینی سادات حسینی تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون رستم دهموید تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۴ ـ رئیس کانون عین الله عینعلی تعداد اعضا ۱۲۰ نفر

خ ـ ساختمانهای فولادی ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون جهانگیر سیاقی تعداد اعضا ۱۰۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون روح الله سویدی تعداد اعضا ۱۰۰ نفر

د ـ شرکت سهامی صنعتی شهوند ۱ کانون
۱ ـ رئیس کانون خشایار بهبهانی تعداد اعضا ۱۱۰ نفر

ذ ـ کارخانه بنز خاور ۴ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون آقای ماشاالله محمدزاده تعداد اعضا ۱۴۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون غلامرضا پوریانفر تعداد اعضا ۱۶۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون داود شاملو تعداد اعضا ۱۴۰ نفر
کانون ۴ ـ رئیس کانون غریبعلی ابراهیمی تعداد اعضا ۱۶۰ نفر

ر ـ کارخانه کانادادرای ۵ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون پرویز سیلانی تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون مهدی هادزاد تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون مهدی قاسمی نژاد تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۴ ـ رئیس کانون مهدی عرفانیان تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۵ ـ رئیس کانون بیژن داداش‌آهنی تعداد اعضا ۲۰۰ نفر

کانون ۶ ـ رئیس کانون علی ابراهیمی تعداد اعضا ۲۰۰ نفر

ز ـ کفش شادان‌پور ۳ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون اصغر ایانلو تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون قربانعلی انصاری تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون اسماعیل دلیجانی تعداد اعضا ۱۵۰ نفر

ژ ـ کارخانه اونیورسال ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون حسین صلواتی تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون رضا داری رئیس تعداد اعضا ۱۰۰ نفر

س ـ کارخانه پارس مینو ۷ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون احمد پرچمی تعداد اعضا ۱۰۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون علی اکبر رضاوند. تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون جمشید بهنیا. تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۴ ـ رئیس کانون علی اکبر مشکین‌چی. تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۵ ـ رئیس کانون خسرو خسروی. تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۶ ـ رئیس کانون مکردون مهرابیان. تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۷ ـ رئیس کانون عین الله قلی‌نسب. تعداد اعضا ۱۵۰ نفر

کانون ۸ ـ رئیس کانون تقی سخن‌سنج. تعداد اعضا ۲۰۰ نفر
کانون ۹ ـ رئیس کانون اسماعیل دباغ. تعداد اعضا ۱۰۰ نفر
کانون ۱۰ ـ رئیس کانون فریدون صفدر. تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۱۱ ـ رئیس کانون عرب‌الله سریعی تله‌ورزی. تعداد اعضا ۱۰۰ نفر

ش ـ کارگران بسته‌بندی چای ۱ کانون
۱ ـ رئیس کانون خسرو واحدزاده. تعداد اعضا ۱۰۹ نفر

ص ـ شهرداری منطقه ۱ ناحیه ۲ یک کانون
۱ ـ رئیس کانون علی‌بشیر فلیچ خانی. تعداد اعضا ۲۰۰ نفر

ض ـ شهرداری منطقه ۵ یک کانون
۱ ـ رئیس کانون احمد آقاجانی. تعداد اعضا ۱۰۵ نفر

ط ـ کارخانه مشکوة یک کانون
۱ ـ رئیس کانون سید مرتضی صادمی سرف تعداد اعضا ۱۲۰ نفر

ظ ـ کارخانه تهران بافشا ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون محمود یارمحمدی. تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون حسین عادلی. تعداد اعضا ۱۲۰ نفر

ع ـ پارک هتل ۲ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون مارک خازن‌زاده. تعداد اعضا ۱۱۰ نفر

کانون ۲ ـ رئیس کانون حسن جلالی طهان. تعداد اعضا ۱۱۰ نفر

غ ـ کارخانه پلنداکس ۱ کانون
۱ ـ رئیس کانون بهمن دهش‌پور. تعداد اعضا ۱۰۰ نفر

ف ـ کارخانجات رادیو شهاب ۳ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون عطاالله طهماسبی لندرودی. تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون محمدعلی مطلبی. تعداد اعضا ۱۱۵ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون اسماعیل زرباک. تعداد اعضا ۱۱۵ نفر

ق ـ آدامس خروس‌نشان ۳ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون عبدالصاف علی‌پور. تعداد اعضا ۱۱۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون حسن قاسمی. تعداد اعضا ۱۲۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون سیاوش ماهی. تعداد اعضا ۱۱۰ نفر

ك ـ صنعتی بوبان ۴ کانون
کانون ۱ ـ رئیس کانون خیرالله جهانگیر. تعداد اعضا ۱۵۰ نفر
کانون ۲ ـ رئیس کانون قربانعلی اورن. تعداد اعضا ۱۳۰ نفر
کانون ۳ ـ رئیس کانون علی خروجردی. تعداد اعضا ۱۱۲ نفر
کانون ۴ ـ رئیس کانون عطاالله حمیدیان. تعداد اعضا ۱۰۰ نفر

در جلسه سازمان کارگران کرمان گفته شد:

کارگران این شهر هر روز تعداد بیشتری کانون حزبی تشکیل می‌دهند

جلسه فوق‌العاده سازمان کارگران کرمان با شرکت نمایندگان شهرستانهای تابعه استان

در جلسه فوق‌العاده سازمان کارگران کرمان گفته شد کارگران استان کرمان تا کنون ۹۴ کانون حزبی در واحدهای کارگری تشکیل داده و مقدمات تشکیل کانونهای دیگری را نیز فراهم آورده‌اند.

در این جلسه که به ریاست مهدی‌علی صالحی و با حضور کلیه نمایندگان کارگران و مسؤولان سندیکاهای کارگری استان تشکیل شده بود ابتدا سید جواد حسینی رئیس سازمان، مسائل کارگران و مشکلات سندیکاهای کارگری را بیان داشت و گزارش امور جاری سازمان را به اطلاع رسانید و افزود: کارگران با درک اهمیت و ارزش های وجودی کانونهای حزبی، فعالیت چشم‌گیری در امر تشکیل کانون در میان کارگری داشته‌اند بطوریکه تا کنون ۹۴ کانون حزبی در واحدهای کارگری تشکیل شده و مقدمات تشکیل کانونهای دیگری نیز فراهم گردیده است و پیش بینی میشود تعداد این کانونها در آینده نزدیکی به یکصد کانون بالغ شود.

آنگاه آقای اعتصامی مدیر کل کار و امور اجتماعی استان با اشاره به اثرات انقلاب شاه و ملت در زندگی کارگران و کوششهائی که برای تأمین رفاه کارگران و خانواده آنان بعمل میاید، ویژگیهای قانون سهیم شدن کارگران و اجرای قانون گسترش مالکیت صنعتی در واحدهای کارگری و نیز برنامه‌های دولت مبنی برصنعتی شدن استان کرمان را تشریح کرد و افزود: هدف‌های حزب رستاخیز ملت ایران ایجاب میکند که کارگران و عموم ملت ایران برای پیشرفت و توسعه هرچه سریعتر مملکت، بطور فعالانه و گسترده در برنامه‌های مملکتی مشارکت داشته باشند و کانونهای حزبی امکان مشارکت همه طبقات ملت ایران را در برنامه های اجرائی مملکت و ابراز نظر و عقیده، و همچنین بحث و گفتگو انتقاد سازنده و ارائه نظر فراهم آورده است.

مرکز آموزش حرفه تبریز برای تامین هرچه بیشتر نیروی انسانی صنایع کوشش میکنند

وزیر کار وامور اجتماعی به‌هنگام بازدید مرکز آموزش حرفه‌ای تبریز از نحوه کار کارآموزان دیدن میکند.

مرکز آموزش حرفه‌ای وگسترش آن از جمله برنامه‌هائی است که ازطرف دولت دنبال میشود وبرای تجهیز آن از امکانات موجود حداکثر بهره گرفته میشود.

مرکزآموزش حرفه‌ای که کار تعلیم و تربیت کارگران ماهر برای بازارکار را بعهده دارند، در تمام نقاط کشورگسترش یافته‌اند وبرای تجهیز آن‌ها بمنظور پیشبرد هدفهای توسعه‌صنعتی اقدام میشود.

مرکزآموزش حرفه‌ای تبریز یکی ازمراکز آموزش حرفه‌ای کشور میباشد که‌با کوشش بسیار در این‌راه‌گام برمیدارد وبه‌تعلیم علاقمندان رشته‌های فنی‌همت‌گماشته است.

مرکز آموزش حرفه‌ای تبریز که به ماشین‌آلات ومربیان کارآزموده تجهیز است برای فراهم‌آوردن نیروی‌انسانی صنایع کشور بویژه صنایع سنگین که‌در تبریز وشهرهای اطراف استقرار یافته درسالهای اخیر باجدیت بیشتری فعالیت میکند تابتواند همگام باگسترش صنایع در راه هدف خود هرچه بیشتر موفقیت بدست‌آورد.

هفتمین دورۀآموزش دفاع غیرنظامی کارگران تبریز‌بپایان رسید.

یکی از کارگران به هنگام مراسم تحلیف وسوگند.

[illegible] دفاع غیر نظامی ازجمله برنامه‌های اساسی است که [illegible] برای‌مقابله با هر گونه خطراحتمالی دارد.

به همین منظور هفتمین دوره آموزش نظامی کارگران چند واحد تولیدی و صنعتی تبریز که ازچندی قبل شروع شده بود، پایان یافت و کارگران طی مراسمی تحلیف وسوگندرا بجای آوردند.

کارگران برق شیراز ۸۵ میلیون ریال مابه‌التفاوت دستمزد دریافت کردند

در هفته اول تیر ماه مبلغ ۸۵ میلیون ریال به کارگران برق منطقه‌ای شیراز پرداخت گردید. یک مقام آگاه در سازمان کارگران شیراز اظهار داشت: مبلغ مزبور مابه التفاوت حاصله از افزایش دستمزد کارگران ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی درباره‌آنان است که به‌آنان پرداخت‌شد. این مقام افزود:

ـ علیرغم پـــــرداخت این مبلغ، کارگران برق منطقه‌ای شیراز که حدود ۷۰۰ نفر می‌باشند هنوز مابه‌التفاوت ۶ ماه دیگر را نیز از کارخانه طلبکارند که قرار است درشهریورماه این مطالبات نیز به‌آنان پرداخت‌شود.

ساختمان ۲۰۰ واحدمسکونی برای کارگران شهرداری شیراز شروع شد

عملیات ساختمانی ۲۰۰ دستگاه خانه برای کارگران شهرداری شیراز آغاز گردید. واحدهای مسکونی مزبور در زمینی به‌مساحت ۵۳۵۹۷ مترمربع که از سوی سازمان اوقاف در اختیار شرکت تعاونی مسکن کارگران شهرداری گذارده شده است احداث میشود.

شاپوری رئیس سازمان کارگران شیراز در یک گفتگوی تلفنی با خبرنگار کارگران اظهار داشت: کارگران شهرداری شیراز از چندی پیش فعالیت دامنه‌داری را برای احداث مسکن آغاز کرده‌اند وبهمین منظور اقدام به‌تأسیس شرکت تعاونی مسکن نمودند. سرمایه این شرکت ۳۱ میلیون ریال است وبراساس قراردادی که با بانک رفاه کارگران بعمل آمده است، بانک مزبور برای هریک ازواحدهای ساختمانی مبلغ ۵۰۰ هزار ریال وام در اختیار شرکت تعاونی مسکن کارگران شهرداری قرار خواهد داد.

اجرای طرح طبقه بندی مشاغل درسه واحد کارگری شیراز

دراین هفته اعلام شد که طرح طبقه بندی مشاغل درباره یکصدو هشتاد نفر از کارگران مهمانسرای جهانگردی شیراز بمرحله اجراء درآمده است و کارگران مزبور ازمزایای آن برخوردار شده‌اند.

اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل درباره کارگران کارخانه ادمیرال سازنده وسائل برقی وابزار الکتریکی» ونیز درباره کارگران کارخانه ایران‌نیون سازنده دستگاهها و وسائل ماکروویو» در دست بررسی است و به‌این ترتیب بزودی ۲۴۵ نفر کارگران این واحدتولیدی نیز تحت پوشش این طرح قرارخواهندگرفت.

کارگران شیراز و کانونهای حزبی

کارگران شیراز تا کنون ۳۲ واحد حزبی درواحدهای کارگری این شهر تشکیل داده‌اند وبراساس برنامه‌های پیش‌بینی شده سازمان کارگران شیراز وبا توجه به‌اشتیاقی که کارگران نسبت به‌تشکیل کانونهای حزبی وشرکت گسترده در فعالیت‌های کانونها دارند، تا پایان تیرماه این رقم به ۶۰ کانون وتا قبل از تشکیل کنگره‌حزب رستاخیزملت ایران به ۸۰ کانون افزایش خواهد یافت.

کارگران شرکت ملی نفت ایران دراراک نماینده خودرا انتخاب کردند

ماشاالله بهمنی

احمدمیرزائی

کارگران شرکت ملی نفت ایران دراراک برای انتخاب نمایندگان خود اجتماع کردند و پس ازاخذرأی دوتن ازهمکاران‌خود را بعنوان نماینده‌اصلی وعلی‌البدل برگزیدند.

این دو کارگرعزیزکه ازاین پس عهده‌دار وظیفه‌سنگینی درقبال دوستان خود هستند، ماشاءاله بهمنی و احمد میرزائی نام دارند که به ترتیب نماینده‌اصلی وعلی‌البدل کارگران شرکت ملی نفت (حفظ خطوط‌لوله ومخابرات اراک) شده‌اند.

گزارش خبرنگارما ازاراک حاکیست که کارگران دراین مراسم با علاقه بسیار نسبت به دوستان‌خود آنها رابنمایندگی برگزیدند.

سندیکای کارگران کارخانه ایرانیت:

تفاهم کارگران و کارآما باعث موفقیت سندیکا شده است

حجب‌الله‌نظری حسین محمدخانی حسین نورالهی

عباسعلی شکروی نورالله‌محسن زاده شمس‌الله‌نظری

سندیکای کارگران کارخانه ایرانیت در سال یکهزار ونهصد وپنجاه وسه تاسیس گردید ودر همان سال نیز دروزارت کار وامور اجتماعی تحت شماره ۹۶۳ به ثبت رسید.

با اینکه از تاریخ تأسیس این سندیکا بیش از دو سال نمیگذرد، ولی در همین مدت کوتاه توانسته است با استفاده از تجارب سایر سازمانهای کارگری و کمک و راهنمائی‌های برادرانه آنها به پیشرفتهای بسیار قابل توجهی دست یابد وخواستها ونیازهای کارگران را برآورده سازد که از آن جمله تهیه وسائل حفاظت وایمنی برای حفظ جان کارگران را میتوان نام برد.

افزایش سود ویژه نیز بمیزان قابل توجهی از دیگر اقدامات سندیکا میباشد. ساعت کار کارگران که بیش ازهشت ساعت بود، بااقدام سندیکا ازطریق قانون به ۸ ساعت تقلیل یافت ومیزان حقوق ودستمزد هم از اواسط سال گذشته از حداقل سیزده هزار ریال وحداکثر تا هفتاد هزار ریال افزایش پیدا کرد که این خود موفقیت بزرگی است که از راه فعالیت قانونی‌سندیکا امکان پذیرشد.

تشکیل کلاس پیکار بابیسوای که درآن در حدود صد نفر از کارگران مشغول تحصیل هستند اقدام مفید دیگر سندیکا میباشد. ایجاد شرکت تعاونی مصرف برای تأمین وسائل زندگی کارگران نیز با پی‌گیری مستمرسندیکا بخودشکل گرفت.

ناگفته نماند که در تأسیس شرکت مذکور سندیکا از کمک نقدی وامکانات لازم که بوسیله کارآما فراهم شد بهرمند شده است واین مسئله به‌ایجاد علاقه وتفاهم بین کارگرو کارآما درامر تولید کمک مؤثری کرده واین یکی از هدفهای سندیکا است...

اسامی اعضای هیئت مدیره فعلی عبارت است از آقایان منوچهر فلاح حقیقی، دبیر سندیکا— حمدالله توسلی، رئیس مدیره — شمس‌الله نظری خزانه‌دار— عباسعلی شکروی، نائب

رئیس— حسین نورالهی وحجت‌الله نظری و حسین محمدخانی، عضای اصلی هیئت مدیره و غلامحسین خردجوصفت ونورالله محسنی‌زاده و مراد محمودی بازرسان سندیکا. و رجبعلی پنجه‌علی ویوسف شریفی اعضای علی‌البدل هیئت‌مدیره.

برنامه‌آینده‌سندیکا

هیئت مدیره در نظر دارد موافقت مدیریت کارخانه را در امر تاسیس شرکت تعاونی بمسکن جلب کند ودر این مورد بخصوص مذاکرات مقدماتی نیز با کارآما بعمل آمده ومواعت شده زمینی در نزدیکی

کارخانه خریداری وپس از تهیه نقشه ساختمانی عملیات ساختمانی آن بمرحله اجرا درآید. همچنین محلی برای باشگاه ورزشی درنظر گرفته شود تا کارگران جوان وعلاقمند به‌ورزش بتوانند در رشته‌های ورزشی سرگرم شوند.

تشکیل شورای سازش برای حل وفصل اختلافات احتمالی— توسعه سالن ناهارخوری و حمام آب گرم نیز از جمله برنامه‌های آتی سندیکا میباشد که بامذاکرات انجام شده درآینده‌بمرحله اجرا درخواهدآمد.

سندیکای کارگران آجرماشینی فیروزآباد

سندیکا دراثر وحدت واتفاق نظر به خواسته‌های قانونی خود دست یافت

این سندیکا درسال دو هزارو پانصدوسی وهشت هجری تاسیس شدودر هشتم شهریورماه همان سال به‌شماره ۵۳۰ به ثبت رسید.

پس از تاسیس سندیکا، کارگران ازمزایای خود بهره‌چندانی نداشتندو با وجوداینکه بعضی از مواد قانون کار و بیمه‌های اجتماعی بطور ناقص درمورد آنها اجرا میشد، ولی این امر بهیچوجه نمیتوانست جوابگوی خواستهای کارگران باشد و علاقه و ذوق آنان را بکارو انجام وظیفه خود برانگیرد.

سود ویژه از میزان سی روز درسال تجاوز نمیکرد و با اینکه محل سکونت کارگران با محل کارشان فاصله زیادی داشت، لیکن وسیله ایاب وذهاب در اختیار آنان نبود. باوجود اینکه مواد مربوط، کارآمایان و مدیریت کارخانه را موظف به تهیه وسایل ایمنی و بهداشتی برای کارگرانمیکرد، ولی در این خصوص سهل انگاری می‌شد.

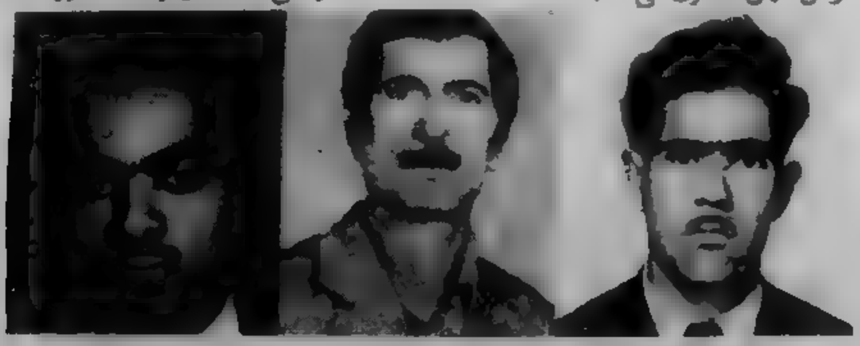

حسن غضنفری رستم ابراهیمی حسین‌فرهادی‌نیکو

محمدقادراسکوئی حسن همراهی اسفندیار حدائی—

خوشبختانه سندیکای کارگران در اثر وحدت واتفاق به این اوضاع نابسامان وناگوار برای همیشه خاتمه داد وخواستهای کارگران را یکی بعد از دیگری بمرحله عمل درآورد و آرزوهای دیرینه‌آنان رابرآوردساخت تاجائیکه سود ویژه را به نود روز یعنی سه برابر سابق افزایش دادوپاداش وعیدی بمیزان بیست روز دستمزد کارگران هرسال بطور مرتب بکارگران پرداخت‌میشود.

مقررات مربوط به تامین اجتماعی درمورد کارگران این صنف وخانواده آنان اجرا میشودو هم اکنون کارگران بطور کامل از وسایل ایمنی وحفاظت برخوردارهستند و درعین حال وسائل بهداشتی نیز برای آنان‌فراهم‌شده‌ولباس کارودستکش‌فنی‌نیز دراختیارآنان‌قرارمیگیرد. لازم است گفته شود که در اثر اقدامات مؤثر و مفیدسندیکا کارگران‌نه تنها طبقه بندی مشاغل شده‌اند، حتی میزان دستمزد آنان نیز به نسبت دویست درصد اضافه شده و علاوه بر این مبلغ چهل ریال. هم روزانه برای سرویس ایاب و ذهاب بکارگران‌پرداخت‌میگردد....

شرکت‌تعاونی‌مصرف

ازسال گذشته شرکت تعاونی مصرف برای کارگران تأسیس شده و مورد استفاده آنان قرار گرفته است وازسال ۲۵۳۲ کلاس‌سوادآموزی برای کارگران دائرشده وتا اواخرسال گذشته هفتاد نفر از کارگران‌موفق به اخذگواهی نامه شده‌اند...

اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران آجرماشینی فیروزآباد عبارتنداز: حسن غضنفری، دبیرسندیکا— محمدقادری اسکوئی، رئیس هیئت مدیره — حسین فرهادی نیکو، خزانه‌دار — اسفندیار حدائی انارکی عضو اصلی و نماینده‌شورای کارگاه — ابراهیم کاظمی، نائب رئیس — میراسماعیل موسوی عضو علی‌البدل و رستم ابراهیمی — حسن همراهی محمدفیروزآبادی بازرسان سندیکا.

رفاه‌بیشتربرای کارگران

هیئت مدیره سندیکا در نظر دارد برای تأمین مسکن کارگران قطعه زمینی جهت خانه سازی کارگران در نزدیکی کارخانه خریداری کند و یا ازطریق دیگر خانه‌های ارزان قیمت بتعداد کافی تهیه کند ودراختیار کارگران بگذارد.

برای این منظور بزودی شرکت تعاونی مسکن تاسیس خواهدشد وشروع بکارمیکند. همچنین سالن ناهارخوری نیز برای کارگران ساخته‌شده، کلاسهای سوادآموزی‌فعلی توسعه یافته و عده زیادی از کارگران درآنها مشغول سوادآموزی هستند.

درعین حال درنظراست محلی نیز بعنوان باشگاه همراه با وسائل ورزشی فراهم شود تا کارگران علاقمند بتوانند از لحاظ تربیت بدنی درتقویت‌قدرت‌جسمانی‌خویش کوشش کنند.

رئیس هیات مدیره یک سندیکای کارگری:

سهل انگاری سندیکا نسبت به اجرا

* جلسات سندیکا درحقیقت منشاء هرگونه اقدامات اساسی واصولی است.
* کارگران این واحد تولیدی به آموزش های فنی نیاز دارند
* شرکتهای تعاونی مصرف کارگران با ۹۵۰۰۰ ریال سرمایه قدمهای اولیه را برمیدارد

شرکت در مسائل مربوط بخود و فعالیت‌های اجتماعی ازجمله مواردی است که هر یک ازما بایستی آنرا دنبال کنیم و با علاقه نسبت به اینگونه مسائل اظهارنظر منطقی داشته باشیم. سندیکاهای کارگری که متشکل از اجتماع گروههای متحدالمنافع است این فرصت را به کارگران میدهد تا بطورصحیح درمسائل مربوط به خود شرکت واظهارعقیده کنند.

سندیکاهای کارگری نقطه اتکائی است که کارگران با تکیه برآن میتوانند به خواسته های قانونی خود دست یابند. سندیکا امکان همفکری و متشکل بودن را فراهم میآورد و بسیاری موضوعات دیگر که شناخت وآگاهی در آن برای کارگران نه تنها لازم، بلکه ضروری است.

هم اکنون تعداد بیشماری سندیکای کارگری داریم که در واحدهای تولیدی یا صنفی فعالیت می کنند ودرجهت تأمین خواسته های قانونی کارگران گام برمیدارند. این بارنیز مانند همیشه یکی دیگرازسندیکاهای کارگری را از جهت فعالیت و کوششهائی که انجام داده‌اند معرفی می‌کنیم.

استقرارمجدد

گفتگوی خود را با پرسشی درمورد اوضاع و احوال سندیکا و اینکه وضعیت سندیکا در گذشته وحال چگونه است، شروع کردیم.

آقای علی بلقدر دبیر سندیکا در این مورد اظهار داشت.

— سندیکای کارگران داروسازی «اسکویب ایران» در تاریخ ۲۵۳۳/۲/۲۰ تشکیل شد، و به شماره ۸۲۷ دروزارت کار به ثبت رسید و سال گذشته ضمن تجدید انتخابات، هیات مدیره جدیدی انتخاب و مسئولیت اداره سندیکا را بعهده گرفته است.

دبیر سندیکا سپس به معرفی اعضای جدید هیأت‌مدیره پرداخت وگفت:

— براساس انتخابات جدید، آندرانیک — هارطونیان (رئیس هیأت مدیره) — منصور حان‌نثاری (نائب رئیس) —علی بلقدر (دبیر) - علی کفائی (عضو اصلی) — تقی مولائی (خزانه‌دار) و همچنین احمد مرتضوی، رازمیک درزاخاریان وابراهیم خطیبی (بازرسان سندیکا) برگزیده‌شدند.

دبیر سندیکا یادآور شد: ۱۵۰ نفر عضو سندیکا میباشند که درحدود ۵۰ درصد ازاین افراد را زنان کارگرتشکیل میدهند که همچنان دوشادوش برادران کارگر به فعالیت اشتغال دارند.

همکاری کارفرما

درخصوص چگونگی مذاکرات، تشکیل جلسات سندیکا و همچنین نحوه تصمیم‌گیری آندرانیک هارطونیان رئیس هیأت مدیره سندیکا سخن گفت واظهارداشت مسئولان فعلی سندیکا در ابتدای کار با مشکلاتی، ازجمله کارهای نیمه تمامی که ازگذشته برای سندیکا مانده بود، طرح طبقه بندی مشاغل، مسئله اضافه حقوق کارگران روبرو بود و با کوششی که در این مورد انجام میشود، تا حدی موفقیت بدست آمده، وسعی میشود که بتوان به نتیجه مطلوب همگان دست یافت.

دراینجا ازرئیس هیأت مدیره تقاضا کردیم بگوید که جلسات خود را هرچند مدت، چگونه و بالاخره با حضور چه افرادی تشکیل میدهد و خلاصه آنکه سندیکا به چه ترتیبی به درخواستهای کارگران ذینفع رسیدگی می کند. وی درپاسخ این سؤال اظهارداشت:

هیات مدیره سندیکای کارگران این واحد تولیدی جلسات عادی خود را معمولا هفته‌ای یکبار درسالن کنفرانس تشکیل میدهد و در موارد ضروری به تشکیل جلسات فوری و فوق‌العاده مبادرت میورزد. قبل از تشکیل جلسات فهرستی از مذاکرات مورد نظر تهیه میشود تا درجلسه عمومی سندیکا مطرح وازتمام اعضا نظرخواهی شود. هیأت مدیره تاکید کرد که جلسات سندیکا در حقیقت منشأ هرگونه اقدام اساسی و اصولی است، زیرا در این گردهم آئی ها کوچکترین و بزرگترین تصمیمات عام‌المنفعه اتخاذ میشود و در مسیری صحیح به‌مرحله اجرا درمیآید.

وی گفت بطورمعمول یکی از روشهائی که ما را در این تصمیم گیریهای مفید ارشاد و راهنمایی می کند، نامه‌ها وپیشنهادات و نظرات صحیح کارگران است.

بدین لحاظ در تمام جلسات نامه‌های رسیده و ثبت شده از طرف کارگران مطالعه و موادمطروحه آن مورد رسیدگی قرارمیگیرد.

در این صورت و بعبارت دیگر جلسات سندیکائی بمنزله کانون تبادل افکاری است که توسط نمایندگان آنها اعمال میشود.

رئیس هیات مدیره یادآور شد درمواقعی که لازم باشد از کارآما یا نماینده او نیز دعوت میشود تا درجلسات هفتگی سندیکا حاضرشوند و از نزدیک شاهد مذاکرات و طرز بررسی خواستهای کارگران باشند.

موفقیت دیگر

رئیس هیات مدیره سندیکا در ادامه مطالب خود گفت جلوگیری ازاخراج کارگران را میتوان یکی ازموفقیت سندیکا دانست زیرا طی مذاکراتی که با کارآما صورت گرفت وسازش های دوستانه وصمیمانه‌ای که بین سندیکا و کارآما بعمل آمد ازاخراج بدون دلیل و غیر منطقی کارگران جلوگیری شد، و با برقراری حسن رابطه‌بین کارگران و کارآما درجهت تولید بهتر وبیشتر کوشش بعمل‌میآید.

کارگران درجلسه سندیکا

درمورد این که آیا از کارگران و یا عده‌ای از آنها بعنوان نماینده کارگاهها دعوت میشود تا درجلسات هفتگی بحث ومذاکرات سندیکا شرکت کنند.

رئیس هیات مدیره گفت: اتفاقاً این فکر جالبی است. بنابراین لازم بنظرمی‌رسد که ازاین پس چنین تغییرات را درفرم جلسات خود بدهیم و کارگران ضمن شرکت در جلسات ناظر برگفتار و فعالیت باشند، که مسلماً از این طریق همبستگی بیشتری بین کارگران و سندیکا بوجود میآید.

کوشش برای تأمین منافع

مسئله حقوق و مزایای کارگران و طرح طبقه بندی مشاغل مورد سئوال قرار گرفت. دبیرسندیکا درپاسخ این سئوال اظهار داشت:

طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه ازسال ۲۵۳۳ پیاده شد و این طرح در حدود ۴۰ درصد از کارگران را شامل شده ولی کارگرانیکه دارای حقوق بیشتری هستند، از شمول این طرح بهرمند نمیباشند لیکن بامذاکراتی که در این مورد صورت گرفته، درحال بدست آوردن نتیجه مطلوب هستیم تا همگی ازاین‌مزایا برخوردارشوند.

دبیر سندیکا افزود: درسال جاری عده‌ای از کارگران مطابق باضرایب تعیین‌شده اضافه حقوق دریافت کرده‌اند، بطوریکه حداقل اضافه دریافتی کارگران که‌دستمزدهای کم داشتند، ده درصد بوده وسایر کارگران هر یک ازدرصدهای متفاوت ترفیع حقوقی برخوردار شده‌اند و بدین طریق درآمد بیشتری نصیب کارگران‌شده‌است.

هم سودویژه‌وهم عیدی

در اینجا موضوع بحث به مسئله سودویژه کارگران کشیده‌شد وازدبیرسندیکا خواستم تا درباره‌نحوه‌پرداخت‌سودویژه بگوید.

وی اظهارداشت:

— حداقل وحداکثر میزان سود دریافتی کارگران این واحد تولیدی در دو سال گذشته

خبرنگار رستاخیز کارگران بااعضای سندیکا درمورد خواسته‌ها و فعالیت سندیکا گفتگو میکند.

ی وظایف خود، نابخشودنی است

بین رقم های ۴۵ روز تا ۴ ماه حقوق در نوسان بوده‌است.
آقای بلقدر در دنباله این گفتار اضافه کرد. مجموع سود پرداختی سال گذشته در این کارخانه به ۶ میلیون ریال رسید.
سؤال دیگرمان از دبیرسندیکا به مسئله عیدی اختصاص یافت. وی در این خصوص گفت:
— این مسئله سابقه نسبتاً طولانی دارد و بطوریکه درگذشته و پیش از اجرای قانون پرداخت سود ویژه کارگران این کارخانه در ازای هریکسال کار، برابر با یکماه آخرین حقوق خود عیدی دریافت میداشتند، ولی پس از برقراری مستمر سودویژه، این پاداش سال گذشته قطع شد و برای دریافت مجدد آن تقاضاهای زیادی از طرف کارگران به سندیکا تسلیم شد و بر این پایه تلاش سندیکا از طریق وزارت کار ادامه دارد و امیدواریم که بتوانیم در این مورد نیز موفق شویم.

شورای سازش

چگونگی شورای سازش در این کارخانه مورد سؤال قرار گرفت، و اینکه شورای سازش و شورای حل اختلاف این واحد تولیدی چه وظیفه‌ای درمقابل کارگران بعهده دارد.
رئیس هیات‌مدیره در این زمینه گفت:
— با تمام ضرورتی که در این باره احساس میشود تا کنون این شورا در واحد تولیدی ما تشکیل نشده است، اما سندیکا تلاش خودرا برای تشکیل این شورا ادامه میدهد و با توجه به نتایج نیکوئی که شورای حل اختلاف برای طرفین دربردارد، بنظر میرسد که بتوانیم بزودی این شورا را در کارخانه تشکیل دهیم.

نیاز به آموزش فنی

: پاسخ مربوط به امرسوادآموزی وآموزش فنی دبیر سندیکا اظهار داشت: تا کنون کلاسهای متعدد سواد آموزی برای کارگران این واحد تولیدی تشکیل شده وآخرین کلاس در دیماه سال‌گذشته تشکیل شد و عده‌ای از کارگران درآن مشغول آموزش هستند.
وی افزود: تا کنون حدود ۵۰ درصد از کارگران این واحد تولیدی باسواد شده‌اند و با توجه به استقبال و اظهار علاقه‌ای که از طرف کلیه کارگران این کارخانه نسبت به مسئله ابراز میشود قابل پیش بینی است که درآینده‌ای نزدیک همه کارگران خواهند توانست از نعمت سواد برخوردار شوند.
از دبیر سندیکا راجع به آموزش فنی سؤال کردیم، وی ضمن تاکید آموزشهای فنی یادآور شد سهل انگاری سندیکا در پی‌گیری این امر باعث شده که دوره‌های آموزش فنی نداشته باشیم و اظهار امیدواری کرد سندیکا با جدیت بیشتری این مسئله‌را دنبال کند و به نتیجه مطلوب برسد.

چاره‌ای برای تأمین مسکن

فروشگاه تعاونی، مسکن و مسئله‌وامهای ضروری موضوع دیگری بود که مورد بحث قرار گرفت، در این مورد رئیس هیات‌مدیره اظهارداشت:
— شرکت تعاونی مصرف کارگران این کارخانه از تاریخ ۲۰/۷/۳۲ وبا سرمایه اولیه ۵۰۰‚۵۵۹ ریال تشکیل شده وسرمایه فعلی آن تا ۹۵۰‚۰۰۰ ریال افزایش یافته است ودارای ۹۱ نفر عضو میباشد.
وی افزود: موضوع مذاکرات جلسات متعدد ما بویژه در یکسال گذشته به امر بهبود تعاونیهای کارگران اختصاص داشت وسعی میشود برای گسترش و توسعه تعاونیهای کارگران تاحد مسکن کوشش شود ودرنتیجه این اقدامات اخیراً برنامه اصلاحیه‌ای از طرف اعضای هیات‌مدیره شرکت تعاونی موردمطالعه است و پیش بینی میشود که درآینده‌ای خیلی نزدیک ساختمان فروشگاه شرکت تعاونی مصرف درمحلی که برای آن درنظر گرفته شده، به اتمام برسد وباین‌ترتیب شرکت خواهد توانست کارجدی خود را آغاز کند.
رئیس هیات‌مدیره سندیکا درمورد شرکتهای تعاونی وتعاونیهای اعتبار ومسکن، اظهارداشت، گرچه تابحال کوششی در این راه بعمل نیامده ولی سندیکا امیدوار است هرچه زودتر بتواند با جلب نظر وتوافق کارآما همزمان با تقویت قدرت مالی شرکت تعاونی و نیز توسعه آن، به این خواست کارگران پاسخی منطقی و مثبت بدهد.

کمکهای پزشکی

موضوعهای خدمات درمانی کارگران، درمانگاه، کمکهای اولیه کارخانه (تجهیزات پزشکی مورد نیاز)، بهداشت و حفاظت درمحیط کار و مهد کودک برای فرزندان کارگران مسائلی بود که دبیرسندیکا در باره آنها سخن گفت و اظهارداشت درمانگاه کمکهای اولیه کارخانه توسط کارآما تأسیس شده که دارای لوازم کمکهای اولیه وهمچنین چندنفر از دختران آموزش دیده میباشد که زحمات آنان درحد خود قابل تقدیراست.
وی پس ازآن ازکمکهای نقدی سندیکا به کارگران بیمار یاد کرد و گفت با اینکه این واحد تولیدی فاقد آمبولانس مخصوص میباشد، اما همیشه مسئولان سندیکا آماده‌اند تابیماران و احیاناً سانحه دیدگان را توسط اتومبیلهای شخصی، به بخشها ومراکز درمانی برسانند ودر اکثراین مواقع کارگران بستری‌شده‌از کمکهای نقدی ازطرف سندیکا بهرمند میشوند.
درمورد مهد کودک که یکی ازامکانات رفاهی درجه اول کارگران زن‌میباشد، دبیر سندیکا اظهار امیدواری کرد که با کوشش سندیکا هرچه زودتر تأسیس شود، وازاین نظر با کمکی که مسئولین واحد تولیدی خواهد کرد امکانات رفاهی برای زنان کارگر بوجود آید.

سهل انگاری سندیکا نابخشودنی است

این گفت و شنود را بامطالبی در باره عدم فعالیت سندیکا به پایان رساندیم و در این خصوص اعضای هیات‌مدیره‌سندیکا رامخاطب ومورد سؤال قرارداديم.
رئیس هیات‌مدیره‌درمورد آخرین پرسش ما گفت:
— مسلما کوشش پی‌گیر سندیکا میتواند تامین کننده نیاز قانونی کارگران باشد و متأسفانه سندیکای ما تااین تاریخ چندان پیروزی درخشانی نداشته است.

کلاس سوادآموزی کارگران برق منطقه‌ای زاهدان پایان یافت

عکس، امتحان پایان دوره کلاسهای اول سوادآموزی کارگران برق منطقه‌ای زاهدان را نشان میدهد.

کلاسهای سوادآموزی وبرخوردارشدن کارگران از نعمت سواد کوششی است که بدون وقفه توسط مسؤولین دنبال میشود.
کارگران برق منطقه‌ای زاهدان از جمله گروهی از دوستان عزیزمان هستند که در کلاس سوادآموزی شرکت کردند وموفق به پایان دوره و کسب گواهینامه های خود شدند.
شرکت در کلاسهای سوادآموزی نوعی وظیفه است و همچنین راهنمایی کارگران بیسواد به کلاس مبارزه با بیسوادی خود نیز کمکی مؤثر در این امر مقدس که بزرگترین خدمت بشمار میآید.
از شما کارگران عزیز که از نعمت سواد برخوردار شده‌اید میخواهیم در کارگاه خود بخدمت کارگران بیسواد درآئید وآنان را از این نعمت برخوردارسازید.

انتخاب هیئت‌مدیره سندیکای کارگران نساجی مازندران

مجمع عمومی سندیکای درشرف تأسیس نساجی مازندران در جلسه‌ای که باحضور مدیر کل کار وامور اجتماعی استان تشکیل دادند، اعضای هیئت مدیره، بازرسان و اعضای شورای داوری سندیکای نساجی مازندران راانتخاب کردند.
این سندیکا پس از انجام تشریفات قانونی، رسما کارخود را آغاز خواهد کرد.

کلاس آموزشی برای کارآموزان مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج

یکدوره برنامه آموزشی مسائل کار وتأمین اجتماعی از طرف مؤسسه کار وتامین اجتماعی برای کارآموزان مرکز تعلیمات حرفه‌ای کرج تشکیل شد.
شرکت کنندگان در این دوره‌آموزشی که ۴۰ نفر بودند با شرایط کار، مراجع حل اختلاف ـ سهیم کردن وروشهای آن ـ طبقه‌بندی مشاغل ـ قرارداد کار وفسخ آن مسائل سندیکائی، مشارکت درسهام وشرکتهای تعاونی آشنا شدند.

طبق برنامه تنظیمی:

تاپایان سال جاری دوازده مرکز آموزش

*** آموزش حرفه‌ای مزایای بسیاری برای کارگران و کارآمایان دربردارد**

*** درسال گذشته ۹۹۹۲ کارگر درصنایع مختلف آموزش دیدند.**

رشد سریع صنایع و اقتصاد کشور وآشنائی با پدیده‌های جدید علوم و صنایع موجب شده که نیاز به نیروی انسانی ماهر ومتخصص روز–بروز افزون شود.

بمنظور تامین نیروی انسانی ماهرو متخصص دستگاههای مسئول با همکاری صاحبان صنایع برای ایجاد و توسعه مراکز آموزش حرفه‌ای دست‌بدست هم داده‌اند تابا آموزش فنی تخصصها را بالا برده و درسطح قابل قبول قرار دهند.

یکی از دستگاههای مسئول که برای پی گیری و توسعه این امر بوجود آمده صندوق کارآموزی‌است.

این صندوق که بمنظور آموزش کارگران و بالابردن سطح مهارت آنها بوجود آمده، حدود پنج سال پیش یعني در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی فعالیت خود را آغاز کرد. همچنین بموجب قانون کارآموزی، صاحبان صنایع موظف شدند در جوار کارخانه یا واحدهای صنعتی خود مراکز آموزشی ایجاد کنند و چنانچه واحدهای تولیدی امکانات کافی برای ایجاد مراکز آموزشی درجوار کارخانه نداشته باشند بر اساس‌قانون کارآموزی میبایست دودرصد دستمزد کارگران را بابت حق کارآموزی به صندوق کارآموزی بپردازند و صندوق در ازاء دریافت این مبلغ از طریق اعزام تیمهای سیارو ایجاد مراکز ثابت و سیار، کارگران را آموزش میدهند. صندوق درقبال صاحبان صنایعی که مرکز آموزشی در جوار کارخانه دارند امتیازاتی قائل شده‌است وعلاوه‌برتخفیف‌وگاه‌معافیت‌در پرداخت دودرصد حق کارآموزی، از طریق آموزش ضمن کار – تعلیمات سرپرستی – تعلیمات مربیگری و کادرآموزشی و حتی آموزش مدیریت درصنعت و همچنین باارسال جزوات آموزشی به آنان کمک موثری در پیشبرد آموزش کارگران میکند و حتی در مواقعی که صاحبان صنعت در امر تولید با مشکلاتی مواجه شوند با آموزش در حد استانداردهای بین‌المللی به رفع آنها میپردازد و از ابتراه نیروی انسانی غیر ماهررا به‌نیروی ماهرو فعال و متخصص تبدیـــــل میکند.

صندوق همچنین بمنظورهماهنگ‌شدن آموزش حرفه‌ای کارگران درسطح بین‌المللی هرچند وقت یکبار ازطریق اعزام کارشناس بمراکز حرفه‌ای بین‌المللی و گاه از طریق دعوت از کارشناسان وتشکیل جلساتی دراین زمینه به تبادل اطلاعات میپردازد و از تازه‌های فن آموزش حرفه‌ای بهره میگیرد. با کوششی که دراین امرصورت گرفته هم اکنون نحوه‌آموزش حرفه‌ای کشور ما هم سطح آموزشهـــای بین‌المللی درآمده وخوشبختانه برای این کار درتمام مراحل از وجود کارشناسان داخلی استفاده‌میشود.

کارگران درمحل کارخود باتکنیک های‌جدید آشنا میشوند

اولین مراکز آموزشی جوار کارخانه با توجه به نیازصنایع نساجی وفلزی درکناراین واحدها ایجاد شد و بتدریج صاحبان صنایع ساختمانی نیز با همکاری صندوق کارآموزی دست به ایجاد مراکز جوار کارخانه زدند. و بدنبال اینکار صاحبان معادن کشور نیز بفکر آموزش معدنکاران افتادند و اقدام به تاسیس مراکزجوار کارخانه کردند.

با مشمول‌شدن صنایع شیمیائی–غذائـی–پلاستیک–برق–حمل ونقل وغیره‌نیزصندوق کارآموزی با تهیه استانداردهای آموزشی صاحبان‌صنایع مذکوراموظف به‌ایجادمراکز جوار کارخانه کرد بطوریکه در حال حاضر ۳۵ مـــرکـــزجـــوارکارخـــانـــه‌منطبق با استانداردهای‌آموزشی درسراسر کشورایجاد شده است وعلاوه براینها شش مرکز آموزشی نیز با صندوق درامر آموزش حرفه‌ای همکاری دارند.

صندوق کارآموزی دراین مراکزازمازاد ظرفیت آنان برای بـالا بـردن سطح مهارت کارگران استفاده میکند بدین طریق که اگر ظرفیت این مراکز سیصد نفر باشد یکصد نفر نیز ازطریق صندوق و با استانداردهای آموزشی صندوق‌آموزش‌خواهند دید.

مراکزمذکورعبارتنداز مرکز رضا پهلوی تهران– مرکز رضا پهلوی اصفهان– مرکز قوامی اصفهان (که این سه مرکز دراختیار سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی میباشند)–مرکز آرشام در کرمان– ودومرکز دیگر یکی در کانون کارآموزی کرج ودیگری در کانون کارآموزی مشهد، که تاکنون گروه کثیری از کارگران کارخانه‌های همجوار این مراکز نیز زیرنظرمربیان‌آموزش دیده‌وموفق بدریافت گواهینامه‌مهارت‌شده‌اند

درسال گذشته در مراکز جوار کارخانه حدود هفتهزار کارگرساده ازطریق آموزشهای صندوق کارآموزی به کارگر ماهر ونیمه ماهر تبدیل و در خدمت صنایع در آمدند که با احتساب تعداد آموزش دیدگان ازسال ۲۵۳۱ تا پایان‌سال گذشته مجموعاً حدود هفده هزارو یکصد ونود نفر کارگردرمراکزجوار کارخانه بدرجاتی‌ازتخصص دست‌یافتند.

مدت‌آموزش درمراکزجوار کارخانه

آموزش جوار کارخانه با توجه به مهارت کارگرواحتیاج صنایع ازیکماه تاچهارماه بطول می‌انجامد که در دو مرحله تئوری و عملی صورت‌میگیرد.

زمان‌آموزش تئوری کمتر ازمان‌آموزش عملی است‌واین امرباتوجه به ضرورت آشنائی بیشتربادستگاهها وابزاروکارانجام‌میشود.

دست یابی به تخصص و مهارت در زمان کوتاهتر مسؤلان آموزشی را برآن داشت تا با مطالعه روشهای آموزش حرفه‌ای کشورهای صنعتی، سیستمهای‌آموزشی خــود را به سیستم آموزش تخصصی بنام «مدولارسیستم» تبدیل کنند ودراین راه تاکنون مطالعات واقدامات مستمری انجام شده و جزوات آموزشی زیادی تهیه گردیده است. «مدولارسیستم» را بطور مشروح میتوان سیستمی دانست که در رفع نیاز کارگران ماهر هرصنعت بخصوص باتوجه به نیاز تخصصی همان صنعت بکار میرود. بعنوان مثال اگر در کارخانه‌ای که سازنده لوازم خانگي ازقبیل یخچال – کولر است احتیاج به کارگری که بتواندعمل نقطه‌جوش را انجام دهد، باشد لزومی ندارد که کارگر واحد مذکور تمام مراحل جوشکاری را طی کند بلکه درزمانی کوتاه وفقط نقطه‌جوش را یاد خواهدگرفت ویا کارگر ورق کار کولرو یخچال وتراشکار ضروری نمیباشد که حتماً تمام مراحل ورق کاری ویا تمام مراحل تراشکاری را فراگیرد چون این امر مستلزم زمان بیشتری‌است.

کارگرانی که تحت این شرایط آموزش میبینند پس ازشروع کار بتدریج با قسمتهای دیگرآشنامیشوند.

بنابراین بااجرای این‌سیستم مدت‌آموزش بحداقل خواهد رسید بطوریکه کارگری که در حال‌حاضردررشته‌جوشکاری ازیک‌ماه تا چهار ماه آموزش میبیند این زمان را در مدت یک هفته وفقط درقسمت مورد نیاز کارخانه طی خواهدکرد.

ی بمراکز جوار کارخانه اضافه میشود

کارآموزان جوان با بهره‌گیری از تجربه مربیان خود برای بازار کار آماده میشوند.

این سیستم بزودی در کلیه مراکز جوار کارخانه بمرحله اجراد رخواهد آمد.

مزایای آموزشی مراکز جوار کارخانه

آموزش حرفه‌ای کارگران علاوه بربالا بردن سطح تخصصی آنان مزایائی دیگری نیز برای کارگران و کارآمایان دربردارد.

۱ — طبق مقررات طبقه‌بندی مشاغل هر کارگری که بدرجاتی از تخصص دست یابد با

تغییر شغل از مزایای شغلی و افزایش دستمزد نیز برخوردار خواهد شد.

۲ — با ایجاد این مراکز جوار کارخانه و آموزش به کارگران از جابجائی آنان نیز تا اندازه‌ای جلوگیری بعمل می‌آید. زیرا با ایجاد مراکز جوار کارخانه کارگران آموزش حرفه‌ای وفنی را طی میکنند و نیاز به کارگر متخصص مرتفع خواهد شد. بنابراین جذب کارگران واحدهای صنعتی بعلت تخصصی که دارند توسط واحدهای مشابه کاهش خواهد یافت و از این طریق مشکلی که اکنون بوجود آمده برطرف خواهد شد.

۳ — تأمین نیروی انسانی ماهر از طریق آموزش حرفه‌ای باعث خواهد شد که تقاضا در این مورد کاهش یابد. چون وقتی کارگری آموزش دید و سطح مهارتش بالا رفت مسلماً در امر تولید چه ازنظر کمی وچه ازنظر کیفی مؤثر خواهد بود واز حداکثر نیروی وی با

تخصصی که بدست آورده استفاده میشود.

۴ — دریافت گواهینامه مهارت از مراکز حرفه‌ای وجوار کارخانه تعیین کننده درجه تخصص آنان می‌باشد واین امر صاحبان صنایع را درجهت انتخاب کارگر وتعیین دستمزد وی یاری میدهد.

کلیه کارگرانیکه در این مراکز آموزش می‌بینند به سه دسته تقسیم می‌شوند. بدین ترتیب که گروهی از آنان در استخدام واحد تولیدی هستند که این گروه علاوه برآنکه افزایش تخصص مییابند

کلیه حقوق خود را نیز دریافت میدارند. گرو دوم را کارگرانی تشکیل میدهند که در استخدام واحد تولیدی نمی‌باشند واین گروه در زمان آموزش مبلغی بعنوان کمک هزینه آموزشی دریافت میدارند وگروه سوم کارگرانی هستند که به‌استخدام واحد تولیدی در آمده اند وآموزش قبل از کار را طی میکنند این گروه نیز طبق ضوابط کارخانه خود مبلغی در زمان آموزش دریافت می‌دارند وپس از طی دوره آموزشی باتعهدی شغلی که احراز خواهند کرد حقوق کامل دریافت میدارند.

۵- در مقابل آموزش در صنایع وبالا رفتن مهارتها سطح کمی وکیفی تولید نیز افزایش مییابد.

آموزش ضمن کار

علاوه برایجاد مراکز جوار کارخانه و مراکز حرفه‌ای به‌منظور تربیت هرچه بیشتر کارگران ماهر، از طریق اعزام تیم‌های سیار و مربیان به‌واحدهای صنعتی که برخی از آنان فاقد مراکز جوار کارخانه هستند به کارگران آموزش ضمن کار داده میشود واین بسه طریق صورت میگیرد:

نخست درمورد صنایعی که مراکز جوار کارخانه دارند ولی بعللی (هزینه سنگین دستگاههای آموزشی ویا نداشتن مربی، قادر به‌انجام آموزش در برخی از رشته‌ها نیستند.

دوم درمورد صنایعی است که مراکز جوار کارخانه ندارند ومرحله سوم آموزش در مورد اپراتورها است. در کلیه مراحل مذکور مربیان به کارخانه‌ها اعزام میشوند و در آنجا به‌امر آموزش ضمن کار کارگران بپردازند.

زمان آموزش ضمن کار در مراحل سه گانه بستگی به‌آمادگی کارگر ونحوه تولید دارد وبطور متوسط یک ماه بطول می‌انجامد در صورت اجرای «مدولار سیستم» به یکهفته

تقلیل خواهد یافت در پایان آموزش ضمن کار گروه آزمون برای تعیین درجات مهارت، از کارگران تعلیم دیده آزمایش بعمل می‌آورد و درصورت موفقیت، کارگران گواهینامه‌های خود را دریافت میدارند.

در این زمینه تا پایان سال گذشته حدود ۹۲۹۹ کارگر در صنایع مختلف آموزش

ضمن کار دیده وبدرجاتی از تخصص دست یافتند.

تعلیمات سرپرستی - مربیگری و کادر آموزشی از دیگر وظایفی است که مسئولین امربعهده دارند.

تعلیم سرپرست یکی ازمراحلی است که درپیشبرد صنایع وافزایش تولید نقش عمده دارد

تعلیم مربی نیز که بیشتر ازطریق آموزش به‌تکنیسین‌های صنایع صورت میگیرد دارای این اهمیت است که میتوان از آنها برای آموزش کارگران واحدهای تولیدی ومراکز حرفه‌ای استفاده کرد.

درمورد رفع نیازهای آموزشی هر صنعت، تعلیم کارشناس نیز امری ضروری بنظر میرسد واز اینرو بابرنامه‌ای که در این مورد بمورد اجرا درخواهد آمد در هر صنعت باتوجه به‌نیازهای آموزشی آن صنعت، کارشناس مربوطه تعلیم خواهد یافت. اینگونه کارشناسان برای افزایش مهارت کارگران و کمبود تخصصهای آنان توصیه‌های لازم را بعمل می‌آورند واین توصیه‌ها واقدامات درجهت تأمین تجهیزات آموزشی - وسایل کمک آموزشی وتعلیم کارگران بکار گرفته میشود.

زمان آموزش برای سرپرستان ومربیان بطور متوسط یکماه وبرای کارشناسان حدود دوتاسه ماه خواهد بود.

باآموزشهائی که تاکنون در مورد سرپرست - مربی وکارشناس انجام شده خطمشی صحیحی درامر تولید ازنظر کمی وکیفی بوجود آمده است. وبراساس همین منظور تا پایان سال گذشته جمعاً ۲۶۳۲ نفر مربی - سرپرست وکارشناس آموزش دیده‌اند.

طبق برنامه تنظیمی قرار است تا پایان سال جاری تعداد دوازده مرکز جوار بمراکز جوار کارخانه فعلی افزوده شود وحدود ۹۰۰۰ کارگر در صنایع مختلف آموزش ببینند. همچنین آموزشهای سرپرستی- مربیگری و کارشناس نیز بحدود چهار برابر سال گذشته افزایش یابد وهمچنین باتقویت تیمهای سیار تعداد آموزش دیدگان ضمن کار نیز افزایش خواهند یافت وبحدود ۶۰۰۰ نفر خواهند رسید که البته اجرای این برنامه‌ها مستلزم وجود امکانات وهمکاریهای صاحبان صنایع خواهد بود.

رضا هادی‌زاده کارگرمبتکر:

کوشش وتلاش ودقت

رضا هادی‌زاده، ۳۲ سال پیش درقریه‌ای بنام «نیمه‌ور» از توابع محلات در یک خانواده پیشه‌ور دیده بجهان گشود و تا کلاس ششم ابتدائی در زادگاهش به تحصیل پرداخت و بعد بتهران آمد و تا کلاس هشتم به تحصیلات خود ادامه داد.

علت مهاجرت

وقتی از او میپرسم که چرا بتهران آمدی، میگوید: من عضوی از یک خانواده کارگر هستم و از زمان کودکی به علت شغل پدر با حرفه‌ام آشنا شدم و دردهی که زندگی میکردم بیش از شش کلاس ابتدائی نبود. از اینرو بتهران آمدم و در نزد عموی خود که خواربار فروشی داشت مشغول کارشدم و درمنزل آنها به زندگی خود ادامه دادم و از اینجا بطورضمنی با کار و کار کردن آشنا شدم و این نخستین حرکت من برای کار کردن بود و شناخت زندگی.

اولین شغل مستقل

او میگوید: در یک کارگاه آهنگری نزد آقای قاسم درخشان دلی بعنوان شاگرد کارخود را آغاز کردم و روزی ۲۵ ریال حقوق دریافت میکردم. البته با این پول پس از تأمین مخارج روزانه مقداری نیز پس انداز داشتم، و دو روز غیبت من که به زادگاهم رفته بودم، باعث شد که کارخود را در آن کارگاه از دست بدهم و بعد ازمدتی دریک ترازوسازی مشغول کارشدم که مدتی بعد صاحب آنجا فوت کرد و کارگاه ترازوسازی تعطیل شد و بدنبال آن مدتها بیکار بودم و بعد در کارگاه درو پنجره‌سازی، اسکلت فلزی و شوفاژ سازی بکار پرداختم که البته این آخرین محل کار من نیز نبود. اما آنچه که گفتنی است اینکه در این مراحل سعی کردم کار را یاد بگیرم و با توجه به نوع کاری که داشتم اطلاعات لازم را کسب میکردم و بر معلومات خود می‌افزودم. درواقع باید بگویم پایه حرفه خودم را استحکام بخشیدم. و بالاخره به کارخانه فیلیپس راه یافتم.

دربدو ورود بـه ایـن واحـد تولیدی از هادی‌زاده میخواهیم بگوید از آنجا که با روزی ۲۵ ریال کارخود راشروع کرده‌با چـه میزان حقوق به کارپرداخته است.

در پاسخ اظهار داشت: در بدو ورود به این واحد تولیدی با ساعتی ۲۲ ریال (روزانه ۱۷۲ ریال) دستمزد کارخود را شروع کرده و اکنون ماهیانه ۲۸/۰۰۰ ریال حقوق دریافت میدارم که این افزایش حقوق تنها در سایه پشتکار و کوششی بود که بکار بستم و مسلماً کوشش و تلاش میتواند راه گشای انسان در زندگی باشد.

وی درمورد سمت خود و وظیفه‌یی که در کارخانه دارد گفت: من قسمت مکانیک و لابراتور کارخانه را اداره میکنم و همچنین نگاهداری ماشینها از نظر فنی بعهده من است. بطور کلی باید بگویم امور مکانیکی کارخانه را بعهده دارم.

* دستگاه روغن مال شاسی تلویزیون توسط رضا هادی‌زاده ساخته شده که البته مشابه خارجی آن نیز بطریق دیگری وجود دارد، ولی بعلت مشکلاتی که ایجاد میکرد و تعویض قطعه آن زمانی طول میکشید، توسط این دوست عزیز ساخته شد.

از هادی‌زاده سؤال کردیم که چطور بفکر ساختن این وسیله افتاد،

وی گفت:

ــ وسیله‌ای که ساخته شده، متشکل از چند قطعه و یک استوانه بطول تقریبی بیست سانتی‌متر است که دراصل ازجنس سنگ ساخته شده بود و در روی آن نیز سوراخهائی وجود داشت که در اثر جریان هوا مایه مخصوص به شاسی تلویزیون مالیده میشد. ولی متأسفانه این قطعه هردو یا سه روزخراب میشد ومیبایستی آنرا از خارج نیز وارد میکردند که این کار علاوه بر هزینه‌ای که برای کارخانه در بر داشت، زحمت تعویض و مرتب کردن را نیز برای من بوجود میآورد.

بنابراین بفکر چاره افتادم و لازم دیدم وسیله‌ای بسازم که بتواند بجای این قطعه کار کند. از این رو آزمایشهای خود را آغاز کردم ووسایل مختلفی را بکارگرفتم که نتیجه مطلوب را بدست نداد، تا وقتیکه بالاخره با استفاده از «نمد» و استوانه‌ای مشابه نوع خارجی که یک لوله با سوراخهای متناوب در داخل آن قرارمیگیرد، ساختم و به وسیله‌ی اصلی متصل کـردم و خـوشبختـانـه نتیجـه مطلوب بدست آمد واین وسیله هم اکنون بیش از هفت ماه است که کارمیکند، بی آنکه آنرا تعویض کرده باشم و همچنین این وسیله برای بررسیهای بیشترو نهائی توسط کارشناسان هلندی در آنکشور مورد بررسی قرار گرفت که خوشبختانه آنرا تأئید کرده‌اند.

وسایل دیگر

هادی زاده در پاسخ این سئوال که آیا وسیله دیگری ساخته است، گفت:

ــبله ، چند کار ابتکاری دیگر انجام داده‌ام که اهمیت ویژه‌ای در تسریع کارها دارد. میدانید کارگرانی که لحیم کاری کنند ناگریز هستند هرچند وقت نوک هویه را با دستمالی که در اختیار دارند پاک کنند ، چون بطور مداوم بدون پاک کردن سر هویه کار لحیم کاری ممکن نیست واین خود علاوه بر اتلاف وقت مقداری نیز هزینه در برداشت. ازاینرو باقراردادن مقداری پشم شیشه ومقداری آب در یک ظرف وسیله‌ای درست کردم که در مقابل هر کارگر لحیم کار قرار میگیرد و در صورتی که هویه نیاز به پاک کردن داشته باشد، کافی است که نوک هویه را درداخل این ظرف فرو کنند ، درنتیجه عمل پاک کردن بسرعت وبدون هزینه انجام میشود.

دستگاه نقاله

دستگاه نقاله وسیله دیگری است که دوست عزیز کارگرما ساخته است ، این دستگاه مرکب از چند چرخ دنده یک زنجیر موتور— یک الکتروموتورو گیربکس و کلیدهای قطع ووصل است که مجموعاً قطعات شاسی تلویزیون را در قسمتی بقسمت دیگر منتقل میکند.

ابتکار دیگر

وسیله‌ای برای آماده کردن مفتولهای مورد نیاز در آمابورکاری است که رضا هادی زاده کارگر مبتکر ساخته است . این وسیله در مدت ۱۰ ثانیه درحدود ۶۰ متر مفتول قرقره شده رااصاف وآماده کارمیسازد.

ساخت قطعات فرسوده وماشین وقطعات شکسته، وظیفه دیگری است که هادی زاده بعهده دارد وبر خود لازم میداند که نگذارد ماشینها بعلت نقص فنی از کار باز بمانند وبهر طریق قطعات را تهیه ویا میسازد وماشین رابرای کاروتولید آماده میکند.

دراینجا بوضع زندگی هادی زادمیپردازیم و اینکه در خانواده نیز موفق است یا خیر؟ در پاسخ اظهارداشت، خوشبختانه در کنار همسرو دو فرزندم احساس آسایش و راحتی میکنم ،گر چه مشکلات مادی نیز برایم مطرح است ودر حال حاضر با اینکه درآمد خوبی دارم، ولی احساس میکنم که نیازهای مادی خودرابقدر کفایت نمیتوانم تأمین کنم . با اینهمه این موضوع را نیز قبول دارم که هر شخصی باید باندازه گلیم خود را پایش رادراز کند.

وی افزود : من هشت سال پیش ازدواج کردم و دارای دو فرزند بنامهای خشایار هفت ساله که در کلاس ابتدائی است ودیگری بنام مهرداد که سه ساله است و برای تداوم چرخ زندگی روزی ۸ ساعت در کارخانه کار میکنم و درایام تعطیل وفراغت نیز بطورآزاد برای خودم فعالیت دارم و باید بگویم که بطورمتوسط روزی ۱۲ ساعت کارمیکنم تا ازاینراه درآمدی برای خانواده خود کسب کنم و بقول معروف در تلاش معاش هستم وخوشحال ازاینکه کانون گرم خانواده دراین تلاش مرا همراهی میکنند.

ــشما فکرمیکنید که کارگرموفقی هستید؟

ــالبته ،رسیدن به این مرحله از کارگری که میتوانم در واحد خود مثمر ثمر باشم احساس رضایت میکنم و آرزو دارم که بتوانم هرچه بیشتر برای واحد تولیدی خود مفید واقع شوم ودراین ره ازمدیران مسئول خود میخواهم که مرا یاری کنند.

انگیزه هادی زاده را برای بهتر کار کردن جویا شدیم وی گفت : برای من همیشه یک انگیزه وجود داشته است و آنهم اینکه یک وسیله‌ای درست کنم و کم و کیف آنرا بدانم واین هدف را نیز دربرداشته باشد که بتواند کار تولید را ساده بکند ومشکلات را ازمیان بردارد . دراین راه مسائل کارگاه نیز برایم مطرح است چون وسیله ساخته شده در اختیار کارخانه قرار میگیرد واین خود باعث خوشحالی من و دیگر همکارانم میشود و نتیجتاً تولید از راه ساده تر، بهتروبیشترامکان مییابد.

دوره های آموزشی ازجمله مسائلی است که بسیارمورد توجه قرارگرفته وسعی میشود با اجرای این برنامه در کارخانه یامراکزآموزشی تا آنجا که ممکن است مهارات فنی کارگران افزایش یابد.

از هـادی زاده کـه دارای استعـداد چشمگیری در انجام کار های فنی میباشد ، سؤال کردیم آیا در این گونه دوره ها شرکت کرده یا نه واصولا دراین موردچه نظری دارد.

دوست عزیزمان با کلامی ساده اظهارداشت : کاربسیارنیکوئی است ، ولی باید توجه داشت که آنچه که اکنون آموزش داده میشود ، مراحل اولیه کار است و بنابراین این چنین دوره ها برای کارگرانی که تازه کار خود را شروع کرده‌اند ، مفید خواهد بود و مسلماً گسترش این دوره ها میتواند شامل حال افرادی نظیرمن بشود.

وی افزود : البته من دریک دوره آموزشی سه ماه الکترونیک، شرکت کردم و اطلاعات سودمندی بدست آوردم وبا توجه به نوع کاری

* جلسات بحث وگفتگو رابطه صمیمانه کارگرو کارآما رابرای تولید بهتر ممکن میسازد.
* تشویق کارگران عامل موفقیت در کاراست

...عامل پیشرفت است

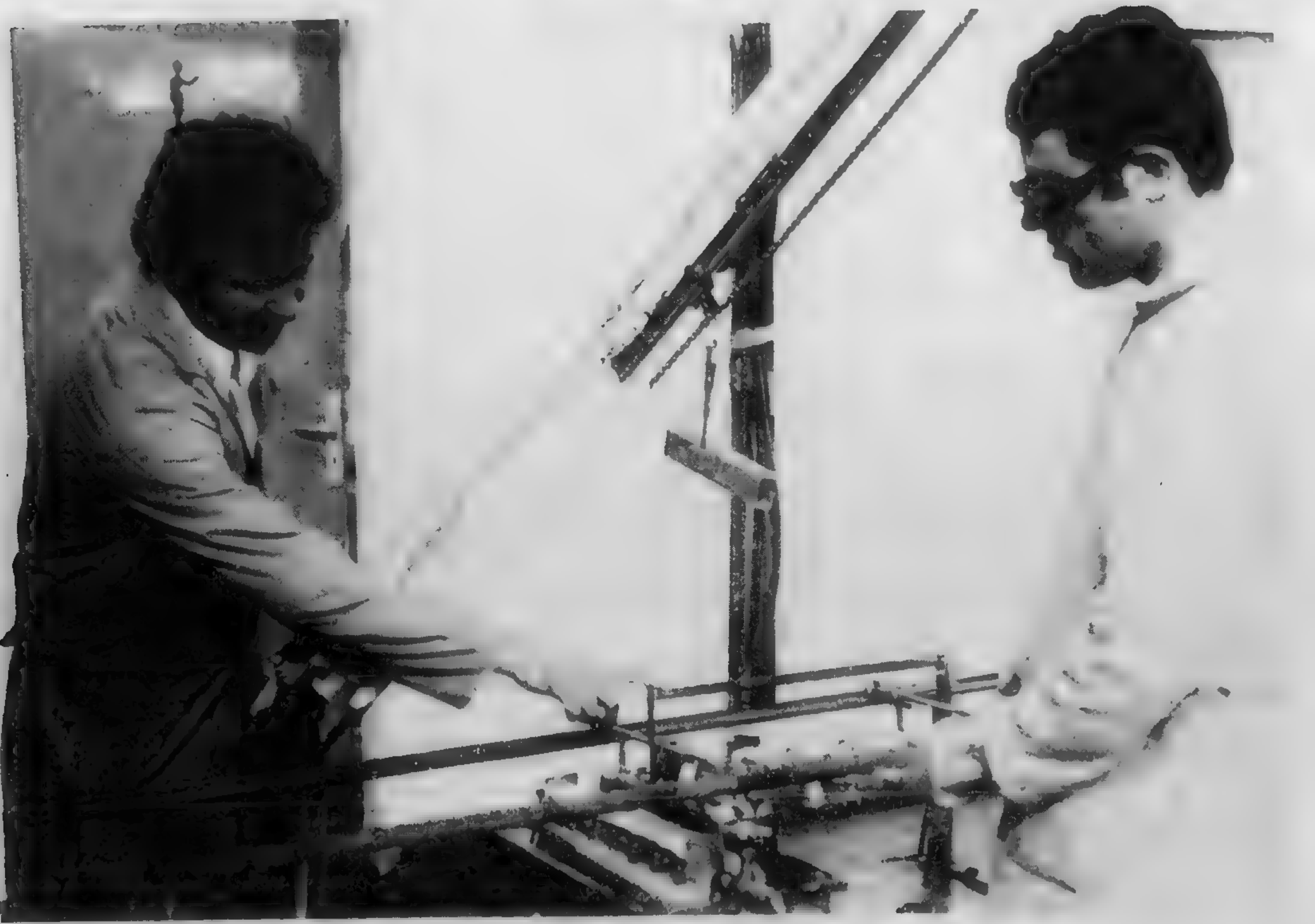

هادی زاده در کنار دستگاهی که عمل مالش روغن به‌شاسی تلویزیون را انجام میدهد.

که در کارخانه دارم ، فکر میکنم باطی دوره‌های آموزشی بتوانم بیشتر مفید بفایده باشم . در اینجا به‌مسئله کارگری و امور مربوط به آنها پرداختم و از هادی زاده خواستیم که درمورد تقسیم سود ویژه بگوید.

وی با ابراز این عقیده که تقسیم سود ویژه در کارگاه نوعی افزایش درآمد را برای کارگران بوجود می‌آورد ، گفت : مسلم است که هرچقدر مبلغ سود ویژه بیشتر بشود ، نتیجتاً کارگران نیز مقدار بیشتری دریافت خواهند داشت . بطوریکه ما در کارخانه خود بمیزان سه ماه حقوق سود ویژه دریافت میداریم و این مبلغ تأثیر بسزائی در زندگی کارگران دارد و از این سهم ترگسترش مالکیت صنعتی است که هم در زندگی و علاقه‌مندی کارگران به کارگاهی که در آن کار می کنند ، تاثیر دارد و هم بهبود وافزایش تولید را سبب می‌شود. این امر فرصتی است تا کارگران با احساس مالکیت نسبت بکارخانه کوشش و دلسوزی بیشتری را روا دارند و فکر میکنم این مهمترین نتیجه‌ای است که صرفنظر از مسائل مادی میتواند عاید شود. زیرا تولید بهتر و بیشتر علاوه بر تامین منافع کارخانه و کارگران در نتیجه کلی اقتصاد کشور را دربرمیگیرد.

این باعث خوشحالی ما کارگران است که میتوانیم این چنین در حرکت چرخهای اقتصاد کشور خود سهم داشته باشیم . لازم است با درک واقعیت وشناخت مسائل بر کوشش خود بیافزائیم ، این مسئله ای است که در زمان حاضر در دوران رستاخیز ، کارگران باید بدانند ، کوشش — تلاش — خلاقیت را سرلوحه قرار دهند ودر راه هدفی که برای همه ما مشخص شده است تلاش کنند. با توجه به مطالبی که هادی زاده بیان داشت، این سئوال را مطرح کردیم که برای بهتر کار کردن چه‌شرایطی باید ازطرف کارآما رعایت‌شود.

وی گفت : تشویق کارگران خوب وبا استعداد (البته در واحدی که من کارمیکنم این موضوع رعایت میشود) و برای اینکه بتوان محیط کار را دلگرم کننده وصمیمی کرد ، برنامه های دسته جمعی جلسات بحث وگفتگو با مدیر و کارآما لازم است. زیرا این جلسات باعث میشود کارگران بیشتر با نظرات یکدیگر آشنا شوند و رابطه نزدیک‌تری با کارآمای خود داشته باشند.

اجرای برنامه‌های تفریحی و استفاده از امکانات تفریحی برای تمام کارگران فراهم بد و بالاخره میتوان گفت حسن نیت همراه با وظیفه شناسی واجرای مقررات ازطرف کارآماو صمیمیت میتواند ، بهترین محیط کار را بوجود آورد . درمقابل کارگران نیز باید مرتب وبا علاقه کارخود را انجام دهند و درنهایت باید گفت صمیمیت وحسن رفتار دوطرف بایستی رعایت شود و لزوم این کار ازطریق جلسات بحث‌وگفتگو ممکن میشود.

با آرزوی موفقیت بیشتر برای هادی زاده، کارگر موفق ، ازاو خدا حافظی کردیم ، به امید اینکه تمام کارگران عزیز موفق باشند و همکاران موفق خود را برای آشنائی دیگر دوستان بما معرفی کنند.

بازار کار

ورق کار

۱—تخصص مورد نیاز: لاستیک‌سازی
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۶ ماه
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۴

لاستیک‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: درو پنجره‌ساز
۲—تعداد: ۲۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۷

ماشین نویس

۱—تخصص مورد نیاز: ماشین نویس فارسی و لاتین
۲—تعداد: ۳ نفر
۳—جنسیت: مرد یا زن
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: سوم متوسطه
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت برای آقایان
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۷

کفاش

۱—تخصص مورد نیاز: رویه دوز
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۶ ماه
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۲

سکرتر

۱—تخصص مورد نیاز: سکرتری
۲—تعداد: ۲ نفر
۳—جنسیت: زن
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۶ ماه
۶—تحصیلات: سوم متوسطه
۷—شرایط دیگر: —
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱

توزیع گاز

۱—تخصص مورد نیاز: سازنده کابینت
۲—تعداد: ۵۱ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: دارا باشد
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

شیشه‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: ششم ابتدائی
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

کولرساز

۱—تخصص مورد نیاز: کولرساز
۲—تعداد: ۵۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: یکسال
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

داروساز

۱—تخصص مورد نیاز: داروسازی
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: ۵ سال
۶—تحصیلات: دیپلم متوسطه
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۵

تولید خوراک

۱—تخصص مورد نیاز: تولید مواد خوراکی
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداقل ۱۷ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: سوم متوسطه دانش‌آموز
۷—شرایط دیگر: —
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

رنگ‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: رنگسازی
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداقل ۱۷ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: سوم متوسطه دانش‌آموز
۷—شرایط دیگر: —
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: هزینه ایاب‌وذهاب، بیمه.
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

کاشی‌ساز

۱—تخصص مورد نیاز: شیشه‌سازی
۲—تعداد: ۵ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداقل ۱۷ سال
۵—تجربه: —
۶—تحصیلات: دانش‌آموز
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

فروشنده

۱—تخصص مورد نیاز: فروشندگی
۲—تعداد: ۱۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۳۱

کارگرساده

۱—تخصص مورد نیاز: کارگر بدون کار
۲—تعداد: ۲۰ نفر
۳—جنسیت: مرد
۴—سن: حداکثر ۳۵ سال
۵—تجربه: مطرح نیست
۶—تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷—شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸—محل خدمت: تهران
۹—حداقل حقوق: با توافق
۱۰—مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱—آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۳۰

کاشی ساز

۱- تخصص مورد نیاز: کاشی سازی
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: ۶ ماه
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۲

مستخدم

۱- تخصص مورد نیاز: مستخدم مرد
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه:
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۲۹

ویزیتور

۱- تخصص مورد نیاز: ویزیتوری بیمه
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: -
۶- تحصیلات: سوم متوسطه
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۳۰

تلفنچی

۱- تخصص مورد نیاز: تلفنچی شرکت
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: ۶ ماه
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۳۱

برشکار

۱- تخصص مورد نیاز: برشکاری لباس
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: ۵ سال
۶- تحصیلات: ششم ابتدائی
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۲

کمک انباردار

۱- تخصص مورد نیاز: انبارداری
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: ۶ ماه
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

نقاش پیستوله

۱- تخصص مورد نیاز: پیستوله کار
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: دارا باشد
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۵

سیم کش

۱- تخصص مورد نیاز: سیم کشی
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: دارا باشد
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۳

مدیر فروش

۱- تخصص مورد نیاز: مدیر فروش ماشین آلات
۲- تعداد: ۲۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تجربه: دارا باشد
۶- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۲

نجار

۱- تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۲۵ سال
۵- تجربه: [illegible]
۶- تحصیلات: ششم ابتدائی
۷- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق.
۱۰- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۲

بازار کار شهرستانها

بندرعباس

۱- کارگرفنی: ۳ نفر
۲- خیاط: ۵ نفر
۳- آشپز با تجربه: ۳ نفر
۴- گارسن: ۱۵ نفر
۵- اپراتور: ۳ نفر
۶- فرزکار: ۱۵ نفر
۷- بسته بند: ۵ نفر
۸- کارمند: ۱۰ نفر
۹- پرسکار: ۳ نفر

کرمان

۱- بسته بند: ۴ نفر
۲- رفوکار: ۵ نفر
۳- خیاط: ۳ نفر
۴- کارگرساده: ۱۵ نفر
۵- پرسکار: ۲ نفر
۶- فرزکار: ۵ نفر
۷- جوشکار: ۱۵ نفر
۸- مکانیک: ۵ نفر
۹- آرماتوربند: ۱۵ نفر
۱۰- کارمند: ۳ نفر

[illegible]

۱- کارگرساده: ۳۰ نفر
۲- پرسکار: ۲ نفر
۳- جوشکار: ۴ نفر
۴- کارمند: ۳ نفر
۵- راننده پایه یک: ۳ نفر
۶- راننده پایه دوشخصی: ۳ نفر
۷- دست دوز زنانه: ۱۵ نفر
۸- مونتاژ کار: ۵ نفر

زاهدان

۱- گارسن: ۵ نفر
۲- خیاط: ۳ نفر
۳- خیاط مردانه: ۴ نفر
۴- راننده پایه یک شخصی: ۳ نفر
۵- مکانیک: ۳ نفر
۶- پرسکار: ۴ نفر
۷- برقکار: ۴ نفر
۸- لوله کش: ۱۰ نفر
۹- گچ کار: ۱۵ نفر
۱۰- نقاش: ۴ نفر

بندرلنگه

۱- جوشکار: ۶ نفر
۲- مکانیک: ۵ نفر
۳- فروشنده زن: ۵ نفر
۴- خیاط زنانه: ۳ نفر
۵- صندوقدار: ۴ نفر
۶- مامور آتش نشانی: ۴ نفر
۷- سرویسکار: ۴ نفر
۸- صافکار: ۵ نفر
۹- بسته بند: ۳ نفر

کرمانشاه

۱- جوشکار: ۴ نفر
۲- مکانیک: ۵ نفر
۳- فروشنده زن: ۵ نفر
۴- خیاط زنانه: ۳ نفر
۵- صندوقدار: ۴ نفر
۶- مامور آتش نشانی: ۴ نفر
۷- سرویسکار: ۴ نفر

اراک

۱- کارگرساده: ۴۰ نفر
۲- رفوکار: ۵ نفر
۳- خیاط زنانه و مردانه: ۶ نفر
۴- نظافتچی: ۶ نفر
۵- کارگر چاپخانه: ۳ نفر

سنندج

۱- نجار: ۵ نفر
۲- نقاش: ۶ نفر
۳- مونتاژ کار: ۵ نفر
۴- بسته بند: ۳ نفر

کرج

۱- کارگرساده: ۵ نفر
۲- انباردار: ۳ نفر
۳- باطری ساز: ۶ نفر
۴- کارگر چاپخانه: ۳ نفر

اصفهان

۱- پرستار: ۳ نفر
۲- کمک انباردار: ۶ نفر
۳- انباردار: ۵ نفر
۴- پرسکار: ۳ نفر
۵- گارسن هتل: ۶ نفر

شیراز

۱- خیاط: ۵ نفر
۲- کارآموز ۳ نفر

خرمشهر

۱- مسئول انبار: ۲ نفر
۲- کارگرساده: ۵ نفر
۳- بسته بند: ۵ نفر
۴- منشی: ۵ نفر
۵- آشپز: ۴ نفر
۶- آهنگر: ۱۵ نفر
۷- پرسکار: ۱۲ نفر

رفسنجان

۱- کارگرساده: ۱۲ نفر
۲- پرسکار: ۲ نفر
۳- جوشکار: ۱۵ نفر
۴- گارسن: ۵ نفر
۵- آشپز هتل: ۳ نفر
۶- آرماتوربند: ۲ نفر

علاقه‌مندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت‌های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

جشن بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی درکارخانه پروفیل «گیوار»

پنجاهمین سال شاهنشاهی پر برکت خاندان پهلوی ازطرف کارکنان شرکت پروفیل گیوار باشکوه فراوان جشن گرفته شد.

بهمین مناسبت کارگران، کارکنان و مدیران شرکت در سالن پذیرائی خیام واقع در نارمک مجلس جشن پرشوری برپا داشتند و از مدعوین و شرکت کنندگان با میوه و شیرینی پذیرائی کردند. این مجلس درمحیطی بسیار گرم و صمیمانه و آکنده از شور و شوق خاص کارگران که از علائق میهنی و شاهدوستی آنان سرچشمه می گرفت برگزارشد.

این مراسم ازساعت ۶بعدازظهر آغاز شد و تاساعت ۹ ادامه یافت. درطول این مدت لحظه بلحظه جمعیت اضافه میشد و هیجان وشادی حضار باوج خود رسیده بود.

برنامه جشن با نواختن سرود شاهنشاهی آغاز شد و پس از اعلام برنامه، آقای مهندس اردشیر امانت مدیرعامل شرکت گیوار مطالبی باین شرح بیان داشت:

بنام خدای بزرگ و بنام شاهنشاه آریامهر

سخن را بادرود بروان پاک سردودمان سلسله شاهنشاهی پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغاز میکنم.

امروز ما کارکنان شرکت سهامی «گیوار بادل وجان در اینجا گردهم آمده ایم که شایسته ترین مراتب سپاسگزاری وحق شناسی خودرا به پیشگاه رهبرعالیقدر خود شاهنشاه آریامهر بخاطر رفاه — سربلندی — نعم — آسودگی وامنیت که بما ارزانی داشته اند تقدیم داریم.

ما اگر امروز بایرانی بودن خود می بالیم و از اینهمه حیثیت و اعتباری که در اقصی نقاط دنیا تحصیل کرده ایم احساس سربلندی و غرور می نمائیم بخاطر اعتلائیست که از رهبری قاطع شاهنشاه نصیب ما شده است.

بجاست نگاه کوتاهی به پنجاه سال قبل بیاندازیم تا حدودی از تفاوت را احساس کنیم مملکتی قطعه قطعه شده و تحت سلطه سیاستهای استعماری با مردمی غمزده و دردمند که راهی بجائی نمی شناسند و درمقابل تاریخ با عظمتشان شرمنده اند ناگهان دست توانای خدای ایران که همیشه حافظ و نگهبان این مرز و بوم بوده است رادمردی را برمی گزیند که تاریخ نظیرش را بسیار کم دیده است.

<u>نجات و نوسازی ایران</u>

سرداری مصمم و پرتحرك با دلی لبریز از عشق ملك و میهن سکان کشتی سرگردان ایران را بدست گرفت ازمشکلات و موانع موجود که برای نسل حاضر تجسمش هم مقدور نیست نهراسید و با نبوغ و کفایت خود مملکت را بجائی رسانید که چشم دشمنان را خیره کرد.

تشکیل ارتش نوین ایران — خاتمه دادن بحکومتهای خان خانی گسترش امنیت درسراسر ایران بازسازی سازمانهای دولتی وملی — ایجاد استقلال نظامی — سیاسی — اقتصادی وقضایی ایجاد تأسیسات بنیانی ازقبیل راه آهن سرتاسری دانشگاه تهران — بانك ملی و هزاران اقدامات دیگر شمه ایست ازخدمات شاهنشاه فقید او نه فقط در تمام دقایق عمر پربار و برکت خود از تلاش و سازندگی بازنایستاد بلکه با تحویل فرزند برومند خود باین سرزمین بزرگترین خدمت ممکنه را بمرز و بوم خود انجام داد — اهداف ملی و سازندگی متوقف نشد بلکه با تحرك و گسترش هرچه وسیعتر بدست توانای فرزند شجاع ومدبرخود شاهنشاه آریامهر ادامه یافت.

با انقلاب شاه و ملت نقطه عطف بزرگ تاریخ ایران بوقوع پیوست و از آن پس جهش برق آسای این مرز و بوم بطرف تکامل همه جانبه آغازگشت و این روند تکاملی با آهنگی سریع و منظم و حساب شده ادامه دارد بنحوی که در آتیه نزدیکی وارد مراحل تمدن بزرگ خواهیم شد و بزمره چند کشور بزرگ دنیا خواهیم پیوست از درگاه بیکران خداوند بزرگ مسئلت داریم که بما ملت ایران توفیق آنرا دهد که با کار بیشتر با انضباط محکمتر و با شور و عشق زیادتر دین بیکران خود را برهبر عظیم الشان خود و دودمان جلیلش ادا نمائیم درخاتمه ما کارکنان شرکت گیوار رجاء واثق داریم که مراحم ایزدی حافظ و نگهدار دودمان جلیل سلطنت وایران وایرانیان باشد.

بعد ازسخنان مهندس اردشیر امانت مدیر عامل شرکت گیوار، آقای محمدمحمدزاده نماینده کارگران این شرکت گفت:

بسیار خرسندم که بعنوان نماینده کارگران شرکت گیوار:

فرخنده جشن پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی را بعموم هم میهنان بخصوص حضار محترم آقایان کارگران و کارمندان شرکت گیوار تبریك و تهنیت عرض نمایم قبل ازهرچیز لازم میدانم درود فراوان بروان پاك سردار بزرگ ایران رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین بفرستم این جشن بمناسبت سپاس ازوقایع مهم وسازنده پنجاسال پرحرکت و برکت و افتخار خاندان پهلوی و بمنظور بزرگداشت این روزگار فرخنده برپا کردیده.

مهندس اردشیر امانت مدیرعامل شرکت پروفیل «گیوار

دراین روزگار فرخنده که ازعصر شکوفان پهلوی مایه وپایه گرفته روزهای پرثمری را پشت سر گذاشته وروزهای پرثمری رادرپیش رو داریم کشورما برهبری شاهنشاه آریامهر در کلیهٔ شؤون اجتماعی واقتصادی به پیشرفت های درخشانی نائل شده است.

ارزش اجتماعی کارگر

بجدید ترقیات وپیشرفتهای مملکت ما که باظهور اعلیحضرت رضاشاه کبیر آغازشده بدست توانای فرزند برومندش به ثمر رسیده وامروز در سایه رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهرو کارائی کارگران ایران ما می توانیم در بازارهای صنعتی وتجارتی دنیا برای خودجائی پیدا کرده وبا کشورهای صنعتی دیگر برقابت بپردازیم.

امروز کارگر ایرانی ارزش اجتماعی خودرا بازیافته که توانسته در راه اجرای منویات شاهنشاه خود برای اعتلاء نام وطن در صف مقدم سربازان انقلاب اصیل شاه وملت قرار بگیرد.

در عصر درخشان پهلوی دنیا شاهد پیشرفتهای وسیع سیاسی اقتصادی وصنعتی ایران بوده است ملت ایران اینك در راهی گام برمیدارد که فرزند برومند رضاشاه کبیر آنراهموار و استوار نموده است در این گردهم آئی که به عنوان بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی وسیله کارکنان شرکت گیوار برپا شده است آمادگی خود را برای خدمت به میهن وجانبازی در راه شاهنشاه خود اعلام و اطمینان میدهیم مواهبی راکه درپرتو اصول انقلاب سفید شاه وملت بما ارزانی شده است پاسداری نمائیم.

جاوید شاه — پاینده ایران

پس ازسخنان نماینده کارگران، مراسم شوروشادمانی آغازشد که تاساعت ۷ بعدازظهر ادامه داشت.

علی اکبر جولائی مدیر کارخانه «گیوار»

محمد محمدزاده نماینده کارگران کارخانه پروفیل «گیوار»

درپایان مراسم آقای جولائی مدیر کارخانه طی سخنان کوتاهی از شرکت کنندگان و همچنین کارگران وکارکنان و مدیران شرکت تشکر کرد — این مجلس درمیان احساسات پرشور حضار نسبت به شاهنشاه آریامهرو خاندان جلیل سلطنت پایان یافت.

در خاتمه، هنگامیکه شرکت کنندگان مجلس جشن را ترك میکردند، بهریك ازآنان بسته های شیرینی ازطرف شرکت داده میشد.

نود و هشتمین جلسه کمیته حفاظت و ایمنی

نود و هشتمین جلسه کمیته حفاظت و ایمنی کارخانه ارج با حضور کلیه اعضاء تشکیل شد. در آغاز جلسه پیشنهادات گذشته، حوادث ماهانه، علل وقوع حوادث، گزارشات بازرس آتش‌نشانی و تهیه کابینهای جوشکاری جهت کارگاه نیم ساخته آبگرمکن سازی مورد بررسی قرارگرفت. در همین جلسه یکی از اعضای کمیته تأکید کرد که طبق مقررات باید این جلسات همه‌ماهه تشکیل شود و تأخیر در تشکیل این نوع جلسات مغایر با قوانین و مقررات بهداشت و حفاظت محیط کار میباشد سپس پیشنهادات زیر مطرح شد:

نصب آب‌سرد کن در کارگاهها — تهیه پرده ضدحریق — تهیه وسایل ایمنی — مطالعه در مورد ساختن کابین جوشکاری برق جهت کارگاه نیم‌ساخته آبگرمکن‌سازی. همچنین علل حوادثی که به‌علت عدم‌استفاده از وسایل پوشاك حفاظتی و بی‌توجهی به‌مقررات ایمنی حادث شده مورد بررسی قرارگرفت. وقرار شد که مسؤولین قسمتها، هنگام کار به کارگران تأکید کنند که در حین کار حتماً از وسائل ونوازم حفاظتی استفاده کنند ودر صورت بی‌توجهی مورد مؤاخذه قرارگیرند. در همین جلسه گزارش هفتگی بازرس آتش‌نشانی مورد بررسی قرارگرفت وقرار شد کارشناس سازمان دفاع غیرنظامی، از لحاظ حفاظت و ایمنی تمام کارگاهها را بازدید کنندو برای رفع نواقص کار با نظر کمیته حفاظت و ایمنی کارخانه اقدام لازم صورت گیرد.

کار کردن در معابر بدون نصب علائم همیشه مخاطراتی را در بر دارد.

برخورد اتومبیلی با یک کارگر شهرداری که مشغول کار بود باعث شکستگی لگن خاصره وی شد.

حادثه زمانی اتفاق افتاد که صفرعلی اسدی کارگر شهرداری مشغول پاك کردن زیر پلی واقع در حدود خیابان مسلسل سازی بود که ناگهان اتومبیلی بدون توجه و باسرعت زیاد، باوی برخورد کرد.

گزارش خبرنگار حوادث رستاخیز کارگران حاکی است پس از این حادثه، راننده اتومبیل متواری شد و کارگر مذکور به مرکز شماره ۵ سازمان تأمین خدمات درمانی انتقال یافت و تحت مداوا قرارگرفت.

درباره این کارگر که ۴۰ ساله، متاهل و دارای ۴ فرزند است پزشکان معالج در مرکز شماره ۵ اظهار داشتند این کارگر باید مدتی بستری شود تا با انجام کشش و فیزیوتراپی بتواند سلامت خود را بازیابد.

باردیگر به کارگران عزیز یادآور میشویم بخصوص به هنگام کار در معابر حتماً علایم مخصوص را در اطراف خود قرار دهند تا رانندگانی که از آن محل عبور میکنند، متوجه بشوند.

عدم توجه به این مسئله مشکلاتی را ببار میاورد که نمونه آنرا در بالا خواندید.

براساس برنامه سازمان کارگران بندرعباس

مهارت فنی کارگران بندرعباس افزایش مییابد

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان بندرعباس در اجتماع هیئت مدیره سازمان کارگران این استان و نمایندگان کارگران و مسؤولان سندیکاهای کارگری بندرعباس اهمیت افزایش مهارت فنی کارگران را تشریح کرد و گفت با بالا رفتن سطح مهارت فنی و ارتقاء کارآئی کارگران صنایع و اقتصاد مملکت در راه توسعه و پیشرفت بیشتر گام برخواهد داشت و نه تنها تولیدات کشور از نظر کیفیت و از لحاظ کمیت بالا خواهد رفت بلکه بدرآمد کارگران نیز افزوده خواهد شد و دگرگونی های عمده‌ای در زندگی طبقه کارگر پدید خواهد آورد.

وی افزود: به همین جهت اداره کل کار استان به کمک سازمان کارگران ایران شعبه بندرعباس و واحدهای صنعتی، برنامه‌هائی برای افزایش مهارت فنی کارگران تدارك دیده است و بزودی مسابقه مهارت فنی کارگران را در بندرعباس ترتیب میدهد.

در این جلسه که به ریاست علی درویش‌زاده تشکیل شده بود چند تن از نمایندگان کارگران از جمله غلام صالحی مسائل کارگری را مطرح کردند و از اقداماتی که شرکت برق توانیر بندر عباس در باره تأمین رفاه کارگران بعمل آورده است تشکر کردند

عدم رعایت اصول صحیح تخریب دیوار پای کارگری را شکست

کارگران ساختمانی در معرض این خطر قراردارند که در زیر آوار قرار گیرند یا اینکه در اثر ریزش مصالح ساختمانی خطراتی برای آنان بوجود آید. بارها در این صفحه حوادثی از اینگونه را برای شما کارگران بازگو کردیم با این هدف که دقت واحتیاط بیشتری را رعایت کنید.

کارگران یک‌واحد ساختمانی که برای تخریب یک‌دیوار بطول ۲۰ متر وضخامت ۴۰ سانتیمتر از طرف کارفرمای خود مأمور شده‌بودند. بدون رعایت اصول مربوط، به تخریب دیوار پرداختند.

هنگامیکه کارگران مشغول کار بودند قسمتی از دیوار بطول تقریبی دومتر بعلت اینکه توسط همین کارگران قبلا زیرآن از پی‌خالی شده بود سقوط کرد. ودر جریان سقوط کارگری را بزیرخودگرفت که‌در نتیجه باعث شکستگی پای کارگرشد. در بازرسی که مأمورین از محل بعمل‌آوردندگفته شد برای تسریع درکار و باتمام رسانـــدن هرچه زودتر عمل تخریب کارگران به‌سیستم غیراصولی ونامطمئنی متوسل‌شدند ودر اجرای آن پی‌دیوار را خالی کردند تا دیوار بصورت یک پارچه‌منهدم شودکه متأسفانه بعلت‌همین‌عمل اشتباه حادثه روی داد. مصدوم بلافاصله به‌بیمارستان منتقل وتحت‌درمان قرارگرفت.

توصیه های حفاظتی برای کارگران مورد تأکید قرار گرفت

جلسه ماهانه کمیته حفاظت وایمنی و بهداشت کارخانـــه ایران کاوه باشرکت مسؤولان کمیته مذکور وبا حضور کارآما تشکیل‌شد.

در این جلسه ابتدا چگونگی حفاظت تابلوهای برق مورد بحث قرارگرفت وقرارشد زیرهرتابلوئی که کفپوش پلاستیکی وجود ندارد، فوراً کفپوش پلاستیکی نصب شود.

در این جلسه همچنین تصمیم گرفته شد که وسائل ایمنی مورد لزوم هرچه زودتر خریداری ودراختیار کارگران قرارگیرد.

در اجرای توصیه‌های حفاظتی تصمیم گرفته‌شد برای کارگران‌قسمت شاسی کفشهای حفاظتی تهیه ودر اختیار آنان قرارگیرد. ونسبت به‌پوشش سکوی عایق جلو تابلوهای برق تصمیماتی اتخاذ، وقرار شد هرچه‌زودتر نسبت به نصب‌آن‌اقدام‌شود.

از دیگر مسائلی که‌در این جلسه مطرح ومورد رسیدگی قرارگرفت، موضوع خطرات آتش‌سوزی بود که بدین منظورقرارشد مخازن وسایل مبارزه باآتش‌سوزی کنترل وتعداد آنهاافزایش یابد. به کارگران تراشکـــاری وسایر کارگران کـــه از سنگ سمبـــاده استفاده‌می کنند، دستورداده شدکه حتماً از عینک‌حفاظتی استفاده کنند.

در مورد تشکیل کمیته حفاظت برابر ماده ۴ آئین‌نامه کمیته حفاظت وایمنی در کارگاه تأکید شد که‌جلسه ماهیانه در دفتر رئیس کارخانه تشکیل میشود. همچنین به کلیه کارگران قسمت قطعه‌سازی که‌در محیط پرسروصدا کار می کنند، توصیه‌گردید که بهنگام کار از وسایل حفاظتی گوش که‌در اختیارآنان‌گذاشته شده‌استفاده کنند.

براساس دستورالعمل سازمان تامین اجتماعی:

کارآمایان باید ظرف یک هفته تاریخ ترک کار، کارگران خود را اطلاع دهند

بر اساس دستورالعمل سازمان تأمیـــن اجتماعی کارآمایان مکلف هستند ظرف یک هفته تاریخ ترك کار کارگران خود را به‌سازمان اطلاع دهند.

در این دستورالعمل گفته شده چون هر روز نقل وانتـــــقالاتی ازنظرتعداد کارگـــران در کارگاهها صورت‌میگیرد و این نقل وانتقـــالات درفـــهرست و آمار بیمه‌ای سازمان تأمیـــن اجتماعی ثبت میشود ، لذا کارآمایان مکلف هستند پس از آنکه کارگری ، محل کارخودرا ترك گفت ،ظرف یک هفته واحدهای سازمان تأمین اجتماعی را ازاین مسئله آگاه‌سازند.

تاریخ ترك کار بیمه شده تأثیر بسزائی در رأی دادگاه حل اختلاف خواهد داشت وچنانچه کارآمایان در این مورد توجه کافی مبذول ندارند ، مسلماً مشکلاتی‌را برای طرفین ببار خواهد آورد.

همچنین در همین دستورالعمل گفته شده که کارآمایان‌موظفند پس ازاستخدام کارگران جدید مراتب‌را حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ استخدام برای نامنویسی و دریافت‌شماره انفرادی ، کارگرجدیداعلام دارند.

رستاخیز حرکتی است نو، انقلابی است بی مانند «۲»

بقیه از صفحه ۴۳

برای تشکیل یک اجتماع هدف سیاسی را در پی دارد، مرامنامه‌ای وجود داشته باشد که براساس ترین نکات آن جامعه تکیه داشته باشد.

نظام شاهنشاهی

مهم‌ترین مسئله‌ای که برای هر ایرانی وجود دارد «نظام شاهنشاهی» است. نظام شاهنشاهی که بیش از دو هزار پانصد سال در کشور ما قدمت دارد، همیشه منشاء ونقطه اتکای ملت بوده، وملت با تکیه براین نیروی رهبری توانسته است به هدفهای مورد نظر خود دست یابد. بنابر این یکی از نکات برجسته مرامنامه حزب رستاخیز ملت ایران نظام شاهنشاهی است.

قانون اساسی

هر روز بارها کلمه «قانون» را می‌شنویم و یا میخوانیم بطور خلاصه این قانون است که نظام اجتماعی را مشخص و تعین میکند چگونه باید در کنار یکدیگر رفتار کنیم. و هرزمان که لازم باشد برای موردی بر اساس تصویب مجلسین و توشیح ملوکانه «قانون» بوجود میاید.

اما قانون اساسی معین کننده اصول کلی مملکت و نظام حکومتی است، یعنی این قانون است که مشخص میسازد ما باید چه نوع حکومتی داشته باشیم، وضع قوانین چگونه باید باشد. تقسیم قوا به چه ترتیب است و وظایف و اختیارات هریک به چه نحو و بالاخره در یک چارچوب بسیار مهم اصول کلی مملکت را مشخص میسازد که تغییر در هر یک ازموارد آن نیز تنها به عهده مجلس مؤسسان خواهد بود. مورد دیگر مرامنامه قانون اساسی است یعنی یکی ازمهم‌ترین مسائل برای ملت ایران

انقلاب شاهوملت

مورد سوم مرامنامه حزب رستاخیز ملت ایران انقلاب شاهوملت قرار گرفته، در این مورد بسیار گفته شده و همه شما کارگران عزیز از نزدیک با آن آشنا هستید. انقلاب شاهوملت که ازبهمن ۱۳۴۱ آغاز شد هرروزتوانست بااندیشه‌ای نو و گسترده تر پیشرفت و موفقیت برای ملت ایران بوجود آورد بنابر این انقلاب شاه و ملت که

منشاء خیر و برکت، موفقیت و پیروزی، همبستگی و اتحاد تمام قشرهای مملکت بوده، و آنچه در پرتو این انقلاب بدست آمده، نه تنها ثمراتی بس شگرف برای کشورما داشته بلکه موجب اعجاب جهانیان گردیده، وحتی کشورهائی کوشیده‌اند الگونی از آن بردارند، جزء مرامنامه حزب فراگیرنده‌رستاخیزملت ایران قرارگرفت.

بدینسان‌مرامنامه حزب که‌تعیین کننده‌خطمشی کلی آن‌است، بااتکاء به‌سه اصل نظام شاهنشاهی — قانون اساسی — انقلاب شاه و‌ملت راه پوینده خود را آغاز کرد و با اتکاء براین سه اصل، ادامه راه داد.

پس از مرامنامه وشناخت آن لازم است اساسنامه حزب را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

اساسنامه

اساسنامه تعیین کننده تشکیلات داخلی حزب، ارتباط ارگانهای حزب با یکدیگرو وظایف هر یک ارشاخه‌ها میباشد.

اساسنامه است که‌مشخص میسازد اعضای حزب چگونه باید رفتار کنند ومقامات دارای چه وظیفه‌ای هستند بالاخره در اساسنامه حزب که براساس اظهار نظر عموم مردم تدوین شده، ارگان حرب شامل کنگره — شورای مرکزی — هیأت اجرائی — دفترسیاسی و دبیر کل و نیز مسائل مربوط به کانونها که با به حزب محسوب میشوند. شوراها وشرایط عضویت ومقررات‌مختلف دیگرمشخص شده‌است.

ارگان‌حزب

۱ — کنگره
۲ —شورای مرکزی
۳ —هیأت اجرائی
۴ —دفترسیاسی
۵ —دبیر کل

کنگره

کنگره بالاترین رکن حزب است که هر ۴ سال یکبار تشکیل میشود. اعضای کنگره انتخابی خواهند بود که براساس هر هزار نفر یکنفر بوسیله کانونهای حزبی طبق آئین نامه مصوبه‌هیأت اجرائی برگزیده‌میشوند.

ادامه دارد

تا پایان سال آینده

«نیروی کار» کشورمان به ۱۰ر۶ میلیون نفر میرسد

* بخش خدمات ۵۵۲۰۰۰ شغل جدید بوجود میآورد.

* تا پایان برنامه عمرانی پنجم سهم کشاورزی درمجموع اشتغال از ۴۰ درصد به ۳۴ درصد کاهش مییابد.

تعداد افرادی که در ایران جزو نیروی کار بشمار میروند تا پایان سال آینده به رقم ۱۰/۶ میلیون نفر خواهد رسید. این رقم درآغازسال جاری ۹/۲ میلیون نفر بود.

بررسی های انجام شده نشان میدهد که بخش عمده نیروی کار کشور در صنایع و معادن بکار خواهد پرداخت. این دو بخش تا پایان برنامه پنجم مجموعه ۱ میلیون شغل جدید عرضه خواهد کرد.

امسال بیشترین رشد در زمینه ایجاد اشتغال در بخش خدمات دیده میشود. این بخش ۵۵۲۰۰۰ شغل تازه بوجود خواهد آورد و در همین حال ۱۰۰ هزار نفر دیگر را که اکنون بطور نیمه وقت کارمیکنند، بطور تمام وقت بخدمت خواهد گرفت.

مجموع کارکنان خدمات تا پایان سال آینده ازمرز ۳/۳ میلیون تن خواهد گذشت.

لازم به یادآوری است که بخش کشاورزی کمتر از تعداد شغل را بوجود میآورد. منظور میرود که نوع اشتغال در کشاورزی تغییر یابد و تعداد بیشتری از افراد دانش آموخته و تکنسین های فنی به این بخش مهم جذب شوند. با این حال تا پایان برنامه پنجم سهم کشاورزی در مجموع اشتغال از ۴۰ درصد به ۳۴ درصد کاهش خواهد یافت. این کاهش با توجه به مکانیزه شدن هرچه بیشتر کشاورزی طبیعی توصیف میشود.

سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی ایران هم اکنون نزدیک به ۱۷/۱ درصد برآورد میشود که تا پایان برنامه ششم به ۱ درصد کاهش خواهد یافت.

این بمعنای کاهش تولید کشاورزی نیست و تنها رشد سریع ترصنایع معادن‌وخدمات را نشان‌میدهد.

تولید کشاورزی بطور مطلق افزایش خواهد یافت، اما رشد دیگر بخش های اقتصاد کشوربمراتب سریع ترخواهد بود.

در این مدت سهم صنایع و معادن، بجز نفت، که اکنون ۳۰ درصد تولید ناخالص ملی است به رقم ۳۷ درصد خواهد رسید.

در سال گذشته:

۱۵ هزار کارگر متخصص وارد بازار کار کشورمان شدند

براساس یک گزارش اقتصادی درسال گذشته بیش از ۱۵ هزار کارگر ماهر یا متخصص وکارشناس خارجی وارد بازار کار ایران‌شدند.

دراین گزارش گفته شده‌درسالی که گذشت تنگنای نیروی انسانی ماهر مانند سال ماقبل ادامه داشت وضمن اجرای برنامه‌های وسیع برای تأمین نیروی انسانی ماهر از طریق آموزشهای‌فنی این نیازهمچنان احساس میشود.

عرضه کار

درسال گذشته ۱۵۰ هزارفقره عرضه کار برای متقاضیان استخدام اعلام گردید و ۱۲۲ هزار نفر بکار گمارده شدند. از این تعداد، هزارفقره اشتغال درمنطقه تهران‌عرضه‌شده که ۴۴ هزار نفر درآن تقاضای کار کردند و ۱۵ هزارنفربکارگمارده‌شدند.

براساس همین گزارش ۶۸ درصد متقاضیان کار کمتر از ۳۰ سال داشتند و ۵۱ درصدبین ۲۰ تا ۳۰ ساله بودند.

قسمت اعظم جویندگان کار (۶۸ درصد) متقاضی‌وظایف‌فعالیتهای تولیدی بودند.

آموزش کارگران

دولت برای تأمین احتیاجات نیروی انسانی ماهر چه در امور اقتصادی وچه در رشته‌های بهداشتی واجتماعی احتیاج به‌بیش از ۷۰ هزار متخصص، نیمه ماهر دارد که براساس برنامه‌ای به‌تدریج ازخارج واردمیکند.

هم اکنون درسه رشته مختلف پزشکی، کشاورزی، اجتماعی، حتی راننده و خدمتگزار چند ده‌هزار کارگرخارجی‌مشغول کارهستند.

در برنامه تدوین شده کار خارجیان در کشورما باید در مدت اقامت خود در ایران کارگران کشورمان را آموزش دهند بطوریکه در پایان قرارداد ایرانیها مشغول کار در همان واحدجای آنان‌را اشغال کنند.

مینای چمنی

مینای چمنی در اغاز بهار ظاهر میسود و شاید شما هم که دربهار به کوه وصحرا رفته اید دیده اید که درچمن ها ، بیشه ها و یا کنار جاده هامیروید.

ساقهٔ مینای چمنی چهار تا پانزده سانیمتر به رنگ سبز مایل به زرد است.

برگهای آن بیضی شکل ودارای شیارهستند وارنه ریشه ازرمین درمیایند.

مینای چمنی انواع مختلفی دارد که بعضی ازآنها درتمام سال و بعضی دیگرد رپائیز وآغاز زمستان گل میدهند ، ولی مینای چمنی که در بهار بگل مینشیند ، گلهای آن دارای اثر درمانی برای معالجهٔ امراض است که بعدشرح میدهیم. این گیاه بطوروحشی دردامنهٔ بعضی کوهستانها و دشتهای ایران مخصوصاً در کرمانشاه و بروجرد میروید.

قدیمی ها مینای چمنی را میشناخته اند و ملین » طبیعی شناس معروف آنرا مثل گلی زیبا درچمن وصف میکند که سردرد رامعالجه میکند. در زمان رنسانس فرانسه « فوش » گل مینای چمنی را در شمار گیاهان التیام بخش نامبرده است ومینویسد :

« این گیاه طبی بیماری فلج و نقرس و خنازیر را درمان میکند ».

« ماتیول » عقیده دارد :

گلهای مینای چمنی برای درمان خنازیر و زخمهای سینه مفید است . وقتی شوربای آن تهیه شود ، نفخ را ازشکم خارج میکند . وقتی جویده شوند ، ورم دهان رامعالجه میکند.

گل مینای چمنی دارای خواص طبی زیادی است که معمولا تصورآنرا نمیکردند.

دارای مقدار زیادی ساپونین ، تانن ، آسید مالیک ، اسید وینیک ، اسید آستیک و آسید - اوکسالیک میباشد . املاح معدنی زیادی دارد و همچنین دارای اینولین و یک مادهٔ تلخ است.

گل مینای چمنی تصفیه کنندهٔ خون ، ملین و حلال و بطور خفیف ادرارآور است . همچنین دارای اثرخواب آورمی باشد

صد گرم گلهای مینای چمنی را که تازه چیده اید ، در یک لیترآب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی اتش بگذارید تا بجوش آید و ده دقیقه بجوشد و بعد آب آنرا بریزید و گلها را در آورید و همانطور که گرم است ، روی زخمها و جراحات بگذارید

ضمناً گلهای مینای چمنی را به ترتیبی که برای معالجهٔ زخم شرح دادیم اگر روی محل ضرب زدگی و کوفتگی ضماد کنید ، خون را بجریان انداخته وعوارض آنرا ازبین خواهد برد.

بیست و پنج تا پنجاه گرم گل مینای چمنی را که تازه چیده اید ، در یک لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا یک یا دو دقیقه بجوشد . بعد آنرا از روی آتش بردارید و پانزده دقیقه دم کنید . صاف کنید و با عسل شیرین سازید و درطول روزچهار یا پنج بار هربار نیم فنجان ازآنرا بنوشید.

وقتی شما ورم روده دارید ، نوشیدن این دمکرده اعمال روده ها را منظم خواهد کرد .

بیست و پنج تا پنجاه گرم گل تازه مینای چمنی را در یک لیتر آب سرد بریزید وظرف آنرا روی آتش بگذارید، یک تا دو دقیقه بجوشد. سپس آتش را خاموش کنید تا پانزده دقیقه دم بکشد. صاف کنید و با عسل شیرین سازید و هر هرروز چهار تا پنج نصف فنجان ازآنرا بنوشید تا خون شما تصفیه شودوناراحتی های کبدی برطرف گردد. همین جوشانده برای درمان یرقان نیزمؤثراست

جوشانده گلهای مینای چمنی به ترتیبی که طرز تهیهٔ آن درمورد اسهال تشریح گردید، درمورد درمان ورم رحم توصیه شده است

جوشاندهٔ گلهای مینای چمنی همانطور که درمورد اسهال شرح داده شد، ضایعات سفید را درخانمها قطع میکند.

اغلب خانمها در دوران ماهانه، دچار خونریزی شدید میشوند که برای درمان آن باید جوشاندهٔ گل چمنی را بهمان مقداری که درمعالجهٔ اسهال شرح دادیم، مصرف کنند.

جوشاندهٔ گلهای مینای چمنی که طرز تهیه و مقدار مصرف آنرا در مورد معالجهٔ اسهال خواندید، داروی عالی و مؤثری برای درمان انواع سرفه است

بسیاری از دبیرستان های حرفه یی آمریکا، عملا دانش آموزان را به کار می گمارند. هدف این است که دانش آموزان باحرفه های مختلف آشناشوند تاضمن این که دانش آموز به کار علاقمند می شود، دانش ومهارت نیز کسب کند.

پاره یی از مدارس حرفه یی تنها در محیط کلاس حرفه های تخصصی را به نحو محدود یاد می دهند وبرخی دیگر برنامه های کامل آموزشی تحت شرایط واقعی کاردارند.

مثلا دبیرستان «دوبوك» در «آیوا»، برنامهٔ کاملی برای آموزش عملی خانه سازی دارد وخانه هایی که دانش آموزان این مدرسه می سازند، به فروش گذاشته می شود.

در این دبیرستان دانش آموزان به سرپرستی «لئوناردویت»، دبیر آموزش صنعتی مدرسه، وچند صنعتگر مثل لوله کش، سیم کش وغیره کارمی کنند. ساختن هردستگاه خانه فقط ۹ ماه طول می کشد. مقامات مدرسه وهمچنین دانش آموزان به این برنامهٔ بسیارمفید که شش سال پیش آغاز شده است، علاقهٔ زیادی نشان می دهند، «جان لهشر»، رئیس دبیرستان، می گوید : «دانش آموزان درگذشته هرگز چنین برنامه یی نداشته اند. ماامیدواریم آن ها پیش از پایان دبیرستان کارآموزی کنند تا به طورمستقل بتوانند خانه بسازند».

از کلبتین و نیشتر تا جراحی قلب و مغز

درمان و بهداشت

در نخستین سال صدور فرمان تأمین بهداشت همگانی بیش از پنجاه میلیون بار واکسیناسیون علیه بیماری های گوناگون در سراسر کشور انجام گرفت.
تأمین بهداشت همگانی سرلوحه‌ی اقدامات سازمانهای تندرستی و رفاه اجتماعی است.

آموزش بوسیله کارشناسان بهداشت و بهزیستی

تلاشهای ارزنده سپاهیان بهداشت

... علاوه بر ... «او ... ماسویه» و ... ماسویه»، در ... فراهم ساخته بود.

ابوالحسن علی بن سهل بن طبری کتاب مشهور فردوس الحکمه را نوشت که در حقیقت یک دائرة‌المعارف ... تقسیم شده.

... ابوسهل ... کتاب مشهور ... و ابومنصور بخاری است که ... در خدمت او ... اشتغال داشت. ... علی بن ... اهوازی ... پزشک مخصوص ... بود.

... در امر طب و صنعت داروسازی ... داشتیم، ... افراد ... پزشک ... به شهر ما می‌آمدند و ... از استادان ایرانی به دیار خود ... .

***

دوره فاجعه بار ... دوره نفوذ فرهنگ غرب در ایران داشت ... عباس میرزا نایب‌السلطنه در سال ۱۲۲۶ هجری قمری برای اولین بار دو نفر و چهار سال بعد پنج نفر را برای تحصیل طب به اروپا فرستاد ... در بین این پنج نفر میرزا ... اولین دسته محصلین ایرانی در سال ۱۲۳۴ به ایران بازگشت. وی اولین طبیب ایرانی بود که طب اروپائی را در انگلستان آموخت.

... میرزا تقی‌خان امیر کبیر زمینه‌ی ... علمی فراهم شد و باهمت و ... وی در سال ۱۲۶۸ هجری قمری افتتاح گردید. این مدرسه ... پزشکی داشت که بعدها قسمت پزشکی آن به نام مدرسه طب ... نامگذاری شد.

دیروز

... در سال ... موجود آن ... مدرسه‌ای جهت تربیت پزشک بوجود آمده بود و ... جمعی از جوانان وطن پس از گذراندن دانشکده های پزشکی اروپا به ایران بازگشته بودند، با وصف این ایران از نظر بهداشت و درمان در شرایط بسیار سختی بسر می‌برد. هنوز چه بسیار افرادی که بیش از پنج دهه از عمرشان گذشته، خاطرات تلخ آن روزگار را به یاد دارند که آبله ... سیاه‌سرفه، سرخک، سل ... حصبه، همه جای ایران را فراگرفته بود. ... به یاد دارند شهرها و روستاهائی که بیش از دو سوم جمعیت آن در ... .

... **دی ربیه** ... **برابوبا** ...

هرودت می نویسد: «.... ایرانیان آب را نمی‌آلایند و در آن دست نمی‌شویند و نمی‌گذارند کسی آنرا به کثافات آلوده کند.»

ت، از آغاز تا امروز...

به دنیای تاریکی و غمهای همیشه جاوید تبدیل شده بودند. از این امراض که در آن زمان امری عادی و پیش پا افتاده بنظر می‌رسید . بگذریم «وبا» هم‌میهنان ما را دسته ، دسته چون داس تیزی که خرمن را میدرود ، درومیکرد . تاجائی که فرصتی جهت دفن و کفن نمیداد و مرده عزیزان خود را دسته ، دسته در گودالهائی ریختند و مشتی خاک بررویشان...

بگذریم که در زمان روشنائی سخن از تاریکی گفتن دور از ثواب است.

طلوع خورشید دودمان پرشکوه پهلوی در سال ۱۲۹۹ سرآغاز جشن در ارکان اجتماعی ، سیاسی و همه شئون مملکت بود . بموازات همه تحولات و کوششها علم طب در چهار چوب و سیطرهٔ قرار گرفت امر بهداشت که تا آنزمان هرگز نامی ندانشت ، بارور شد ، بیمارستانها [illegible] و علوم پزشکی [illegible] رونق و جلای [illegible] رضاشاه کبیر [illegible] سلامت [illegible] شروع و [illegible] کردند.

مؤسسه [illegible] در سال [illegible]

[illegible]

[illegible] بیمارستانهای [illegible] جهری [illegible]

[illegible] بهداشت و سلامت مردم [illegible] برای آگاهی [illegible] از دریای بیکران [illegible] تاریخ ایران [illegible] کرده باشیم.

۱- حوادث مخبرالسلطنه اسعدالدوله [illegible]

[illegible] هیئت دولت ایران محسوب میشود ، زیاد بود با تغییرات و تبدیلات زیاد داشته باشد و تنها دو ترمیم در طول زمامداری این کابینه اتفاق افتاد که عبارت بودند از: [illegible] محمد رضوی بعنوان کفیل وزارت معارف و اوقاف (بجای میرزا یحیی خان قراگوزلو) و [illegible] بعنوان وزیر [illegible] بجای نصرت‌الدوله‌ی فیروز و [illegible] (معارف ، خارجه ، طرق و [illegible]) [illegible] صورت گرفت که در درجات بعدی اهمیت قرار داشت . [illegible] در شهریور ماه ۱۳۱۲ شمسی به پایان آمد . [illegible] اعلیحضرت رضاشاه کبیر [illegible] مورد اعمال [illegible] مرحوم مخبرالسلطنه‌ی هدایت استعفای خود را [illegible] و مورد قبول واقع شد و کابینه‌ی هفتاد ساقط شد.

شاهنشاه عصبانی شدند

* روز چهارم شهریور ماه ۱۳۱۲ ، رضاشاه کبیر [illegible] بیمارستان شماره ۲ ارتش را افتتاح کردند [illegible] سرهنگ [illegible] (سرگرد) رئیس مریضخانه قسمتهای مختلف آن مرکز بهداشتی را به شاهنشاه [illegible] وضعیت خوش همه جا و همه چیز را تحت کنترل داشتند [illegible] رضاشاه اثر اظهار [illegible] و از اینکه یک چنین ساختمانی برای معالجه ومداوای افراد قشون بوجود آمده [illegible] که دست اندرکار تأسیس آن بودند ، مورد لطف ومرحمت قرار داد.

دادن واکسن خوراکی فلج اطفال جهت پیشگیری از بیماری فلج اطفال

درمان و بهداشت، از آغاز، تا امروز...

وقتی افتتاح ودیدار از بیمارستان نمره‌ی دوشون خاتمه پذیرفت، شاه بنزد هیات دولت و نمایندگان مجلس و ملتزمین رکاب که در محوطه‌ی بیمارستان به انتظار ایستاده بودند، بازگشت وبا عصبانیت گفت:

..... این مریضخانه‌ای است که برای تأمین احتیاجات افرادنظام تهیه کرده‌است اما بگوئید که برای صحت وسلامتی عموم مردم چه کرده‌اید...؟ کدام مریضخانه را ساخته‌اید ... را برای تأمین صحه‌ی (بهداشت) مردم بر پا کرده‌اید؟

سالها است می‌شنوم اداره‌ی صحیه مشغول تأسیس یک باب مریضخانه است. شما می‌خواستید بجای مریضخانه‌ی هزارتختخوابی یک مریضخانه‌ی سیصد تختخوابی بسازید که ببینیم کاری انجام داده‌اید. اداره‌ی صحیه برای چیست وچه اقدامی کرده‌اید؟

خواهید گفت که بودجه کم است... اینهم عذری است که تکیه کلام شده‌است... می‌خواستید بجای مریضخانه‌ی هزار تختخوابی مریضخانه‌ی کوچکتر بسازید... می‌خواستند بقدر همین بودجه‌ی کمی که دارند برای مردم ... بودجه‌ی صحیه را کجا صرف میکنید؟ این پول در کجا مصرف می‌شود؟ شما تصور می‌کنید که من نمی‌دانم وضع صحیه‌ی عمومی خوب نیست؟ مردم از جهت نداشتن طبیب و دوا در زحمت هستند من احصاییه‌های (آمارها) تأسف آوری از تلفات دارم وشما بودجه‌ی صحیه را در تهران صرف حقوق ادبا وشعرا می کنید. مملکت قبل از هر چیز آدم می‌خواهد. جمعیت سالم وصحیح المزاج میخواهد واین وظیفه را صحیه هیچ انجام نداده‌است.

اگرصحیه بخواهد اینطور کار کند به شما می‌گویم درآتیه قلم چپ وراستی روی بودجه‌ی اداره‌ی صحیه کشیده و دستور می‌دهم که در های مریضخانه‌ی لشکری و اداره‌ی صحیه‌ی قشون را بروی عموم باز کنند وهمه‌جا تشکیلات صحیه قشون بمردم رسیدگی نماید. باید باین وضعیت مسامحه وتعلل خاتمه داد.

* * *

پس از این بیانات که با کمال تندی و عصبانیت ایراد شد رضاشاه کنار سوار بر اتومبیل به کاخ سلطنتی بازگشتند وچندی بعد مرحوم مخبر السلطنه استعفا کرد که مورد قبول واقع شد.

... اما .. صد افسوس ... سرزمینی که میرفت با عظمت شاهنشاهیش را تجدید کند، سرزمینی که تمام مقدمات پیشرفتش آماده شده بود ... سرزمینی که گامهای سرفرازی و سالاری را برداشته‌است ... زمینش ... ۲۵۰۰ (۱۳۲۰ ... یکجا ...

بود، ولی با تشکیل وزارت بهداری در سال ۱۳۲۰، دولت عملا تأمین بهداشت و درمان مردم سراسر کشور را عهده‌دار شد و بهره‌مندی از پزشک و درمان بمفهوم واقعی کلمه تعمیم یافت و کلیه افراد کشور را شامل گردید.

ایجاد و استقرار مراکز بزرگ درمانی، تأسیس بیمارستانها و درمانگاههای مجهز و مدرن، گسترش فعالیتها و اجرای برنامه های متعدد بهداشتی، ایجاد و توسعه روزافزون دانشکده های طب و بهداشت، مدارس عالی وابسته به علوم پزشکی و بالاخره توجه عمیق به مسائل پزشکی و بهداشتی کشور و طرحهای عظیم بهداشتی یکی پس از دیگری شروع شد. تا جائی که امراضی چون آبله، مالاریا بکلی ریشه کن شد.

آزرو... ...

بازبگذریم .. در زمان روشنائی سخن از تاریکی گفتن دور از ثواب است.

ترجمه ... آموزش ... و درمانی به همت اعلیحضرت ... تشکیل گرفته

بهداشت محیط

درفرمان همایونی دایر بر تأمین بهداشت همگانی که روز ۲۸ اسفند ۲۵۳۲ شرف‌صدور یافت برتری و ضرورت ویژه‌ای برای اجرای برنامه های بهداشت محیط نسبت به دیگر

توزیع دقیق شناسنامه بهداشتی درسراسر کشور

خدمات بهداشتی درنظر گرفته شده‌است. وهمین امر وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی را از آغاز اجرای فرمان ملوکانه برآن داشت تا در تأمین بهداشت محیط بیش از پیش بکوشد. و برای رسیدن باین هدف به کوششهایی در زمینه بهسازی محیط و کنترل آب آشامیدنی مردم از راه آزمایشهای میکروبیولوژیک و شیمیایی و کلرینه کردن آنها دست زده‌شد.

در این راه تا کنون بیش از دهها هزار نمونه آب از منبع ها و شبکه های گوناگون برداشته شده و مورد آزمایش و بررسی قرار گرفته‌است. وحجم آبهای آشامیدنی که کلرینه شده است از پنجاه میلیون مترمکعب گذشته است.

ماموران بهداشت محیط وزارت بهداری همراه با بازرسی تأسیسات و منبع های آب آشامیدنی، نظارت پیگیر و دقیقی نیز برتأسیسات فاضل آب شهری دارند زیرا دفع غیر بهداشتی فاضل آب سبب آلودگی آب روخانه ها، آبهای

اسامی وزیران بهداری ازسال ۱۳۲۰ تا امروز

* مؤدب الدوله — حکیم‌الدوله — اسمعیل مرآت — باقر کاظمی — علی‌اصغر حکمت — دکتر اسمعیل مرزبان — نصرالله انتظام — امان‌الله اردلان — دکتر قاسم غنی — دکتر سعید مالک — دکتر منوچهر اقبال — مرتضی قلی بیات — دکتر اسمعیل مرزبان — دکتر سعید مالک — دکتر منوچهر اقبال — دکتر مرتضی یزدی — دکتر منوچهر اقبال — دکتر سعید مالک — دکتر عباس ادهم — دکتر امیراعلم — دکتر منوچهر اقبال — دکتر ادهم — محمدعلی وارسته — دکتر جهانشاه صالح — دکتر عباس نفیسی — حکیم‌الدوله ادهم — دکتر محمدعلی ملکی — دکتر فرمانفرمائیان — دکتر جهانشاه صالح — دکتر عبدالحسین راجی — دکتر محمد ادیب — دکتر جهانشاه صالح — دکتر جواد آشتیانی — دکتر عبدالحسین طبا — دکتر ابراهیم ریاحی — دکتر جمشید آموزگار — دکتر شاهقلی — دکتر پویان — دکتر شیخ‌الاسلام زاده.

گسترش وسیع بهداشت و درمان در شهرها و روستاها

کارگران

رسمی و همچنین سطح زمین مسئول که هر یک به نحوی او دلی محمد [illegible].

برای اجرای برنامه [illegible] درست قانونی است، براساس قانونهای موجود هر یک از گروه‌ها موظفند [illegible] از دریافت پروانه [illegible] آب از وزارت نیرو، طرح اجرایی [illegible] را از نظر فنی و بهداشتی به تصویب اداره کل بهداشت محیط وزارت بهداری و رفاه اجتماعی برسانند.

مأموران این گروهها به بهسازی محیط [illegible] اماکن عمومی که دست اندر کار تهیه یا فروش مواد غذایی هستند بر توجه [illegible] وضع آنان نگوهی [illegible] و مداوم [illegible] مأموران اداره کل بهداشت محیط است.

[illegible]

... ر ۳ مکان عمومی از دید بهداشتی بهسازی شده و متصدیان آن ادامه کار دریافت کرده‌اند و بیش از ... ره باب دیگر از اماکن عمومی که غیر بهداشتی بودند تا رفع نقص تعطیل شدند.

نظارت بر مواد غذایی نیز یکی دیگر از وظایف حساس و دقیق مأموران اداره بهسازی محیط است. مأموران مواد غذایی فاسد شده را کشف وضمن خارج کردن آنها از دست مصرف‌کنندگان به انهدام غذا های فاسد شده اقدام میکنند.

واکسیناسیون

بزرگترین عامل شناخته شده برای پیشگیری از بیماریهای واگیر در دنیای پزشکی امروز، واکسیناسیون است. و وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی در اجرای فرمان تأمین بهداشت همگانی شاهنشاه آریامهر به امر واکسیناسیون که یکی از هدفهای پنجگانه فرمان است توجه ویژه مبذول می دارد. بطوریکه تنها در سال ۲۵۳۳ که نخستین سال اجرای این فرمان مقدس بود بیش از [illegible] میلیون بار واکسیناسیون علیه بیماریهای گوناگون [illegible] که مهمترین اقلام آن در زمینه های زیر توضیح داده می‌شود.

آبله:

طبق برنامه‌ای که برای پوشش کامل جمعیت ایران علیه آبله در نظر گرفته شده است، می باید همه ساله حدود یک‌سوم مردم بر ضد این بیماری تلقیح شوند. و در سال یکم اجرای فرمان بیش از [illegible] میلیون نفر علیه آبله مایه کوبی شده زیرا براساس [illegible] های جمع‌آوری شده از [illegible] سراسر کشور [illegible] بیش از [illegible] مسئول در برنامه مایه کوبی [illegible] است.

دیفتری، کزاز، سیاه سرفه

همه‌ی مردم بویژه کودکان نوسنه در معرض ابتلای به این سه بیماری هستند و وزارت بهداری ایران در سال ۲۵۳۳ هم‌ میهنان خود را نزدیک [illegible] میلیون بار علیه این سه بیماری [illegible] از هفت میلیون بار علیه دیفتری و کزاز [illegible] کرده است.

فلج کودکان

[illegible] برنامه‌های وسیع

نمونه‌ای از تلاشهای پی‌گیر در راه تنظیم خانواده

واکسیناسیون، همه ساله گروهی چشمگیر از کودکان زیر ۷ سال (یا بالاتر) در برابر این بیماری مصونیت می‌یابند. در سال ۲۵۳۳ که نخستین سال اجرای فرمان بهداشت همگانی بود، برروی هم بیش از چهارونیم میلیون کودک علیه بیماری فلج واکسینه شدند. و این برنامه در سال ۲۵۳۴، (امسال) با گستردگی دنبال خواهد شد.

وبای التور

خطر ورود این بیماری در مناطق همجوار ایران [illegible] وجود دارد. و همین احساس خطر، [illegible] را آماده نگهمدارد تا اجازه انتشار و اشاعه به بیماری التور، در سر زمین خود ندهیم.

یکی از راههای جلوگیری از ورود و گسترش این بیماری واکسیناسیون است. که وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی پی‌گیرانه آن را انجام می دهد و همین [illegible] در سال ۲۵۳۳ [illegible] علیه بیماری التور مایه کوبی [illegible].

سرخک

مبارزه علیه سرخک در کشور [illegible] [illegible] این بیماری [illegible] قرار گرفته است زیرا [illegible] در نخستین سال اجرای فرمان دو و نیم میلیون بار واکسیناسیون علیه سرخک انجام گرفته است.

سل

وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی، با توجه به درصد احتمال میزان آلودگی بیماری سل در مناطق مختلف کشور، برنامه جامعی برای تلقیح ب.ث.ژ. در سال ۲۵۳۳ تدوین کرد که بموجب آن شش میلیون نفر از گروه سنی آسیب پذیر علیه این بیماری تلقیح شدند.

شناسنامه بهداشتی

در فرمان تأمین بهداشت همگانی که روز بیست و هشتم اسفند ۲۵۳۲ (۲۰ مارس ۱۹۷۴) از سوی شاهنشاه شرف صدور یافت پنج هدف بزرگ بهداشتی «بیمار یابی. واکسیناسیون. آموزش بهداشت. بهداشت محیط و تهیه شناسنامه بهداشتی برای همه‌ی افراد کشور» گنجانیده‌شده است.

وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی ایران بلافاصله پس از صدور فرمان در زمینه تهیه چنین شناسنامه‌هایی اقدام کرد. و پس از بررسی های فراوان طرح آن مشتمل بر ۳۲ صفحه آماده و از اواسط سال ۲۵۳۳ چاپ آن آغاز شد.

در این شناسنامه به بهداشت دوران کودکی توجه شایسته شده است و فصل مهمی از آن به این دوران از زندگی اختصاص داده است. گذشته از این، نوع گروه خون. سوابق پزشکی خانواده. تعداد واکسن های تزریقی و همچنین آزمایشهای مربوط به بینایی و شنوایی و بهداشت دهان و دندان و عوارض و درمانهای آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل واکسیناسیون، جدول جامعی برای راهنمایی پدران و مادران کودکان تنظیم شده است که در آن، فاصله های زمانی هریک از انواع واکسن ها بطور کامل انعکاس یافته است.

تردیدی نیست که دو اصل بیمار یابی و تهیه شناسنامه بهداشتی مکمل یکدیگرند. یعنی بهنگام صدور شناسنامه های بهداشتی و معاینات افراد برای انعکاس در اوراق شناسنامه چه بسا که پزشک به وجود یک بیماری پنهانی نیز پی برد و در درمان آن کمر بندد. و یا بعکس، معاینات گوناگونی که برای بیماریابی می‌شود، میتواند اطلاعات مورد نیاز شناسنامه های بهداشتی را تکمیل کند.

در بخش دیگری از شناسنامه بهداشتی انواع بیماریهای مزمن مانند بیماری قند و بیماریهای قلب و ریه و مانند آن جای ویژه‌ای دارند.

همچنین در شناسنامه‌های بهداشتی جدول دیگر نیز تنظیم شده است که در آن به موارد انتقال خون و تزریق سرم و حساسیت‌های گوناگون نیز توجه شده‌است.

بهر صورت، تهیه شناسنامه های بهداشتی گامی نو و جهشی بلند در امر بهداشت همگانی بشمار می‌رود که با روشن نگری شاهنشاه آریامهر در فرمان تاریخی بیست و هشتم اسفند ۲۵۳۲ به آن توجه شد و وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی ایران سرافراز است که در نیمه دوم نخستین سال اجرای فرمان کار پخش آن را آغاز کرد. در پخش شناسنامه‌ها [illegible] مردم کشور ما، گروه سنی صفر تا هجده سال مقدم هستند و این کار ادامه خواهد یافت تا تمام گروههای سنی دارای شناسنامه بهداشتی بشوند.

تأمین بهداشت همگانی

وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی از نخستین سال صدور این فرمان تاریخی زمانی پربار و سازنده‌ای را پشت سرگذاشت. با توجه به آمارهای بدست آمده از نتایج کوششهای وزارت بهداری هرچه از زمان صدور فرمان میگذرد این دستگاه براساس کوششهای خود به هدفهای [illegible] شده در فرمان نزدیکتر می‌شود.

پیش بینی میشود تا پایان سال جاری همه کودکانی که در سنین ابتلاء بیماریهای سه گانه و نوام و فلج و سرخک هستند زیر پوشش کامل واکسیناسیون قرار گیرند.

و نیز در نظر است نزدیک به [illegible] میلیون بار علیه بیماری سل و [illegible] میلیون بار علیه بیماری آبله و ۵ میلیون بار علیه بیماری «التور» مردم سراسر کشور را [illegible].

برنامه «بیماریابی» نیز که یکی از هدفهای مهم فرمان ملوکانه را می‌سازد، در ابعاد تازه‌ای گسترش یافت و تمامی نیروها را از طریق برنامه ریزی درست و استوار در تأمین تندرستی مردم به یاری گرفت.

در [illegible] هدف [illegible] که [illegible] های عمومی [illegible] در تمام نقاط مسکونی و [illegible] کشور [illegible] [illegible] های [illegible].

در زمینه کوششهای مبارزه با [illegible] و بیماریهای واگیر [illegible] در سطح عمومی ایران [illegible] درمانی [illegible].

در فرمان ملوکانه [illegible] بهداشت همگانی «آموزش بهداشت» در [illegible] هدفهای مهم دیگر قرار گرفته است و در [illegible] این هدف وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی کوشیده است با توجه به نقش تعیین کننده و پایه‌ای [illegible] آموزش بهداشت در [illegible] برنامه‌های بهداشتی و درمانی مردم [illegible] [illegible] برنامه‌های آموزش بهداشت [illegible].

حاصل کلام

سپاه بهداشت که مروری [illegible] دور افتاده‌ترین روستاهای ایران [illegible] نموده، از پی یک پیکار عمیق اجتماعی که روستاگر راستین انقلاب ایران است بوجود آمد.

اندیشه ایجاد سپاه بهداشت و رهانیدن روستائیان از چنگال بیماری و دردمندی و سوق دادن آنان در مسیر پربار سلامت، از سالها قبل ذهن هستی بخش رهبر خردمند ایران را بخود مشغول میداشت. در آغاز بهمن سال ۲۵۲۲ که فرمان تشکیل سپاه بهداشت از جانب شاهنشاه آریامهر شرف صدور یافت دریچه‌های بهروزی نیز برحیات مردم روستاها گشوده شد.

اینک پس از گذشت سالها آن دریچه ها خود به دروازه‌های ایمنی و تندرستی بدل شده است، دروازه‌های سلامت و بهروزی و پیروزی سپاهیان بهداشت با سلاح دانش پزشکی و بهداشتی و سازوبرگ و تجهیزات و امکانات فنی، پزشکی و دارویی که در اختیار دارند به ستیز با ناتندرستی پرداخته.

درواقع اگر در یک مملکت به نظافت و اصول بهداشت توجهی نشود هرگز نمیتوان به ترقی و پیشرفت آن کشور امید داشت. از آنجا که در شهرهای کشور خواه ناخواه دقت بیشتری در کار ریشه کن نمودن محیط آلوده میشود، در روستاها به این نسبت با آن مبارزه نمیشد، تا این که سپاهیان بهداشت به روستاها رفتند، ... نیروی سرشار از شور وشور این گروه با سرمایه زوال نا پذیری چون ایمان، حاصلی پربار داشته است، تاجائی که بدور از حودستائی ستایش همگان را برانگیخته.

بموازات تأمین سلامت و تندرستی افراد شهرها که بوسیله هزاران پزشک کارآزموده و متخصص و بیمارستانها و درمانگاههای مدرن و مجهز به هدف مقدس بیماریابی و سلامت آنان میکوشند، سپاهیان بهداشت نیز در روستاها، کوشش و تلاشی مقدس را ادامه میدهند که نتیجه بهروزی و سرفرازی ملت ماست. امید که این کوششها هرروز بارورتر گردد تا آنجا که ریشه‌ی تمام بیماریها از میهن ما کنده گردد و اجتماع ایران روز بروز سالم‌تر و شاداب‌تر از آنچه تصور میرود بشود.

کلاهها و ماسک های محیط کار

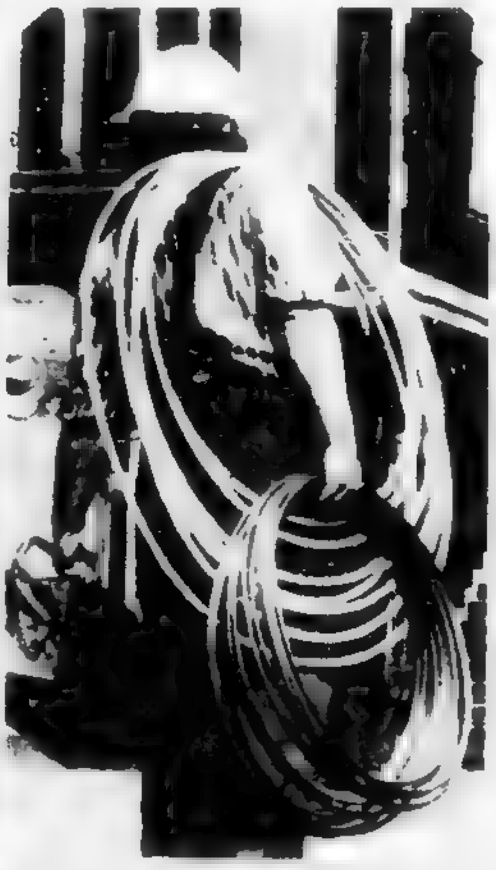

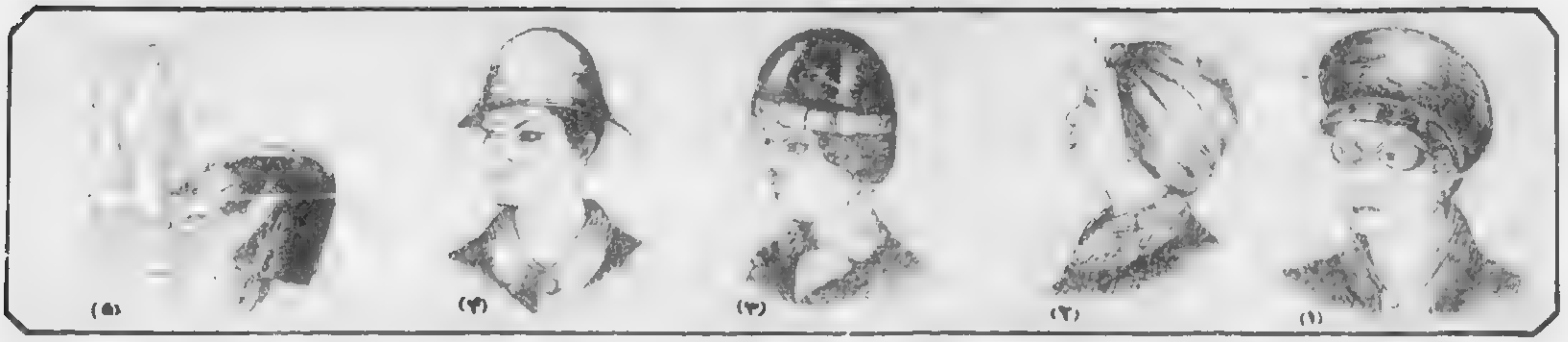

استفاده از وسایل گوناگون حفاظتی در محیط کار، نسبت به نوع فعالیت تغییر می کند.

کارگری که با محلولهای شیمیایی کار میکند باید از دستکش و عینک ویژه استفاده کند، در صورتیکه یک کارگر تراشکار باید کلاه و عینک دیگری را مورد استفاده قرار دهد.

در این شماره، شما را با چند نوع کلاه و خطراتی که از بکار نبردن اینگونه وسایل پدید می آید، آشنا می سازیم:

ویژگی کلاه (شرح شکل ۱)

یکی از اصول حفاظت سر هنگام کار در اطراف ماشین این است که:

کلاه کپی لبه دار که سقف آن بلند باشد بسر بگذارید و تمام موهایتان را زیر آن جمع کنید.

سربند (شرح شکل ۲)

سربند یکی دیگر از وسایلی است که برای حفاظت سر زنان به هنگام کار مورد استفاده قرار می گیرد. البته از این وسیله میتوان برای کارهای عادی که نزدیک ماشین و تسمه نباشد استفاده کرد.

کلاه سپردار (شرح شکل ۳)

همانطور که در شکل ۳ می بینید کلاه و سپر مخصوص آن، هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که کارگر در مقابل پرتاب جرقه و یا براده های آهن موقع جوشکاری و عملیات برش و غیره قرار گرفته باشد. این سپر (یا در واقع عینک حفاظتی) در جریان این گونه عملیات نقش درجه اول برای حفظ چشمها و سر و صورت کارگر دارد.

کلاه کاسکه (شرح شکل ۴)

یکی دیگر از وسایل مهم حفاظتی کلاه کاسکه سخت است که کارگران باید در مواقعیکه بیم سقوط اشیاء و یا سنگ ریزه از قسمتهای فوقانی می رود، از آن استفاده کنند.

انباشتن موی سر (شرح شکل ۵)

جمع و جور کردن موی سر هنگام کار در برابر مته های مختلف و دستگاههای دارای تسمه و غیره ضرورت کامل دارد تا همانطور که در شکل ۵ می بینید این گونه خطرات شما را تهدید نکند.

بهداشت و حفاظت محیط کار

کندن چاه وحفر قنات یکی از دشوارترین و پر مخاطره‌آمیزترین حرفه‌هاست که با حوادثی چون ریزش دیواره‌چاه یاقنات ، خفگی در اثر گاز وسقوط کارگر همراه‌است .

برای این منظور باید مقنیان ومقاطعه کاران این قبیل امـــور، لااقل از یک دوره آمــــوزشی برخوردار وصلاحیت کار را کسب کنند.

نکات مهم

موارد مهمی که باید در حین انجام کار بدان توجه داشت بشرح زیر میباشد.

۱ — چرخ چاه ومتعلقات آن باید سالم و بی‌عیب باشد تا در حین بالا کشیدن بار دچار شکستگی قطعات وپاره شدن طناب نشود . دراین قبیل موارد بعلت سنگینی بار وتکان وارده نسبت معکوس چرخیدن چاه وسقوط کارگر فراهم می‌شود.

۲ — اطراف دهانه چاه تا حدودیکه خاک سست و چسبندگی کافی ندارد باید آجرچینی و با مواد ویژه اندود شود و با طوقه گذاری گردد. ضمناً لبه آجر چینی یا طوقه‌گذاری باندازه ۱۵ سانتیمترا زسطح محل کار بالا قرار گیرد تا سبب سقوط اشیاء بداخل چاه میسرنشود .

۳ — در حفر چاهها لازمست رعایت فاصله لازم با چاههای مجاور بشود . زیرا ممکن است به هنگام انبار زدن بین دوچاه قدیمی و جدید ارتباط ایجاد شود و درنتیجه گازهای تـــرا کمی ارتباط ایجاد شود ودر نتیجه گازهای متراکمی که ازچاه‌قبلی بمحل کار رخنه میکندفضای کار را غیرقابل استنشاق کند.

۴ — برای تأمین روشنائی از چراغهای با شعله باز هیچگاه استفاده نشود تا درصورت وجود گازهای قابل اشتعال ،انفجار پدید نیاید. ضمناً ولتاژ برق مورد استفاده برای تأمین روشنائی نباید از ۲۴ ولت تجاوز کند.

۵ — اشیاء وموادیکه ازچاه‌استخراج میشود نبایستی مجاور دهانه‌چاه انباشته‌شود.

۶ — هنگام پائین بردن و یا بالا کشیدن دلو کارگریکه درته‌چاه است باید درجای امنی قرار گیرد، تا در صورت افتادن مصالح و یـــا قطعاتی ازبدنه چاه مصون بماند .

۷ — تنفس کارگر در عمق چاه موجب تولید گاز کربنیک شده ومخصوصاً اگر ازچراغ باشعله باز استفاده شود تراکم گاز زیاد و محیط غیرقابل استنشـــاق می‌شود .

۸ — برای اطمینان از هوای عمق چاه قبل از رفتن بداخل چاه باید بوسیله ارسال قفسی که در آن حیوانی نظیر موش و یا هر نوع پرنده‌ای باشد ازقابل استنشاق بودن هوای عمق چاه آگاه شد (درصورتیکه هوای عمق چاه غیرقابل استنشاق باشد این حیوانات دچار خفگی می‌شوند)

۹ — برای کار در عمق چاه باید کارگر مجهز به کمربند نجات و کلاه کاسک ایمنی باشد وسر طناب که به کمربندحفاظتي است در بالای چاه در اختیار مراقبین باشد. ضمنا درمدتی که این کارگر درته چاه مشغول کاراست باید با صحبت یا علائم رمز سلامت خود را به‌مراقبین اطلاع دهد.

۱۰ — درصورتیکه عمق چاه از شش متر تجاوز کند باید تعداد مراقبین ازدو نفر کمتر نباشند ودرصورتیکه عمق چاه از ۲۵ متربگذرد ، باید بجای چرخ چاه‌دستی از وسایل مکانیکی استفاده‌شود.

۱۱ — هنگامیکه تهویه چاه بطور طبیعی مقدور نیست باید ازیک وسیله دمنده مصنوعی نظیر (وانتیلاتور — کمپرسور) که میزان هوا رسانی آن بمحل کار از ۲۵ لیتر در ثانیه برای یک نفر کمتر نباشد استفاده کرد . درصورتیکه امکان متصاعد شدن گاز درچاهی موجود باشد به نسبت آن مقدار هوا رسانی باید اضافه شود و هرگاه احتمال نشت آنی گاز در چاهی برود مقدار هوارسانی نباید کمتر از ۲۰۰ لیتر درثانیه باشد .

۱۲ — بازدید یی دریی روزانه قبل از شروع کار برای اطمینان از صحت وسایل و لوازم کارضروری‌است.

کارگاه خنده

سیاه بازی

—د... حسن آقا، چرا خودتو سیاه کردی، نکنه توی تئاتر نقش سیاه رو بازی می کنی ! ؟

— نه بابا، فقط از پشت یه اتوبوس دوطبقه ردشدم !

مأمور: آقابلیط شما برای شیرازه، اما ماشین داره میره آبادان.

مسافر: بمن چرا میگی مردحسابی، برو به راننده بگو!

وقتی چوپان بیکار میشود

محسن — باباجون توی میزان الحرارهمی گذاشتن که جیوه را بالا وپائین میبره ؟ !

پدر— نردبان !

آموزگار: سال چندماه داره؟

دانش آموز: سیزده ماه !

آموزگار: ماه سیزدهم دیگه کدومه ؟

دانش آموز: ماه عسل !

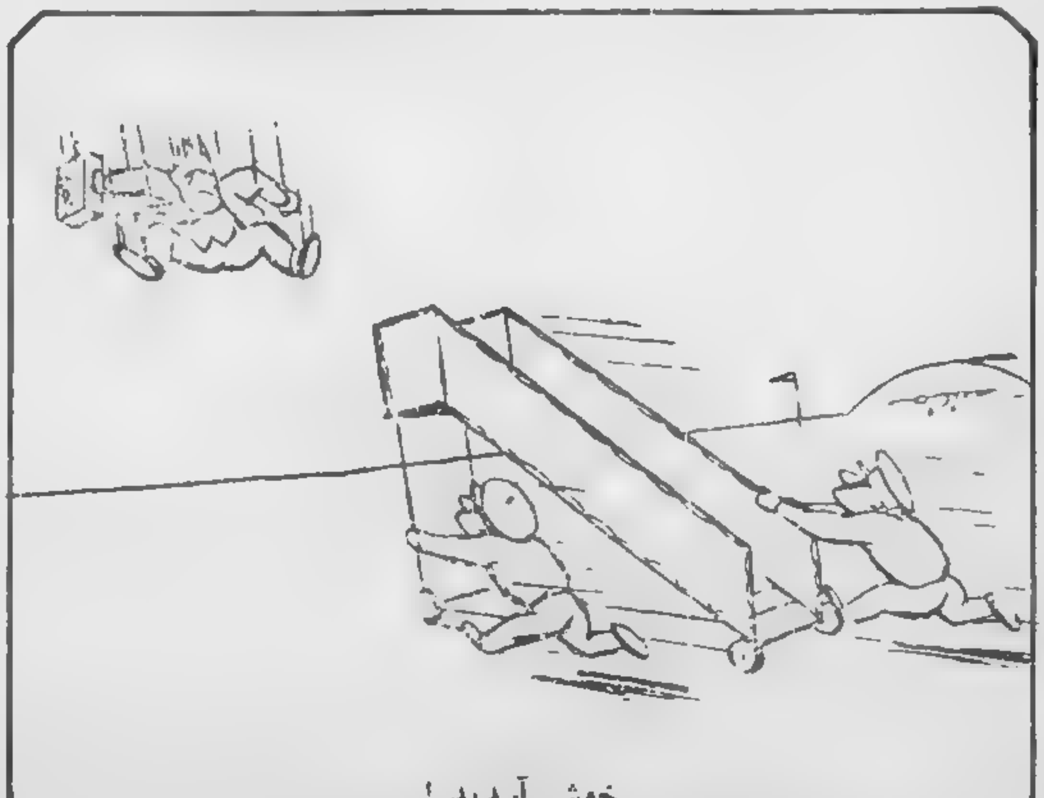

خوش آمدید !

وصله ناجور

مردی توی اتوبوس نشسته بود ودمبدم آب بینی اش را بالا میکشید.

بغل دستی اش گفت:

— آقاشما دستمال ندارین؟

— چرا دارم، اما متأسفانه بکسی نمیدم !

معلم: احمد اسم چند تاچیز که نشاسته داشته باشد بگو.

احمد: آقا، یقه، سرآستین دست راست، سرآستین دست چپ پدرم !

* چون قهرمان پرش بود، براحتی از خواب میپرید !

*مداد با مداد تراش خود کشی کرد !

* چون آدم سنگدلی بود، به سنگ قبر احتیاجی نداشت !

*آنقدر دوید تا به بی نهایت رسید !

معلم : توی جعبه کمکهای اولیه چی می گذارن؟ !

شاگرد: باند، دواگلی، پماد وسدرو کافور!

معلم: سدرو کافورو واسه چی؟

شاگرد: معذرت می‌خواهم اونا جزء کمکهای آخریس !

آهای زن ، این مو چیه توی غذای من !

گدائی در گوشه خیابان کلاه بدست ایستاده بودو مرتبأمی گفت:

— صد... صد... صد...

عابری به او رسید و پرسید: چرا پشت سرهم میگی صد؟ گداگفت: یک سکه بندازتوی کلاهم تا بگم !

عابر یک سکه انداخت توی کلاه وبعد گدا گفت: صدویک... صدویک.... صدویک...

مشتری: این قناری چرا اینقدر گرونه ؟

فروشنده: آخه قربان دوسه ماهه که قیمت رنگ رفته بالا !

اولی: آقا بازار کدوم طرفه ؟

دومی: بازارمیخوای بری چکار؟

اولی: آخه امروز تو یک شرکت بعنوان بازاریاب استخدام شدم !

طبیبی را دیدند که هروقت بگورستان شهر رسیدی، ردا برسر کشیدی، از سببه آن سؤال کردند، گفت : از مردگان این گورستان شرم دارم، زیرا برهر که می گذرم، شربت من خورده است و در هر که می نگرم از شربت من مرده است .

ترجمه: دکتر قاسم قاضی

بازی در رشد ذهنی و جسمی کودک نقش مهمی دارد

[illegible]

حواس مختلف و بازی

حواس مختلف که ضمن بازی گسترش می‌یابند و ورزیده می‌شوند، بتدریج باعث توسعه ذهن گردیده و درخدمت هوش کودك در می‌آیند. بازی مطبوع ترین سرگرمی برای کودکان در این مرحله میباشد و بعقیده روانشناسان پدر و مادرها باید علاوه بر تامین نیاز اطفال به خواندن، نوشتن و حساب کردن بازی وتفریح را نیزازنظر دورندارند.

در حقیقت بالضافه کردن بازی به برنامه زندگی کودکان، میتوان امید داشت که آنها تا حد زیادی با زندگی واقعی آشناشوند.

کودکان فعالیتهای مختلفی را که غالباً در مورد بزرگسالان «کار» مینامیم، تقلید میکنند، اما باید دانست که برای کودکان در این مرحله، کارو بازی تفاوتی با یکدیگر ندارند. اطفال به مهارت در نگاه کردن، لمس کردن و ساختن اشیاء نائل می‌آیند. اسباب‌بازی‌هاتمرکزحواس کودکان را عمیق و دستهای آنها را ورزیده و بالاخره توجه آنها را پایدارتر میگرداند. بهمین دلیل است که بقول یکی از روانشناسان بازی بمعنی واقعی کلمه، مربی، حقیقی‌طفل است..

بازی و کودکان بین ۷ تا ۱۲ ساله

کودکانیکه سالهای بین ۷ تا ۱۲ را میگذرانند، تمایل بسیار دارند که در گروه با یکدیگربازی کنند.

در این دوره نیز بازی اثرعظیمی در رشد کودك دارد. فعالیت‌طفل دراین دوره‌زیاداست کودك به اقتضای رشد بدنی وگسترش حواس و ذهن خود دراین مرحله قادراست درخیال خود، بسیارچیزها را که قبلا برای اونا آشنا بودماند، مانند طول، عرض و ارتفاع تصور کند. او میتواند طول چوبی را که میخواهد از آن برای مغازه خود در بازی، بعنوان پیشخوان استفاده کند، اندازه بزند. اطفال مجبورند برای انجام‌دادن بسیاری ازبازیها چهارعمل— اصلی حساب را که با آن در بازیها درگیری بسیاردارند، بدانند. برای مثال کودکان در «مغازه بازی» فرصتهای خوبی برای یادگیری جمع (موقعیکه میخواهند بحاصل و کل موضوعات برسند) تفریق (موقعیکه میخواهند قیمتها را دروقت حراج پائین بیاورند) ضرب (موقعی که مثلا ده تخم‌مرغ از قرار دانه‌ای ۳ ریال میخرند) و تقسیم (موقعیکه مایلند اشیاء یا چیزهای قابل شمارش را بین دوستان خود تقسیم کنند) بدست می‌آورند.

کودکان همچنین میتوانند حجم را ضمن بازی با قایقهای خود بیاموزند، باین ترتیب که آنها بوسیله تجربه در می‌یابند که چند تکه سنگ را میتوان با یک قایق مخصوص نمود. هنگام انجام دادن این قبیل بازیها بوسیله آموزش حساب. و هندسه، نیروی استدلال کودکان رشدمیکند.

علاوه برمطالب فوق، بازی در این دوره کمک‌موثری به اجتماعی‌شدن اطفال مینماید.

البته باید توجه داشت که بطور کلی اطفال با هوش تمایل کمتری ببازیهای گروهی نشان میدهند تا اطفال کم هوش، زیرا بازیهای انفرادی کم هوشی را زودتر آشکارمیسازند.

بازی نه تنها کمک مؤثری بیادگیری و گسترش و رشد ذهن کودك مینماید، بلکه بعنوان سرچشمه و وسیله مهم یادگیری نقش مفیدی نیز در مداوای کودکان دارد. هنگامی که کودکان در اطراف خودبموانع برمیخورند ومشکلاتی آنها را احاطه میکند که قادر برفع آن مشکلات نیستند، بازی را تنها پناهگاه خود میشناسند و برای‌تسکین اضطراب خود بآن رو می‌آورند. اطفال پرخاشگر را که‌مدام مزاحم دیگران هستند، میتوان در بازی کمک کرد تا تحت‌سرپرستی صحیح پدرومادربانجام دادن نقشهای فعالانه مبادرت ورزند. از طرف دیگر کودکان‌مضطرب وگوشه گیر را، بعلت تمایلی که این قبیل اطفال به عمل پذیری دارند، میتوان دربازی شناخت.

نمایش، فعالیتهای خارج ازمحیط خانه، وبازی های دسته جمعی نیزبمنظورمداوا میتوانند خجالت، ترس و پرخاشگری کودکان رازایل سازند و بنحومؤثری ازحساسیت وچشم‌سفیدی آنان بکاهند.

ازطرف دیگربازیهای گروهی کمک‌فراوانی به پرورش حس همکاری و سازگاری اطفال می کنند. کودکان یاد می‌گیرند که شرط‌اصلی موفقیت در بازی با دیگران همکاری کردن وسازگارشدن با آنهاست.

نقش بازی در رشدجسمی کودك

همه متخصصان علوم تربیتی معتقدند که رشد جسمی و ذهنی کودك و نوجوانان هدف عمده ومهم هردستگاه‌آموزش و پرورش وپدرومادران است. رشد ذهنی تا اندازه‌ای به رشد جسمی بستگی دارد. کودکان افلیج که فاقد رشد طبیعی اعصاب و عضلات هستند، احتمالا رشد هوشی کندی دارند. ممکن است سئوال شود که چرا پاره‌ای از کودکان که رشد جسمی طبیعی دارند، عقب مانده و یاحتی کودن‌اند؟ باحتمال زیاد عقب‌ماندگی یا کودنی این قبیل کودکان به عوامل دیگری از قبیل هوش فطری، اوضاع و احوال خانواده و وضع محیط و غیره بستگی دارد. فعالیتهای اطفال در بازی باعث تقویت عضلات و اعصاب و قلب آنها میگردد.

اطفال به بازی‌مشغول میشوند، زیرا که ازلحاظ بدنی سالمند. بعبارت دیگر فعالیت کودکان در بازی نشانه سلامت آنهاست و بعدی این موضوع طبیعی است که چنانچه کودکی بازی نکند، ما باین فکرمی‌افتیم که باید اتفاق ناگواری رخ داده باشد. اگر کودکان راازبازی کردن محروم سازیم، باحتمال قوی ازآنها خوشی را دورساخته وبالطبع رشدآنها رامختل‌کرده‌ایم.

در سالهای اول زندگی کودکان خردسال نمیتوانند به کنترل کامل خود بپردازند. کودك کنترل حرکات خود را ازطریق بازی بدست می‌آورد. فیزیولوژی بما می‌آموزد که بعضی ازفعالیتهای‌بدنی وبویژه‌فعالیتهای ذهنی تحت تاثیر پاره‌ای از ترشحات غده‌های داخلی هستند. ازطرف دیگر دستگاه عصبی که خود باید ضمن بازی تقویت گردد، تا اندازه‌ای به کنترل این غده‌ها درمی‌آید. بطورخلاصه بازی کاملترین پرورش را برای، بدن، ذهن شخصیت ومنش آدمی فراهم‌می‌آورد.

نقش بازی در رشد ذهنی کودك

همانطور که قبلا ذکر شد، رشد ذهنی کودك تا اندازه زیادی به ساختمان بدنی او بستگی دارد وساختمان بدنی طفل نیز بنوبه خود ازطریق فعالیتهای بازی توسعه می‌یابد و هوش وشخصیت طفل هم میتوانند تحت تاثیر بازی پرورش یابند. کودك مغز خود را که باتاثراتی بوسیله حواس و ضمن بازی از عالم خارج اخذمیکند غنی‌میسازد ومغزغنی‌میتواند بازده هوش بیشتری داشته باشد. بازیهای ذهنی مثل شطرنج حل جدول وبامسائل سادحساب که باعث رشد هوش، استدلال وشخصیت اطفال میگردند میتوانند برای مقاصد مورد بحث‌بکار روند.

البته بازیهای ذهنی که در آنها اطفال مجبور فکرکردن، استدلال نمودن‌وحل کردن مسائل هستند، باید همیشه‌بعداز یک‌بازی جسمی به کودك ارائه‌شوند.

شاید ناخوش آیندترین چیز برای کودکان این باشد که کارآنها منحصر باشد، به خواندن کتابها وعمل کردن تمرینات مربوط به آن‌ها. احتمال کامل دارد کودکانی که قادر بحل مسائل‌حساب‌ازراه کتاب‌و کاغذومداد نیستند. بتوانند بحل آنمسائل ازطریق بازی‌نایل آیند.

در نتیجه میتوان گفت که بازی نه تنها آنطور که قبلا فکر میشد اتلاف وقت نیست، بلکه میتوان از آن بعنوان وسیله کمک برای رشد ذهنی استفاده کرد. بدون بازی، کار طاقت‌فرسا و بی ثمراست و درواقع کارفشرده‌ای که فاقد بازی باشد، ما را بیاد این ضرب‌المثل انگلیسی میاندازد که: «کار زیاد بدون‌بازی انسان‌را کودن‌میسازد».

○○○

بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی
ازطرف کارخانجات پیچ ومهره شهریار

در جشنی که بمناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال‌سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی از طرف شرکت سهامی (خاص) پیچ و مهره شهریار برگزار گردیدعده‌ای ازشخصیتهای مملکتی ، نماینده اطاق بازرگانی ، کلیه مدیران، کارکنان ، کارگران ونمایندگان رسانه‌های گروهی کشور حضور داشتند .

آغازگر مراسم سرودشاهنشاهی بود و سپس آقای اکبر علی‌زاده رئیس هیئت مدیره شرکت ضمن خیرمقدم به شرکت کنندگان در جشن چنین اظهار داشت :

یادآوری روزهای تاریك کشور و ذکر دگرگونی اوضاع وتذکر سعادتی که برهمه ما روی آورده است برای همه لازم است تا از گذشته درس عبرت بگیریم و قدرسعادتی که ما را دربرگرفته بدانیم . کشور ایران که‌بشکرانه عنایت باری‌تعالی و به برکت ظهور سردودمان پهلوی و وجود تاجدار معظم‌ایران شاهنشاه‌آریامهر مبدل بیك واحد بهم پیوسته و متحد گردیده در سالهای قبل از پنجاه سال کشوری متلاشی و سرزمینی بظاهر فقیر بود که در آنجا مردمی مایوس زیست می‌کردند .

در این کشور بعلت وجود نوکران استعمار پرچم بیگانگان‌در هرگوشه مملکت در اهتزاز بود و کس را یارای آن نبود که نامی ازایران ببرد و یا از ملیت‌وتاریخ پرشکوه و عظمت خود یادکند .

از حکومت مرکزی جزء تحرك مردگان چیزی بچشم نمی‌خورد واز سربازانی که باید ازنوامیس مردم واز استقلال‌کشور حفاظت و حراست کنند چیزی جز عده‌ای برده بچشم نمی‌آمد . خزانه دولت خالی بود و برای گذران روزانه مردم دست گدائی رجال ما بسوی بیگانگان درازبود. آری اینها حقایقی است تلخ که هرفردی از افراد ایکشور از شنیدنش میلرزد و از بخاطر آوردنش بخشم درمیاید .

دنیا با سرعت بجلو میرفت ولی ما همچنان در گودالی که بدست یکعده از خدا بی‌خبر برایمان حفر شده بود در میان کثافت غوطه میخوردیم و بهت زده به‌آینده مبهمی فکرمیکردیم.

ولی همانطور که سراسر تاریخ ایران گواه آن است خدا نخواسته و نمی‌خواهد که ملت ایران از تاریخ ملل دنیا حذف شود ویا ایران که مهد تمدن درخشانی بوده است از نقشه گیتی محو گردد .

رادمردی توانا که شاهد مذلت آنروز ایران بود اوضاع‌را نظاره میکرد و در دل خون میخورد شاهد مرگ تدریجی و محو ایران بود و برقصد آن

اکبر علی زاده رئیس هیئت مدیره شرکت :

ستاره ایران با ظهور رضا شاه کبیر این مرد توانا ورادمرد بزرگوار درخشیدن گرفت

نفرین میکرد واز خداوند صادقانه استمداد میکرد فرصتی به او بدهد تا به جهانیان اثبات کند ایران جاودان است .

ستاره ایران با ظهور این مرد توانا و رادمرد بزرگوار درخشیدن گرفت . درسایه هدایت این رادمرد تاریخ ایران گامهای اساسی در راه صنعتی شدن کشور برداشته شد تاروزیکه سکان‌کشتی بدست با کفایت فرزند برومندآن بنیان گذار عظمت خواه افتاد . تاجدار پرجلال ونورآریائی ایران باقدرت جوانی و نیروی تعلیم یافته فکری و روشن‌بینی وآینده نگری راه پدر را درپیش گرفتند وکارنیمه تمام آن تاجدار را با شکوهی بیشتر و سرعتی فزونتر بجلو راندند و راه پیشروی را به راهها مبدل ساختند و یك جهش همه‌جانبه بفعالیت مردم دادند.

درحالیکه سیاست کشور را بادانائی و درایت از لابلای‌طوفان های سهمگین و صاعقه‌های خانه برانداز بسلامت گذر دادند وبرآن ثبات نهادند امنیت ازدست رفته‌را درگوشه و کنار کشور مستقر ساختند و برسرعت حرکت قافله آن‌چنان نیروئی دمیدند که‌ظرف اندك زمان ایران را بمقامی بالا بردند که در هرگوشه و کنار نفیر کارخانه های عظیم برهوا بلند است ودر بازارهای‌کشورهای دور و نزدیك نمونه‌ای ازفرآورده های صنعتی ایران در دسترس قراردارد . صدها هزار جوان ایرانی در اطراف و اکناف گیتی بهآموختن مشغولند و دهها‌دانشگاه در استانها به پروراندن افکار هموطنان جوان اشتغال دارند و صدها مدرسه عالی، فنی‌وبازرگانی وصنعتی نیروی جوان ایران را برای خدمتگذاری آماده میکنند.

پاسداران مرزها در زمین و هوا وآب مراقب حقوق حقه ایرانند . به عوض اینکه مانند گذشته مردم آب غربال کنند و هوا در انبار ذخیره نمایند دست ایرانی راه خلاقیت را از رهبر عالیقدر خود آموخت و با سپاس وحق‌شناسی در راه خدمتش عزم راجزم نمود و با سوگند به‌ادامه راه و روشی که درپیش داشت در حفظ نظام شاهنشاهی کمر بربست.

از حضار باردگر تشکرمیکنم واز خدای بزرگ‌مسئلت دارم‌رهبر عالیقدر مارا درپناه خود نگاه دارد و وجود مبارکش سلامت مرحمت کند که ملتی سالم‌وراحت به‌زندگی پرامیدش ادامه دهد . جاوید شاه پاینده ایران .

سپس آقای حسین شیخ ــ اسلامی به نمایندگی از طرف کارگران شرکت رشته سخن رادر دست گرفت و چنین گفت :

سخنان شیخ‌الاسلامی

نماینده کارگران

پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پرافتخار پهلوی بر همه ملت ایران مبارك باد

حضار محترم

در ابتدا اجازه میخواهم‌تا تصویری از روزگاران نه چندان دور قبل از عصر پهلوی بدست بدهم تا بتوانیم قضاوت کننده خوبی باشیم برای نشان دادن چگونگی زندگی مردم در دوعصر متفاوت ، در قرن بیستم ، عصر بردگی بود ، دورانی بود که مرد و زن ، کارگر و دهقان در زیر سرپوشهای استعماری، هوای‌آلوده نادانی را استشمام مینمودندوکسی رایارای رهائی نبود ، چرا که گریز ازهوای ناپاك بردگی‌رسیدن اندیشه‌های سازنده بود واندیشه‌ای نداشت غیر اندیشه اندیشیدن به ایران آباد و آزاد . این مرد توانا بود که با تاسیس واحدهای صنعتی و علمی نوید پیشرفت‌سریع بجوانان میهن داد و این است که امروزه ثمرات همان اندیشه های بصبح آزادیست و استشمام هوای لطیف صبحگاهان کار و کوشش . که بازده چنین گریزی بینایی‌بود واندیشیدن ، چرا که هرچه راکه میبینیم دربار‌ه‌اش میاندیشیم و همین اندیشیدن است که انسان‌را وادار مینماید تا به‌تمدن برسد و این چنین اندیشیدن‌ها خلاف اندیشه‌ی بنده‌پرور حاکمان‌آن روزگار بود ودر چنین روزگاری مردم منتظر بودند ، گویی میدانستند که یکنفر خواهد آمد و باظهور پهلوی بزرگ آن روز فرارسید و از آنروز ببعدستی‌ها وبدبینی‌ها که نتیجه تحمیق‌ها و بندهای سیاه و زشت استعمار بود ازبین رفت توگویی عینك های سیاهی را که جلوی چشمهای‌مردم بودبرداشته‌اند .

رضا شاه کبیر پایه گذار انقلابی رضاشاه کبیر راشاهدیم. واینك در عصر رستاخیز ، عصر شاهنشاهی شاه بزرگ شاهنشاه آریامهر و پرچمدار اندیشه‌های‌ناب انسانی .

این من کارگر که بعداز انقلاب سپید ایران بتمام حقوق انسانی‌ام رسیده‌ام بپا می‌خیزم وبا یاد تو ونام توای ابر مرد ای رضاشاه کبیر و بهمراه تو ای آریامهر شاه بزرگ به آینده‌روشن وطنم درود میفرستم و سوگند یاد میکنم که همواره در پیشبردمقاصد انسانی و اندیشه‌های سازنده و ارزشمند شاهنشاه آریامهر حتی از جان خود نیز دریغ ننمایم واینك باردیگر در چنین روزی که همه گردهم آمده‌ایم تا پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پرافتخارپهلوی را جشن بگیریم رشته‌های پیوند شاه وملت را محکم میکنیم ودست بدست هم میدهیم و به همه اعلام میکنیم که :

عصر پهلوی ، عصر بقای انسانیت است .

عصر گسستن زنجیر های بردگیست ، عصر ارزش نهادن برارزشهای انسانیست، عصرپهلوی، عصر رستن‌ها و رهتن‌هاست .

درود بروان پاك رضا شاه کبیر بنیان‌گذار ایران نوین

زنده و جاوید باد شاهنشاه آریامهر

درود برشهبانوی نیکوکار و مهربان ایران

زنده باد ولیعهد جوان و نورچشم ملت ایران

پاینده باد کشور شاهشاهی ایران

سخنان نماینده کارگران با کف زدن‌ها و ابراز احساسات حاضران و خانواده‌هایشان پایان یافت

آقای اکبر علی‌زاده رئیس هیئت‌مدیره شرکت

آقای حسین شیخ‌اسلامی نماینده کارگران

هیئت مدیره شرکت پیچ و مهره‌شهریار که در جمع آنها نماینده‌کارگران نیز دیده میشود

از: منوچهر هنرمند

هرکس، درهر موقعیت

باید وجدانی بیدار و آگاه داشته باشد...

تا اینجا منش شخص وارتباط آن را با وجدان او نوشتیم. حال بد نیست به بینیم این حقایق مسلم را علمای مادی چگونه برهم ریخته و تیشه به ریشه آن زده‌اند. آنها خواسته‌اند بگویند، همه چیز ناشی از احتیاجات مادی است وغیرازآن وجود ندارد. مثلا (لارشفوکو) میگوید: «محور زندگانی نفع شخصی است و همه تمایلات گرد آن دورمیزند. حتی آنها که بکلی بیغرضانه ومطابق خیرو صلاح همنوعان جلوه میکنند، از سرچشمه خودپرستی آب میخورند. همه آنها بقصد فریب دادن دیگران و نفع بردن شخصی است که در لفاف تمایلات بیغرضانه درآمده‌اند.»

خوانندگان گرامی براحتی میتوانند بی‌اساس وپایه بودن این قبیل نظرات را درک کنند. محبت مادر نسبت به فرزند، چگونه میتواند برای فریب دادن دیگران باشد وچطور میتواند برای نفع شخصی باشد؟! .... دست کوری را گرفتن واز یکطرف خیابان خلوتی بطرف دیگر بردن، تظاهر برای درودیوا راست و یا اینکه اینکاردو ریال حق‌الزحمه دارد؟!... واقعاً مسخره است که انسان برای اثبات یک نظر بی‌روپایه وبی‌اساس، چشم عقل به‌بندد و پا روی حقایق بگذارد. در اینجا بدنیست میگوید: «حق‌شناسی میلی است نهانی به‌جلب نعمتهای بزرگتر». اگر بیاد داشته باشید درچند شماره پیش من اظهارحق‌شناسی نسبت بمدیر دبستانی کرده بودم که درآن درس میخواندم. این مدیر محترم ما اکنون کارخانه رنگرزی دارد ومن عملا هیچوقت حتی تاآخر عمرم احتیاج بکار رنگرزی نخواهم داشت. کجای این حق‌شناسی من میل به جلب نعمتهای بزرگتربوده است، درحالیکه من وجداناً خود را تاآخر عمر مدیون این معلم باشرف میدانم و هیچوقت هم نخواهم توانست بهیچ‌شکلی دین اخلاقی خودم را ادا کنم. همینطوراست حقوقی که پدروما دربگردن انسان دارند.

دانشمند نامبرده درجائی دیگر میگوید «احسان نوعی از رباخواری است ویا سخاوت نوعی خودنمائی است، ترحم پیش‌بینی ماهرانه. ایست برای بدبختیهای احتمالی، راستی و درستی وسیله مؤثری است برای جلب تحسین دیگران، بیغرضانه‌ترین دوستیها معامله و دادوستدی است که خود پرستی ما میخواهد از آن سودی ببرد.»

خوانندگان عزیز، انصاف بدهید در جامعه‌ایکه احسان رباخواری، سخاوت خودنمائی، وحتی بیغرضانه‌ترین دوستیها معامله و دادوستد لقب بگیرد، آن جامعه چه ارزش انسانی وچه شرفی به افراد خود خواهد بخشید؟...

اگرقرار باشد عشق ودوستی— محبت‌های خانوادگی—میهن‌پرستی ونوع‌دوستی همه را باز ریشه خودخواهی‌ندانیم ویااینکه نوعی معامله، روحانیت زندگی‌چه خواهدشد وواقعاً زشتی وزیبائی آن چگونه‌تعبیر وتفسیرخواهد شد. آیا اصولا وجدانی درکار خواهد بودو اصولا چنین جامعه‌ای احتیاج به‌وجدان افراد خود خواهدداشت واگر فرضاً داشته باشد، پایه‌های قضاوت صاحبان چنین طرز فکری چه خواهد بود؟ دریک چنین اجتماعی فرق بین خوبی وبدی چه‌خواهد بود؟ این‌ها همه پرسش‌هائی است که‌پایه واساس طرز فکر اجتماعی‌را سست ونابود میکند، در حالیکه ما ثابت کردیم وجدان چیزی‌است که بتناسب رشدعقلانی واجتماعی فرد بوجود می‌آید و هرچه‌این دو بیشتر باشد رشد وجدان بیشتر و بابعبارت دیگر وجدان‌آگاه‌تر وبیدارترخواهد بودو کار قضاوت خود را بهتر وعالی‌تر انجام خواهد داد.

درمیان طرز فکرهای علوم قدیم ازقبیل فلسفه—علم‌الاجتماع—علم‌الاخلاق— علم بیان همه‌جا گفته‌ها را برپایه نیک‌وبد می‌یابیم وشاید این رسوخ همان فلسفه مذهبی تربیتی گفتارنیک، پندارنیک، کردارنیک است که‌حتی فلسفه یونان را میپوشاند واساس‌قرار میگیرد. چندین‌هزارسال پیش زرتشت فرق بین خوب‌و بدرا برای مردم آنزمان پایه‌واساس قرارداد وآنگاه مردم را بطرف قبول نیکی‌ها برای داشتن وجدان آرام وجامعه منزه دعوت نمود وبعداز او همه ادیان دیگر نیز همین کار را کردند. همانطوریکه نیکی درگفتار، پندار وکردار پایه‌واساس قرار میگیرد وجدان‌نیز ناظر برنیک وبد این‌سه میشود واین بستگی به بیداری وآگاهی‌وجدان دارد که در چه‌حدی آسوده‌و راحت باشد.

کـــار

همانطوریکه دراول این سلسله مقالات نوشتیم وجدان کارمرکب از ۲ کلمه‌وجدان و کاراست‌و ما ناچاربودیم اول بمسئله‌وجدان بپردازیم‌وحال که میدانیم وجدان چیست، بامختصر تعریفی درمورد کار سعی‌میشود که هرچه‌زودتر نتیجه‌گیری شودومطلب‌به‌آخر برسد.

از زمانیکه انجام کار معین در مقابل‌مزد معین بوجود آمد، نام «کارگر» برسرزبانها‌افتاد و مختص طبقه‌ای گردید که امروز هم کارگر نامیده میشوند. درحالیکه مفهوم‌عمومی کارکردن‌آنست که هرانسانی‌هرحرکتی که کند کاری انجام داده است. بکنفرا ین‌مهم، در طبقه کارگر هم‌مصداق‌پیدا می کند، و کارگراگرخدای نخواسته، پایبندوجدان‌نباشد، وحتی‌وقتی که کارآما بر کاراونظارت‌نمی کند، خود صمیمانه احساس لزوم انجام‌وظیفه رادر دل نداشته باشد، کاراو نه درخود توجه‌خواهد بود، ونه دستمردی که میگیرد، حلال‌است.

داشتن وجدان، همانطورکه در تمام طبقات لازم است، درطبقه کارگرهم، که‌جدا از جامعه نیست، واجب است‌وهرعضوجامعه اگرتوقع دارد که دیگران باوجدان آگاه‌به‌انجام وظیفه بپردازند، میبایست‌خود نیز از وجدان آگاه برخوردار باشدو وظیفه خویش را بااین احساس که اگرکسی ناظربرکارواعمال او نیست تنها داشتن‌وجدان برای کار کافیست، به کاربپردازد.

از: د لرع. بیمان

فعالیت اقتصادی

کارگران عزیز، در مقاله گذشته به طور خلاصه گفتیم اقتصاد چیست و چه‌نقشی در زندگی‌انسان دارد، واینکه دردنباله بحث‌خود، به بحث درمورد فعالیت‌اقتصادی میپردازیم.

بطوریکه خاطرنشان‌ساختیم، انسان دارای حاجتها و آرزوهای بسیار است، ولی منابع و ثروتهای موجود درجهان بسیار محدود است و لذا برای اینکه بتواند امیال و آرزوهای خود را بنحو مطلوب برآورده سازد لاجرم باید بفعالیت بپردازد، فعالیت برای مبارزه با کمیابی و قلت منابع وثروتها، مبارزه برای بدست آوردن منابع جدید، مبارزه برای دگرگون ساختن شکل‌مواد بمنظور قابل استفاده کردن آن، مبارزه برای ایجاد اشیاء‌ولوازم ومحصولات جدید، کوشش درراه‌توزیع صحیح این کالاها ومواد و.....

انسان برای بدست آوردن‌منابع وثروتهای جدید، زمین راحفر میکند و دل کوهها را میشکافد و دریاها را میتوردد تامنابع وثروتهای جدیدی بدست آورد. سپس این ثروتهای خام را تغییرشکل میدهد تابتواند ازآن استفاده کند و یااینکه کالائی‌جدیدبسازد.

درتمامی این‌موارد یک‌اصل همواره‌چشم محخورد و آن اصل انتخاب است، انتخابی که بتواند بیشترو بهتر خواستها ونیازهای وی را مرتفع سازد، زیرا بطوریکه بیان کردید امکانات ومنابع وثروتها محدود است و برای جبران این کمبود و نایابی باید کوشش و فعالیت کرد. این محدودیت‌ها، مسائل وثروتها، شامل مدت زمان‌عمرانسان ونیزشامل وضع بدنی‌و نفسانی انسان است و لذا انسان برای اینکه طی مدت کوتاه خود ازحداکثر امکانات استفاده کند، ازیک سوبمبارزه برمیخزد و از یکسو دست به انتخاب میزند. مجموعه این فعالیتها را فعالیت اقتصادی میتوان نامید.

فعالیتهائی که بدان اشاره شد، بصورت ترکیب عوامل طبیعی با وسائل فنی با کار برای بدست‌آوردن اموال برای مصرف کردن آنها و..... خودنمائی میکند. بدین‌سان این فعالیتها باشکال‌مختلف خودنمائی میکنند.

الف: تولیـــد

طوریکه بیان شد، انسان درجامعه برای رفع نیازهای‌خودموادوثروتها را انتخاب‌میکند، تغیر شکل میدهد یا کالای جدیدی فراهم میکند، زیرا هدف اساسی هر جامعه‌ای ارضاء احتیاجات افراد آن جامعه میباشد واز اینرو برای اینکه این احتیاجات مرتفع گردد، لازم است ثروتهای طبیعی به کالاهای استفاده تغییرشکل یابند.

فی‌المثل هنگامی که زمینی را کشت میکنیم، کلیه اعمالی که بدین منظور لازم و ضروری است اعمال تولیدی نامیده میشود، زیرا هدف این اعمال فراهم ساختن شرائط لازم برای رویاندن میوه‌ها وسبزیجات مفید میباشد. بنابراین تولید و فعالیت تولیدی ممکن است دو نتیجه بدست دهد:

الف: تولید کالا

کالاچیست؟ کلیه اشیاءطبیعی ویاساخته دست که بتواند حوائج و نیازهای جامعه‌ای رامرتفع سازد کالانامیده‌میشود.

ب: تولیدخدمات

فعالیتهای تولیدی میتواند بصورت ارائه خدمت باشدو بدون تردید فعالیتهای اقتصادی و صنعتی امروز نیاز فراوانی به خدمات دارد و بدون چنین خدماتی انجام امر تولید و به ثمر رساندن‌آن‌امکان پذیرنخواهد بود. خدمات خـــود نـــوعـــی فـــعالـــیت وکـــــار مولد بشمارمیرود، ولی درآن منابع و ثروتهای یاد شده درصفحات قبل وجود ندارد و اگر هم مورد نیازباشد، بطورفرعی خواهد بود.

بعنوان نمونه خرید لوازم وابزاربرای یک واحد تولیدی یک کارخدماتی است و یا تمیز کردن و نظافت در یک واحد، بعنوان کار خدماتی‌محسوب‌میگردد که درآن بهیچوجه از منابع وثروتهای کمیاب که دراین مقاله ازآن یاد شد، اثری نیست. گرچه خدمات از لحاظ نتایجی که بدست میدهد، ممکن است مانند کار تولیدی جلوه ننماید، ولی از لحاظ اهمیت تأثیری که در کار تولید دارد باید مورد توجه خاصی قرارگیرد. مثلا کار تبلیغات برای کالا-های تولیدی و یا فعالیت‌های اداری مدیران بمنظور انجام کار تولید و یا تهیه لوازم وابزار آن همگی کارخدماتی‌محسوب‌میگردند‌و‌بدون تردید بدون چنین خدماتی امر تولید یا ناقص خواهد ماند و یا اینکه اصولا انجام نخواهد پذیرفت. مثال دیگر، امر بازاریابی است، یعنی فراهم آوردن بازار برای فروش کالاهای تولیدی. تردید نیست اگر برای فروش کالای تولیدی بازاریابی نشود، امر تولید با بحران رکود مواجه میگردد و پس ازمدت کوتاهی کارتولید تعطیل خواهدشد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، اینست که فعالیتهای تولیدی و خدماتی از همان آغاز زندگی و دستجمعی انسان وجود داشته است، بدینمعنی از هنگامی که بشر بصورت گروه و درجوامع زندگی میکرد و تولید بشکل اولیه آن انجام می‌یافت، فعالیتهای خدماتی نیز وجود داشته است، بدین معنی گروهی به امر میوه چینی اشتغال داشتند و آنرا آماده‌میکردند، وگروهی آنرا درانبار نگاهداری میکردند و امر نگاهداری و حفاظت میوه‌ها را بعهده داشتند وبدین ترتیب امر تولیدوخدمات بصورت ساده‌ترین شکل خودنمائی میکند و پس ازآن که انسان به کشاورزی، دامداری و ماهیگیری پرداخت مسأله تولید و خـدمـات باز هم بهمان صورت، ولی اندکی پیچیده‌تر، وجود داشت وامروز که‌صنایع عظیم تولیدی در تمامی نقاط‌جهان‌وجود دارد، خدمات نیز همپای آن وبا همان عظمت‌وبزرگی‌خود نمائی میکندو نکته‌ای را که باید ازاین نقطه نظر مورد توجه قرار داد، اینست که هرچه زمان میگذرد و پیشرفتهای علمی و صنعتی افزایش می‌یابد، بخش خدمات گسترده‌تر و وسیع‌تر میگردد، بدین معنی امروز بخشهای اقتصادی را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: بخش کشاورزی، بخش صنایع وبخش خدمات وبتدریج و همزمان

بقیه درصفحه ۹۳

زال و

تا اینجای داستان

گفتیم که سام پهلوان [illegible] و [illegible] بزرگ [illegible] بود [illegible] و [illegible] شد [illegible] ودان وگرگان شود. اما سیمرغ این نوزاد را به [illegible] خود برد و او را بزرگ کرد وپرورش داد ونام «دستان» به وی نهاد. سام بعداز سالها، یکشب در خواب دید که پسرش چون پهلوانی بزرگ ازقله البرز کوه پائین میآید ومؤبدان همراه او سام راسورد سرزنش قراردادند سام روز بعد بهمراه بزرگان زابلستان به البرز کوه رفت وسیمرغ فرزند را بدست پدر سپرد وسام پسرش را «زال‌زر» نامید وپادشاهی زابلستان را به او سپرد وخود برای نبرد با دیوان به‌مازندران رفت. زال بعد ازمدتی هوس دیدن [illegible] کرد وبا گروهی از یارانش براه افتاد ودر کابلستان خیمه‌وخرگاه زد. او دراین سفر با مهراب شاه کابلستان [illegible] وصف زیبایی رودابه دختر مهراب دل به‌او باخت. رودابه نیزاز [illegible] وصف پهلوانی زال عاشق اوشد وآندو یکشب همدیگر را ملاقات کردند وپیمان عشق بستند. زال جریان‌عشق خود را برای سام نوشت وسام پس‌از مشورت باموبدان وستاره‌شناسان باپیوند زال ورودابه موافقت کرد. زال پس از دریافت نامه‌ی سام پیامی توسط یک‌پیرزن دوره‌گرد جواهرفروش برای رودابه فرستاد وسیندخت مادر رودابه که‌از رفت وآمد نابهنگام پیرزن جواهرفروش به دخترش دچار سوءظن شده بود پیرزن را مورد خشم قرارداد و بعد رودابه را نزد خود خواند و سرزنش کرد اما رودابه واقعیت را برای مادرش فاش کرد وگفت که سام نیز باازدواج او وزال موافقت کرده‌است.سیندخت ازشنیدن این خبرخوشحال شدوگفت که باید مهراب را نیز در شادی خودشان شریک کند...

بروایت: ن. ه.مغانی

مهراب، هر روزصبح، به رسم مهمان نوازی به دیدار زال می‌رفت ولحظاتی را به گفتگو می‌گذراندند. زال آنروز بیش از هرروز دیگر با مهراب مهربانی وصحبت کرد بطوریکه مهراب وقتی به کاخ خود برگشت با شوق وشور فوق‌العاده‌ای به همسرش سیندخت گفت:

—نمیدانی این زال چه جوان مهربان و پهلوان شایسته ایست. دوستی او بزرگترین موهبتی‌است که دردوران پادشاهی‌ام نصیب من شده است ... من به دوستی او افتخار می کنم.

سیندخت خندید وگفت:

—بزودی این دوستی شما دونفر محکم‌تر و پایدارتر خواهد شد وتو بیشتر به وجود زال افتخارخواهی کرد.

مهراب با تعجب پرسید:

—تو از کجا چنین حدسی می زنی؟

—آخر من مژده خوبی برای تو دارم ...

—چه مژده‌ای؟

—زال بزودی داماد توخواهد شد!

—منظورت چیست؟

—من امروز به رازبزرگی پی بردم ... زال‌و رودابه عاشق همدیگرشده‌اند...

مهراب با حیرت ازجابرخاست و باتشویش گفت:

—اگر قصد شوخی داری باید بگویم هیچ شوخی خوبی نیست!

—امامن شوخی نمی کنم، من حقیقت را بتو می‌گویم...

—یعنی زال ورودابه همدیگر رادیده‌اند و..

—وباهم پیمان عشق ومحبت بسته‌اند..

—ومن وتوخبرنشده‌ایم؟

—ازاین بابت متاسفم اما اتفاقی نیفتاده‌و اکنون من وتو هم باخبر هستیم ...رودابه همین چند لحظه پیش همه چیز را برایم اعتراف کرد..

—وتوهم خواستی بمن مژده بدهی؟!

—بله ... چه مژده‌ای ازاین بزرگتر که‌با خاندان بزرگترین پهلوان ایرانزمین پیوند می‌دهیم!

—اما این پیوندغیرممکن است ...مگر تو فراموش کردی که من از پشت ضحاک هستم وبزرگان ایران با ضحاک و فرزندان او کینه ودشمنی عمیقی دارند! سام محال است با پیوند تنها پسرش با دختری از نژاد ضحاک موافقت کند...

سیندخت لبخند زنان گفت:

—نگرانی توموردی ندارد ... سام بااین پیوند موافقت کرده است وبزودی به زابلستان می‌آید تا مراسم عروسی زال و رودابه رابرگذار کند ... این پیام را همین امروزصبح زال برای رودابه فرستاده‌بود ...

مهراب لحظه‌ای درسکوت راه رفت وآنگاه گفت:

—اما منوچهر شاه چی؟ بدون موافقت او سام و زال کاری نمی کنند و او هم به باین موافقت‌نمی کند...

—فکر نمی کنم منوچهر شاه با تقاضای بزرگترین پهلوان دربارش مخالفت کند ...بهر حال، نگرانی وتشویش‌تو بیهوده است ....باید صبر کنیم وببینیم چه پیش می‌آید.

—اما دراینصورت رودابه حق ندارد زال را ببیند ... این راتو به او می‌گویی یا خودم صدایش کنم وبگویم ...

—من خودم مراقب همه‌چیز هستم ... تو فعلا هیچ چیز بروبت نیاور، انگار که ازچیزی خبر نداری ... به من اعتماد بکن عزیزم....

* * *

در این موقع خبر پیروزی سام نریمان بر دیوان وپاغیان مازندران وگرگساران ونیز خبر دلدادگی زال به رودابه دختر مهراب کابلی‌به گوش منوچهر شاهنشاه ایران زمین رسید. منوچهر به همان اندازه که از شنیدن خبر پیروزی سام خوشحال شد از خبرعشق زال به رودابه احساس تشویش ونگرانی کرد و همانروزبزرگان ومؤبدان را به بارگاه خود خواند وخطاب به‌آنان گفت:

—میدانید که نیای بزرگوارم فریدون پاکدین با چه کوششی توانست گیتی را از ستم وجور ضحاک ماردوش برهاند ومن همهٔ کوششم را برای نابود کردن دیوان واهریمنان که دشمنان سرزمین ما هستند بکار بردم ... اینک مشکل بزرگی پیش آمده که میترسم حاصل زحمات همهٔ ما را به باد بدهد.یکی از بازماندگان ضحاک بنام مهراب در کابلستان حکومت‌می کند. او دختری دارد به نام رودابه که گویا صورتی بس زیبا و دلفریب دارد.بمن خبرآورده‌اند که زال دلباخته این دختر شده و میخواهد با او پیوند زناشوئی ببندد ... اگر از این پیوندپسری بدنیا بیاید که ازلحاظ خصلت‌و منش گرایش به سوی مادر پیدا کند، گیتی باردیگر گرفتارنکبت وبدبختی خواهدشد ...او که حتماً پهلوان خواهد بود میتواند دوباره تخم کینه وبدکنشی بر دنیا بپاشد وآسایش‌و آرامش مردمان را بهم بریزد. شما دراین‌باره چه‌می‌اندیشید؟

مؤبدان و بزرگان یک دل ویک زبان گفتند:

—شاها، تو ازهمهٔ ما [illegible] اندیشه های شما همه روشن ودرست است...هر کاری را که خودصلاح‌می‌دانی بکن...

منوچهر مدتی به سکوت واندیشه گذراند وسپس پسرش نوذر را پیش خود خواندو گفت:

—تو با گروهی از بزرگان به دیدار سام بشتاب، خلعت و انعام فراوانی از جانب من برای این پهلوان پیروز ببر و ازسوی من پیروزی او را بر دیوان و اهریمنان تبریک بگو.. آنگاه از طرف من از سام خواهش کن که پیش از بازگشت به‌زابلستان نزد من بیاید تا دیداری تازه کنیم... بگو که من با علاقه و اشتیاق درانتظارش هستم.

—اطاعت می‌شود پدر...

***

سام آماده سفر به زابلستان می‌شد تا خود شخصاً آیین ازدواج زال ورودابه را برگذار کند. او تصمیم داشت پیش از رفتن به زابلستان، نزد منوچهر شاهنشاه ایران برود وموافقت او را با ازدواج پسرش با دختر مهراب کابلی جلب کند وپس ازکسب اجازه‌ی شاهنشاه به زابل برود و عروسی شاهانه‌ای برای زال و رودابه بگیرد.

درهمین اثنا بود که نوذر، پسر منوچهر، ازجانب شاهنشاه ایران بدیدار او می‌آید. سام به پیشباز شاهزاده‌ی ایرانزمین رفت و او را سخت‌مورد احترام ومحبت‌قرارداد.

رودابه

نوذر هدایای منوچهر را تقدیم سام کرد و گفت:

— شاهنشاه ایران از پیروزی شما بینهایت خوشحال شدند و من حامل پیام محبت و سپاس ایشان هستم. پدرم با اشتیاق در انتظار دیدار شماست تا شخصاً به پهلوان بزرگ خود شادباش بگوید.

سام گفت:

— من نیز مشتاق دیدار شاهنشاه ایران و جهان هستم ... ما بمحض اینکه شاهزاده از خستگی راه بیاساید راهی خواهیم شد.

نوذر گفت:

— من اصلاً خسته نیستم و بهتر است شاهنشاه را بیش از این چشم براه نگذاریم.

— بسیار خوب، سحرگاه فردا حرکت می کنیم.

***

به دستور منوچهر استقبال باشکوهی از سام نریمان بعمل آمد و منوچهر خود نیز تا بیرون کاخ شاهی به پیشباز پهلوان آمد و او را مورد مهر و محبت قرار داد.

وقتی به بارگاه شاهنشاه رسیدند، منوچهر سام را برتخت زرین در سمت راست خود نشاند و از او خواست که داستان جنگهای خود را در مازندران و گرگساران به تفصیل بازگو کند.

سام تعریف کرد که چگونه بر دیوان مازندران پیروز شده و آنها را به بند کشیده است و نیز چگونه بر «کرکوی» که از بازماندگان ضحاک ماردوش بود در گرگساران غلبه کرده و او را از پای درآورده است.

وقتی این داستان به پایان آمد، منوچهر به سام گفت:

— پهلوان گزارم سام... میدانم تو و همراهانت خسته هستید ... بروید و بقیه‌ی روز را به استراحت بپردازید. فردا باز هم همدیگر را خواهیم دید...

***

روز بعد، سام با این تصمیم که داستان عشق و دلدادگی زال را پیش بکشد و از منوچهر برای ازدواج زال و رودابه اجازه بگیرد، نزد شاهنشاه رفت اما پیش از آنکه او زبان به سخن بگشاید منوچهر گفت:

— سام، میدانی که اکنون در سراسر گیتی، از نسل ضحاک یکنفر باقی مانده که اسباب نگرانی خاطر من است و آنهم مهراب کابلی است که شنیده‌ام خود را برای کاری بزرگ آماده می کند. از تو می‌خواهم که سروقت این زاده‌ی دیو بروی، کاخش را برسرش ویران کنی و نسلش را از روی زمین برکنی تا همه‌ی مردم جهان به‌آسایش خاطر کامل برسند و دنیا برای همیشه از جنگ و دشمنی و ناپاکی و جادویی رها شود.

سام در برابر این سخن و دستور شاه در حیرت ماند و یارای آنکه در باره‌ی زال و رودابه حرف بزند پیدا نکرد و بناچار ساکت ماند و سرفرود آورد و گفت:

— فرمان شاهنشاه را با جان و دل اطاعت خواهم کرد.

***

زال هنوز در کابلستان بسر می برد و در شوق وصال رودابه روزها و شبهای خوش و شیرینی را می گذراند و چشم براه پدر بود که از راه برسد و با برگزاری آیین کهن، دست رودابه را در دست او بگذارد.

اما ناگهان خبری به‌او دادند که به‌همه‌ی این خواب و خیالهای خوش پایان داد و زال را بشدت دچار اضطراب و تشویش کرد.

این خبر را یکی از دوستان زال که در اردوی سام بود آورده بود. او بمحض آگاهی از دستور شاه حرکت کرده بود تا پیشاپیش زال را آگاه کند.

زال لحظاتی چند باور نمی کرد که پدرش بدون هیچ سخنی فرمان شاه را در مورد حمله به کابلستان پذیرفته باشد اما دوستش گفت:

— مگر نمیدانی که در میان پهلوانان ایران زمین فرمان شاه بمنزله فرمان خداست و بی‌چون و چرا باید اجرا شود حتی اگر دستور کشتن عزیزترین کسان پهلوان باشد.

زال با خشم گفت:

— اما من نمی‌گذارم صدمه‌ای به‌خانواده‌ی رودابه برسد. پدرم اگر میخواهد مهراب را بکشد قبلاً باید از روی کشته‌ی من بگذرد.

و همان لحظه دستور داد اردوگاه را برچینند و به‌یارانش گفت:

— من باید پیش از آنکه سپاه پدرم به کابلستان برسد با او حرف بزنم شاید او را از این کار منصرف کنیم یا لااقل وادارش کنیم اجرای فرمان شاه را به تعویق اندازد تا من خود نزد شاهنشاه بروم و تقاضا کنم بخاطر عشق بزرگ من فرمان حمله به کابل را لغو کند. ما به پیشباز پدرم میرویم ... باید هرچه زودتر حرکت کنیم.

خیمه ها و خرگاه ها به سرعت برچیده شدند و زال چنان باشتاب براه افتاد که حتی نتوانست پیامی برای رودابه بفرستد و او را از جریان آگاه کند.

سام در نیمه راه زابلستان بود که پیشقراولان خبر دادند که زال با تمام بزرگان و سپاهیان زابل به پیشباز پدر می‌آید.

سام که در تمام طول راه پریشانخاطر و اندیشناک بود، آهی کشید و با خود گفت:

— چه سرنوشت تلخی دارد این فرزند بینوای من! چه سخنی برای گفتن به او دارم؟

زال وقتی به نزدیکی پدر رسید، از اسب فرود آمد و پیاده به سوی پدر رفت. سام نیز که دلش بدرد آمده بود پیاده شد و چون زال نزدیک رسید، آغوش به روی او گشود اما زال بجای اینکه به آغوش پدر بیفتد، در برابر او به زانو درآمد و بی اختیار اشکش از دیده فرو بارید:

— پدر! گناه من چیست که باید همیشه با بی مهری شما روبه رو شوم؟ هنوز چشم به جهان نگشوده بخاطر موهای سپیدم که عطیه‌ی پروردگار بود مرا مورد خشم قرار دادی و به کوهستانم انداختی تا طعمه‌ی وحوش شوم اما پروردگار میخواست که من بمانم و سیمرغ را مأمور پرستاری و پرورش من کرد.

من بزرگ شدم و آنگاه به اراده‌ی پروردگار تو مرا بازیافتی و با من پیمان بستی که به جبران گذشته جز به دلخواه من کاری نکنی... پس کو وفای بعهد پدر؟ چرا میخواهی با من پیمان شکنی کنی؟

تو اینک برای ویران کردن کاشانه‌ای میروی که قلب و روح من اسیر آنجاست ... تو میخواهی خاندانی را به خاک و خون بکشی که گرامی ترین کس من از این خاندان است ... نه پدر، تو این کار را نخواهی کرد ... تو وقتی میتوانی به کابلستان برسی که من زنده نباشم وگرنه نمیگذارم حتی یک نفر از سپاهیان تو از مرز این سرزمین بگذرد ... پدر! راضی نشو که رو در روی تو بایستم، چون اگر مجبور شوم میدانی که این کار را خواهم کرد!...

سام که بشدت متأثر شده بود، خم شد، زیر بازوی زال را گرفت، او را از زمین بلند کرد و به آغوش کشید و گفت:

— حق با توست پسرم! از من جز بیداد و ستم به تو نرفته است اما خاطرت آسوده باشد ... من صدمه‌ای به خاندان رودابه‌ی عزیز تو نمی زنم ... تو آرام باش تا من خود چاره‌ای بیندیشم ...

لحظه‌ای پدر و فرزند در آغوش هم ماندند و آنگاه سام گفت:

— من هم اکنون نامه‌ای برای شاهنشاه می نویسم، همه خدماتی را که خاندان من، از گرشاسب و نریمان تا خودم به شاهنشاهان ایرانزمین کرده‌ایم بخاطرش می‌آورم و از ایشان استدعا می کنم که بخاطر دل رنجیده تنها فرزندم از جنگ با مهراب کابلی چشم پوشی کند ... این نامه را خود تو نزد منوچهر شاه می بری... من فکر نمی کنم شاهنشاه ایران وقتی ترا ببیند و از شجاعت و دلاوری و هنر های تو آگاه شود؛ از پذیرفتن تقاضای من خودداری کند ... مطمئنم که منوچهر مهراب کابلی را به تو خواهد بخشید.

زال خواست دوباره به پای پدر بیفتد اما سام او را بسینه فشرد و زال گفت:

— پهلوان گزارم پدر! من به تو و شاهنشاه ایران قول میدهم که تا من زنده ام از مهراب و فرزندان او خطایی سر نخواهد زد ... مهراب هیچ شباهتی به نیای اهریمن صفت خود ندارد ... او واقعاً یک فرشته است ... وقتی او را ببینی این سخن را از من خواهی پذیرفت پدر، مطمئنم ...

سام خندید و گفت:

— من او را ندیده هم سخن ترا می پذیرم و به قولت اطمینان می کنم ... اکنون تو برو خود را برای رفتن به دربار شاهنشاه ایران زمین آماده کن تا من هم دستور دهم نویسنده‌ام نامه‌ی مرا برای منوچهر شاه بنویسد ... نباید وقت را تلف کنیم ...

— چشم پدر! باز هم متشکرم!

«ادامه دارد»

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

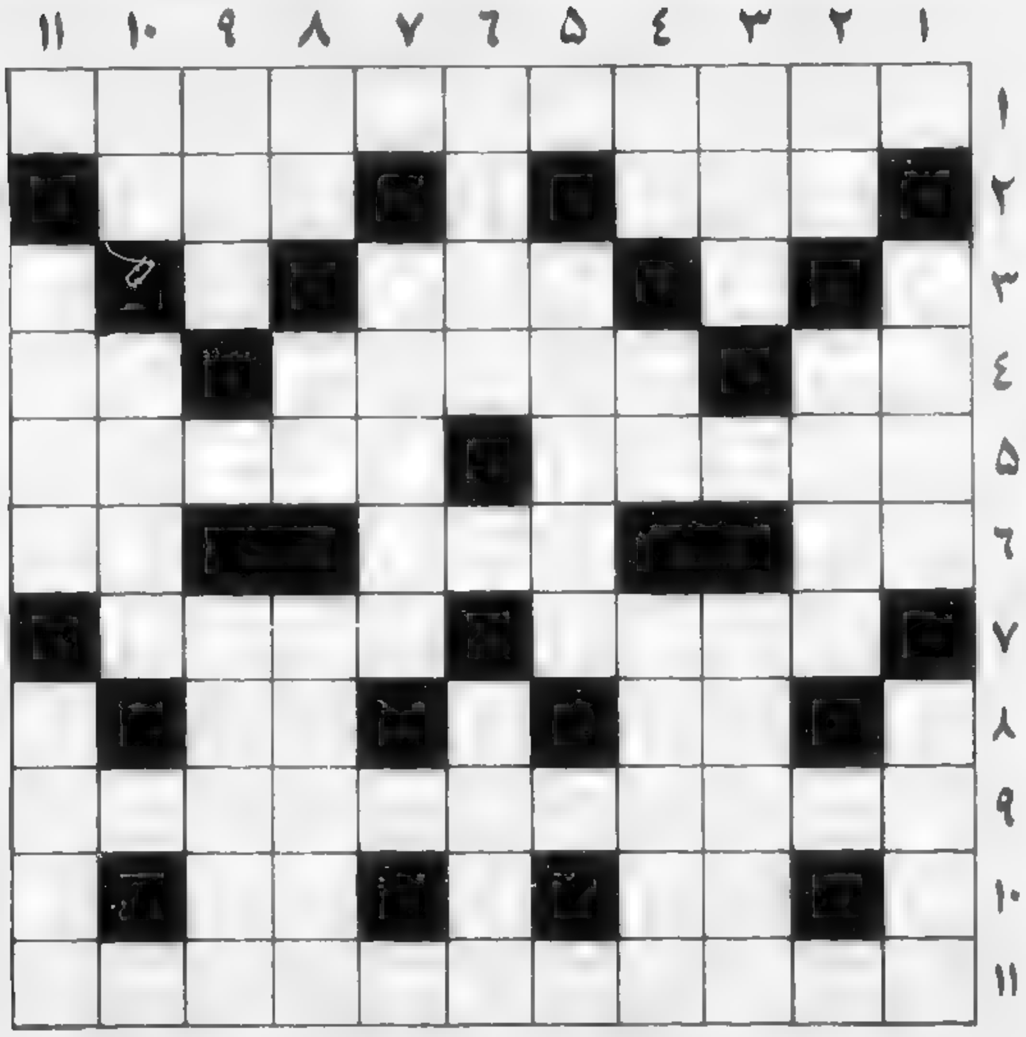

۱- نویسنده کتاب مسخ ۲- حیرت- واحد پولی کشوری در اروپا ۳- نوشابه الکلی ۴- یار باوفای سوزن- رزمنده- ژنرالی در جنگهای داخلی امریکا ۵- مورد نیاز رسام- مرغی که آنرا میخورد نو کش کج است ۶- علامت نفی در زبان عربی- وصله اغنیاء- عدد ورزش ۷- گیله‌شیرین- فرودگاهی برای آمپول ۸- پدر تازی- برای رسوائی میدهند ۹- اولین فضا نورد که عمرش را بشما داد. ۱۰- علامت جمع در زبان خودمان- عنصری در شیمی ۱۱- نویسنده جزیره پنگوئن ها.

۱- مزاحم- گل دندان ۲- نامی برای پروردگار- سفره ۳- پر مصرف‌ترین فلز- بیش از یکبار ۴- یادداشت- شراب نت‌های موسیقی- بهت جمع شده ۵- بیان کردن ۶- عیال ابراهیم ومادر اسحق- حمل کننده ۷- پاسدار ۸- بچه دزد معروف- جنس لطیف- کشمش آنجا معروف است ۹- ماهی انگلیسی- مجله معروف مد. ۱۰- رودی در استان فارس- رهبر خارجی ۱۱- توانائی- مادر پینگ پنگ!

در شماره قبل نام برندگان مسابقات وپاسخ جدول کلمات متقاطع شماره ۱۲ بجای شماره ۱۱ چاپ شده بود که اینک باچاپ نام برندگان مسابقات وپاسخ جدول کلمات متقاطع شماره ۱۲ تصحیح میشود.

پاسخ جدول شماره دوازدهم

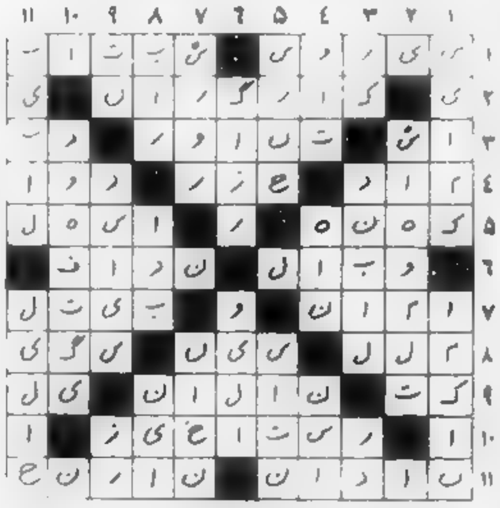

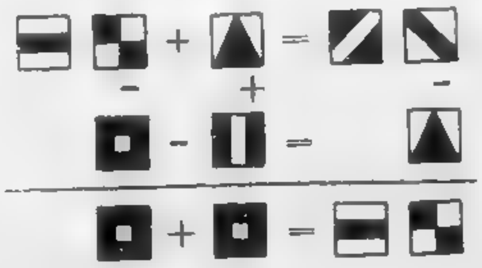

در این شکل هرمربع نقش عددی را بازی میکند که شما این اعداد را از روی علایمی که در اطراف آنها مشاهده مینمائید، میتوانید پیدا کنید.

اگر موفق شدید پاسخ را به «دایره جدول سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

در بعضی از نامها شماره جسم محدود مثل «سیگار» که در آن شماره «۳» وجود دارد! شما خواننده عزیز ده نام شماره دار را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید و جایزه بگیرید.

۱ — ۲ — آقای بیژن داوری و بانو بتول خادم (سکه یک پهلوی طلا) ۳ — ۴ — بانو مهین بزرگ‌زاده و آقای علی اکبر پرتو (ساعت مچی) ۵ — ۶ — آقایان پرویز حیری، محمدتقی ضوی (رادیو) ۷ — ۸ — بانو طاهره عظیمی و آقای بهمن بوارنگ قلم خودنویس.

جوایز مسابقات این شماره:

۱ — ضبط صوت
۲ — اطو
۳ — بخاری
۴ — دوربین
۵ — ترموس
۶ — ساعت
۷ — جعبه ابزارفنی
۸ — رادیو
۹ — فلاسک
۱۰ — نوار کاست

ده جایزه و هرجایزه برای یکنفر که بحکم قرعه به شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد، مشروط براینکه نام، نام‌خانوادگی، تاریخ تولد، شغل وآدرس دقیق خود را در زیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را در بالای پاسخ و روی پاکت قید نمائید.

این دو نقاشی که یکی اصل و دیگری بدل آنست در ده مورد بایکدیگر اختلاف دارند. برای شرکت در قرعه کشی وبهره‌گیری از جوایز کافی است پنج مورد از اختلاف‌ها را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

فال

فروردین

این روزها کمی ناراحت و عصبی بنظر می‌رسید و برای انجام کار عقب‌افتاده، دلشوره دارید. نگران نباشید، با کمک دوستی این مشکل حل خواهد شد. ازنتیجه کار منتی بسیار خوشحال می‌شوید ولی را که از دست‌رفته می‌دانید، دوباره بدست می‌آورید. مراقب سلامت خود باشید.

اردیبهشت

هفته دیگر برای خرید بسیار مناسب خواهد بود. شک و دودلی را از خود دور کنید و باخوش‌بینی بیشتری راجع به اطرافیان خود فکر کنید، از نصایح بزرگترها دلگیر نباشید، چون صلاح شما را می‌خواهند. در خانواده احساس آرامش و رضایت خواهید کرد. [illegible] اگر [illegible] باشید.

خرداد

[illegible] کار عقب‌افتاده را [illegible] می‌رسانید. با شخص مورد علاقه [illegible] پیدا می‌کنید که [illegible] [illegible] خوبی و خوشی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هستید که [illegible] همه [illegible] می‌رسد.

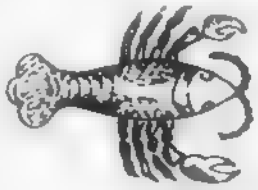

تیر

مسافری در راه دارید که طی روزهای آینده می‌رسد. برسر یک مسئله مالی با یکی از دوستان اختلاف پیدا می‌کنید. مدت مهلتی که برای انجام کاری بشما داده‌اند، بپایان می‌رسد و بالاخره با تدبیر و کاردانی راهحل مناسبی برای آن پیدا می‌کنید. جواب نامه‌ئی را که برایتان می‌رسد بدهید.

مرداد

[illegible] شخصی مهربان و خوش‌قلب هستید و بهمین سبب دوستان زیادی دارید که این دوستان در مسائل و موارد مختلف به کمکتان می‌رسند. عشاق احساس رضایت و آرامش خواهند کرد و همه اختلافات ازبین می‌رود. سفری در پیش دارید که احتمالا بزودی انجام می‌گیرد و نتیجه مطلوب را بدست می‌آورید.

شهریور

با شریک زندگی خود احتمالا برسر موضوعی اختلافی پیدا می‌کنید. در یک معامله سود می‌برید. شما به زندگی خانوادگی خیلی علاقه دارید. مخصوصا به بچه‌ها شدیداً عشق می‌ورزید. یک مهمان از راه دور برای شما می‌رسد که اوقات خوشی را با او می‌گذرانید.

مهر

احساس دلتنگی می‌کنید و با دیگران نمی‌جوشید. دنیای تنهائی را رها کنید که بضررتان تمام می‌شود. با آشنای جدیدی احتمالا به سفر می‌روید و این سفر که ممکن است در زمینه کاری باشد، راهجدیدی برای شما می‌گشاید که نتایج آن ثمر بخش خواهد بود.

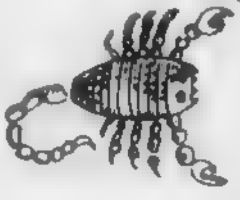

آبان

در جلسه‌ای شرکت می‌کنید و طی آن از نظرات سودبخش شما عده‌ای بهره می‌گیرند. درخانواده احساس آرمش و رضایت خواهید کرد برای خرید شانس خوبی در پیش دارید. بطور کلی چون شما شخصی محکم و بااراده هستید همیشه موفق می‌شوید.

آذر

بهتراست دست از لجبازی بردارید و احساس دیگران را زیرپا نگذارید. سعی نکنید عقاید خود را به دیگران تحمیل کنید، خصوصا که دوستان و اطرافیان شما با عقایدتان مخالفتی ندارند. با شخص جدیدی آشنا می‌شوید و احتمالا با او در یک کار اجتماعی شریک می‌شوید.

دی

در یک جلسه خانوادگی شرکت می‌کنید و برای ترتیب دادن یک جشن تصمیم می‌گیرید. مدتی است که دوری از یکی ازعزیزان آزارتان می‌دهد، سعی کنید برای او حداقل نامه بنویسید شخصی با لجبازی می‌خواهد شما را ازانجام کاری بازدارد. به او توجه نکنید و براه خود بروید.

بهمن

زیاد خود را در کار غرق کرده‌اید، تا آنجا که در خانواده از شما احساس نارضایتی می‌شود. کمی به خود و خانواده برسید. خریدی در پیش دارید که سود قابل توجهی از آن عایدتان می‌شود به وضع تغذیه خود بیشتر رسیدگی کنید. نامه‌ای در راه دارید که از مسئله مهمی توسط آن باخبر می‌شوید.

اسفند

چرا همیشه شادی‌ها و خوشی‌های خود را برگردن دیگران می‌اندازید. با شخص مورد علاقه درباره تعویض مکان گفتگو می‌کنید؛ بهتر است به نظرات او هم توجه کنید. نورسیده‌ای زندگی خانوادگی را شوروخوشحالی می‌بخشد ازجائی که انتظارندارید پولی بدست می‌آورید.

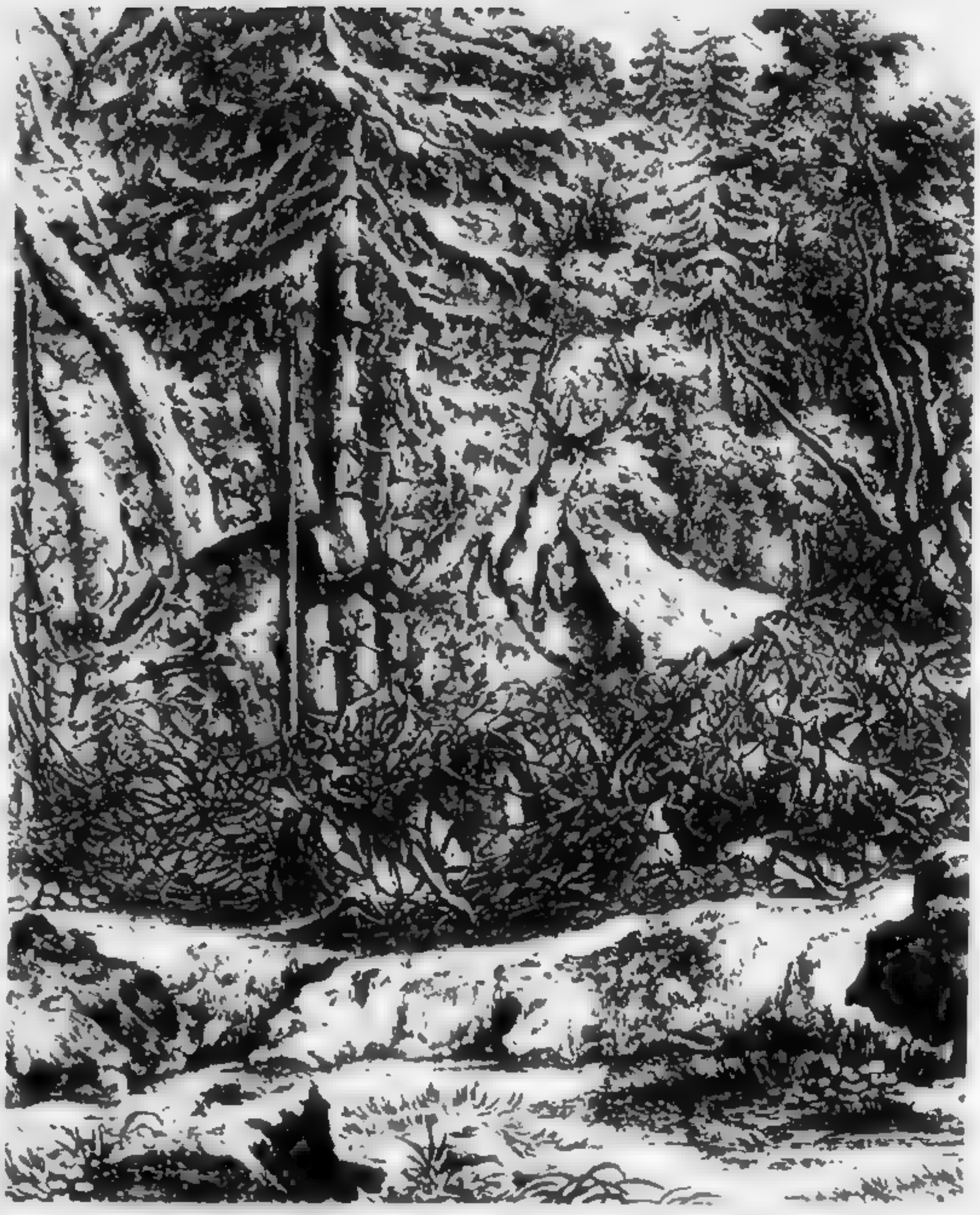

در این شکل چند کوزن وجود دارد؟ دوتا، سه‌تا، چهارتا، پنج‌تا، یا بیشتر؟ پاسخ را به «دایره‌جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

کدام زیادی است؟

از این سه پا، یک پا زیادی است! آن کدام پا است، سمت راستی یا سمت چپی یا پای وسطی؟ یا هیچکدام؟
پاسخ را به «دایره‌جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

سنباد

تا اینجای داستان

قتل ناجوانمردانه‌ی ابومسلم، سردار ... ایرانی توسط ابوجعفر منصور دوانیقی خلیفه‌ی تنگ‌نظر و بیمار عباسی خشم همه‌ی ایرانیان وطن‌پرست و دوستداران ابومسلم را برانگیخت و موجی از کینه و دشمنی با اعراب و حس انتقامجویی در سراسر ایران بوجود آورد.

یکی از نخستین کسانی که به بهانه‌ی خونخواهی ابومسلم و برای ادامه‌ی راه این رهبر استقلال‌طلب ... قیام کرد «سنباد» بود. «سنباد» از زرتشتیان شهر ... بود که ... کینه‌ای ... نسبت به عربها داشت که پسر نوجوان او ... کشته بودند و همین اتفاق موجب پیوستن «سنباد» به ابومسلم شده بود که همه جا همراه و ... می‌جنگید و بعد از قتل ابومسلم با گروهی از سیاهپوشان به‌سوی «ری» حرکت کرد و این شهر را به آسانی از چنگ عرب آنجا بنام «ابوعبیده» پس گرفت و ابوعبیده و ... را در قلعه‌ی شهر محاصره کرد...

نوشته‌ی: فرناد

ابوعبیده در بیم و هراس آزار دهنده بسر می‌برد چراکه از یکسو در محاصره‌ی سیاهپوشان افتاده بود و از سوی دیگر، به همه‌ی آنها که در قلعه بودند اعتماد نداشت چون عده کثیری از آنها ایرانی بودند و ابوعبیده می‌دانست که همه‌ی ایرانیان در ته‌دل دوستدار ابومسلم و سیاهپوشان هستند و اگر ظاهراً هم با اعراب روی سازگاری نشان دهند، در نهان با سیاهپوشان همدل و همراهند. بنابراین او بیش از آنکه از محاصره کنندگان در وحشت باشد، از ساکنان قلعه نگران بود که مبادا از غفلت سپاهیان عرب سود جویند و دروازه دژ را بروی سیاهپوشان بگشایند... سرانجام این وحشت و تشویش چنان براو غلبه کرد که تصمیم گرفت برای آسایش خاطر خود همه‌ی ایرانیان را — از زن و مرد و کوچک و بزرگ — از قلعه اخراج کند و جز سپاهیان عرب و خانواده‌های آنها کسی را در قلعه نگه ندارد.

نیمه‌شب بود که ابوعبیده دستور اخراج ایرانیان را از دژ صادر کرد و نیزه‌داران و شمشیر-داران عرب به خانه‌های داخل دژ حمله بردند و با وحشیگری تمام زنها و بچه‌ها را از رختخوابها بیرون کشیدند و بدون توجه به گریه و زاری بچه‌های خردسال خانواده‌ها را وادار کردند با شتاب هرچه تمامتر، آنچه از اثاثه دم دست دارند جمع کنند و برای خروج از دژ آماده شوند.

این اقدام غیرمنتظره، ناگهان سروصدا و غوغای هراس‌انگیزی در قلعه بپا کرد زیرا تعداد ایرانیان ساکن قلعه ری کم نبود و آنانهم تسلیم تصمیم وحشیانه‌ی حاکم عربها نمی‌شدند و خواه ناخواه صداها بلند میشد و در بعضی خانه‌ها حتی مردان با اسلحه به‌مقاومت می‌ایستادند و کار به‌جنگ‌وستیز می کشید.

ابوعبیده، یکی از دروازه‌های قلعه را برای بیرون راندن ایرانیان در نظر گرفته و عده کثیری از سپاهیان خود را بمراقبت آنجا گماشته بود تا هنگام خروج ایرانیان سیاهپوشان نتوانند بداخل دژ نفوذ کنند.

سیاهپوشان که دژ را در محاصره داشتند و در این ساعت از شب مشغول استراحت بودند و فقط نگهبانانی کشیک میدادند، بر سروصدایی که از دژ بلند شد از خواب پریدند و «سنباد» که معمولا خواب بسیار سبکی داشت از سراپرده‌اش بیرون آمد و از قراولانی که نزدیک یکی از دروازه‌ها بودند پرسید:

— چه اتفاقی افتاده؟

یکی از قراولان گفت:

— نمیدانم سردار، اما بنظر میرسد که نقل و انتقالاتی در داخل دژ در جریان است... شاید هم کشمکش و نزاعی... اگر بدقت گوش فرا دهید صدای گریه‌ی بچه‌ها و فریاد و شیون زنها و فریادهای خشمگین مردها را می‌شنوید.

سنباد لحظه‌ای اندیشید و بعد دستور داد اسبش را حاضر کنند و بی درنگ سوار شد و بهمراه چندتن از یارانش به‌حرکت درآمد. او میخواست گشتی به‌دور دژ بزند تا شاید از آنچه در داخل قلعه میگذرد اطلاعاتی کسب کند. او در این گشت متوجه شد که پشت یکی از دروازه‌ها اقدامات شتابزده‌ای در جریان است و کارهای صورت‌می‌گیرد.

سنباد لحظه‌ای در برابر این دروازه ایستاد و گوش داد و آنگاه از یارانش پرسید:

— شما فکر می کنید ابوعبیده چه نقشه‌ای دارد؟

یکی از دوستانش گفت:

— نکند عربها می‌خواهند ما را غافلگیر کنند و یکباره این دروازه را بگشایند و از محاصره بگریزند!

سنباد گفت:

— ممکن است، اما در اینصورت این سرو-صدا و بخصوص گریه و شیونها برای چیست؟ اگر آنها چنین نقشه‌ای داشتند سعی میکردند همه کار در سکوت و بی‌سروصدا انجام بگیرد که ما متوجه نقشه‌شان نشویم... اما من فکرمیکنم اتفاق دیگری می‌افتد... اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که فریادها و شیون‌ها بیشتر از گلوی ایرانیان ساکن قلعه بیرون‌می‌آید...

— یعنی می‌خواهید بگوئید عرب‌ها دارند ایرانیهای ساکن قلعه راشکنجه‌می‌دهند؟

— اینطور بنظرمن میرسد.

— چرا سردار؟

سنباد لحظه‌ای سکوت کرد و سپس گفت:

— می‌دانید که عربها الان به‌هیچ ایرانی اعتماد ندارند چون همه‌ی ایرانیان را دشمن خود و خونخواه ابومسلم می‌دانند من فکرمیکنم ابوعبیده که از ترس‌ما خواب راحت ندارد، از اینکه ممکن است ایرانیان ساکن دژ پنهانی دروازه دژ را بروی سیاهپوشان بگشایند دچار وحشت شده و از شدت هراس و ترس تصمیم گرفته همه‌ی ایرانیان ساکن قلعه را شبانه از آنجا اخراج کند تا فقط عربها در داخل دژ بمانند که خیال جناب حاکم آسوده باشد.

— اما این عمل بسیار وحشیانه وحیوانی است آخر چطور میشود مردم یکجا را بجرم ایرانی‌بودن ازخانه‌وزندگیشان آواره کرد؟

سنباد خندیدوگفت:

— مگر از این احکام‌وحشی عرب جزاعمال وحشیانه انتظار دیگری‌می‌توان داشت؟

یارانش ساکت‌ماندند وسنباد پس‌از مکث کوتاهی گفت:

— اما ما جلو این اعمال وحشیانه ابوعبیده رامی‌گیریم.

یکی‌ازسیاهپوشان پرسید:

چگونه؟

— ببینید، الان ابوعبیده بیشتر پاسداران دژراپشت این دروازه جمع کرده تاوقتی‌آنرا برای اخراج ساکنان دژمی‌گشایند ماتتوانیم به‌داخل دژ نفوذ کنیم. عده‌زیادی ازسپاهیان اوهم الان دارند مردم بیگناه قلعه‌را شکنجه می‌دهند. بنابراین ما مناسب‌ترین فرصت را برای‌گشودن قلعه‌داریم... باید به گشتمان ادامه بدهیم.

سنباد ویارانش اسب‌های خود را بحرکت درآوردند وبه‌آرامی به‌گردش دور قلعه ادامه دادند. مقابل یکی‌از دروازه‌ها— که‌درجهت مقابل دروازه‌ی بیشین قرارداشت سنباد ایستادوگفت:

— گوش کنید... این گوشه یکلی‌سوت‌و کوراست... من فکرمی کنم پشت‌این دروازه دوبیست‌نفر بیشتر پاسداری نمی کنند... ماازهمینجا بداخل قلعه نفوذمی کنیم.

سنباد لحظه‌ای به‌بررسی اطراف پرداخت وآنگاه به‌دوتن از سردارانش که‌همراه او بودندگفت.

— شما بروید وهمه‌ی سپاه را بی‌سروصدا و بدون‌اینکه توجه دیده‌بانان ونگهبان قلعه را جلب کنید به‌این سمت بیاورید. یادتان باشد که مشعل روشن نشود وپای اسبها رانمد بپیچید که سروصدای زیادی از حرکت آنها تولید نشود... ما در همینجا منتظرتان خواهیم بود.

* * *

دراینموقع، افراد ابوعبیده ایرانیان ساکن قلعه را بزور از خانه‌هایشان بیرون‌می کشیدند ودسته‌دسته بسوی دروازه غربی قلعه می‌آوردند وآماده نگهشان می‌داشتند تاوقتی همه راجمع کردند یکباره دروازه را بگشایند وآنها را از دژ بیرون بریزند.

این کارساعتها طول کشید که در تمام این مدت ابوعبیده سوار براسب مراقب نقل و انتقال‌ها بود.

نخستین روشنایی سپیده در افق پیداشده بود که همه‌ی‌اسیران ایرانی در پشت دروازه غربی‌گردآوری شدند وابوعبیده یکبار دیگراز مأموران خود پرسید:

— مطمئن هستید که دیگرحتی یک کودک ایرانی در هیچ‌گوشه‌ای از قلعه نمانده؟

— بله قربان... حتی یک کودک ایرانی...

ابوعبیده بسمت دروازه رفت وخطاب به نگهبانان گفت:

— بسیار خوب، دروازه را بگشایید!

اماهنوز کلون سنگین دروازه را برنداشته بودند که ناگهان شعله‌ی عظیمی از وسط میدان دژ— که‌محل استقرار خیمه وخرگاه سپاهیان عرب بود—زبانه کشید وصدای طبل و کرنای وهلهله‌ی مردان که‌فریاد می‌زدند:

— زنده‌باد ایران!

— مرگ برقاتلان ابومسلم!

— مرگ برخلیفه‌ی‌نامرد عباسی!

— زنده‌باد ایران!

فضای قلعه را پر کرد. این هلهله وفریاد سیاهپوشان بود که دروازه‌ی شرقی دژرا بایک حمله‌ی مردانه‌گشوده بودند وخود را به‌اردوی سپاهیان ابوعبیده رسانده چادرها را به‌آتش کشیده بودند واینک تاخت کنان به همه سوی قلعه می‌رفتند وعربهای غافلگیر شده را از دم تیغ می‌گذراندند...

ابوعبیده که‌دچار وحشت کشنده‌ای شده بودخطاب به‌عربها فریاد زد.

— لعنت برشیطان! دست از این ها بردارید بمقابله‌ی‌سیاهپوشان بروید!

عربها که انتظار این اتفاق را نداشتند، بجای آنکه بفکر مقابله با سیاهپوشان باشند راهی برای نجات جان خود می‌جستند... اما مردان ایرانی ساکن قلعه که بطور معجزه‌آسایی از

سرداران استقلال ایران

جنگ دشمن رهایی یافته بودند، به این مزدوران هراسان امان ندادند و هر کدام از آنها چند تن از این عربها را خلع سلاح کردند... هم آنها بودند که ابوعبیده را از اسبش پایین کشیدند و میخواستند زیر ضربات مشت و لگد بکشند که یکی از سیاهپوشان خود را به آنها رساند و گفت:

— دست نگهدارید! او را نکشید! بگذارید دربارهٔ این وحشی ناجوانمرد سرور سیاهپوشان، سنباد، تصمیم بگیرد...

ایرانیان به احترام سیاهپوشان دست از ابوعبیده برداشتند و سوار سیاهپوش طناب بر گردن حاکم عرب انداخت و او را کشان کشان نزد سنباد برد.

* *

وقتی خورشید سر از کوه درمیآورد، قلعهٔ ری در اختیار سیاهپوشان بود و زمین دژ را خون عربها فرش کرده بود.

سنباد دستور داد ابوعبیده را وسط میدان قلعه بیاورند و بدست ایرانیان ساکن قلعه که تمام شب را از دست مأموران ابوعبیده شکنجه دیده بودند بسپارند تا آنگونه دلخواهشان است از او انتقام بگیرند بویژه که بچههای چند خانوادهٔ ایرانی نیز زیر سم اسبان عربهای وحشی کشته شده بودند و این حادثه کینهٔ دیرینه سنباد و خاطرهٔ جانسوز قتل فرزندش را زنده کرده بود.

* * *

به این ترتیب ری بدست سیاهپوشان سنباد گشوده شد و پایگاه تازهٔ نهضت استقلال ایران گردید.

مردم خراسان، طبرستان و آذربایجان از شنیدن خبر پیروزی سنباد به او روی آوردند و آمادگی خود را برای جانبازی در راه هدفهای بزرگ این سردار ایرانی و ایراندوست اعلام داشتند و دسته‌دسته به صفوف سیاهپوشان پیوستند.

بزودی شمارهٔ سپاهیان سنباد به صد هزار نفر رسید و سنباد با این سپاه مرکز و شمال ایران را از چنگ عمال عرب رهانید.

منصور دوانیقی هنوز از بادهٔ پیروزی بر ابومسلم سرمست بود که خبر قیام سنباد در ری بگوشش رسید. یکی از مشاوران ابوجعفر از شنیدن این خبر سر تکان داد و به خلیفه گفت:

— این سنباد مجوس را دست کم نگیر.... او حتی از ابومسلم نیز برای دستگاه خلافت عرب خطرناکتر است!

— من هم همهٔ سپاهم را به مقابله او میفرستم و بزرگترین فرمانده سپاهم یعنی جهور بن مرار را مأمور جنگ با او میکنم چون بزرگتر از سنباد دشمنی ندارم...

— اگر بر او پیروز نشوی فاتحهٔ خلافت عباسی خوانده است!

منصور با خشم گفت:

— تو هم داری اغراق میکنی... اما بهرحال باید همهٔ کوششمان را برای سرکوب کردن سیاهپوشان بکار بگیریم.

* * *

سنباد تازه از تسخیر شهر همدان فارغ شده بود که به او خبر دادند سپاه بسیار سنگینی از سوی عراق به فرماندهی جهور بن مرار به جنگ او میآید.

سنباد سردارانش را جمع کرد و به آنها گفت:

— ما جنگ بزرگی در پیش داریم اما محل این جنگ نه ری خواهد بود و نه همدان... ما همهٔ سپاهمان را مجهز میکنیم و به پیشباز دشمن میشتابیم. همانگونه که جهور بن مرار از آنسو پیش میآید، ما هم از این سو پیش میرویم تا ببینیم در کجا بهم میرسیم...

یکی از کارهای سنباد این بود که هر شهری را تسخیر میکرد هر چه عرب در آن شهر بود — از کوچک و بزرگ و زن و مرد — به اسیری میگرفت و از میان مردم بیرون میبرد و در محلها و قلعههایی مخصوص از آنها نگهداری میکرد و به یارانش میگفت:

— من هرچه عرب در این مملکت پراکنده شده است جمع خواهم کرد تا وقتی به سرزمین خود آنها حمله میکنم همه را ببرم و بریزم به زادگاه خودشان... من چشم ندارم حتی یک عرب را در سرزمین پاک وطنم ببینم...

سنباد پس از شنیدن خبر حرکت جهور بن مرار به سوی ری از همدان به ری بازگشت و سپاهیانش را سر و صورتی داد و همه را مسلح و آمادهٔ جنگ کرد و آنگاه دستور داد:

— همهٔ عربهایی را که از شهرهای ایران جمع کردهایم بیاورید. ما آنها را بر شترها سوار خواهیم کرد و پیشاپیش سپاه خود حرکت خواهیم داد.

یکی از سردارانش گفت:

— منظورتان مردهای عرب است؟

— نه برادر، همهٔ عربها از زن و مرد و پیر و کودک...

— ولی زنها و کودکان که گناهی نکردهاند!

— مگر زنها و کودکان ایرانی ساکن قلعهٔ ری گناهی کرده بودند که آن مردک عرب چنان رفتاری با آنها کرد؟... بعلاوه ما رفتار بدی با این عربها نخواهیم کرد... ما آنها را سوار میکنیم و همراه خود میبریم تا پیش از آغاز جنگ به برادران عربشان تحویل دهیم! اینکه کار بدی نیست!

— امر امر شماست سردار!

«ادامه دارد»

از: عباس تهرانی — وکیل پایه یک دادگستری

در کریدورهای دادگستری

در دادگاه بخش ویژه روابط مالک ومستاجر، طرح دعوای تخلیه مالک بر علیه مستاجرش در دست رسیدگی بود، قبل از تشکیل دادگاه در کریدور، مالک نسبت بمستاجرش هتاکی وبی‌حرمتی میکرد. اگرچه تن درمحل حضور نداشتند ومانع نبودند یقیناً هتاکی وناسزاهای مالک چنان مستاجر را دگرگون ومنقلب نموده بود که وی مالک را زیر ضربات مشت ولگد در هم می کوبید. مالک توجه نداشت با طرح دعوی تخلیه اولین ضربه را بمستأجر زده است ومسلم اگر در اقامه دعوی حق داشته باشد، دادگاه حکم به تخلیه مستاجر صادر خواهد نمود دیگر چه لزومی داشت با زخم زبان نیز اورا رنجیده وآزرده سازد؟.

اگر شاکی هر پرونده حقی برای خود قائل است چه بهتر که با وقار ومتانت دعوی خود را تعقیب کند واز دست زدن به‌اعمالی که احتمالا اثرات نامطلوب در پرونده خواهد گذاشت و امکان دارد درنهایت بضرر او تمام شود خودداری ورزد.

* خانم مهین حسینی — تهران — خانم [illegible] نامه شما مغشوش بود [illegible] سوال شما [illegible] قصد گرفتن بچه‌هایتان [illegible] جدا شده‌اید [illegible] یا از شوهرتان جدا نشده و فعلا میخواهید در اینمورد اقدام بفرمائید درهرصورت خواهشمندم بطور خلاصه مجدداً خواسته و سؤال خودرا برای من بنویسید.

* دوشیزه صفیه میرطاهری — اهواز — اخذ اجازه ازوالدین هر دو دراینمورد لزومی ندارد و صرف اعلام رضایت ولی «که پدر شماست چون درقیدحیات است» کافی است.

امان از دست زیبا

وکیل محترم آقای تهرانی- اینجانب ساکن [illegible] یکی از [illegible] هستم. [illegible] سال پیش [illegible] ازدواج کرده که هما کنون [illegible] زن وشوهر بوده و [illegible] بچه داریم. چندی قبل دختر عموی شوهرم بنام زیبا با داشتن چهار بچه شوهرش را ازدست داد. [illegible] بعدا فهمیدم که دختر عموی شوهرم [illegible] از دست من [illegible]

[illegible]

[illegible] سمنان — هم

خواهر عزیز [illegible] ممکن است [illegible] دختر عمو [illegible] شوهر [illegible] درهرصورت [illegible] فعلا نسبت بوجود [illegible] نامشروع [illegible] شوهرتان ودختر عموی مطلقه‌تان شوهر زیرا خوده طی [illegible] و [illegible] دیده‌ام که [illegible] در [illegible] زندگی خانواده‌های بسیاری را برباد داده و همین خانواده‌ها چنانچه تامل وتحمل بیشتر نسبت بیکدیگر، بخصوص زن ومرد خانواده، نشان میدادند مسلم اقداماتی نمیکردند که بعداً از آن پشیمان شوند. بهر حال، شوهر شما باداشتن همسر قانونی [illegible] بهیچوجه نمیتواند بـــدون کسب اجازه از شما یا مراجعه بدادگاه بمنظور دریافت مجوز ازدواج مجدد، زن دیگری را بعقد خود درآورد و در صورت ارتکاب بهچنین عملی قابل تعقیب جزائی خواهد بود. بعلاوه چنانچه شما بوجود رابطه نامشروع فیمابین شوهرتان و دختر عمویش مطمئن هستید می‌توانید باتنظیم استشهاد «گواهی» از آگاهان محلی که ضمن گواهی خود مراتب راکتباً با قید مشخصات خویش منعکس می‌نمایند وتهیه شکایتی در اینمورد بدادسرای محترم شهرستان سمنان مراجعه نمائید. در اینخصوص چنانچه شورای داوری اعلام داشته موضوع در صلاحیت این شورا نیست ودادسرابشکوائیه شما رسیدگی خواهد کرد و مسلماً در صورتیکه بتواند موضوع رابطه نامشروع را باثبات برساند مجازات زندان در انتظار شوهر شما خواهد بود. لیکن آخرین توصیه من بشما اینستکه قبلا کلیه مراتب بالا را باشوهرتان در میان گذاشته واز مسائل فوق در مذاکره فیمابین استفاده نمائید تا عجله در بهم ریختن اساس زندگی زناشوئی خود نکرده باشید.

خیانت در امانت شریک درست است یا نه

آقای تهرانی وکیل محترم: بعنوان مدیر عامل تشکیلات کارگری بزرگی بسهم خود از انتشار مجله ستاخیز کارگران بسیار خوشنود بوده وفکر ایجاد وانتشار آنرا بخصوص گشایش گشایش صفحاتی از قبیل صفحه پاسخ به مشکلات قضائی راقلباً تحسین می‌نمایم. بعلاوه اینکه برای شرکت تحت مدیریت من گرفتاری [illegible] پیش آمده است که با اغتنام فرصت آنرا [illegible] درمیان گذارده خواهشمندم از راهنمائی و هدایت ارزنده خود ما را ممنون

بقیه در صفحه ۹۲

کارگر عزیز محمدی از اهواز در مورد آموزش خود و بالا بردن معلومات خود درمورد قانون کار برای‌ما نوشته‌اند...

کارگر عزیز، شما به‌نکته بسیار جالبی اشاره کرده‌اید. امروز با توجه به‌پیشرفتها و ترقیاتی که در کشورما رخ داده است، همه افراد مردم و بخصوص کارگران ضرورتاً باید بمقررات وقوانین کار وسایر مقرراتی که برای آنان تهیه وتنظیم گردیده است، آشنائی کامل حاصل کنند. بدون تردید وزارت کار و امور اجتماعی نیز از این امر غافل نمانده و امکانات لازم را برای آموزش کارگران فراهم کرده است و از طریق انتشار جزوات و کتابها و مجلاتی برای شما کارگران، این مشکل را از میان برده‌اند و از سوی دیگر مؤسسه‌ای بعنوان مؤسسه کار و تأمین اجتماعی ایجاد گردیده است که وظیفه‌اش تشکیل دوره‌های آموزشی در زمینه مسائل مختلف اجتماعی است. این مؤسسه درعین حال یک رشته کتابهائی منتشر ساخته است می‌توانید ضمن مکاتبه با مؤسسه مذکور و یا ازطریق اداره کار و امور اجتماعی محل، از امکانات آن برای بالا بردن دانش اجتماعی خود استفاده کنید.

آقای مظاهر، کارگر عزیز تهرانی، برای ما نوشته‌اند مدت سیزده سال در کارگاه خود با امانت و درستی کار کرده‌ام. چندی قبل در کارخانه سرقتی رخ داد و کارآما مرا متهم نمود و حکم به‌اخراجم داد و از سوی دیگر، از پرداخت هرگونه حقوقی بابت این اخراج به من خود داری کرد و با وجودی که هیچگونه دلیلی وجود ندارد که این سرقت بوسیله چه کسی انجام یافته است، هنوز تکلیف من از لحاظ حقوق و غرامت اخراج روشن نشده است. خواهشمند است مرا در این زمینه راهنمائی فرمائید.

کارگر عزیز، بموجب قانون کار هرگاه کارآما بدون هیچگونه دلیلی کارگر را اخراج نماید (ماده ۳۳) حقوق ومزایائی بابت اخراج مذکور بوی تعلق میگیرد که ما قبلا درمورد آن سخن گفته‌ایم، ولی بموجب ماده ۳۴ قانون کار، اخراج کارگر بسبب قصوروی ویا ضرروزیان به کارآما و غیره باشد که البته این امر منوط به‌رأی هیئت حل اختلاف است. درچنین صورتی هیچگونه حقی بابت اخراج بوی تعلق نمی‌گیرد. در این مورد خاص شما میتوانید به مراجع حل اختلاف مراجعه نمائید. مسلماً کارآما نیز به‌مراجع دادگستری مراجعه و به لحاظ سرقتی که رخ داده است رسیدگی بعمل خواهد آمد، درچنین صورتی مراجع رسیدگی وزارت کار رسیدگی خود را معلق نگاه میدارند تا رأی قطعی مراجع دادگستری معلوم شود (اناطه) حال اگر شما در مراجع دادگستری محکوم شوید بدون تردید رأی مراجع رسیدگی وزارت کار نیز چنان خواهد بود که شما با قصور خود اخراج شده‌اید و بابت اخراج حقی بشما تعلق نمی‌گیرد. ولی هرگاه درمراجع رسیدگی دادگستری شما تبرئه شوید، مسلما شورای کارگاه، اخراج شما را غیرقانونی تلقی مینماید و تمام حقوقی که در ماده ۳۳ برای این قبیل اخراجها پیش‌بینی گردیده، درنظرگرفته میشود.

ممکن است کارآما به مراجع دادگستری مراجعه ننماید، درچنین صورتی باید مدارك لازم دال به‌گناهکار بودن شما به‌مراجع حل اختلاف کارارائه دهد، تا بتواند تقصیرشما را ثابت کند و دراین صورت مراجع حل اختلاف رأی لازم راصادرخواهند کرد.

* کارگر عزیزی باامضای «ع.م.ل» طی نامه بسیار کوتاهی از ما در مورد ترك کار خود راهنمائی خواسته‌اند.

دوست عزیز، بموجب مقررات قانون کار، هرگاه فسخ قرار داد کار ویا باصطلاح ترك کار، از طرف کارگر باشد وکارگر بهر دلیلی خودش بخواهد کارخود را ترك گوید، میتواند پانزده روز قبل کارآما را از قصد خود آگاه سازد ودر این صورت بابت سابقه خدمت اخراج وغیره، هیچ حق ومزایائی بوی تعلق نمیگیرد، ولی هرگاه کارآما قرارداد را فسخ نماید، بموجب ماده ۳۳ قانون کار حقوقی به کارگر تعلق میگیرد. این حقوق عبارتند از سالی ۵ روزمزد کارگر بعنوان سابقه خدمت وی ومقداری نیز بعنوان غرامت اخراج که میزان آن باتوجه به‌ضوابطی از طرف مراجع حل اختلاف تعیین میگردد. حال اگر شما بمیل خود ویا اراده قبلی بخواهید کار را ترك گوئید، بدون تردید حقی بشما تعلق نخواهد گرفت، مگر حقوق ومزایای معوقه، مزد ایام تعطیلات ومرخصی‌های گذشته وحق مربوط به‌سهیم کردن کارگران در سود کارگاه، مگر اینکه کارآما خود از بابت سابقه کارشما، مبلغی به‌میل واراده خود به‌شما بپردازد.

* دوست عزیز آقای سعید سعادتی، بدون تردید در شرکت شما امر طبقه‌بندی مشاغل انجام یافته وپرداخت هرگونه مزد اضافی منوط بدان است که یا دراثر افزایش سابقه خدمت پایه شما بالا رود ویا در نتیجه افزایش طبقه و گروه شما که آن نیز در اثر داشتن مدارك تخصص ومهارت جدید امکان پذیراست.

شما برطبق گواهینامه‌ای که در نتیجه آموزش فنی داشته‌اید طبقه‌بندی شده‌اید و لذا داشتن دیپلمی که به کارفنی شما ارتباط مستقیم ندارد، نمیتواند موجب افزایش حقوق ومزایای شما شود، زیرا مسلماً برای بالا رفتن گروه وطبقه شما بموجب طرح طبقه‌بندی آن کارگاه دیپلم فنی وتخصص ومهارت جدیدی لازم بوده است، ما امیدواریم شما به کوشش وجدیت خود در زمینه فرا گرفتن تخصص ومهارتهای جدید بیفزائید وموفق به‌ترقیات بیشتر و دریافت مزد وحقوق بالاتری بشوید.

پاسخ به پرسشهای پزشکی و خدمات درمانی

از: دکتر مرتضی روحانی

چگونه میتوان از خدمات درمانی استفاده کرد؟

تا دستیابی کارگران عزیز، بچگونگی استفاده صحیح از قوانین و مقررات خدمات درمانی و حصول آشنائی تدریجی هریک به این مقررات لاجرم سؤالاتی پیش می آید که پاسخ آنها را بفوریت باید داد.

باتوجه به اولویت سؤالهای رسیده، در این شماره نیز تعدادی از نامه‌های رسیده پاسخ میگوئیم، به امید آنکه این مطالب مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و دوستان کارگر ما از طرح سؤالات یکسان خودداری ورزند.

یکی از کارگران کارخانجات واقع در طول جاده کرج پرسیده است:

درنیمه شب اگر بیماری بطور اورژانس بخواهد از سازمان تامین خدمات درمانی کمک بگیرد، به کجا باید مراجعه کند؟

ج— اطلاعات اورژانس بزرگ تهران، واقع در خیابان شاه جنب سینما نیاگارا، در تمام مدت شبانه روز بیمه شدگان را راهنمائی خواهد کرد.

لازم به یادآوری است که اورژانس بزرگ تهران مجهز به دهها آمبولانس و تکنیسین های خوب است و این سیستم نه تنها در اختیار بیمه شدگان قرار دارد، بلکه بکلیه اهالی تهران و حومه سرویس مجانی میدهد. برای مزید اطلاع خوانندگان عزیز تلفنهای ۶۶۹۹۹۱ و ۶۶۹۹۲۱ که هر کدام با ۲۰ شماره تکثیر میشوند آماده راهنمائی مراجعین است.

این سؤال مربوط بیکی دیگر از کارگران شهر ری است که پرسیده است:

اگر بیماری بدون در دست داشتن دفترچه خدمات درمانی به پزشکی که طرف قرار داد است مراجعه کند آیا میتوان داروی اورا در دفترچه پدر، مادر، خواهر یا برادر او نوشت؟

ج— مسلماً خیر. نوشتن نسخه یکی در دفترچه شخصی دیگری جرم محسوب میشود و چنین پزشکانی از طریق کمیته بررسیهای درمانی سازمان به نظام پزشکی معرفی میشوند.

* آقای نصرت‌اله صادقی، کارگر تهرانی پرسیده است:

«آیا تمام پزشکان تهران طرف قرار داد با سازمان خدمات درمانی هستند و بیمه‌شدگان میتوانند بهر پزشکی که بخواهند مراجعه کنند؟»

ج— خیر همه پزشکان با سازمان تأمین خدمات درمانی همکاری ندارند و در شرایط فعلی تعدادی از آنها طرف قرارداد هستند. اما اکثریت آنان برگ قرارداد با سازمان را پر کرده و بیماران بیمه شده را برطبق تعرفه سازمان ویزیت میکنند.

* آقای ابراهیم حاج اسمعیلی از کارخانه برق تهران سؤال کرده است:

«برای بستری شدن در بیمارستانها طبق مندرجات تعرفه سازمان تأمین خدمات درمانی، آیا شرایط مخصوصی وجود دارد؟

ج— البته مواردی را باید بیمه شده رعایت کند. اولا دفترچه خدمات درمانی همراه داشته باشد وثانیاً در موقع بستری شدن، اعلام کند که از خدمات درمانی استفاده مینماید.

* آقای حسین‌دفه نیز از کارخانه پارس الکتریک تهران پرسیده است:

«چون دفترچه های خدمات درمانی بطور کامل توزیع نشده و بعضی از کارگران هنوز دسترسی به آن پیدا نکرده‌اند. اصولا اگر دفترچه را بهمراه خود نداشته باشند و بخواهند از خدمات درمانی استفاده کنند، چگونه ارائه طریق میکنید؟»

ج— اولا کمتر از دوماه دیگر دفترچه های خدمات درمانی توزیع میشود (درمورد علت تأخیر توزیع دفترچه‌ها در میزگردهای متعدد توضیح مفصلی داده‌ایم) وثانیاً اگر بیمه شده دفترچه همراه نداشته باشد، متأسفانه نمیتوان از مزایای بیمه استفاده کند.

ممکن است درضمن این پاسخ سؤال دیگری مطرح شود، که اگر بیمار اورژانس باشد، در اینصورت جان او در معرض مخاطره است و تا دسترسی به دفترچه خدمات درمانی ممکن است جان او ازدست برود.

پاسخ اینگونه سؤالها را قبلا داده‌ایم و بازهم برای رفع نگرانی، خاطرنشان میسازیم که هیچ پزشک، درمانگاه و بیمارستانی نمیتواند بیمار اورژانس را نپذیرد؛ این مورد کاملا استثنائی است و بیمار بهمراه داشتن دفترچه خدمات درمانی نیست.

* آقای «حسن‌ق» از کارخانه نساجی مازندران سؤال کرده است:

«شرایط تعرفه سازمان ما برای بستری شدن چیست؟»

ج— بیماران باید فقط در اتاقهای سه تختی یا بیشتر و در بیمارستانهای طرف قرار داد با سازمان بستری شوند. حال اگر بیماری میل داشت در اتاق یک تخته بستری شود و سرویسهای بیشتری را مطالبه کند که در تعرفه سازمان به آنها اشاره نشده است، موظف است مابه التفاوت هزینه های درمانی خود را بپردازد.

* آقای غلامعلی طالبی از اصفهان پرسیده است:

«اگر بیمه شده‌ای در یک بیمارستان بستری شود که پزشک معالج او طرف قرار داد با سازمان نباشد، در اینصورت آیا میتواند از بیمه استفاده کند؟»

ج— در اینگونه موارد، فقط هزینه های بیمارستانی بیمار طبق تعرفه سازمان محاسبه و پرداخت میگردد، و هزینه پزشک را بیمار یاد شده باید بطور خصوصی پرداخت کند.

«کمک عائله‌مندی»

کارگری از یکی از سینماهای اصفهان در نامه‌ای پس از اظهار تشکر و سپاس از انتشار رستاخیز کارگران و آرزوی توفیق مسؤولان مجله در راه خدمت به شاهنشاه آریامهر و کارگران سؤال کرده: «باقانون جدید و افزایش کمک عائله‌مندی کارگران که به فرمان شاهنشاه آریامهر از شهریورماه پنجاه‌وچهار صورت گرفته و حداقل آن برابر است باحقوق سه روز کارگر درهرماه، آیا بنده که دوبچه کوچک دارم، کارفرما باید برای هردوی آنها یعنی بچه هایم کمک‌عائله‌مندی بدهد یا برای یکی از آنها؟ ازجوابی که میدهید ممنونم دیگر عرضی ندارم.»

دوست‌عزیز:

طبق قانون تأمین اجتماعی از دهم مردادماه ۲۵۳۴ شاهنشاهی مبلغ کمک عائله‌مندی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی بازاء هر فرزند سه برابر حداقل دستمزد یک روز کارگر عادی در محل اشتغال و کار بیمه‌شده میباشد. باین ترتیب کمک عائله‌مندی در شهرشما برای هرفرزند ۴۵۶/ ریال است و علاوه برآن

این کمک تادوفرزند قابل پرداخت است و چون شما هم دوفرزند کوچک دارید و سن آنها نیز از ۱۸ سال کمتر است لذا کارفرما موظف است بابت هردو فرزند شما کمک عائله‌مندی پرداخت کند. ضمناً همانطور که در خواست کرده بودید از ذکر نام شما خودداری کردیم.

آیا سوابق پرداخت حق بیمه گذشته محفوظ است؟

قبل ازسال ۱۳۲۴-۲/۵٪ حق بیمه مقرربوده که بنام صندوق تعاون برداشت میشده است و از تاریخ ۱۳۲۸ به بعد ۵٪ تعیین گردید. مشمولین این قوانین درحال حاضر چه وضعی پیدا میکنند و آیا قانون بیمه از همان سال ۱۳۲۸ بحساب سابقه کارگران محسوب میشود یا قبل از آن؟ برای بازنشستگی حد سال سن وسابقه کار و پرداخت حق بیمه با تحولاتی که اخیراً از طرف وزارت کار بوجود آمده در نظر گرفته شده است؟ در تاریخ ۱۳۱۴ و ۱۳۱۷ کارخانه‌های چیت سازی بهشهر وشاهی بکار افتاد وفعلاً برخی از کارگران دارای ۳۵ و ۳۸ سال سابقه کار دراین کارگاه‌ها میباشند آیا باقانون فعلی این کارگران چه وضعی پیدا خواهند کرد.

باتقدیم احترامات فائقه محمد کیمیا. بهشهر کارخانه چیت سازی مکانیک

کارگرعزیز:

۱-قبل از سال ۱۳۲۸، اصولا مقررات بازنشستگی درباره کارگران اجرا نمیشده و در ازاء حق بیمه‌ای با نرخ ۲/۵٪ کارگر در برابر حوادث ناشی از کار و بیماریها بیمه بوده و از حمایت های دیگری برخوردار نمیشده. بنابراین موضوع بازنشستگی کارگران از سال ۱۳۲۸، بموجب مقررات صندوق تعاون و بیمه کارگران شروع شده و بموجب این مقررات برحسب عنوان استخدامی (موقت، فصلی، دائم) کارگران حق بیمه‌های متفاوت پرداخت کرده و از مزایای مختلفی بهره‌مند شده‌اند و دراین میان فقط کارگران دائم به نرخ ۶٪ حق بیمه پرداخته‌اند و از بیمه بازنشستگی برخوردار میشوند. بدین ترتیب کارگرانی که ازسال ۱۳۲۸ تا کنون بموجب مقررات صندوق تعاون وبیمه کارگران، بیمه‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی بانرخهای ۶٪، ۱۲٪، ۱۵٪، ۱۶٪، ۱۷٪، ۱۸٪، ۱۹٪، ۲۸٪ و ۳۰٪ حق بیمه بنام آنها پرداخت شده است کلیه این پرداخت‌ها برای بازنشستگی آنها منظور خواهد شد. بعبارت دیگر برای این کارگران از سال ۱۳۲۸ سابقه پرداخت حق بیمه منظور میگردد.

۲-طبق قانون تأمین اجتماعی سن بازنشستگی درمورد مردان ۶۰ سال و درمورد زنان ۵۵ سال و حداقل سابقه پرداخت حق بیمه ده‌سال در نظر گرفته شده است بنابراین کارگرانی که به سن مقرر رسیده و حداقل سابقه را داشته باشند میتوانند بازنشسته شوند ولی برای دریافت صددرصد مزد به عنوان مستمری بازنشستگی، بیمه شده باید سابقه سی و پنجسال پرداخت حق بیمه را داشته باشد زیرا درقانون جدید سابقه پرداخت حق بیمه لازم برای دریافت صددرصد مزد بعنوان مستمری بازنشستگی از ۴۰ سال به ۳۵ سال کاهش یافته است.

۳-همانطور که دربند ۱ توضیح داده شد سابقه پرداخت حق بیمه کارگران کارخانه های چیتسازی شاهی و بهشهر از سال ۲۸ شروع پرداخت حق بیمه بماخذ ۶٪ و نرخهای بعدی که در بالا درج شده است برای بازنشستگی منظور خواهد شد.

مستمری از کارافتادگی یا بازنشستگی

آقای عباس جمشیدی کارگر شرکت پشمبافی شرق نوشته است: کارگری هستم مسن و مریض حال که حدود سی سال برای کارفرمای فعلی‌ام کار کرده‌ام وشصت سال سن دارم ولی شناسنامه‌ام ۶۵ سال نشان میدهد. بارها در بیمارستان سرخه حصار بعلت مریضی اعصاب بستری بوده‌ام و فعلا هم قادر بکار کردن نیستم و با اینکه بیست سال قبل در حادثه ای در همین کارگاه پنج انگشت دست راستم را از دست دادم و بیمه نیز نبودم ولی باز هم انجام وظیفه کرده‌ام چون نخواستم سربار جامعه باشم، ولی فعلا بعلت ضعف و ناتوانی میخواهم بازنشسته یا از کار افتاده شوم. بفرمائید که میتوانم و بیمه برای از کارافتادگی یا بازنشستگی چه حقوقی در

بقیه در صفحه ۹۲

«اکبرآقا» در فرانکفورت

روزیکه اکبرآقاجهانگردشد(۳)

اکبرآقا هوس جهانگردی کرد و با هواپیما عازم لندن شد. در راه یک دخترخوشگل ایرانی او را مبهوت ساخت و پس از کلی گرفتاری در هواپیما ، حالا در فرودگاه فرانکفورت از هواپیما پیاده میشود ، حدیث مفصلی دارد که میخوانیم...

محمدعلی عرفی نژاد

همه کمربندها را باز کردند. سرمهماندار اعلام کرد یکساعت در فرودگاه فرانکفورت توقف داریم و مسافرین که مایل هستند ، میتوانند بسالن ترانزیت برای استراحت تشریف ببرند . اکبرآقا نگاهی به بنفشه انداخت و بعد گفت :

— نمیشه بریم توشهر یه گشتی بزنیم ؟.. سالن ترانزیت یعنی چه ؟!

بنفشه خندیدو گفت :

— اگر ناراحتین ، تشریف داشته باشین . مهماندارهای خوشگل ازتون پذیرائی میکنن .

اکبر آقا بهت‌زده به بنفشه خیره شد که درست مثل نزدیکترین فرد زندگیش حرف میزد . دلش مالش رفت وآرام ازجا بلندشد .

— نه .... بدم نمیاد سالن ترانزیت ممالک خارجه رو تموشا کنم . میخوام ببینم با فرودگاه مهرآباد خودمون چه‌فرقی داره .

بنفشه خوشحال شد و دست اکبر آقا را گرفت و باهم همراه دیگر مسافرین بطرف در خروجی براه افتادند و اکبرآقا برای اینکه تنه کسی به بنفشه نخورد ، مرتباً با دست مسافرین را عقب میزد و پشت سرهم میگفت :

— پلیز... اجازه... پلیز .

و در مقابل یکی از مسافرین هندی که کنار بنفشه راه می‌رفت ، گفت :

— روغنی نشی آقای کاپور....

مرد هندی برگشت و با خنده گفت :

— تو روغنی نشی سردار !

و اکبر آقا یکدفعه جاخورد وزیرلب به بنفشه گفت :

— بزن به کوچه علی چپ . خیط کردیم ...

لحظه‌ای بعد روی پله‌های هواپیما ایستادند تا به‌نوبت پائین بروند و در همین موقع برق چند فلاش عکاسی او را بخود آورد . یکی از خانم‌های هنرپیشه آمریکایی که در هواپیما بود ، در هجوم عکاسان خبرنگار مرتباً باین در و آن در چرخ میخورد . اکبرآقا هاج وواج به بنفشه گفت :

— واسه‌چی دارن ازما عکس میگیرن ؟

بنفشه با بی تفاوتی گفت :

— هیچی بابا . یه تحفه فرنگی رنگ و روغن زده اومده فرانکفورت ، میخوان خبر جور کنن .

— تحفه فرنگی دیگه چیه ؟

— چه میدونم . یه هنرپیشه زن آمریکائی است ، مگه ندیدی تو « فرس کلاس » مهموندارها چه بروبیائی داشتن ؟ ...

اکبرآقا گفت :

— اسمش چیه ؟

بنفشه با حرص گفت :

— آنجی دیکنسون . اومده بود اینجا یه فیلم مشترک بازی کنه .

اکبرآقا با تعجب گفت :

— آنجی دیکنسون ؟ !

— نه بابا . آنجی ، آنجی ، نه آجی .

اکبرآقا دلش قیلی ویلی میرفت که برود جلوو «آنجی دیکنسون» را ببیند بدون اینکه به بنفشه بگوید ، خودش را لای جمعیت بجلو کشاند تا نزدیک او قرار گرفتو سعی کرد کنارش باشد تا عکس اوهم گرفته شود . عکاسان عکس‌ها را گرفتندو پله‌ها آزاد شد ، و چندنفر او را عقب زدندو اکبرآقا تازه به یاد بنفشه افتاد . او را میان مسافران ندید از طرفی مأموران فرودگاه از مسافرین میخواستند تا آنها هرچه زودتر محوطه فرودگاه را خلوت کنند ، اکبرآقا با ناراحتی باین در وآن در چشم دوخت و باصدای بلند بنفشه را صدا کرد . برخی از مسافرین باو نگاه میکردند تا رئیس آژانس آمد جلوو گفت :

— شما چرا بسالن نمیروید ؟

— آخه بنفشه گمشده .

رئیس آژانس کاغذی را که لیست مسافرین درآن یادداشت شده بود ، نگاه کرد وبا تعجب گفت :

— ولی شما بچه‌ای ندارید ، مگه تنها مسافرت نمیکنید ؟...

اکبرآقا باعصبانیت گفت :

— بچه چیه آقا ، بنفشه خانم رومیگم ، که تو هواپیما بغل دستم نشسته بود .

رئیس آژانس با تعجب باو نگاه کردو گفت :

— جنابعالی چه زود شروع کردین ؟

— چی رو زود شروع کردم ؟

— هیچی آقا ، حتماً خانم عزیزتون توسالن هستن .

اکبرآقا به محوطه پله‌های برقی رسیدو چندین پله‌برقی را دید که درحال رفتوآمد است . سوار یکی از پله‌ها شدو همین‌طور که جلو میرفت ، روی پله سوم بنفشه را دید . فریاد زد :

— بنفشه خانم ، من اینجام

بنفشه برگشت و [illegible] را دیدو باعصبانیت گفت :

— بفرمائید پیش خانم بقول خودتون آجی دیکنسون عکس یادگاری بگیرین .

اکبرآقا با خجالت گفت :

— بابا جمعیت منو کنار اون کشید . آجی دیکنسون کیه ؟

بنفشه خنده‌اش گرفت و گفت :

— حالا چرا پله رو عوضی سوار شدی . پله سالن ترانزیت اینه .

اکبر آقا باحالت ترس گفت : این پله‌ها منو کجا میبره ؟

— میبره تو سالن دیگه مواظب باش گم نشی ، مگه پاسپورتتو نشون ندادی ؟

اکبر آقا دیگه امان نداد ، از روی پله پرید به پله دیگر که بطرف فرودگاه میرفت . پله‌ها بسرعت او را بطرف جائی که حرکت کرده بود ، میبردند واکبرآقا که هول شده بود ، پرید روی پله دوم ، در همین وقت یکی از مأموران با فریاد او را صدا کرد.... و اکبرآقا از ترس خودش را لای جمعیت کرد و در همین وقت تنه‌اش بتنه مسافر هندی خورد ومسافر هندی گفت :

— روغنی نشی سردار !

واکبرآقا باعصبانیت گفت :

— روغنش نباتی بود ، چربی نداشت !

و خودش را به بنفشه رسانید تا رسیدند بسالن ترانزیت ، اکبر آقا نفس زنان از پله‌ها به کف سالن قدم گذاشت وعرق صورتش را پاك کرد .

— بی‌معرفت‌ها پله بازی راه انداختن ، فکرنمیکنن آدم گم میشه !

— نه خیر اکبر آقا جان ، اینجا هر چیزی قانونی داره ، جنابعالی اگه بفکر خانم هنرپیشه لوند هالیوودی نبودین ، گم نمیشدین !

اکبرآقا ازخجالت سرش را انداخت پائین :

— بابا ما حالا یه اشتباهی کردیم‌ها ، گناه کبیره که نکردیم !

— خدا عاقبتتو تو لندن بخیر بگذرونه ....

اکبرآقا ذوق زده گفت :

— مگه اونجام هنرپیشه هست ؟

— بله هستن فرمایش ؟ ..

— هیچی بابا ، اصلا برای من مطرح نیستن جون تو صدها فیلم فارسی بود که میخواستن من بازی کنم ، ولی اکبر آقا حالا اینکارها را برایش زوده .

بنفشه خنده‌اش گرفت...

— خیلی خوبه ، نمی‌خواد قپی در کنی . مواظب باش تو لندن مزاحمت نشن که رل مقابل آنجی دیکنسون رو بازی کنی .

— مگه میشه ؟

— بله... بابا ماشاالله ، چه خیالاتی شدی !

در اطراف سالن نیمکت‌های مدرنی قرار داشت واکبر آقا باخستگی روی یکی از آنها نشست که تازه چشمش به انواع واقسام اجناس خارجی افتاد . کراوات ، عطر ، گردنبند ، گوشواره ، سنجاق سینه ، کارتن های سیگار ... به بنفشه گفت :

— اینا فروشیه ؟

— آره ، بالقیمتهای ارزان . مثلا کارتن سیگار هجده تومن . ویسکی بطری ۳۰ تومن ، کراوات اصل خارجی دونه‌ای ۵۰ تومن ، البته به پول ما .

اکبرآقا آهسته ازجا بلندشد وشروع کرد به گشتن که مقابل یکی از ویترین‌ها چشمش به یک عطر خارجی افتاد . رئیس آژانس را صدا کردو گفت :

— ممکنه خواهش کنم یه عطر خوب گرونقیمت برام بخرین ؟

رئیس آژانس خندید و گفت :

— چهار پوند بده ، البته میدونی که پوند پول انگلیسیه ،

اکبر آقا دست کرد توی جیبش و کیفش را درآورد وچهار پوند به رئیس آژانس داد و پس از لحظه‌ای یک عطر فرانسوی بسته‌بندی شده گرفت ورئیس آژانس آهسته گفت :

— مواظب باش تولندن پول برایت بمونه .

اکبرآقا باخنده بطرف بنفشه رفت که دوباره بامسافر هندی شاخ بشاخ برخورد و مسافر هندی گفت :

— سردار روغنی نشی !

اکبرآقا باعصبانیت یقه او راگرفت و گفت :

— بابادست ورمیداری یانه ، روغن رو بمال لای ریش تابیده‌ات .

ومسافر هندی دوباره گفت :

— سردار ، روغنی نشی !

اکبرآقا کفرش درآمده بود که بنفشه باو رسید ودست او را کشید :

— چیه اکبرآقا چرا بااین هندیه سربسر میذاری ؟

— کی سربسر میذاره ؟ اونه که ول نمی کنه ، هی بمن میگه روغنی نشی ،

مسافر هندی باقهقهه گفت :

— سردار ، روغنی نشی !

روغنی میشود

بنفشه خنده‌اش گرفت وگفت:

—بابا این طفلک فقط همین جمله روبلدم، توبهش گفتی، یادگرفته هی میگه.

اکبرآقا برگشت وبه‌مسافرهندی نگاه کرد وباخنده گفت:

—پس همین جمله روبلدی ؟

ومسافر هندی بازباخنده گفت:

—آقا، روغنی نشی ؟

واکبرآقا باعصبانیت گفت:

—نخیر سردار کاپور، ماحموم کردیم، مواظب خودمون هستیم.

بنفشه او را بزوربردطرف یکی ازنیمکت‌ها ونشست.

اکبرآقا وقتی حالش سرجاآمد، خواست عطر را به بنفشه بدهد که بنفشه یک بسته کادوپیچیده‌شده رابلوداد.

—بیا، یه کادو برات دارم، یه کراوات خوشگل.

اکبرآقا وارفت... باخجالت عطر کادو پیچی‌شده رابلوداد وگفت:

—بازمااومدیم یه کاری بکنیم، خیط کردیم.من برات عطرگرفتم.

بنفشه باخوشحالی کودکانه بسته کادوپیچی شده را از او گرفت وبازش کرد وبعد جیغ کوتاهی کشید واکبرآقا را بوسید وگفت:

—ازکجا میدونستی من فقط از این عطرها میزنم ؟

اکبرآقا گل ازگلش شکفت. بعد کادوی بنفشه را بازکرد که یک کراوات خارجی زیبا درونش بود وبرای اینکه ردگم کند گفت:

—وای... ازکجا میدونستی من همیشه از این کراوات میزنم.

بنفشه باخنده به کراوات‌کردن اکبرآقا خیره شد. اکبرآقا به کراوات گل دارش نگاه کرد و بعد به کراوات کادوئی بنفشه... از زمین تاآسمان فرق داشتند.رویش را بسمت دیگر کرد وگفت:

—به... بازخیط کردیم...

وناگهان هردوزدند زیرخنده که در همین وقت‌دوباره مسافرهندی نزدیک آنها رسید و گفت:

—آقا... روغنی نشی !

اکبرآقا ناگهان ازجابجست وبطرف‌مسافر هندی هجوم آورد وبنفشه جیغ بلندی کشید وهمه‌سرهابطرف اکبرآقا برگشت.

اکبرآقا مثل یک تکه آتش شده بود . سربسر گذاردن مرد هندی سخت از کوره درش کرده بود . با یک حرکت مسافر هندی را بروی دست بلند کرد و خواست بزمین بکوبد که بنفشه با عصبانیت دستش را کشید و اکبرآقا ناگهان پایش دررفت و خودش خورد زمین و بازمین خوردن او ، صدای شکستن شیشه ای بگوش‌رسید . اکبرآقا با عصبانیت دو باره ازجا بلندشد که بازمسافر هندی زد زیرخنده وگفت:

—آقا ،روغنی‌شدی !

اکبرآقا فریادی از خشم کشید که دید همه دارندبه کت‌سفیداونگاه‌می کنند !..

با حیرت به سمت راست کتش نگاه کرد و دید یک دایره روغنی روی کتش بوجود آمده است. آرام دستش را بطرف جیبش برد و تکه های یک بطری را بیرون کشید ... و مرد هندی اینبار با خنده‌ای کشدار گفت :

—آقا ، نگفتم روغنی‌شدی ؟ !

بنفشه با تعجب گفت :

—این روغن هاچیه ... ؟.

و اکبرآقا سرش را پائین انداخت و آرام گفت :

— روغن بریانتین سرمه . این هندی عزیز. باعث شد بشکنه !

بنفشه زد زیر خنده و اکبرآقا هم بعد از لحظه‌ای خنده‌اش گرفت و مسافر هندی و دیگران هم زدند زیر خنده ... و مسافر هندی یک‌دستمال به‌اکبرآقا دادوگفت:

—بگیرآقا، روغن ها رو پاک کن !

سالن شده بود یک پارچه خنده ! ...

« سفرنامه اکبر آقا ادامه دارد »

ساعات تحصیل کارگران

بقیه از صفحه ۲۱

وظیفه هر دستگاهی مشخص است ، امر سوادآموزی کارگران هم به وزارت کار ارجاع شده ، وزارت آموزش وپرورش هم درجریان کار قرار دارد ، هر وزارتخانه ای نمیتواند بدلخواه خود اقدامی بکند . بنابراین ما بوظائف خود آشنائی داریم ودراین مورد هم هرچه ایجاب کند ، به انجام خواهیم رساند . اگر کارخانه شما بخواهد سواد کارگران خود را بالا ببرد ، وزارت کار ممانعتی بعمل نخواهد آورد وادا ره سوادآموزی هم درحد وظائفی که بعهده دارد عمل خواهد کرد .

کارنیک آقا یانس : آیا نیازی هم به مراجعه هست ؟

حبیب اله حسامی : البته مراجعه بفرمائید ، من هم شخصاً اقدام خواهم کرد .

حسینعلی ساوجی نیا (دبیر سندیکا) : باتشکر از مجله رستاخیز کارگران ، سندیکای دوره اول کارگران سیمان سفید دماوند در ۱۹ فروردین ۲۵۳۳ تشکیل شد ، با همه مشکلات و درگیریهائی که وجود داشت ، توانستیم سندیکا را به شماره ۸۷۳ ودرتاریخ ۸ آبان به ثبت برسانیم . این سندیکای نوخاسته ، شاید در آغاز فعالیتی نداشت ، ولی بعداً بتدریج توانست وظائف خود را به انجام برساند وامور مربوط به کارگران در تمامی مراجع حل و فصل کند . مشکلات فعلی ما ، مشکلات درمانی کارگران است چه در گذشته از این جهت وضع بسیار خوبی داشتیم و کارگرانی که احیاناً مبتلا به یکی از بیماریها میشدند ، بسرعت تحت درمان قرارمیگرفتند . متأسفانه وضع فعلی برای ما ایجاد نگرانی کرده وبخصوص برای کسانی که در اطراف کارخانه سکونت دارند ، مشکلات از لحـــاظ غیر قابل حل می نماید . تقاضا میکنیم ترتیبی اتخاذ شود که درمانگاهی دراین محل ایجاد شود ، زیرا غیراز کارخانه ما ، کارخانه‌جات دیگری هم دراین منطقه وجود دارد که دراین باب فصل مشترکی با ما دارند .

در بهمن ماه ۲۵۳۳ با همکری آقایان قائم‌مقامی وآقایانس ، کلاس پیکار با بیسوادی را در کارخانه تأسیس کردیم . برای مدتی سوادآموزی در این کلاسها پیگیری میشد ، ولی ساعاتی که برای تحصیل کارگران دراین کلاسها اختصاص دارد ، کافی نیست . کارگران توقع دارند یکساعت ازوقت کارشان با ساعاتی که خود در این کلاسها صرف می کنند ، تلفیق شود ، تادست آورد حاصل از سوادآموزی بگونه مطلوبتری متجلی شود .

بنا به امر شاهنشاه آریامهر مبنی بر لزوم توسعه مالکیت کارخانه‌ها از سال ۲۵۳۱ کارخانه ، سهامی به کارگران عرضه کرده است که سه ماه ازحقوق هر کارگر را برای خرید سهام دربرمیگیرد . این امر واقعاً درخورستایش وتمجید است ، ولی چون این مبلغ کافی نیست ، بجا خواهد بود که از سوی سازمان گسترش مالکیت صنعتی وامی بکارگران داده شود که در این نهضت اقتصادی سهم بیشتری را خریداری کنند . البته در این مورد مذاکراتی هم صورت گرفته وتصمیماتی نیز اتخاذ شده است ، بطوریکه پرسشنامه های مربوط به این امر توزیع گردیده وتعدادی از کارگران هم آنرا تنظیم کرده وبه مراجع مربوط تسلیم داشته اند . امیدواریم اقداماتی را که برای پیشرفت این سیاست لازم است ، بزودی به مرحله عمل درآورند .

حبیب‌الله حسامی : همانطور که اطلاع دارید ، پیرو اوامری که از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر شرفصدور یافته ، ترتیبی داده‌شده که کارگران درسرمایه ویادر سهام کارخانه‌ها تا ۴۹ درصد سهیم باشند ، به‌نحوی که هر کارگر بتواند حداکثر ۵۰۰ سهام از کارخانه‌ای که در آن کار میکند خریداری نماید . برای رفاه‌حال کارگران بازهم ترتیبی داده‌شده ازسوی شرکت سرمایه گذاری ایران ، بهر کارگرظرف‌سه سال تا ده هزارتومان وام داده‌شود که بتواندسهام خریداری نماید . وازمحل سود سهامی که نصیبش میشود ، بمدت دهسال آنرا بازپرداخت کند .

حال ممکن است کارگری با توجه به امکانات مالی خود ، بخواهد سهام بیشتری خریداری کند . در این مورد بایستی در پرسشنامه های مربوطه پیشنهاد کند وبراساس قراردادی که منعقد میشود ، پول خود را در حسابی که دربانک باز میشود . توزیع وسهم بخرد .

(در این جای آقای حسامی راجع به چگونگی عرضه سهام توضیحات مشروحی به حاضران درمیزگرد داد) .

سید عظیم حسینی (عضو هیأت‌مدیره سندیکا) : با استناد بفرمایشات شاهنشاه‌آریامهر که فرمودند « مهندسین کراواتها را باز کنند و در کارخانجات کار کنند » در اینجا یک سؤال دارم . یک دیپلمه میرود ، کارمند میشود ویک دیپلمه هم کارگر ، چرا بین مزایای یک کارگر و کارمند اینهمه اختلاف هست ؟ مثلا یک کارمند سالانه یکماه مرخصی دارد ، یک کارگر ۱۲ روز . همچنین در تعطیلات عمومی چرا این دو سهم مساوی ندارند ؟ اگر تعطیل مذهبی است ، کـــارگـــر هـــم مسلمـــان اســـت ، اگـــر ملـــی اســـت ، کـــارگـــر ایرانی است و هم به ملیت خود دلبستگی دارد . این تفاوت برای چیست ؟ ! البته به عرض برسانم که کارگر کارخانه ما سالانه از ۱۵ روزمرخصی استفاده می کنند .

یکی دیگر اینکه شرط سن بازنشستگی پرداخت ۳۰ سال حق بیمه است ، بااینکه سن کارگری زود شروع میشود ، باوجودی که ۳۰ سال حق بیمه پرداخته باشد ، چرا نباید به بازنشستگی نائل آید ؟ !

حسین جعفری : درتمام موارد ، بخصوص در موارد درمان کارخانه ، همواره بکارگران توجه داشته و دارد ، ازآنجائیکه این کارخانه بیش ازسایر کارخانه‌ها ، کارگرانش درمعرض خطر هستند ، خواستم استدعا کنم ازسوی وزارت کار درمورد اعطای شیر بکارگران توجه بیشتری بعمل آید .

حبیب‌الله حسامی : در مورد سئوال آقای حسینی ، اگر منظورشان کارمندان دولت و کارگران است ، همانطور که خودشان اشاره کردند ، هر کدام از این دسته‌ها از یک قانون خاص پیروی می کنند . وقتی امری قانونی باشد ، نمیتوان گفت تبعیض در بین است ، بلکه قوانین است که تدوین و اجرا شده ولی باید تمام کارگران عزیزتوجه داشته باشند ، بین کاربدنی و کارمغزی تفاوت بسیار وجود دارد . شاید از لحاظ مرخصی هم اگر تفاوتی هست ، زائیده همین امر باشد . کارهای مغزی کارهائی هستند که برای انجام آن مطالعات کافی وبرنامه ریزی لازم است ، ولی کاری که درصنف ویا کارگاه انجام میشود ، کارتولیدی است . کارتولیدی همانطور که ازاسمش پیداست ، کاری است که سرمایه رابگردش درمیآورد . دریک معنای کلی آنچه باعث رفاه وعظمت کشور میشود ، همین کار تولیدی است . برای آنکه مطلب روشن شود ، با یک مثال ساده موضوع رابیان می کنیم . اگر در یک کارخانه اتومبیل سازی که ۵۰۰ دستگاه تولید روزانه آن است ودرآمدش متوجه مملکت و رونق صنعت میگردد ، قرارباشد هر ماه چند روز تعطیل شود ، زیان حاصل ازآن چه مبلغی میشود ؟ شما بخوبی میتوانید حدس بزنید که با کم شدن تولید و کاهش درآمد چه زیانی متوجه خود صنعت و دریک معنای کلی درآمد مملکت خواهد شد . بخصوص در مورد صادرات کشور که علاوه برجنبه‌های اقتصادی ، واجد جنبه‌های معنوی نیز هست . بنابراین بایستی قبول کنیم تعطیلات ومرخصی مندرج در قانون کار باتوجه به وضع صنعتی مملکت و همه جوانب کار تدوین و تصویب شده‌است .

درمورد کارمندان دولت که اشاره کردید مرخصی آنها یک ماه مقرر شده ، علاوه براینکه یک امر قانونی است ، توجه میفرمائید که ضرر آن به اندازه زیانی که مرتب بر تعطیل کار-گاهها میشود ، نیست و میتوان در روزهای بعد جبران مافات را کرد . بهر تقدیر وقتی قانون تصویب شد ، نمیتوان به آن ایراد گرفت وهر کسی باید تکلیف خودش رابداند .

عزت‌الله تقی بخش (رئیس هیات مدیره سندیکا) : از آقای حسامی خواهش میکنم راجع بمرخصی بدون حقوق و چگونگی استفاده ازآن توضیحاتی بفرمایند .

حبیب‌الله حسامی : توافق بین کارگر و کارفرما اصل است چه درقانون پیش بینی نشده است که دراین مورد چه توافقهائی صورت بگیرد ، ولی اگر بخواهید از قانون استخدام کشوری دراین مورد استفاده کنید ، درطول مدتی که کارمند درمرخصی است حقوقی به او تعلق نخواهد گرفت ، زیرا رابطه قطع میشود و در صورتیکه رابطه کارمند و دولت قطع شود ، حقی به او تعلق نخواهد گرفت .

دراین میزگرد ، نماینده سازمان تأمین خدمات درمانی بعلت اشتغالاتی که داشت نتوانست حضوریابد ، لذا ، دریک نشست دیگرمسائل و مشکلات کارگران عزیز کارخانه سیمان سفید دماوند را باایشان مطرح کردیم . این است خلاصه‌ای از آنچه درباره پرسش های مطرح شده دراین میزگرد گفته‌اند : قانون تامین خدمات درمانی یکی از مترقی‌ترین قوانین است که شاید در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان هم نظیر نداشته باشد . منتهی چون در آغاز کار هستیم ، لاجرم نارسائیهائی هم در کارمان وجود خواهد داشت که بزودی چاره‌جوئی خواهد شد .

هم اکنون بسیاری از پزشکان ایرانی تحصیل کرده خارج ، اعلام همکاری با سازمان کرده‌اند که از وجود آنها که واجد شرایط باشند ، استفاده می کنیم ، بیمارستانهای دولتی را نیز دراختیار گرفته‌ایم ، بنابراین اگر قرارداد کارخانه سیمان سفید دماوند با پزشکان و متخصصان طرف قرارداد تمام شده ، و سیستم درمانی سابق آنها منقضی شده است ، انشاءالله بزودی ازامکانات بهتر و بیشتری سود خواهند برد ، که امیدواریم نمراتش از سیستم سابق بهتر باشد . اگر در گذشته دوستان کارگر میتوانستند فقط به ۵ ، پزشک متخصص مراجعه کنند ، بر طبق تصمیماتی که گرفته شده ، هم اکنون بیش از ۲۸۵۰ پزشک متخصص و عمومی دراختیارآنها است ، که به میل خود میتوانند پزشک مورد اعتماد خود را انتخاب و بهر یک از آنها که مایلند مراجعه کنند .

اما در مورد اینکه گفته‌اند . در سیستم درمانی سابق خودشان ، از نظر مراجعه به پزشکان هیچگونه فرقی بین مهندس و کارگر نبوده . بطوریکه هم اکنون نیز شرایط چنین است و همه بطور یکسان میتوانند از خدمات درمانی استفاده کنند . راجع به دفترچه‌های خدمات درمانی نیز لازم میدانم متذکر شوم که با توجه به کمبود عوامل چاپخانه سرعت بیش از این برای سازمان مقدور نیست ، آیا میشود یک مرتبه بفاصله چندماه ، ۳ میلیون جلد دفترچه بیمه چاپ کرد ، شماهمین مشکل چاپخانه را ببینید ، مضافا به اینکه کمبود نیروی انسانی در زمینه های دیگر نیز بهمین کیفیت موجود است .

بهر جهت ، من امیدوارم و اطمینان دارم با پیاده شدن تمام برنامه های سازمان خدمات درمانی ، وضع مردم ، خصوصاً کارگران نه تنها از گذشته بهتر خواهد شد ، بلکه سیستم درمانی ما در ردیف بهترین و پیشرفته ترین کشورهای جهان قرارخواهد گرفت .

زندگی خوش تر ، درسایه

بقیه ازصفحه ۳۴

راه‌آهنی ازخط خارج میگردد ، اتوبوسی بداخل دره سرازیرمیشود یا کشتی درمیان اقیانوس باتش کشیده میشود وموارد زیادی نظیر آن عده تلف شده‌ها بسیار میشود وجمع زیادی در زمان واحدی اززنده‌ماندن محروم میگردند . پس همانطور که عمر اینگونه وسایل نقلیه را درشرکتهای بیمه تامین و تضمین میکنند تا صاحبان آنها بسبب ازدست‌رفتن سرمایه هایشان و شکست نشوند دلیلی ندارد که سرنشینان وسایل مذکور درحوادثی که گفته‌شد جان خود را ازدست میدهند شالوده خانه و خانوادشان ازهم‌گسیخته نگردد .

سقوط هواپیمای مسافری در اقیانوس اطلس

بارها شنیده و در جراید خوانده‌ایم که هواپیمای مسافربری وابسته بفلان شرکت‌هوائی بهنگام نشستن یا برخاستن یا ضمن پرواز آتش گرفته یا سقوط کرده‌تباه باعده زیادی ازمسافران آن کشته یا مجروح شده‌اند . معمولا درچنین مواقعی خون کشته‌شده‌ها با خودشان است و هیچ کسی از این بابت خود را مسؤول نمیداند . باین ترتیب زهی تاسف برافرادی که درچنین حوادثی ازمیان میروند وبدتر ازهمه افسوس فراوان برای بازماندگان واطفال بی‌گناه کشته‌شده‌ها که هواپیما سوار نشده به‌آینده‌ای نامعلوم و پرمشقتی محکوم میشوند .

ممکن است کسی بگوید که چه لزومی دارد آدم با سوارشدن هواپیما یا کشتی و اتوبوس جان و زندگی خود را بخطر اندازد ؟ ! اما این مطلب هم بدیهی است که درعصرحاضر نمیتوان چنین حرفی را بذیرفت وبا وجود وسایل نقلیه سریع السیری چون هواپیما- کشتی ، اتوبوس و قطار راه‌آهن آدم عاقل سوار اسب یا شتر شود . ازطرفی آدم لازم نیست که حتماً براثر سقوط هواپیما یا پرت‌شدن قطار و اتوبوس کشته شود . یک سکته‌قلبی یا هر اتفاق دیگری کافی است که جان‌آدم را بگیرد . مسئله برسر این است که بعداز مرگ خانواده آدم بی رزق وروزی نماند و بچه‌ها از درس و مدرسه باز نمانند و راهی کوچه و خیابان نشوند و سعادتشان بخطر نیافتد . ازهمین‌رو بیمه عمر وحوادث و از کارافتادگی جلوی عواقب بدناشی ازاینگونه حوادث رامیگیرد .

پرسشی که در اینجا مطرح میشود اینستکه آیا از این‌بابت میان افرادیکه درشرکت‌تعاونی بیمه متقابل عضو میشوند با آنها که درچنین مؤسسات تعاونی عضویت ندارند هیچ تفاوتی ندارد ؟

مسلماً اعضای شرکت‌تعاونی بیمه ازامنیت بیشتری برخوردار خواهند بود و درصورتی که دچارچنان وضعی شوند خانواده و بازماندگان نزد یکشان سر معاش وسیله ادامه زندگی را ازدست نخواهند داد .

« ادامه دارد »

با کوله باری از نور و امید...

بقیه از صفحه ۴

فقط لبهایم را گزیدم وچهره‌ام درهم رفت. امیر گفت: «ناراحت نشو، دوماه که چیزی نیست، مثل برق میگذره وتاچشم به هم بزنی، دومرتبه اینجا روبروهم نشسته ایم...»

بغض به گلویم فشار می آورد. امیر مثل نوری که دراتاق تاریکی بتابد، رؤیای شیرینی بمن داده بود واکنون باسافرت او حتی اگر دوماه بیشتر طول نمیکشید، رویایم را ازدست میدادم.

گفت: «داری گریه میکنی مینا؟»

گفتم: «نه، من به بدبختی عادت دارم... وهیچ وقت هم از زندگی توقع بیشتری نداشتم.»

گفت: «من نمیدونم تو چه چیزرو بدبختی میدونی؟ شاید از اینکه مجبوری کارکنی ناراحتی... ولی این را بدان نصف احترامی که من به تودارم، فقط برای اینه که زندگی‌رو میشناسی، وهمیشه روی پای خودت وایستادی. پس اسم این کار بدبختی نیست.»

گفتم: «یعنی میخوای بگی بین یک دختر کارگر و یک دختر از طبقه بالاتر، هیچ فرقی نیست؟ اون دخترا دوست داشتنی ترنیستند؟»

گفت: «ازنظر من نه. چون من بشخصیت زن بیشتر از هرچیزی اهمیت میدم وزنی که زندگی رو بشناسه شخصیتش قوی‌تر از زنیه که همین‌جوری زندگی کرده باشه»

برای اینکه جلوی ریزش اشکهایم را بگیرم، به طرف دستشوئی دویدم. هیچ چاره‌ای جز سکوت نداشتم وباید آنچه را در درونم میگذشت، از امیر پنهان میکردم. من فقط روزی میتوانستم در برابر امیر خودم باشم که اوهم نقاب از روی افکارش برمیداشت وآنچه که در مورد من فکر میکرد با من درمیان میگذاشت. رؤیای ازدواج با امیر گرفتن دسته کالسکه بچه، ورفتن به خرید، رؤیای زیبایی بود، ولی درصورتی که آن مرد محبوب در خواستگاری ازمن پیشقدم میشد.

ولی باهمه این حرفها، روزی که امیر دستم را برای خداحافظی فشارمیداد، صدایی در درونم فریاد می کشید «همچیز روبه او بگو، اعتراف کن دوستش داری ومنتظرش میمانی..»

وبرای خاموش کردن آن صدا بود که به اشک‌هایم اجازه دادم برای اولین بار جلوی چشمان غمگین امیر سرازیر شوند، وهیچ اعترافی صریح‌تر وآشکارتر از آن اشک‌ها نمیتوانست باشد.

بعدا رفتن امیر، دومرتبه احساس خستگی از کار در درونم بیدارشدودومرتبه همان حالت ماشینی سابق را پیدا کردم، اما درگوشه‌ای از قلبم چراغی کور سوميزد وصدای بود که از آینده بامن حرف میزد. به هرحال امیر بعداز مدت کوتاهی برمی‌گشت وشاید من واو باهم می‌توانستیم روزی به آن رؤیا جامه عمل بپوشانیم. رؤیای یک زندگی مشترک صمیمی، خانه‌ای که از آن بوی زن خانه بیاید وبچه‌ای که در کالسکه گریه کند...

امایکروزاین امید راهم ازدست دادم، آن هم بادردناکترین نوع آن... آن روز باز دخترهایی که بامن کار میکردند، صحبت از این وآن را شروع کرده بودند وگوش‌های خسته من بی اختیارحرف‌های آن‌ها را می‌شنید. اول مدتی ازجوانی به نام محمود که درقسمت دیگر کارمیکرد، ازعشقی که نسبت به یکی از دخترهای کارگر پیدا کرده بود، ازفرارآن دختر از عشق، از خودکشی محمود وسرو صدای حاصل از آن خودکشی که خوشبختانه به مرگ نیانجامیده بود حرف زدند بعد صحبت را به پیرمرد کارگری که چند روزپیش، بعداز دعوا با رئیس قسمت سکته کرده بود، کشاندند ودر دنباله آن دختراولی که همان سیما بود، به پریوش گفت:

«— ببینم، تومیدونستی رئیس حسابداری زن داره؟»

«— رئیس حسابداری، آقای «ج» رومیگی؟»

«— آره،آقا رفته فرنگ‌زنش روبیاره. واقعاً که عجب دنیائیه. از قیافه‌اش اصلا معلوم نبود زن داره.»

«— مگه آدم‌هایی که زن دارن شکل خاصی دارن؟»

«— نه‌ولی یک حلقه تو دستشونه.»

«— خوب که‌حالا رفته زنش روبیاره.... تو از کجا فهمیدی؟

«— میدونی، من بایکی از دوست‌های صمیمی اون دوستم. اون دیروز بهم گفت. خیلی هم بمجوری گفت. آخه اون میدونست که من از دوستش خیلی خوشم میاد.»

سقف کارخانه درحال پائین آمدن بود. روده‌هایم به‌هم میپیچید. بالا میرفت وپائین میامد. دیگر نمیتوانستم کارکنم. نمیتوانستم نفس بکشم. ویکدفعه از جای بلندی سقوط کرده بودم.

آن شب طویل‌ترین، تاریکترین، و اندوهناکترین شب زندگی من بود ستاره‌ای که برای مدت کوتاهی زندگیم را روشن کرده بود بناگاه افول کرد.

من دیگر موجودیتی نداشتم و در تاریکی مطلق دست وپا میزدم. صبح وقتی درآینه بخودم نگاه می کردم، درحالت بهت زدگی به تصویر دختر رنگ پریده‌ای که در آینه نشسته بود گفتم: «مینا، دیگر باید با عشق و امید خداحافظی کنی. امیر رفت. دیروز مرد وتو هم او را به خاک سپرده‌ای. حالا تو عزاداری و تاآخر عمر هم عزادار باقی خواهی ماند» چون به بستر میرفتم، واقعاً حالت کسی را داشتم که عزیزترین عزیز خود را ازدست داده و به عزایی ابدی تن درداده است.

روز ها و هفته ها و ماه ها معمولا با سرعت میگذرند. زمان سفرامیر هم سرانجام تمام شد و یک روز همانطور که روی ماشین خم شده بودم، صدایش را شنیدم که میگفت — «سلام مینا..»

تکانی سخت مرا لرزاند. اما قبل ازآن که آن لرزش ظاهر شود، برخودم مسلط شدم. سر بلند کردم وباحالت کسی که به سلام غریبه ای پاسخ میدهد گفتم:

— «سلام آقای «ج»»

وبعد سرم را دومرتبه پائین انداختم.

با صدای آهسته‌ای گفت: «مینا، مگرمنو نشناختی» دومرتبه سرم را بلند کردم وگفتم.

— «خواهش می کنم اگر فرمایشی دارین بفرمائین»

ابروهایش را کمی درهم کشید وگفت: «حتماً دیوونه شدی. امشب منتظرم باش تا با هم حرف بزنیم.»

بعد باسرعت از در بیرون رفت.

قلبم تند تند می تپید وازعشق فریاد میکشید اما پایم را به روی آن فشار میدادم و با خشونت میگفتم:

— «دیگر حق نداری گول او رو بخوری. معلوم میشه یک زن براش کافی نیست... چون هنوز از راه نرسیده، با زاومده سراغ تو...»

بانفرت به خانه برگشتم. مادر که در را به رویم باز کرده بود با حیرت پرسید: «چی شده مینا» گفتم «هیچی مادر... هیچی...»

و بدون آنکه به او نگاه کنم به طرف اتاقم دویدم. چمدانم را برداشتم. چند دست لباس در آن ریختم ودرحالی که جلوی چشمان بهت زده مادرم چمدان‌بدست ازاتاق بیرون میرفتم، گفتم:

—«مادر من چندروز بایکی ازدوستهام می‌رم زیارت. نمیدونم کی برمیگردم. اما تورو به خدا دلت واسم شور نزنه. چون بالاخره بر-میگردم.»

وقبل ازاینکه حرف دیگری از او بشنوم در خیابان بودم. قلبم مثل اسفنج به‌هم فشرده شده بود وحتی یک اشک‌هم به چشمانم نمی‌آمد. اما یک ساعت بعد، وقتی در کوپه‌ترنی که به‌طرف قم میرفت باخودم تنها ماندم، سیل اشک ازچشمانم سرازیر شد. ستاره‌ها درآسمان چشمک میزدند وشب ازراه میرسید. این ساعت معمولا همان ساعتی بود که امیردر وعده‌گاه انتظارم را میکشید. اما انتظار امشب او کاملا بیهوده بود چون من دیگر هرگز به‌آن وعده‌گاه نمیرفتم....

آدم‌هایی که فکرمیکنند بارفتن به‌سفر میتوانند ازآنچه آزارشان میدهد فاصله بگیرند، کاملا دراشتباهند. چون انسان تنها ازخودش عذاب میکشدوچون درهمه جا باخود تنهاست به هیچ گریزی نمیتواند دست بیابد...و سفرازاو دردی دوا نمیکند، همچنان که از من. نکردو روزی که ازقم به تهران بازمیگشتم، ازروزی که از تهران به‌قم رفته بودم، غمگین‌تر وار دست رفته‌تر بودم تنگ غروب بود که‌بسر کوچه منزلمان رسیدم. ازتاکسی پیاده شدم. چمدانم را به‌زمین گذاشتمو پول تاکسی را دادم. نفس بلندی کشیدمو دومرتبه چمدانم را برداشتمو به‌راه افتادم. اما تازه از این طرف جوی به‌آن طرف پریده بودم که یک مرتبه سایه‌ای رودررویم روی کف خیابان افتاد و صدای آشنائی زیرگوشم گفت:

—«سلام مینا، سفرخوش گذشت؟»

سرم را بلند کردم. امیر باچشم‌های گود افتادهو ته‌ریشی که چهره‌اش را از آنچه بود مسن‌ترنشان میداد، روبرویم ایستاده بود.

گفتم: «سلام...» و براه افتادم. دنبالم آمد. سر کوچه بازویم را گرفتو کشیدو گفت:

—«ممکنه بمن بگی چرا بامن این‌طور میکنی؟.. نکنه بامرد دیگری آشنا شدی؟»

ایستادم. چمدانم را به‌زمین گذاشتم و گفتم:

—«از حرف‌زدن با من نمی ترسی؟»

اخم‌هایش را درهم کشیدوگفت:

—«نکنه دیوونه شدی مینا؟ واسه‌چی باید بترسم؟» پوزخندی زدم وگفتم:

—«خودت روبه کوچه علی‌چپ نزن امیر. بالاخره مردهای زن‌دار باید کمی احتیاط کنند. میدونی که این روزا قانون عوض شده و جرم مردای زندار خیلی زیاد شده» یکدفعه هر دو دستش را روی شانه من گذاشت، آن را با شدت تکان دادوگفت:

—«خدای من کی به توگفت من زن‌دارم.. دیوونه من رفتم اروپا دوتا حلقه خریدم. باخودم فکر کردم تو که همیشه از بدبختی دم میزنی، باید حلقه عروسیت ازهمه دخترا قشنگ‌تر باشه. نیگاکن حلقه‌ها را. توی جیب کتم.. فقط خدا میدونه این یک هفته که تونبودی چی کشیدم. هزار فکر وخیال کردم، ولی دیگه عقلم به این یکی نمیرسید. زودباش بگو ببینم، این حرف رو از کی شنیدی؟» سرم گیج میرفت. آدم هایی را که میامدند و میرفتند نمیدیدم. یا میدیدم و دیگر به قضاوتشان اهمیتی نمیدادم. زیرلب گفتم:

—«دوستت.. اون دوست صمیمیت رومیگم، اون موضوع روبه سیما گفته بود. سیمارو که میشناسی. اون دختره موطلایی رو که بامن کار میکنه میگم. اون داشت با پریوش درد دل میکرد که من حرفهاشو شنیدم. دوستت به او گفته بود تو رفتی اروپا زنت روبیاری.. فقط خدا میدونه وقتی این حرف‌رو شنیدم چه حالی پیدا کردم. دنیا یک دفعه روی سرم خراب شد. هزاربار مردم وزنده شدم، وهنوز می میرم وزنده میشم...

امیر یک دفعه خندید و به دنبال آن چهرهٔ بی نورش روشن شدوگفت:

—«آه، حالا موضوع رو فهمیدم. این دختره سیما خیلی وقته دوروبر من میچرخه. تا وقتی که تورو ندیده بودم، یک مقدا ردستش میانداختم. چون من ازدخترای جلف خیلی بدم میاد. اما از وقتی که تو اومدی تصمیم گرفتم آب پاکی را روی دستش بریزم، چون دیگه واقعاً هم داشت علجزم میکرد و همه‌اش هم میترسیدم یک کاری کنه که ذهن تورو نسبت به من خراب کنه. وقتی داشتم میرفتم، از ناصر خواهش کردم هر وقت او را میبینه بهش بگه من رفتم زنم‌رو بیارم، تا بلکه ولم کنه و بره پی کارش... و دروغ هم نمیگفتم.. چون من بانیت عروسی با تو به آروپا رفتم. دلیلم هم همین حلقه هاییه که خریدم.» وبعد خم شد، چمدان مرا از روی زمین برداشت وگفت:

—«عزیزم، واسه این که خیالت‌رو به کلی راحت کنم، همین حالا میام پیش مادرت خواستگاری وبله برون رو تموم میکنم.. اما شرطش اینه که تو هم الان بله‌رو به من بگی» و من به جای جواب فقط گریه کردم.. و درحالی که اشک‌هایم روی گونه‌هایم میریخت درطول کوچه در کنار مردی که با یک سبد رؤیا از مسافرت آمده بود، به راه افتادم.

حماسهٔ سنگتراش ها

بقیه از صفحه ۵

نداشت، این حرفه هم بطور کامل ازبین برود. چون اگرچه الان ماشین های سنگتراشی با سرعت بیشتر و حتی بهتر از دست سنگتراش صنعتی می دهند، ولی برای ایجاد حس های گوناگونی بر روی سنگ ها، دردست چیز دیگری است. چنانکه می‌بینیم در کشورهای دیگر هم برای هنر و صنعت اصیل و سنتی خود ارزش قائل هستند ومانع ازبین رفتن کامل آن می‌شوند.

سنگتراشان، ورمز نقوش

ازقرون گذشته، که حرفه سنگتراشی رونق چشمگیر داشت. و همانطور که در بالا آمد، سنگتراشی از حرفه های مهم بشمار می‌رفت. نقش های گوناگونی که بر روی سنگ ها بوجود می‌آمد، بی حساب و بدون منظور نبود. چنانکه نقوش مختلف حجاریهای تخت جمشید، و دیگر آثار باستانی که برجای مانده است نشانگر علائمی است که بر پرچم های آن سلسله ها بوده‌است، ویا سمبل هائی که ازآن‌زمان قدرت وعظمت رانشان می داده‌است...

این را هم میدانیم که دربین سنگتراشان تاریخ، مشهورترین آنها، فرهاد بوده است، که دلباخته شیرین، دختر زیبای مسیحی شده. وگرچه‌بدستور خسرو تیشه‌اش را با سنگ های کوه آشنا می‌ساخت تا جوئی برای عبور شیر بسازد که لیلی درحوضی ازشیر استحمام کند، اما نظامی شاعر معروف ایرانی، ازاین واقعه داستان زیبائی ساخته و ازعشق فرهاد وشیرین، حماسه یی بی‌مانند بوجود آورده است، که هنوز هم داستان عشق فرهاد کوهکن و شیرین سخن ها برسر زبان هاست، ونمایشنامه ها نوشته شده و فیلم تهیه گردیده و باله و اپرا بروی صحنه می‌آید...

عده‌یی معتقدند بعضی ازسنگتراشان جوان درقرون گذشته وقتی عاشق دختری می‌شدند، می کوشیدند نقش آن دختر را برسنگ بوجود آورند، تا بدینوسیله عشق خود را به معشوقه به ثبوت رسانند....

ازیک دستگاه **بادی شیپر** ساخت امریکا

تمام افراد خانواده

میتوانند برای لاغری سریع وزیبائی وتناسب اندام خود استفاده وطراوت وشادابی خود را حفظ نمایند

قبل

وزن ۵۶/۵ کیلو	وزن ۵۸ کیلو	وزن ۹۶/۵ کیلو
دورکمر ۶۶/۵ سانتیمتر	دور کمر ۷۳ سانتیمتر	دور کمر ۱۱۳ سانتیمتر
دورباسن ۹۰ سانتیمتر	دورباسن ۹۵ سانتیمتر	دورباسن ۱۰۹ سانتیمتر

بعداز۱۴روز

وزن ۵۰ کیلو	وزن ۵۳ کیلو	وزن ۹۲/۵ کیلو
دورکمر ۶۲/۵ سانتیمتر	دور کمر ۶۶ سانتیمتر	دور کمر ۱۰۲ سانتیمتر
دورباسن ۸۶ سانتیمتر	دورباسن ۹۱ سانتیمتر	دورباس ۱۰۱ سانتیمتر

WEIDER BUILDS BEAUTIFUL BODIES

«ویدر» اندام زیبا میآفریند

تضمین

ما تضمین میکنیم که شمابتوانید درمدت ۱۴روز از ۲/۵ تا ۷ کیلو ازوزن و ۵ تا ۱۴ سانتیمتر از اندازه دورکمرخود بکاهید. درغیر اینصورت ماتمام پول شما را که برای خرید بادی شیپر پرداخته اید بشما مسترد خواهیم داشت. ما تضمین میکنیم زیرا که نتایج کار این وسیله شگفت انگیز اعتقاد داریم.

شماره ثبت احتراع در اداره ثبت اختراعات و علائم بازرگانی ایران ۱۳۴۷۱

در موقع خرید به عکس و علامت روی جعبه توجه کنید

عروس درکلیه داروخانه ها، دراگ استورها، فروشگاههای لوازم ورزشی سراسر کشور

نماینده انحصاری و مرکز پخش در ایران **شرکت مهکاش** صندوق پستی ۱۴/۱۵۷۲ تهران

ودوزندگان لباسهائی که بتن داریم بقیه از صفحه ۱۷

خیاطی آموزش میدیدم و درواقع ساعاتی را که مدرسه نبودم، صرف کار دوزندگی میکردم. بعد از پایان دوره سیکل، به ایتالیا رفتم و در آنجا یک دوره خیاطی دیدم. اکنون هم باوجود کار زیاد هرگز از بررسی و مطالعه بروی آخرین دگرگونی های مد فارغ نمیشوم.»

از یکماه ونیم به عید مانده کار خیاطها چند برابر میشود. از اینموقع، بیشتر خیاطها که حدود ۹ ساعت در شبانه روز کار میکنند، ولی از اوائل اسفند این مدت افزایش می‌یابد، و کارگران از اضافه کار بیشتری بهره می‌گیرند. اما همین هجوم مردم درماههای بهمن و اسفند به دوزندگی‌ها، موجب خستگی کارگران دوزنده‌می‌شود، واستادکاران هم به دردسر می افتند. بهمین جهت هم هست که صاحبان کارگاههای دوزندگی همیشه به مشتریان خود توصیه می کنند، سعی کنند لباس عیدشان را زودتر سفارش دهند، تاهم بافرصت و دقت بیشتری دوخته شود، وهم در تاریخی که معین میشود لباسشان آماده گردد.

پائیز وزمستان کار دوزندگان بیش از تابستان رواج دارد. تابستانها در واقع زمان استراحت خیاطهاست. هرچند در این فصل هم کارآنها رواجی نسبی دارد، اما به مراتب از دیگرفصول کمتراست.

بوتیک‌ها از دیگر رقبای دوزندگی ها بشمار میروند.

در یک بوتیک انواع لباس‌رو ولباس‌زیر عرضه میشود. هرچند بوتیک‌ها به دوزندگان نیاز فراوانی دارند، اما چون صاحبان آنها، دوزندگان ویژه‌ای را دراختیار دارند، خواهی نخواهی بین آنها ودوزندگی‌ها رقابتی بوجود می‌آید.

پوشاک عرضه شده در بوتیک‌ها،گاه ممکنست تاچند برابر بهای اصلی بفروش برسد، اما خیلی از مشتریان این بوتیک‌ها جوانانی از خانواده‌های پولدارهستند که بدون توجه به این گرانی، خرید ازبوتیک را برای خود نوعی افتخارمیدانند!

محمد کوثری، یک کارگر خیاط است. او ۳۲ سال از سنش میگذرد. دارای همسر و دو فرزند است. روزانه ۵۰۰ ریال دستمزد میگیرد وقتی از او درباره معنی مثل معروف« خیاط در کوزه افتاد» را سؤال میکنم، لبخندی میزند و میگوید. من بارها این مثل را شنیده‌ام، اما معنی آنرانمی دانم!

این کارگر در باره وضع خودش میگوید: «ما کارگران خیاط بیش از هرچیز در کارمان چشممان را بکار می‌گیریم اینست که بیشتر خیاطها بعد از چند سال، دچار ضعف بینائی میشوند.

با توجه باین حقیقت، درگذشته که مسئله بیمه مطرح نبود، مجبور بودیم درجوانی بیش از حد مقرر کار کنیم تا پس‌انداز کافی برای روزهای پیری داشته باشیم. اما فکرمیکنم کار تمیزو شسته رفته‌ای دارم ومیتوانم به آینده آن اعتماد کنم.»

عبداله فرقانی که درهمین کارگاه به کار مشغول‌است، بیش ازچهارسال سابقه کاردارد. او روزانه ۳۵۰ ریال مزد میگیرد و چندسال سال‌جوانتراز محمد کوثری‌است.

عبداله میگوید: من معنی مثال«خیاط در کوزه افتاد» را میدانم. این مثال برای توجیه وضع افرادی بکارمیرود که کاری را که همیشه بسر دیگران می آورند، این باربسرخودشان آمده باشد.حال ممکن است این کارخوب باشد، یا بد.

او سپس می افزاید: ما خیاطها بیش از دیگر اصناف بامردم درگیری داریم. چون بیشتر افراد در باره سرو وضع خودشان حساسیت دارند. اینست که در موقع «پرو» آنقدر اشکال تراشی میکنند تاحوصله دوزنده را بسر میبرند. اما چه میشود کرد، بهرحال باید ساخت تا امکان زندگی میسرشود.»

دستمزد دوخت کت‌وشلوار، بسته به کیفیت هنر دوزنده،سابقه او وهمچنین محل کارش متغیر است. درهمین تهران کارگردوزنده‌یی هست، که روزانه ۱۲۰۰ ریال دستمزد می گیرد، و بیش از۸ ساعت هم کارنمی کند.

معمولا خیاطخانه های جنوب تهران و حومه پایتخت نسبت به آنها که در شمال شهر مغازه‌دارند، اجرت کمتری میگیرند.

بطور کلی اجرت دوخت یک دست‌لباس در حال حاضر بین ۱۵۰۰ تا ۷۰۰۰ ریال درنوسان است.

در خیابان‌های لاله‌زار،لاله زارنو، قسمتی ازسعدی، شاه‌آباد و فردوسی، بیش از دیگر نقاط شهر با تابلوی دوزندگی ها روبرو می‌شویم. تنها درطول خیابان لاله‌زار، بیش از ۲۰۰ دوزندگی وجود دارد.

تا ده — دوازده سال پیش، جوانانی که طالب مدهای جدید بودند، کار دوزندگان لاله‌زار را بر سایر خیاط‌های تهرانی ترجیح میدادند، اما امروز با رواج بوتیک‌ها، پیروان مد کمتر به دوزندگی‌های واقع در خیابان لاله‌زارمراجعه میکنند، خصوصاً که بعضی از دوزندگی‌های لاله‌زار، به علت شلوغی این خیابان و مشکل پارکینگ که برای مشتریان آنها وجود دارد، سرقفلی محل کارشان را فروخته، و به خیابان‌های خلوت شمال شهر نقل‌مکان کرده‌اند.

دوزندگی های‌خانگی

در محله‌های مختلف تهران، عده‌یی دوزنده هستند که در خانه خودشان کار می کنند. هرچند تعداداین گونه دوزندگان که تنها به دوختن لباسهای زنانه میپردازند معلوم نیست، اما تقریباً میتوان گفت که درهرمحله‌ای یک خیاطی خانگی وجود دارد، که چون‌مثل کارگاهها خیاطی هزینه سرقفلی و برق و آب ندارند، دستمزدی که بابت دوخت لباس زنانه می گیرند، بمراتب کمتر ازدوزندگی های رسمی است. این دوزنده‌های زن، معمولا پس ازطی یک دوره کلاسهای خیاطی به کار مشغول شده‌اند.

آموزشگاههای‌خیاطی

هم اکنون تعداد زیادی آموزشگاهها خیاطی درتهران‌وجود دارد که دراین کلاسها برش ودوخت انواع لباس های زنانه با قدهای گوناگون، در طی یکسال و گاهی کمتر به هنرآموزان یاد داده‌میشود. نکته جالب اینکه در برخی از شهرهای ایران، وحتی درمحله‌های قدیمی تهران، دوزندگانی هستند که هنوز هم همان لباسهای سنتی را میدوزند، یعنی پیراهن های‌ساده یقه گرد، باآستین بلند.

لباسهای جیر، پلاستیکی، چرمی ونایلونی هم ازچند سال پیش درایران رواج یافته است که البته اینگونه لباسها بیشتر در زمستان مورد استفاده‌قرارمیگیرد.

لباسهای چرمی، نایلونی و پلاستیکی بیشتر شامل بارانی وگاه زیر پوشهای زنانه است. این لباسها معمولا بصورت دوخته شده از خارج وارد میشود، یا در کارخانه های لباس دوزی ایران تهیه میگردد.

کارخانه های‌لباس دوزی

در چند سال اخیر، چند کارخانه لباس‌دوزی درایران تأسیس شده است، که مانند اروپا وآمریکا، در هر روز هزاران دست لباس دوخته، تولید این کارخانه‌هاست. اخیراً دراین زمینه باز هم سرمایه گذاری شده و شش واحد تولیدی لباس درشش نقطه کشور، یعنی تهران، زاهدان، خرم‌آباد، ایلام، گنبد—کاوس وسنندج ایجاد گردیده است. تأسیس این کارخانه‌ها باعث‌می‌شود که حرفه دوزندگی درایران دگرگونی چشمگیری را درپی داشته باشد. چه آنکه کم کم دستمزد دوخت لباسهائی که با دست‌دوخته می‌شود، افزایش خواهد یافت، و لباس های ماشینی ارزان‌تر به بازارعرضه خواهد شد. لباسهای تولیدی این واحدها با توجه به موقعیت اجتماعی، وضع صنفی، دشواری‌های کار و نیازهای افراد هر حرفه وصنف دوخته میشود. ازاین گذشته، وضع و کیفیت گوناگون وآداب و رسوم مردم هرمنطقه دردوختن این لباسها مورد نظرمیباشد.

این کارخانه‌ها، محصولات خود را در اندازه‌ها، و به اصطلاح در«سایز»های مختلف عرضه می کنند. میزان تولید هرکدام از این واحدها به هزاردست در هر روزمیرسد ومجموع تولیدسالیانه همه آنها، نزدیک به یک‌میلیون و هشتصد هزاردست است.

چگونگی کار کارخانه

پارچه‌هائی که درانبار کارخانه ذخیره میشود، درموقع معین با استفاده ازجراثقال‌های مخصوص به قسمت «برش» حمل میگردد. دراینجا ماشینهای ویژه برش درهرگردش بطور متوسط صدلایه پارچه را که روی هم قراردارد، میبرند. پس از پایان کار برش، پارچه‌های آماده شده به قسمت دوخت منتقل میگردد. در اینجا ماشینهای دوخت، پارچه‌های بریده شده را برطبق الگوهای تعیین شده، میدوزند. این لباسها سپس برای ریزه کاری‌های دیگر به قسمت دیگری از کارخانه انتقال می‌یابد، و پس ازپایان کار، به بازارعرضه میشود.

رنگی رنگی هم نیست!

دوسان زیادی درصدد هستد ناهرچه زودتر تلویزیون رنگی بخرند. حالا به نقد یا اقساط، بهرحال چشم ودل آدم سیر شدنی نیست و شاید رنگی بودن برنامه‌ها لطفی به تلویزیون بدهد، ولی آخرین خبری که توسط اسماعیل پوروالی مدیر مردم سرای تلویزیون بدست آورده‌ایم، اینست که برنامه‌های تلویزیون رنگی، رنگی هم نیست، بلکه در مدت پخش برنامه‌ها تنها دوسه ساعت از برنامه‌ها به‌تناوب رنگی خواهد بود و بقیه برنامه‌ها بهمان ترتیب سیاه وسفید پخش خواهد شد. پس لطفاً فعلاً خودتان را زیربار قسط نیندازید که خدا را خوش نمی‌آیـــد.

ازشاهکارهای شهرما!...

زیاد تعجب نکنیـــد که این آقا اینطور خصمانه روی ماشینها دارد راه میرود، وزمین خدا را رها کرده... اگر شما هم جای ایشان بودید، با بی نظمی که رانندگان محترم بوجود می آورند، چاره‌ای جزاین نداشتید. توجه کنیم که اتومبیل ها آنقدر جلو رفته‌اند که چراغ راهنما و خطر عابر پیاده را پشت‌سر گذارده‌اند، یعنی عجله بیهوده!.. واگراین عابر ناچارشده‌از روی کاپوت اتومبیلها قدم به جلو بگذارد، از روی ناچاری است واینکه درشهرما متأسفانه نه عابر ونه راننده، هیچ کدام بحق خود قانع نیستند ونتیجه‌اش وضع خراب ترافیک فعلی است. قبول ندارید"...

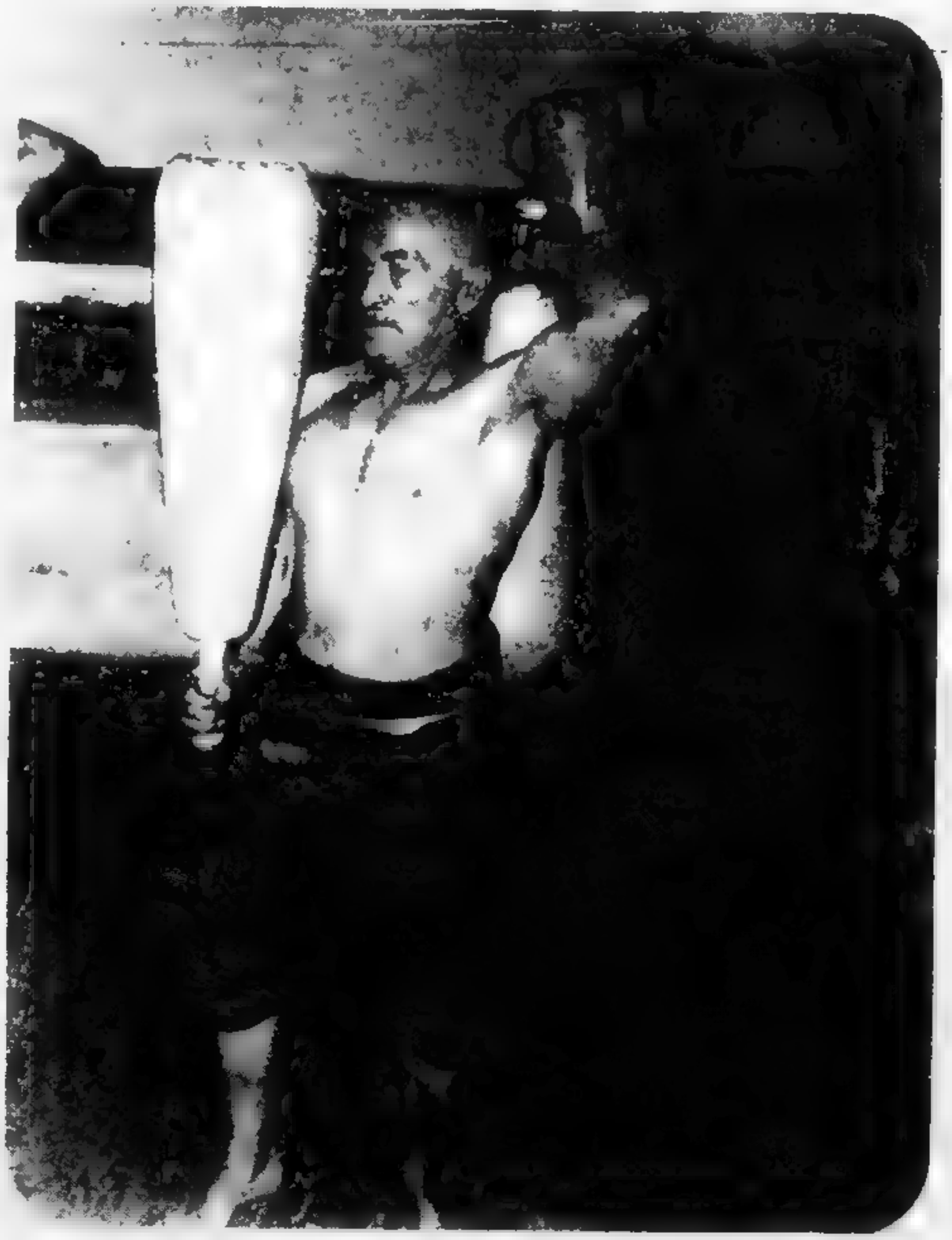

زورخانه‌ها... وقصه مردان ما

درشلوغ بازارسانتهای ورزشی جدید مثل کاراته و جودو ویوگا، مردان شهرما هنوزهم به زورخانه‌ها، مثل گذشته‌ها علاقه نشان میدهند و این حس است که مردی‌ها هنوز هم وجود دارد، کو اینکه دلیلی ندارد تنها درزورخانه‌ها رادمردی باشد و هر کس میتواند باشد وهست. زورخانه‌های ما پیروجوان نمی شناسند، هرکس قدم به گود خاکی میگذارد باید جوانمرد باشد و دل درگرو نام حق داشته باشد و اینست که صدای‌خوب ویاهو و یاعلی در زیرزمینهای قدیمی، ولی پاک بگوش میرسد و قصه مردان ومردانگی، دیروز بوده وامروز هست وخواهد بود. هر که پا کدل است، خدا یارش، و هر که انسان و جوانمرد، خدا پشت‌و پناهش.

بوده وامروز هست وهمیشه هم‌خواهد بود. هر که‌پا کدل است، خدا یارش، وهر که‌انسان وجوانمرد، خداپشت‌وپناهش.

میرمطهری کجاست

ازمحمدخان میرمطهری، موفق‌ترین برنامه ساز تلویزیونی خبری نداشتیم تا اینکه دیداری دست داد و دیدیم این حضرت سخت سرگرم آماده سازی یک مجموعه تلویزیونی در همان روال کارهای خودش است و سر مشغول. فقط برنامه «دوست‌دارم، دوست دارم» به طریقه رنگی است. بهرحال با بازگشت ایرج گرگین، مدیر تولید تلویزیون ملی ایران، شاهد کارهای بهتری ازمیرمطهری خواهیم بودونیزمجموعه‌ای که میرمطهری برای تلویزیون خواهد ساخت درسال آینده‌خواهیم دید. چرا که‌وسواسی که دارد امکان زودتر تهیه کردن برنامه‌اش وجود ندارد.

نظری به «شام آخر»، نخستین کار شهیار قنبری

«شام آخر» در کلام آخر نهایت سوداراوج بازیگری و درحسس نقش نحسین مردی است بنام پرویز فنی‌زاده که آرام آرام اوج گرفته است و به مرحله‌ای رسیده که بدون تردید بزرگترینش بخوانیم فنی‌زاده در فیلمی چون «شام آخر»، تماشاگر را صرفاً با بازی بی همتایش تا انتها میکشاند و فیلم را نیز......

شام آخر داستانی مغشوش دارد و تصویرگر زندگی مردی است، که «فنی زاده» او را اینچنین معرفی می کند که درعین باورهای انسانی از نوعی ناتوانی جنسی «که براستی نوع آن در فیلم مشخص نمیشود» رنج میبرد و چون همسرش را دوست دارد و بسیارهم دوست دارد، میپذیرد که زن به گناه آلوده‌ترین «روابط انسانی»، یا بهتر بگوئیم «حیوانی تن دهد و از او جدا نشود. وانگار که این جدائی تحلیلی است از مرگ یا از دست رفتن پندارهای آرزوگونه.....

بعد آرزوئی دیگر و زنی دیگر که این یکی نیز علیرغم تغییر دادن نظرگاههای مرد، خود به اختیار، دیگری را برمیگزیند و چنین وانمود میکند که انگار قبلاً قدرت ابراز جدائی را نداشته است.

این فیلم، نظرگاه مشخصی ندارد و نوعی روند سوررئالیسم «وارجلوه می کند که گاه بنظر میرسد از بوف کور نشانی دارد و گاه پراکنده‌گوئی در آن بچشم می‌خورد، و چنانکه گفته شد فیلم غیر از فنی‌زاده که دراوج است، از بازیهای خوب بهروز به‌نژاد که طبیعی بود و راحت، و نوری کسرائی وایرن، برخوردار است و تنها ضعف آن (که بسیارهم اساسی است)، عدم تداوم و نبود خط فکری مشخص است و نیز گنده‌گوئی هائی که به روند جاری فیلم نمی آید..

جوان قدیمی...

این جوان قدیمی [illegible] که [illegible] دستگاه ورزشی [illegible] و [illegible] همان [illegible] هنرپیشه و کارگردان و نویسنده [illegible] ولی اینکه [illegible] ورزش میکند [illegible] سریال [illegible] که [illegible] هفته [illegible] [illegible] ورزشی [illegible] مجموعه [illegible] عهده دارد [illegible] جوانی [illegible] ورزشی [illegible]... [illegible] هنرپیشگان [illegible] است.

ایران درودی سفیر هنر

ایران درودی، نقاش معاصر ایرانی که [illegible] محافل [illegible] قرار گرفته، بعنوان سفیر هنر [illegible] مشخص شده است. [illegible] نمایشگاهی در نیویورک برپا کرد که مدت یکماه دایر بود و هنر ایرانی را به مردم آن [illegible] معرفی کرد. [illegible] از منتقدین [illegible] خارجی از نمایشگاه وی [illegible] و در روزنامه‌های بزرگ امریکا [illegible] نقاش ایرانی به بحث پرداخته‌اند [illegible] درودی [illegible] پرداخته و [illegible] نقاشان ایرانی است [illegible] آثار برجسته هنرمندان ایرانی [illegible]. در اینجا عکسی از یک تابلو [illegible] داده شده [illegible] نیویورک برای [illegible] که نمایشگاهی [illegible] درودی [illegible].

ارحام صدر و سریال جدید

ارحام صدر هنرمند سرشناس و معروف اصفهانی که بهیچ قیمت حاضر نیست از زادگاهش اصفهان بجای دیگر کوچ کند، دوباره دارد گرفتار بازی در سریال تلویزیونی میشود. ارحام از هنرمندان پر کاریست که هرگز خستگی را حس نمی کند. کار در بیمه اصفهان، هتل شامعباس، رستوران داری، گرفتاری در راه انداختن بیمارستان و اجرای برنامه و بازی در تئاتر سپاهان، از جمله کارهائی است که فرصت سرخواراندن باو نمیدهد و حالا پس از یکی دوسال، دوباره از او خواسته‌اند به بازی در یک سریال بپردازد که هنوز جواب مثبتی باین مسئله نداده، چرا که بازی در دو سریال «خانواده حاج لطف‌اله» و «هزار و یکشب» درسی تلخ باو داده است.... وقتی در اصفهان خواستیم از او یک عکس یادگاری داشته‌باشیم نشست لب استخر هتل شامعباس و شروع کرد آب پاشی به اطراف و گفت بنویسید من همیشه راضی و خوشحال هستم و بهترین تفریح من بعد از کار، رسیدن به اهل‌وعیال و قدم زدن در جاهای سرسبز است و این را به هیچ قیمتی حاضر نیستم از دست بدهم.

آقا و خانم سربوطه در استراحت

چنانکه میدانید، برای چندماهی دیگر آقا و خانم سربوطه را در تلویزیون تماشا نخواهیم کرد و باوجود شایعات فراوان درباره قطع این برنامه کوتامدت هرشبه، اصل قضیه اینست که چون استودیوهای ضبط در تلویزیون برای ضبط برنامه‌های رنگی آماده میشود، بنابراین امکان ضبط برنامه‌های همیشگی وجود ندارد و گروه‌های تهیه کننده و کارگردان و بازیگر میبایست چند ماهی دست روی دست بگذارند تا این استودیوها آماده شود که بتوانند دوباره به ضبط برنامه‌هایشان بپردازند. آخرین خبر اینست که بهزاد اشتیالی، از فرصتی که بدست آمده استفاده کرده و پس از سفرش به اروپا، یکی دوهفته دیگر که خواهد آمد، به تهیه متن‌های آقای سربوطه جدید رنگی و نیز یک‌سریال هفتگی خواهد پرداخت که درصورت تصویب، در پائیز آینده از تلویزیون رنگی تماشا خواهیم کرد.

کورس و ترانه های قدیمی...

کورس سرهنگ‌زاده، خواننده‌ای که صدایش به صدای مرحوم داریوش رفیعی شباهت زیادی دارد، و از دوستان دوران زندگی او بود، اخیراً بجمع آوری ترانه‌ها و آهنگهای قدیمی پرداخته است. ازجمله دواثر از علی اکبر خان شیدا و درویش‌خان را دردست تمرین دارد که بزودی با صدای وی خواهیم شنید. بهمین جهت کورس درحال‌حاضر بهیچ وجه در کاباره‌ها برنامه اجرا نمیکند، تا تکلیف کارهای آینده‌اش روشن شود.

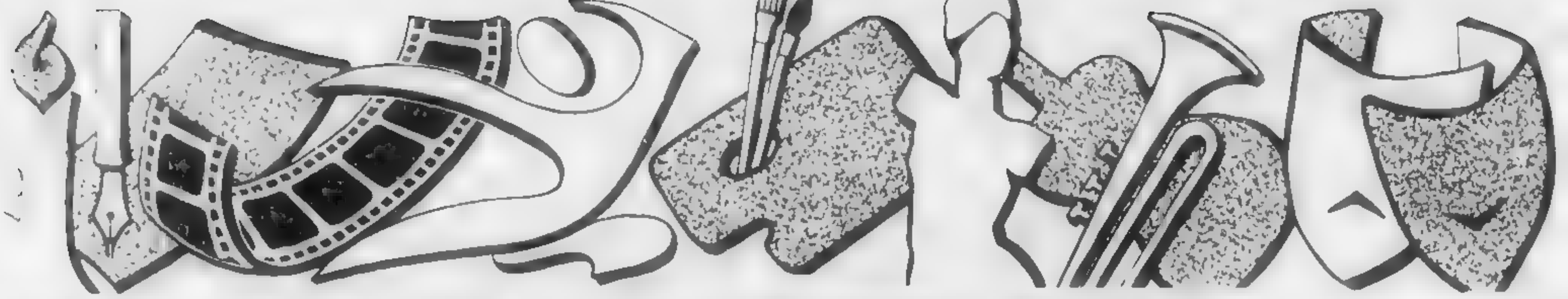

مینو ابریشمی سوار قطار میشود

مینو ابریشمی، بازیگر مجموعه های «غریبه» و «تلخ و شیرین» بازی در سریال جدیدش بنام «قطار» را بپایان رسانیده است و نیز در مجموعه جدید «منصور پورمند»، رل تازه‌ای را بعهده گرفته است، جالب است بدانیم مینو ابریشمی از یک خانواده هنرمند است. چرا که شوهر و پسر کوچکش نیز در این مجموعه بازی میکنند. بهرحال در پائیز اینده شاهد نمایش این دو مجموعه خواهیم بود. نکته دیگر اینکه، با وجود پیشنهادات فیلمسازان سینمای فارسی، برای بازی او در فیلمها، مینو ابریشمی عقیده دارد محیط کار تلویزیون بی شیله پیله و بدون گرفتاری‌های معمول در سینماست و تلویزیون را به سینما ترجیح میدهد.

چهره جدید فیلم

آ

شیرین ساسانی از نورسیده های سینما است که تا بحال در فیلمهای «باهم، ولی تنها»، «غربتی ها»، «خداحافظ کوچولو» بازی کرده است و در «ویلای کبود» هنرپیشه زن در سینمای فارسی، شاید بزودی شاهد موفقیت این هنرپیشه از راه رسیده باشیم. جدیدترین فیلم شیرین ساسانی «غربتی ها» است که بزودی روی اکران سینما ها خواهد آمد.

فرشته برمیگردد

فرشته، خواننده‌ای که چندسال قبل شهرت فراوانی بدست آورده بود، دوباره بدنیای موسیقی برمیگردد. بهرحال حق هم دارد، حالا که هر نوسیده‌ای با نیم دانگ صدا شبی دو سه هزار تومان درآمد دارد، او چه گناهی کرده که از این پولهای بادآورده برکنار بماند؟! ... بهرحال باتوجه به مسایل فعلی در زمینه آواز و ترانه و موسیقی ایرانی، بازگشت فرشته با نوعی تردید همراه است و از سوی دیگر بادر دست داشتن چندین ترانه و آهنگ، آنهم در وضع فعلی که ترانه و آهنگ گران شده، امید موفقیت این خواننده میرود. حالا تاچه حد فرشته در برگشت به آواز و موسیقی موفق شود، جوابی است که مردم و آینده خواهند داد.

بحثی درمورد قانون کار

مدت کار

تعطیلات و مرخصی ها

از دکتر علی الله همدانی

هدف این مقررات آنست که طی مدت ده هفته که قانون از آن نام برده است، زن استراحت نماید ومزد خود را دریافت دارد تا از این رهگذر صدمه‌ای بخود او وطفلش وارد نشود. در زمینه پرداخت ایام استراحت بارداری قانون تامین اجتماعی چنین مقرر میدارد:

ماده ۶۷: «بیمه شده، زن و یا همسر بیمه شده مرد درصورتیکه ظرف یکسال قبل اززایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد میتواند بشرط عدم اشتغال بکار از کمک بارداری استفاده کند. کمک بارداری شامل دوسوم آخرین مزد یاحقوق بیمه شده...»

بطوریکه در این ماده پیش بینی شده است، پرداخت مقرری بیمه برای ۱۲ هفته پیش بینی گردیده و این امر برای آنست که ممکن است استراحت زن کارگر طولانی تر از ۱۰ هفته پیش بینی شده درقانون بشود.

موضوع دیگری که در این قانون بچشم میخورد پرداخت مقرری بیمه شده ازطرف سازمان تأمین اجتماعی است و لذا کارآما (کارفرما) دیگرمخالفتی برای استراحت زن کارگر نخواهد کرد و حال آنکه درقوانین قبلی پرداخت مزد ایام استراحت قسمتی بعهده کارآما بود و همین امر سبب میشد بعضی از کارفرما ها با استراحت زن کارگر باردار و یا پرداخت مزد وی مخالفت نمایند.

همچنین علاوه برمزد ایام استراحت، قانون پیش بینی کرده است که کلیه هزینه‌های مربوط به زایمان، دارو و پزشک، و لباس نوزاد نیز از طرف سازمان تامین اجتماعی به کارگرزن پرداخت میشود.

۲ـ مقررات ناظر به بعد از وضع حمل:

این مقررات بیشتر ناظر به حفظ و حمایت از کودک میباشد.

بدین معنی که از یک سو امر شیر دادن بطفل به عهده تعویق نیفتد ومادر بتواند هر سه ساعت یکبار طفل خود راشیر بدهد وازسوی دیگر مسئله نگهداری از طفل است که توضیح داده خواهد شد. ماده ۱۹ قانون کار درباره مورد اول چنین مقرر میدارد: «کارفرما مکلف است به مادران شیرده، پس ازهر سه ساعت کار، نیم ساعت فرجه شیردادن به طفل خود بدهد. این فرجه ساعات کارمحسوب میشود.»

بدین ترتیب طی مدت کار، کارگرزن که دارای کودک شیر خوار باشد خواهد توانست به موقع به طفل خودشیر بدهد. واما درباره مورد دوم: قانون گزار مقرر داشته است درصورتیکه تعداد این قبیل اطفال دریک کارگاه از ده نفر تجاوز کند، کارآما مکلف است محلی را برای نگاهداری اطفال تخصیص دهد.

این امر بویژه از لحاظ سلامت طفل بسیار لازم وضروری است. زیرا وجود طفل شیرخوار درمحل کار، بویژه اگر با سرو صدا و یا داروهای شیمیائی و گرد و غبار همراه باشد برای سلامت وی زیان بخش است و باید طفل را ازمحیط کار مادر دورنگاهداشت.

آنچه بیان گردید مقرراتی است که درقانون کار برای حمایت از زنان کارگر و اطفال آنها و همچنین برای نوجوانان بمنظور حفظ وحمایت ازآنان پیش بینی گردیده است.

تبصره ۲ ماده ۶ قانون کار

در طی چند مقاله گذشته، به تفصیل در مورد مدت کار و تعطیلات و مرخصی ها سخن گفتیم، ولی آنچه بیان گردید، مربوط به کارگران صنعتی و کارگرانی که کار آنها بطورعموم، بطورعادی آغاز میگردد و پایان می یابد، بدین معنی که اگر نوبتی نباشند، صبح آغاز و پس از هشت ساعت کارعادی وچهارساعت اضافه کار پایان می پذیرد و یا آنکه اگر کار نوبتی باشد، در دو یا سه نوبت درشبانه روز انجام می یابد، ولی مواردی نیز وجود دارد که کار به این ترتیب نیست، بدین معنی که کار بصورتهای عادی که فوقاً بیان شد، انجام نمی گیرد. این موارد استثنائی در تبصره ۲ ماده شش قانون کار بشرح زیر تعیین گردیده است.

مدت کار، تعطیلات ومرخصی ها، مزد یا حقوق کارگران ماهیگیر، وملاحان و کارکنان کشتی ها وفرودگاهها و خلبانان ومامورین فنی و کارکنان داخل هواپیما یا کارگرانی که طرز کارشان به نحوی است که قسمتی یا کلیه مزد و درآمد آنها به وسیله مشتریان یا مراجعین تامین میشود و کارگران بنادر که مامور تخلیه یا بارگیری کشتی ها می باشند و همچنین کارگرانی که کار آنها نوعاً درساعات متناوب انجام میگیرد و بموجب آئین نامه های جداگانه تعیین خواهدشد.»

بدین ترتیب ملاحظه میگردد که تبصره ۲ ماده شش یکه سری از کارها را ازشمول قانون کار درزمینه مدت کار، تعطیلات ومرخصی ها ومزدوحقوق مستثنی داشته است.

این کارگران عبارتند از:

— کارگران ماهیگیر

—ملاحان و کارکنان کشتی

— کارگران و کارکنان فرودگاهها و بنادر

— خلبانان، مأمورین فنی و کارکنان داخل هواپیما

— کارگرانی که طرز کارشان بنحوی است که قسمتی و یا کلیه مزد و درآمد آنها بوسیله مشتریان و یامراجعین تامین شود.

— کارگران بنادر که مامور تخلیه یا بارگیری کشتیها میباشند.

— کارگرانی که کارآنها نوعاً درساعات متناوب انجام میگیرد.

چنانکه تبصره مذکور مقرر داشته است، برای این قبیل کارگران آئین نامه خاصی تنظیم خواهد گردید.

اینک باید دید اولا دلیل مستثنی شدن این قبیل کارها ازمقررات قانون کارچیست. ثانیاً مقررات جدیدی که برای این گونه کارها پیش بینی گردیده است کدامند.

الف: چرا کارهائی که در تبصره ۲ ماده ۶ ازآنها یاد شده است، ازمقررات قانون کار در زمینه مدت کار و تعطیلات و مرخصی ها و مزدوحقوق مستثنی گردیده‌اند؟ بدین لحاظ که از جنبه های مختلف این قبیل کارها ازسایر کارهای عادی متفاوت هستند. این جنبه ها عبارتند از:

—مدتی که کاردرآن انجام می یابد.

— کیفیت کار

—محل کار

—میزان مزدوحقوق آن

برخی ازاین کارها درطی مدت معین و مداومی انجام نمی پذیرد. بدین معنی،

در کارهای کارگاهی کارگری، بطور مداوم مدت هشت ساعت بکار اشتغال میورزد و حال آنکه طبیعت برخی از کارهای یاد شده چنانست که ایجاب می کند بطور متناوب انجام یابد و یا اینکه درساعات غیرمعینی انجام بپذیرد.

فی المثل کارگران رستورانها و کارگران فرودگاهها و بنادر و کارگران نانوائیها و کارگران گرمابه ها را میتوان نام برد که بطور متناوب بکار اشتغال دارند. کارگران رستورانها، بعضاً صبح بکار اشتغال میورزند و سپس ظهر برای دادن ناهارشروع بکارمیکنندوآنگاه شب ازساعت ۷ ببعد کاردارندودرفواصل این مدت ها این کارگران کاری ندارند. میتوانند به استراحت بپردازند و یا اینکه ازمحل کارخارج گردیده و مجدداً درموعد معین به سر کار خود بروند.

بنابراین، برای این قبیل کارها نمیتوان همان مدت ۸ ساعت کار روزانه و ۴۸ ساعت هفتگی را مقرر داشت، بلکه باید معیارها و ضوابط دیگری بدین منظور پیش بینی گردد. این مساله درمورد سایر کارهائی که ازآن نام بردیم، نیزصدق میکند.

مثلا کارگران فرودگاهها طی مدت معینی از روز ممکن است بیکار باشند و بمحض ورود هواپیما به فرودگاه، بکار بپردازند. ویا کارگران نانوائیها که باید صبح زود نان تهیه کنند و سپس مدتی بیکارمانده وظهر بکاراشتغال ورزند وسپس اوایل شب کارخود را آغاز کنند و در فواصل این مدت کارگران مذکور بیکارخواهند بود.

برخی ازاین قبیل کارها بلحاظ محلی که درآن کارانجام میابد، ازدیگر کارها مستثنی میگردند. بعنوان نمونه کارگران کشتی ها و هواپیما ها. این قبیل کارگران غالباً اتفاق می‌افتد که مدت زمان زیادی دردریا و برعرشه کشتی مشغول بکار هستند. این کارگران نمیتوانند تابع همان شرائط کار کارهای عادی باشند فی المثل نمیتوانند پس از ۸ ساعت کار اعلام کنند که باید کار را تعطیل کرد و همچنین پس ازیکهفته کارنمیتوانند درخواست یک روز تعطیل هفتگی داشته باشندو تا هنگامی که کشتی دردریا درحرکت است، اینان باید بکار اشتغال داشته باشند و لذا نمیتوانند مشمول مقررات قانون کاردراین زمینه باشند.

وبعضی ازاین کارها مانند کارماهیگیری از لحاظ ماهیت بنحوی است که مدت زمان درازی ممکن است بطول انجامد. خواه کارگران ماهیگیر با کشتی های ماهیگیری کار کنند و یا با تورهای مخصوص ماهیگیری، باید مدت زیادی در کنار دریا و در وسط دریا در عرشه کشتی ماهیگیری باقی بمانند تا تورماهیگیری پرشود ولذا تا پایان این مدت نمیتوانند تقاضای پایان کار را بنمایند و یا درصدد استفاده از تعطیلات هفتگی باشند.

سرانجام برخی از کارها نوعاً طوری است که قسمتی از درآمد کارگران بوسیله مشتری تأمین میشود، مانند کارگران رستورانها وهتلها که ازطریق انعامی که مشتری میپردازد، قسمتی از مزد کارگران تامین میشود و در برخی موارد حتی ممکن است کارآما وصاحب کاربه کارگر مزدی بپردازد و حتی درمواردی امکان دارد که کارآما درصد معینی ازمزد کارگر را نیز به لحاظ آنکه درمحل متعلق بوی بکار اشتغال دارد، ازوی بازستاند.

به ترتیبی که بیان شد و با توجه به کیفیات یاد شده، کارهائی که در تبصره ۲ ماده ۶ بیان گردید، نمیتواند مشمول مقررات قانون کار شود.

آئین بزرگداشت پنجاه سال سلطنت پهلوی در کارخانجات مقدم

شرکت سهامی خاص

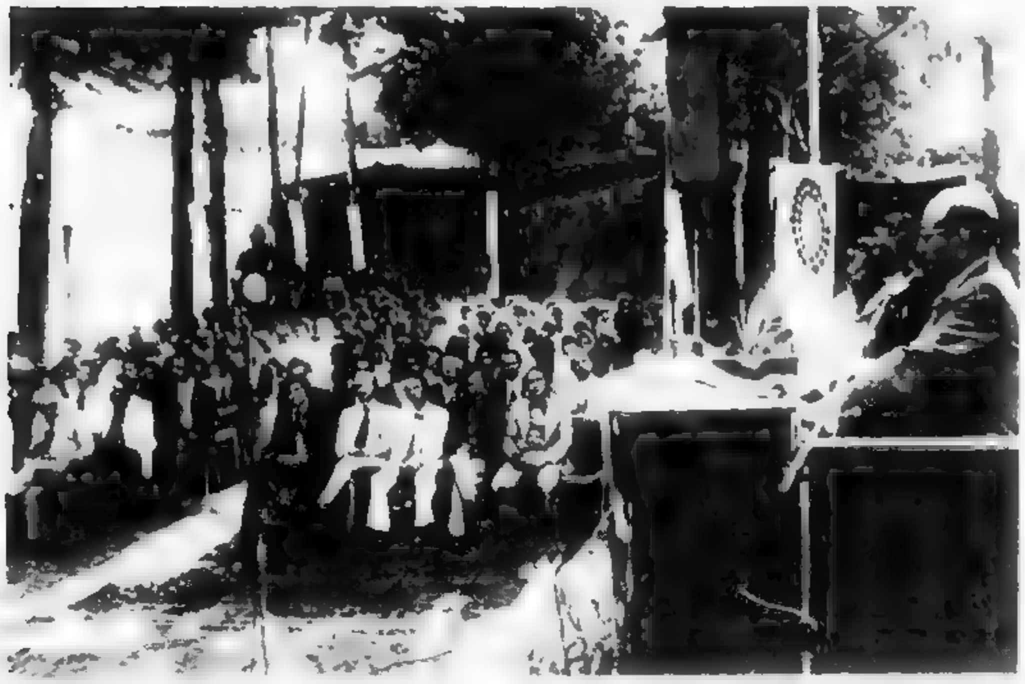

آقای عبدالله مقدم رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل کارخانجات مقدم درحال سخنرانی

[illegible]

کاخ نیاوران

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر

کارگران و کارمندان و مدیران شرکت سهامی کارخانجات مقدم با برگزاری جشن پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی در نظرآباد مراتب حق‌شناسی و جانبازی خود و فرد فرد این واحد صنعتی را که در دوران سلطنت پرخیر و برکت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بنیان گرفته و در پرتو انقلاب شاه و ملت توسعه و تکامل یافته و از اقتصاد شکوفان ایران که با رهبریهای داهیانه شهریار بزرگ و دادگستر بدست آمده بهرمند گردیده است به پیشگاه مبارک ملوکانه معروض و بروان پاک رضاشاه کبیر سردودمان سلسله پهلوی درود میفرستند.

جان‌نثار — عبدالله مقدم

این جشن با نواختن سرود شاهنشاهی در حضور عده کثیری از کارگران، کارمندان و عده‌ای از شخصیتهای مملکتی و هیئت مدیره و مدیرعامل کارخانجات مقدم آغاز گردید و سپس آقای عبدالله مقدم بیاناتی چند ابراز نمودند بشرح زیر:

بطوریکه استحضار دارید در روزگارانی که ناامنی و جهل و فقر و تنگدستی سرتاسر مملکت را فرا گرفته بود و در نتیجه سستی و ضعف حکومت و فساد و تباهی دستگاههای اداری، بیگانگان در امور کشور ما مداخله میکردند و از هر نقطه مملکت نغمه ناهنجاری بر میخاست، پریشانی و نابسامانی همه جا را فرا گرفته بود، بزرگ مرد تاریخ ایران با قیام دلیرانه خود در سوم اسفندماه دوهزاروچهارصدو هفتادو نه شاهنشاهی سکان کشتی در هم شکسته این سرزو بوم را که درحال غرق شدن بود در دست با قدرت خود گرفت و بساحل نجات و خوشبختی رهنمون گردید.

سردار نامی ایران رضاشاه کبیر با خدمات بزرگ و میهنی خود از قبیل احداث راه‌آهن سرتاسری، تاسیس بانک ملی و ایجاد کارخانجات صنعتی و هزاران اقدامات رفاهی و عمرانی دیگر و لغو (کاپیتولاسیون) ملت ایران را از نفوذ بیگانگان رهائی بخشید و آزادی و افتخار را بما ارزانی داشت و در طی سلطنت درخشان و افتخارآمیز خود کشور را چنان بجلو برد که باعث اعجاب خارجیان شد و در نزد ملل جهان، دارای اعتبار و موقعیتی ممتاز گردید. تمام گردن کشان و غارتگران که باعث ناامنی و ایجاد هرج و مرج در مملکت بودند از میان رفتند و کشور از یک ثبات و امنیت خاص برخوردار و مردم با راحتی خیال بکسب و کار خود مشغول گردیدند شاید در این مجلس مسن کسانی باشند که هنوز خاطره تلخ دوران هرج و مرج و ناامنی قبل از رضاشاه کبیر را که هیچ کس مالک جان و مال و ناموس خود نبود بیاد بیاورند کسانی که سنی از آنها گذشته و آن روزهای دردناک را دیده‌اند بخوبی میتوانند ارزش امنیت و ثبات امروز را که پایه‌گزارش رضاشاه کبیر بود بیشتر پی ببرند.

پس از آنکه جنگ دوم جهانی نزدیک بود بنیان زحمات سازنده رضاشاه کبیر را متزلزل سازد زمام امور در دست توانای شاهنشاه آریامهر که خداوند بطول عمرایشان بیافزاید قرار گرفت و معظم‌له با نبوغی خارق‌العاده کشور را رهبری فرمودند و در نتیجه تدابیر خردمندانه معظم‌له ایران به مملکتی قدرتمند تبدیل شد و اقتصاد درهم ریخته و نابسامانی آن از شکوفائی خاصی برخوردار گردید و در دوران پرخیرو برکت شاهنشاه آریامهر هرروز اقدامات و کارهای برای رفاه بیشتر مردم و ترقی و تعالی کشور انجام میگیرد و در پرتو

آقای محمدرفیع صیادی نماینده کارگران درحال سخنرانی

پر افتخار پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی ما اکنون دارای همه چیز هستیم و تمام مردم مملکت از تحصیل رایگان و رفاه اجتماعی یکسان برخوردارند.

در عصر پهلوی و در پناه شاهنشاه آریامهر در اقصی نقاط مملکت اجرای صدها پروژه عمران و آبادی سیمای دهات را تغییر داده و برنامه‌های زندگی ساز بهروری و سعادت ملت ایران را محکم و استوار ساخته است. امروز کارگران ایرانی از مزایا و رفاه اجتماعی خاصی برخوردارند که شاید اغراق نباشد اگر بگوئیم وضع کارگر ایرانی از وضع اکثر کارگران ممالک جهان بهتر و در حدی بالاتر است، علاقه خاص شاهنشاه آریامهر به طبقه کارگران ایران این زندگی مرفه و غرورانگیز را برای آنها فراهم آورده است.

در خاتمه بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت خاندان پهلوی شرکت سهامی کارخانجات مقدم افتخار دارد در آینده نزدیک یک بیمارستان برای رفاه اهالی منطقه ساوجبلاغ احداث و به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر تقدیم نماید.

پاینده و جاویدباد دوران پرافتخار شاهنشاهی پهلوی زنده باد شاهنشاه آریامهر خردمند ملت ایران

سپس آقای محمدرفیع صیادی نماینده کارگران کارخانجات مقدم پشت تریبون قرار گرفته چنین فرمودند:

[illegible]

[illegible] برای اینکه در یک جامعه [illegible] بر اساس حرکت [illegible] کار بر محور زحمت کشیدن و کار کردن نباشد آن جامعه مسلما رو به فنا است.

امسال در دوهزارو پانصدوسی‌و پنجمین سال شاهنشاهی با عظمت ایران و پنجاهمین سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی کارگران ایران با غرور خاص خود را در این جشن و سرور سهیم میدانند.

کارگران ایران سربازان پیشگام انقلاب در بستری غرور انگیز از پیروزی انقلاب ششم بهمن ۴۱ با عزمی راسخ درساختن ایرانی که تمدن بزرگ را در پیش دارد گام برمی‌دارد کارگر ایران امروز نقش خود را بخوبی با الهام از منویات شاهنشاه آریامهر احساس می کند و خوب میداند که حاصل زحماتش چه ارمغانی دارد و چه پیروزیهائی برای ایران کسب خواهد کرد. رضاشاه کبیر در تاریخ کهن سال ایران سرآغازی بود برای دگرگون ساختن اوضاع آشفته ایران. درسال ۲۴۸۴ شاهنشاهی با تصویب مجلس موسسان سلطنت به اعلیحضرت رضاشاه کبیر تفویض شد که تحولات عمیق و اساسی در بنیانهای اجتماعی ایران را فراهم کرد زیرا سلطنت بدست رادمردی مقتدر و آهنین اراده قرار گرفت و پایه اصلاحات وامعی بر مبنای اصول پیشرفته‌ای که در دیگر نقاط جهان وجود داشت با تلفیق خلقیات و روحیات ملت ایران بنا نهاده شد. سرعت پیشرفت ایران عزیز در دوران سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی از سکون به حرکت و از حرکت به جهش در آمده است کارگران ایران که افتخار لقب شریف را دارند روز بروز در سایه رهبریهای شاهنشاه آریامهر در تلاش بی‌امان خود برای سازندگی ایرانی آباد کوشش میکنند

در خاتمه بدرود بی‌پایان بروان پاک بنیان‌گزار ایران نو کمار خود را نوباه و برای فردفرد سربازان انقلاب آرزوی موفقیت دارم.

جاویدشاه پاینده ایران

نیرومند بازوی پرتوان کارگـــــر

نامه به سردبیر

دورود — آقای باقری

ای درود بر تو باقر خان« دورود »مکان که نخست دل پرخونی داری از متصدی رشوت‌گیر کارخانه ! چرا که مرقوم فرموده‌ای« ما ، در کارخانه یک رئیس قسمت داریم که این حضرت بطور عجیبی از آجیل گرفتن خوشش می‌آید. به این معنی که هرگاه کارگری برایش ماست و کره وشیر وروغن وامثالهم به ارمغان ببرد ، ایشان نزد رئیس کارخانه از هدیه پرداز تعریف وتمجید می کند وبالمالی باعث افزایش حقوق طرف می‌شود . لیکن اگر کارگری مانند من پول اضافه برای خرید وهدیه کردن این آت وآشغال نداشته باشد ، کلاهش پس معر که است ! » بله ، بدین ترتیب از حقیر فقیر روسیاه‌تر از قیر خواسته‌ای که حضر تعالی را راهنمایی کنم و لاجرم از درجا زدن در رتبه ومقام نجاتت بخشم . عرضم به حضور مهر ظهور تو باقرآقا جان خودم که البته اگر اشتباه نکرده‌باشی وتنها به پیش قاضی نرفته باشی ، به زعم مخلص این جناب متصدی قسمت ، نه آدم کلاشی است و نه موجودی رشوه گیر . بلکه این مؤمن سر کارگری است شکمو که در برابر آن شکم بی هنر پیچ پیچ با تمامی وجود خوار وذلیل است . چه اگر غیر از این بود وهدفش اندوختن مال ومال میبوده بجای اینهمه خرت وپرت، درخواست ریال می کرد وقال قضیه را می کند، حال ممکن است بپرسی که چرا این جناب خشکه معامله نمی کند وبا پول بی زبان به‌دنبال خرید ارزاق وماکولات مورد علاقهٔ خود نمی‌رود ؟ در منجا باید عرض کنم که قربان، حساب حریف درست است وگذشت آن دورانی که پول ، حلال مشکلات بود . امروز اگر گنج قارون هم زیر سر داشته باشی، محال وممکن است سوای یک سه‌کیلو وعسل وپنیر وماست و سبزی خوردن را تهیه کنی .بلکه تنها راه من به این هدف ، همین کاری است که رئیس حاجی می کند وبا کمک چندین کارگر ریز ودرشت به تأمین ارزاق وخواربار خودش می‌پردازد . تو هم اگر می‌شنوی یک روز سرمایه ... و آماد کی خودت را برای تامین ماکولات مورد نیاز طرف اعلام کن . البته با این تأکید که پول مولی درچنته نداری مطمئن باش که ایشان وجه تهیه اجناس را دو دستی تقدیمت می کند وتا آخر عمر هم پیش جناب رئیس برایت چکش می‌زند ! می‌فرمائی خیر ؟ امتحان کن و نتیجه‌اش را ببین چقدر حرف زدم ؟ ! در پایان کلام بازهم می‌گویم که باقر جان‌شما برای ما این را نوشته‌ای ، وقبول کن من ندیده وثابت نشده نمیتوانم درباره این آقا که میگوئی قضاوتی داشته باشم .

اراک — آقای محمود نادرپور

قربان ، با اینکه حضر تعالی از فرط عصبانیت فراموش کرده‌اید ابراز لطف بفرمائید، جان نثار پیش از پرداختن به اصل مطلب ، خدمت جنابعالی سلام عرض می کنم و توفیق شما را در تماس شئون زندگی تمنا دارم . واما دربارهٔ مطلبی که مطرح کرده‌اید قبل ازهرچیز باید بگویم که برادر جان ، این نوع اتهامات مطالب ومسایل ساده‌ی نیست که آدمی بی هیچ‌اصلی پا را پس وپیش بگذارد وخلق خدا را متهم به کارهای ناشایست کند. حتماً می‌دانید که میان متهم و محکوم تفاوت بسیار است و ممکن است که فردی از افراد شر ماهها در محبس اتراق کند و درضمن سه چهار بار از در دادگاه‌های مختلف خارج شود ، معهذا محکومیت قطعی نیاید . بنابراین تهمت زدن بچنین شخصی جرم است که‌مفتری قابل تعقیب شناخته می‌شود . حالا سر کار هم اگر در مورد اشاره تردید دارید ، لطفاً اتهام خودرا پس بگیرید واز اطلاق اصطلاحاتی مانند دزد، شارلاتان و رشوه گیر نسبت به آنها خود داری کنید . زیرا همانطور که عرض کردم ممکن است حضرات ... حتی به زندان هم ... ، اما پس ازمحاکمه ... حکم برائت ... . لیکن اگر به آنچه که ادعا کرده‌اید مؤمن هستید ، فوراً ماجری را به مقامات حزبی درشهر خودتان اطلاع دهید و بدینوسیله موجبات تصفیه آن قسمت را فراهم سازید. درپایان ناگزیر از ذکر این نکته هستم که طبق آئین نامه ، در کانون های حزبی فقط اعضای کانون حق شرکت را دارند و بهمین علت افراد معترضه نمی توانند شرکت کنند. خداوند یار و یاورتان باد.

آبادان. آقای سید محمد علی احمدزاده

الهی من دورتان بگردم آقای آقا محمدعلی خان احمدزاده با این کاری که دست حقیر دادید . جنابعالی مدعی شده‌اید که با ساختن جدولی از روزها ، هفته ها ، ماهها وسال های شاهنشاهی موجباتی فراهم ساخته‌اید که هر کس بخواهد روز مخصوصی را در سال مخصوص بیابد ، فوراً می‌تواند با مراجعه به این جدول به منظور خویش برسد . که باید بحضور شما عرض کنم که مگر در جداول موجود نمی‌شود این کار را کرد ؟ بعد هم بفرض محال که اگر با این جدول ها یا جداولی که برمبنای سال شاهنشاهی منتشر خواهد شد ، نتوانیم بمقصود برسیم ، با جدول ارسالی جنابعالی مطلقاً نمی‌توانیم ، به دلیل اینکه قدری دو ساعت تمام مطالعه کردم روی این جدول و عاقبت نیز چیزی دستگیرم نشد ! چرا که سر کار مستطابعالی در یک قسمت از صفحه کاغذ زیر ماه های دوازدگانه سال ، صد ها عدد از صفر تا شش را نوشته‌اید و در کنار آن سال های شاهنشاهی را از ۲۵۳۰ الی ... مرقوم فرموده‌اید. ضمناً زیر این ارقام روز های هفته را گذاشته اید که منظور روز های ماه است ، اما ماه جنابعالی نمی‌دانم بچه سبب ۳۷ روز از کار درآمده است ؟ ! چرا که از ۱ و ۲ بیعد باز هم تا ۳۷ رقم زده‌اید . خلاصه کلام جناب آقای احمدزاده، از این جدول بنده که هیچ ، اگر مرحومان شیخ بهایی و انیشتین هم زنده شوند چیزی سردر- نمی‌آورند .مضافاً به اینکه در ایام هفتهٔ آنجناب، رقم صفر هم هست که من نمی‌دانم نمایانگر چه روزی است؟ منظور اینست که مگر ما ودیگر بندگان خدا « صفر روز » هفته هم داریم ؟ بهر تقدیر ، جان‌نثار از جناب سردبیر خواهش کرده ام جدول را برای چاپ احتمالی آن نگهداری کنند.

اصفهان — خانم مریم بانوربده‌دید

با تشکر از ابراز لطف وبذل توجه سمانسبت به مندرجات مجله و زحمات دست اندر کاران آن آرزومندیم که تمامی زنان ایران ، به ویژه بانوانی که در مقام کارگر دوش به دوش برادران خود در پیشرفت هر چه بیشتر کشور می کوشند موفق ومؤید باشند . بهر تقدیر، ما هم خوشحالیم که با انتشار مجله رستاخیز کارگران موجباتی پیش آمد تا کارگران کشور بتوانند خواست‌ها ونظرات خویش را به آگاهی مسئولان امور برسانند . واما دربارهٔ پرسش شما باید عرض کنم که تا پیش از آغاز دوران پادشاهی رضا شاه کبیر استفاده از لغات و کلمات عربی در مکاتبات جاری کشور ، نوعی ابراز فضل به حساب می‌آمد . بنابراین کسانی که می‌خواستند دستی به قلم ببرند ،حتی‌المقدور سعی می کردند کلمه یا عبارتی از عربی را در نوشته های خود بگنجانند . بهمین علت خواه و ناخواه در نگارش بسیاری از کلمات خالص فارسی یا لغات لاتین نیز از حروف عرب استفاده می‌شد . به این معنی که مثلاً کلمه تهران را با اینکه لغتی صد در صد فارسی است با «طاء» می نوشتند . همین طور بود وضع لغاتی مانند لفظ ، بلیط ، ایطالیا وغیره ..... اما در دوران پادشاهی رضاشاه کبیر که به‌امر معظم‌له فرهنگستان ایران بوجود آمد ، این طرز لغت نویسی تدریجاً منسوخ شد . که البته ارتش شاهنشاهی نیز در فارسی نویسی نقش عمده‌یی داشت. همین شیوه ما را وا داشته است که امروز «اطاق» سابق را به صورت «اتاق» و بلیط و نفط گذشته را به صورت بلیت و نفت بنویسیم . بنابراین برای آگاهی شما و دیگر دوستان ارجمند یادآور می‌شویم که بهره‌گیری از «ت» بجای «طاء» مطلقاً کار مشکلی نیست ، بلکه تنها باید بدانید هر لغتی که در زبان پارسی ریشه عربی نداشته باشد باید با «ت» نوشته شود . اما کلمات عربی مانند «طاهر» «طب» ، «مطلوب» و امثال اینها همچنان با «طاء» خواهد بود . البته تشخیص اینکه کدام کلمه فارسی و لاتین یا کدام لغت ، عربی است برای کسانی که ازنظر سواد مبتدی هستند کمی مشکل است. لیکن این گروه می‌توانند از طرز کار نویسندگان پیروی کنند و به اصطلاح طرز نوشتن لغت را با دیدن آن کلمه در کتابها و نشریات مختلف بیاموزند.
سایهٔ عالی مستدام وطولانی.

پیشنهاد می کنم که

*** جناب آقای سردبیر**

با کمال ادب و احترام به عرض می رسانم که وقتی در صفحه «نامه به‌سردبیر» دیدم که خواسته‌اید خوانندگان مجله پیشنهاد های خود را عرضه کنند ، من با ابراز تشکر از توجه شما به نظرات و عقاید خوانندگان چند مورد را متذکر می‌شوم که امیدوارم مؤثر واقع شود.

۱— بطوری که ملاحظه می‌فرمایید جواب های صفحه « نامه به سردبیر» گاهی بصورت طنز وزمانی به شیوهٔ جدی نوشته می‌شود . به عقیدهٔ من اگر شما در تنظیم مطالب این صفحه یکی از این دو روال را انتخاب کنید بهتر است . زیرا بدین ترتیب تکلیف خواننده معلوم نیست و نمی داند با چه تیپ آدمی طرف است؟

۲— برای پاسخ های پزشکی بهتر است از پزشکی که زیر عنوان زبان گیاهان کتابهایی دارد ، استفاده کنید. زیرا توانایی و تجربه ایشان درامر داروشناسی به ثبوت رسیده‌است.

۳— اگر یک ، دو یا سه صفحه را مستمراً به طنز وفکاهیات اختصاص دهید تنوع مطالب مجله بیشتر خواهد شد . زیرا با توجه بوجود مطالب جدی که بعضی خواه و ناخواه خشک وخسته کننده از کار درمی‌آید ، وجود چنین صفحاتی ضروری است.

۴- مجله شما از نظر ... ضعف است . اختصاص دادن یک صفحه به شعر ، آنهم اشعار کلاسیک نمی‌تواند جوابگوی کارگران دوستدار ادبیات باشد . ضمناً گویی شما فراموش کرده‌اند که در میان کارگران نیز ممکن است ...

ز ادبیات کشور چیزهایی بدانند . بهمین سبب پیشنهاد می کنم که برای این گروه نیز مسابقات شعری و داستان نویسی بگذارید.

با تشکر قبلی، رحمت‌الله‌ـــــم ـــ اصفهان

* دوست گرامی،

با تشکر از لطف بیکران شما ناگزیر از ادای توضیح هستیم که طبق تجاربی کسب شده به اثبات رسیده است که ذکر پاسخ های طنزآمیز همواره بیش از دیگر روال نگارش مورد توجه خوانندگان قرار گرفته وسی گیرد بهمین علت ما ناچار بوده‌ایم که در این صفحه از این شیوه پیروی کنیم . . وجود این که گاه مواردی مانند سؤال و جواب خواننده با سردبیر، یا طرح مباحث علمی و تاریخی ایجاب میکند که مکاتبه بصورت جدی [illegible] . بنابراین تغییر سبک صفحه ما فعلا مقدور نیست . گسترش صفحات طنزآمیز و فکاهی و همچنین گشایش صفحه‌یی در زمینه ادبیات مورد مطالعه وبررسی است که البته نتیجه را اعلام خواهیم کرد.

ضمنا بار دیگر از توجه عمیق ونکته‌بینی سرکار صمیمانه سپاسگزاریم ، ودست شما را می‌فشاریم.

*** آقای سردبیرعزیز،**

پیش از هرچیز لازم می‌دانم از زحمات شما وسایر کارکنان گرامی مجله سپاسگزاری کنم وازخدا بخواهم که همواره‌شما را موفق ومؤید دارد . ضمناً همانطور که خودتان خواسته‌اید چند پیشنهاد عرضه می کنم که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد.

۱ـ [illegible] در روی جلد مجله [illegible] [illegible] مطالب صفحات داخل چاپ کنید و بدین ترتیب به رهگذران که تنها جلد مجله را می‌بینند آگاهی هایی بدهید.

۲ـ اگر صلاح می‌دانید در صفحات ورزشی، هرچند یکبار خاطرات یکی از چهره‌های درخشان تیم ملی فوتبال را چاپ کنید . اینگونه مطالب به صفحه شما تنوع خاصی می‌بخشد.

۳ـ اگر امکان دارد مجله را هفتگی کنید، و گرنه ترتیبی بدهید که درماه سه بار چاپ‌شود.

۴ـ از شما خواهش می کنم که برای یکبار هم شده عکس تمام کارکنان مجله را به چاپ برسانید تا همه خوانندگان بتوانند دوستان نادیدهٔ خود را بشناسند.

۵ـ مطالبی که بی نهایت مورد علاقهٔ من است ، از داستان‌ها: برزخ ،شاخ نبات، سرداران استقلال و داستانهای شاهنامه است . از دیگر مطالب نیز لازمست « چهرهٔ کارگر » ، پاسخ های مختلف » وورزش را نام ببرم .ضمناً اگر یک صفحه نیز به صفحه خودمون بیفزایید بهتر است.

احمد اکبرزاده ـــ بهبهان

* کارگر گرامی وارجمند،

در برابر اینهمه لطفی که شما دوستان ابراز می‌دارید ، جز عرض تشکر چیز دیگری که شایسته شما باشد نداریم واز خداوند تمنا می کنیم که همهٔ شما را سلامت بدارد . درباره پیشنهادهای سرکار بررسی‌های لازم را بعمل می‌آوریم و آنچه که درخور اجرا باشد ، عملی خواهد شد ، بویژه درمورد هفتگی کردن مجله سرگرم مطالعه هستیم وبی شک با تهیه شدن امکانات تصمیم خودرا اعلام خواهیم کرد. با چاپ عکس دست اندرکاران مجله‌ هم‌مانند برای شماره مخصوص نوروز یا سالگرد مجله، مستمرا همکاری‌شما را آرزومندیم.

*** جناب‌سردبیر،**

چندی قبل مجله شما را از کارگری گرفتم و سرگرم ورق زدن آن شدم . به عقیدهٔ من‌شما و همکارانتان برای تهیه مطالب این نشریه جداً زحمت می کشید . اما بطوری که استنباط می‌شود هدف شما صرفاً عرضه مجله‌یی کاملا اختصاصی است . بهمین علت محتویات آن تماماً مربوط است به کارگران وامور مربوط به‌آنان. حال آنکه اگرشما ازاین چهارچوب خارج‌شوید و کارگران را تدریجاً به‌مراحل دیگر هم بکشیدند در بالا بردن سطح معلومات واطلاعات آنها نقش تحسین بر انگیزی اجرا کرده‌اید .تردید نیست که کارگر ده سال بعد ایران حداقل فردی دیپلمه خواهد بود که اگر سطح مجله شما در همین حد بماند بدین ترتیب بی شک خواهد ماند ، آن کارگر با سواد را ارضاء نخواهد کرد. مگر چقدر ممکن است قانون کار یا مصوبات مربوط به آن را برای کارگران تشریح کرد ؟ من دقیقاً نمی‌دانم که محتویات مجله شما باید چگونه چیزی باشد ، امااینقدر می‌دانم که‌در حال حاضر مطالب این مجله محدود است.ضمنا این را هم عرض کنم که مجلهٔ رستاخیز کارگران در میان دیگر مجلات اختصاصی که گاه [illegible] [illegible] است . بی تردید کامل بر هم خواهد شد ، درصورتی که از چهاردیواری امور کارگری که در حال حاضر بصورت [illegible] به آن پرداخته‌اید ، خارج شود . زیرا همانطور که اشاره کردم، کارگران عصر از درگیری با امور فنی و صنعتی و،قوانین مربوط به خود با دیگر مظاهر زندگی نیز سرو کار دارند.

اراک ـ مهندس الف

* مهندس ارجمند،

[illegible] [illegible] وشمادقیقا ننوشته‌اید چه مطالبی [illegible] [illegible] و مطالب موجود افزوده شود . [illegible] [illegible] کارگران ضمن [illegible] خود چه‌گونه [illegible] رانیز دربرگیرد ؟ [illegible] داریم که درنامهٔ دیگری نظرات خودرا کامل تر و جامع‌تر مطرح کنید تا ما بتوانیم منظورشما را دریابیم . یا اینکه هرگاه به تهران آمدید ، لطف کرده‌سری بما بزنید تا حضوراً با هم گفت و گو کنیم . بهر تقدیر، باز هم از ابراز لطف و توجه شما سپاسگزاریم.

اصفهان ـــ آقای سید احمد موسوی

ما هم کامیابی و پیروزی‌شما را آرزومندیم و چرا که نباشیم ؟ بهمین علت معتقدیم که گردانندگان شرکت «ساپیر» و دیگرشرکت‌های کشوراعم ازملی ودولتی باید به‌خواست‌های کارکنان خود توجه کنند تا اگر درخورقانونی، منطقی واجرا باشد، برآورده‌فرمایند . بهمین علت پیشنهاد سرکار مبتنی بر اینکه کارفرمایان باید به کارگران کارگاهها و کارخانه‌های خود کارت شناسایی بدهند را در این صفحه «سیجاپانم» تا پس از درج بنظر حضرات برسد و انشاءالله ترتیب اثری بدهند !

مرحمت‌عالی کم کمک‌زیاد !

تبریز - خانم ملاحت حاجیلو

علیکم‌السلام ، سن بنده « عدل » دویست سال است ! دیگر اینکه فدوی چاپارخانه را در دیررسیدن نامه‌ها زیاد هم بی‌تقصیر نمی‌دانم ونکته‌یی درهمین چند روز اخیر باعث شد که حقیر به این « کشف » مهم برسم . زیرا به دنبال درخواست ما در دو شمارهٔ قبل که ضمن چند عبارت ازخوانندگان مجله درخواست همکاری و همفکری کرده بودیم ، نامه‌هایی که زودتر از همه به دفتر مجله رسید ، از شهرستانهای یزد و اصفهان بود . این نکته ثابت می کند که وضع پست این دو شهر بهتر از دیگر شهرهای وطن است . بهمین دلیل ملاحظه می‌فرمایید نامه هایی که در این صفحه مطرح شده است ، بیشتر از شهرهای یادشده‌است .

بنابراین ، کم‌تقصیری ما در دادن پاسخ به نامه‌ها ثابت می‌شود . ازاین‌رو استدعا می کنم در ارسال مرقومه کوتاهی نفرمایید و درضمن با ما قهر نکنید . راستی هزینه فر شش ماهه در آرایشگاه شما چند است ؟ در پایان توفیق همه آرایشگران وطن را در « چکل ! » کردن خلق خدا خواهانم !

صومعه‌سرا ـــ آقای علیرضا علامی

حق با توست علی‌جان . فدوی هم قبول دارم که بعضی ازشهرستانهای ما فاقد اماکن و وسایل سرگرمی و تفریح به حد کافی است، که بهمین علت بیشتر کودکان و نوجوانان امروز پس از تعطیل مدارس بلاتکلیف و سرگردان می‌شوند . تردید نیست که این بی‌سامانی عوارض نامطلوبی ببار می‌آورد و بقول جنابعالی پای جوانان و نوجوانان را به قهوه‌خانه‌ها و اماکن شبیه به آن بازمی کند . بهمین علت ما حتی‌الامکان در این باره تذکر می‌دهیم و تا سرحد مودرآوردن زبان قلممان می‌نویسیم. البته با توجه به اینکه مسئولان این امردرصدد رفع این مشکل مهم می‌باشند ، اما انشاءالله آهنگ انجام این امر ، مطابق با عصرانقلاب، و پیشرفت‌هائی باشد که درزمینه‌ های دیگر وجود دارد .

آقای سلطانعلی اسلامی‌نژاد ، کارخانه سیمان لوشان

عزیزم ، از اینکه در پاسخ نامه تو دوست عزیز کارگر تأخیر شده ، بسیار متأسفم. اما قربان تو، یک چیز را هم بیاد داشته باش ، وآن اینکه « آسیاب هم بنوبته » . اینهمه نامه که از طرف شما خوانندگان عزیز می‌رسد ، هر هفته می‌رود توی ظرف نوبت، وآنوقت یکی یکی بنوبت از ظرف می‌پرد بیرون و جوابش چاپ می‌شود .

بهرحال دوست بسیار عزیز و زودرنجم ، آخرین نامه‌ات را سپردم به متصدی پاسخ به پرسش های مربوط به قانون تأمین اجتماعی ، و خواهش کردم عجالتاً نامه شما را زودتر پاسخ دهند.

یزد ـــ آقای سلمان کاظم‌پور

ای بابا ، الهی قربانت بروم سلمان‌جان. آخر اینهم‌شد سؤال که تو دوست نازنین انداخته‌ای جلو مخلص ؟ اخر فدوی چه می‌دانم نخستین کسی که در یزد بادکش ساخت چه کسی بود ؟ بازخدا پدراین جناب عرفی‌نژاد عزیز را درزنده بودن بیامرزاد که مرا با کمهٔ بادکش که همان هوا کش های بادی یزد باشد آشنا کرد و گرنه حال [illegible] می کردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دلاک ها وحجامت [illegible] می کرد ! بهرحال خداوند ارج وعزتت بدهد با این سؤال کردنت . واما درمورد سؤال دوست می توانم بنام که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سوقعی است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باید پید!

پاسخ های کوتاه ومتفرقه

برازجان ـــ آقای محمدعلی افراسیاب زاده

[illegible] [illegible] مجله خواندن که دعوا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است که مجله ما هر [illegible] روز یک‌بار منتشر می‌شود و بدین ترتیب برای سرکار و هشت خواهر و برادرتان (ماشاءالله !) فرصت کافی میماند که هر کس یک روز به خواندن مجله سرگرم شود. بهرحال ، اگر باز هم نتوانستید با هم کنار بیایید ازمن به شما نصیحت که یکی دونسخه زیادتر بخرید و قال‌قضیه را بکنید . ضمناً اگر باز هم نشد به حقیر اطلاع دهید تا جان‌نثار به نماینده خودمان در برازجان توصیه کنم که یک‌نسخه مجله رستاخیز کارگران را مجانی به حضرتعالی هدیه کند. البته بشرطی که به دیگران چیزی نگویید و ده‌ریال بهای آنرا هم بپردازید! در پایان خوشحالی بیش ازحد جناب سردبیر را به اطلاع جنابعالی می‌رسانم.

سمنان ـــ آقای علی مشکی

با علیکم‌السلام مفصل به عرض عالی می‌رسانم که مجله رستاخیز کارگران با وجود کوتاهی دوران انتشار ، هرگز و بهیچ‌وجه از چاپ عکسهای خاندان جلیل سلطنت کوتاهی نکرده و نخواهد کرد. ضمناً تردید نیست که تمامی عکس های مورد نظر شما درچهار رنگ و با پزهای بسیار عالی چاپ شده است. لیکن اگرسرکار مشتاق هستید که این عکس‌ها را قاب کرده ونگه‌داری کنید، باید به‌اطلاع تان برسانیم عکسی که برای قاب کردن انتخاب می‌شود، بایستی ازلحاظ ابعاد مطابق استانداردی مشخص باشد که متأسفانه با توجه به قطع مجله هیچیک ازعکس های چاپ‌شده‌ما تابع استاندارد نیست. بنابراین سرکار بایستی برای تهیه تمثال مورد علاقه خود یکی از فروشگاه‌های تهیه عکس های خاندان جلیل سلطنت مراجعه فرمائید که بی‌شک‌در سمنان نیز چنین فروشگاه‌هایی هست .

اراک ـــ آقای عبدالله سلیمانی

برفت جانم ، برفت ! منظور رشحات ذهنی و احساس خودت است که مدعی هستی بعضی از آنها از برنامهٔ فرهنگ عامهٔ رادیوتلخانه نیز پخش وپلا شده است . البته باید توجه داشته باشی اشعاری که برای چاپ درمجله ما میفرستی مختصر ومفید باشد . آخر بعضی اوقات ، برخی از سروران یک یا چند قصیده سیصد چهارصد بیتی می‌فرستند وتوقع دارند که جناب سردبیر بلافاصله آنها را بچاپاند ! حال آنکه خودشان بهتر از هرکس می‌دانند که درصورت چاپ‌این قصاید بایستی سه‌چهار صفحه از مطالب مجله کنار گذارده‌شود.

پس لطف‌عالی کم مباد.

پاسخ های قضائی

بقیه از صفحه ۷۶

فرمائید . عرض شود چندی قبل یک کارخانه وسیله شرکت ما خریداری و چون تعهد شده بود از نصب و بهره‌برداری آن در تهران خودداری کنیم و بعلاوه مشتری و خریداری نیز از یکی از شهرهای جنوبی کشور برای کارخانه پیدا شده بود هیأت‌مدیره تصمیم گرفت کارخانه را بفروش برساند و چون شخصی می‌بایستی بمحل رفته وضمن تحویل ماشین آلات و تعلمات کارخانه بخریدار نحوه نصب و بهره برداری از آنرا نیز آموزش داده و قیمت فروش را دریافت نموده و بتهران بیاورد بیکی از شرکای شرکت این مأموریت محول و کتباً نیز مراتب بوی ابلاغ گردید، متأسفانه شریک محترم پس ازرفتن بجنوب و تحویل ماشین آلات چند میلیون‌تومان وجه قیمت کارخانه را دریافت نموده و متواری گردید . پس از مدتی انتظار حسب وظیفه مدیریت مراتب را بهمئت مدیره ابلاغ و پس از تصمیم هیئت درخصوص عمل شریک بعنوان خیانت در امانت در دادگستری طرح شکایت نمودم . با اینکه بازپرس قرار مجرمیت صادر و بر همین اساس کیفرخواست صادر شد. معهذا دادگاه مشارالیه را باین دلیل که دخالت شریک در مال‌الشرکه جرم جزائی ندارد تبرئه نمود . اکنون شرکت دچار مشکل عظیمی شده است چرا که چند میلیون تومان پول شرکت بر باد رفته و بعلاوه قانون راه ما را برای وصول آن بسته است . تصور بفرمائید با این نظر قانون چه مشکلات عظیمی در فعالیتهای اقتصادی بروز می کند ازطرفی بنده تصور نمی کنم این تصمیم دادگاه قانونی باشد . خواهشمندم هرچه زودتر پاسخ بفرمائید که آیا رأی دادگاه صحیح صادر شده و شرکت راهی برای وصول طلب خود ندارد و آیامی توان ازطریق دیگری اقدام قانونی نمود و یا همین دعوی را دنبال کرد . با تشکر از پاسخی که خواهندفرمود.

پرسش های مربوط

بقیه ازصفحه ۷۷

مقابل ۱۷ سال سابقه و ۲۹۸ ریال حقوق روزانه بمن میدهد؟

کارگرعزیز،

برای بازنشسته شدن حداقل سن درمورد مردان ۶۰ سال ودرمورد زنان ۵۵ سال است وسن بیمه شده براساس شناسنامه تعیین میشود . اگرچه ممکن است شما شصت سال تمام داشته باشید ولی چون طبق اظهارات خودتان در شناسنامه ۵۹ سال دارید لهذا برای باز نشسته شدن واجدشرائط نیستید . بنابراین موضوع برقراری مستمری بازنشستگی درباره شمامتنفی است.

درمورد ازکارافتادگی تنهاتمایل شما کافی نیست ، زیرا ممکن است ناراحتی اعصاب یاضعف بنیه شما براثر معالجه بهبود یابد. بدین دلیل ناتوانی جسمی ، یا بعبارت دیگر ازکارافتادگی شما را باید کمیسیونهای پزشکی تائید کنند . اگر از کار افتادگی شما وسیله کمیسیونهای پزشکی تائید شود ، در آنصورت چون اظهار کرده‌اید که حقوق روزانه شما ۲۹۸ ریال است بفرض اینکه این مبلغ متوسط دستمزد روزانه شما باشد ، مبلغ مستمری از کارافتادگی ماهانه اگر مجرد باشید ۴۴۸۰ ریال و اگرمتاهل و صاحب فرزند تحت تکفل باشید ۵۳۴۴ ریال خواهدشد.

همه امیدها د روجود شاهنشاه

بقیه ازصفحه ۱۱

در عصر [illegible] خوبی [illegible] امید و آرزو [illegible] می‌کرد و در [illegible] برنامه‌های این سوگند [illegible] فرصت زیست [illegible] زندگی مرفه به مردم بخشد ، عدالت اجتماعی [illegible] بهداشت ، فرهنگ [illegible] حوادث و [illegible] مادرا رنیاط است برهاند.

وبا افتخار امروزه می بینیم رفاه و آسایش ملت و ثبات وآرامش کشور، دراین مملکت تحقق یافته و این آرزوها یکایک برآورده شده است.

اما آیا این رفاه وسعادت اجتماعی بسادگی بدست آمده است [illegible]

[illegible] در کتاب انقلاب سفید می نویسند : [illegible] هیچ [illegible] من و خدای من میداند که چه شبها را تاصبح به تأمل و تفکر گذرانده‌ام و با خضوع و خشوع تمام برای یافتن جواب از خدای خویش استعانت جسته‌ام [illegible] لازم [illegible] زندگی خود گذاشته‌ام. بهمین جهت همانطور که شما خوانندگان عزیز آگاه هستید ، «رستاخیز کارگران» ازشماره های قبل درجهت‌شناساندن [illegible] گوشه از تاریخ معاصر ایران تلاش صادقانه یی را انجام میدهد. وما نیز دراین بحث سیرتکامل صنایع ایران وزندگی کارگران کشور را درطول سلطنت خاندان پهلوی بمرور گرفته‌ایم، باشد که دوستان کارگر با خواندن این مطالب در جریان رویدادهای چند دهه گذشته قرار گیرند ، و اصالت سازندگی و پویندگی خلاق کشورخود را بازشناسند.

برای آگاهی مشترکین ومتقاضیان اشتراک مجله رستاخیز کارگران

کلیه وجوه بابت اشتراک مجله راتنها به‌حساب شماره ۴۴۴ ، بانک‌ملی ایران شعبه خیابان سپند(فیشرآباد)منظور فرمائید وفیش بانکی آنرا به دفتر مجله ارسال دارید.

کتابخانهٔ رستاخیز کارگران

پسرک آدامس فروش

نوشتهٔ : فریدون هدایت پور

« پسرک آدامس فروش » ، مجموعه داستانی از فریدون هدایت پور. چند روز پیش انتشار یافت . در این مجموعه ، ده داستان می‌خوانیم که همه از نثری روان و دور از ناهمواری های نفط برخوردار است و نویسنده با نگرشی عمیق ، بخوبی از عهده تصویر چهره قهرمانان واعمال آنها برآمده است. این مجموعه به طبع حسی و به بهای [illegible] ریال انتشار یافته است . نقاشی روی جلد ازمحمد فرنگین و نقاشی متن ازمنوچهر درفشه است.

سالنامهٔ کشور ایران

سالنامه کشور ایران » ، که سی و یکمین سال آن در ۹۲۸ صفحه انتشار یافته ، چون سالهای پیشین حاوی بیانات شاهنشاه آریامهر درمراسم گوناگون ومصاحبه بامطبوعات خارجی ، و نیز بیوگرافی شخصیتها و مقامات بلند پایه مملکتی و مقالاتی چند از نویسندگان و اشعاری از شاعران معاصر است .

مؤسس و مدیر سالنامه کشور ایران ، محمد رضا میرزا زمانی ، درطول سی و یک سال که این سالنامه را انتشار میدهد ، نشان داده است که در کار خود دقیق و پیوسته کوشا است .

فعالیت اقتصادی

بقیه ازصفحه ۶۹

با توسعه و گسترش صنایع ، بخش صنایع وسپس بخش خدمات گسترش می‌یابد و گروههای عظیمی از مردم در این بخش بکار اشتغال میورزند وشکل و نوع خدمات پیچیده‌ترمیگردد بنحوی که زندگی آسان به ساده‌ترین شکل به کمک همین واحدهای خدماتی میگردد و هر چه در سایه مکانیزاسیون، دو بخش کشاورزی و صنعت فشرده‌تر میشود، بخش خدمات‌وسیع تروگسترده‌ترمیگردد.

بدین ترتیب ملاحظه میشود، انسان در زندگی خود، برای بهتر زیستن و رفع نیازهایش به دو اسر اساسی میپردازد: تولیدوخدمات.

این کارگرجوان،

بقیه ازصفحه ۴۳

شده بود و مشغول نوشتن کارت روی ورق آهن بود ، برخورد و او را چندمتر دورتردورتر پرتاب کرد ، چنانکه از ناحیه سرشدت آسیب دید کارگر فوق را به بیمارستان شماره ۲ بیمه‌های اجتماعی منتقل کردند ، ولی شدت جراحات بحدی بود که معالجات سودی نبخشید و کارگر جوان قربانی بی احتیاطی همکارش شد.

علت‌حادثه

کارشناسان وزارت کار وامور اجتماعی ضمن بازدید ازمحل ،علت‌حادثه راچنین تشریح کرده‌اند . کشیدن گاری با دست ،درحالیکه میدان دید درجهت حرکت گاری نداشته ،عمل غلط و ناسالمی بوده است. مسئولین حمل‌ونقل کارخانه باید ضمن پیش بینی‌های لازم کارگران رابا اجرای مقررات و تعلیمات ایمنی آشنا سازند ، اگر کارگری با اعمال خلاف موجب بروز حادثه گردید ، ضمن توبیخ رعایت نکات حفاظتی را بـه او یـاد آوری نمایند تا از بـروز حـوادث جـلوگیری بعمل آید.

برای مراجعه ....

تأمین اجتماعی با توجه به اهمیتی که برای این امر قائل بودند، هیاتی از کارشناسان مطلع مامورشدند که با بصیرت و بحسن‌نیت لازم جهات مختلف را برای سرمایه گذاری صحیح پیدا کنند، تا درشرایطی که تورم وجود دارد، وضعی پیش نیاید که نرخ تورم رقمی بالاتر از درآمد ماباشد، وما بتوانیم همیشه قدرت مالی خود را حفظ کنیم و تعهداتی که در مقابل کارگران مملکت داریم، انجام دهیم. و هم اکنون این ذخایر توسط افرادی که عضو هیات‌سرمایه گذاری هستند و ازاقتصاددانان و کارشناسان مطلع ترکیب یافته است، زیر نظر شورای عالی سازمان تأمین اجتماعی،مرکب از چند وزیر وسرپرست سازمان برنامه، کارهای سرمایه‌گذاری را به دقت و وسواس لازم انجام میدهد.»

با این‌توضیحات باین نتیجه رسیدم که کارهای این سازمان بدور [illegible] سخت پیچیده ومشکل میشد. برای روشن شدن چگونگی حسابها ورسیدگی‌های دقیق سوال کردم.«تا آنجائیکه من اطلاع دارم، کار این سازمان بشکل گویائی مکانیزه نیست و دستگاههای مدرنی در اختیار ندارید که باسرعت حسابهای افراد بیمه شده را مشخص کنند. برای این کار چه اقداماتی انجام داده‌اید.»

دکتر عمرانی در جواب گفت: [illegible]

بقیه ازصفحه ۱۳

سال پیش در سازمان بیمه‌های اجتماعی دستگاههای کامپیوتر داشتیم ووظایف خودمان را انجام میدادیم ولی در شرایطی که ۳۴ میلیون نفر مردم کشور بیمه شده‌اند این دستگاهها جوابگوی ما نیست، بهمین انگیزه از چندی پیش گروهی از کارشناسان داخلی وخارجی مسائل مربوط به‌مکانیزه کردن حسابها وعملیات‌سازمان تأمین اجتماعی را بررسی میکنند وامیدواریم درآستانه اجرای برنامه‌های وزارت بهداری وبهزیستی در این زمینه پروژه‌های‌آماده شده را بمرحله اجرا درآوریم. در برنامه کار ما هدف این است که به‌تمام مردم مملکت یک شماره اختصاصی تأمین اجتماعی بدهیم، وهر فرد بآن شماره خاص تأمین اجتماعی شناخته

میشود واین کارت درحقیقت گویای شخصیت شغلی یک فرد خواهد بود، چه از نظر مملکتی و چه از نظر مواردی که بحسابهای تأمین اجتماعی سر و کار دارد، شماره تأمین اجتماعی شماره‌ایست که در کارتی که عکس بیمه شده هم هست نوشته شده و گویای تمام وضع

یک بیمه شده میباشد. مثلا زن است مرد است، در چه سالی متولد شده، در کجا ودر چه مشاغلی اشتغال داشته است، از چه سال مشمول تأمین اجتماعی قرارگرفته است، چند سال است حق بیمه پرداخت کرده‌است و....

ووقتی ماشماره‌رابه‌ماشین بدهیم در آن واحد [illegible] ما میگوید که‌مشخصات این فرد چیست وما روی آن مزایای بیمه شده را پرداخت خواهیم کرد.

نکته دیگر اینکه کارآمدان نیز دراین سیستم وارد میشوند وشماره مخصوصی خواهند داشت ونگاهدارنده حساب کارآمایان ماشین‌های حساب خواهد بود وروی این شماره فورا مشخص میشود که مثلا فلان کارآمد چند کارگر دارد، چقدر حق بیمه باید بپردازد، و احتمالا دیر کرد پرداخت حق بیمه آن چقدر میشود.

آقای عمرانی اضافه کرد: «ازاین سیستم فقط در کشورهای اروپائی وامریکائی استفاده میشود وفکرمیکنم درآسیا، ایران اولین کشوری باشد که ازاین سیستم ماشینی استفاده خواهد کرد.»دربپایان این گفتگواز آقای دکترعمرانی

که باحوصله تمام این مطالب را باما درمیان گذاشت تشکر میکنم وضمن خدا حافظی برای ایشان وسایر همکارانشان آرزوی موفقیت وخدمت بیشتر بشاهنشاه ومملکت می کنم...

ورزش کارگر

Montreal

سفر بخیر!

میلیونها ایرانی مشتاقانه درانتظار خبرهای خوش از المپیک مونترال هستند

تیم واترپلوی ایران ، قهرمان بازیهای آسیائی تهران، بعنوان نماینده این قاره کهنسال، در بازیهای المپیک مونترال شرکت می کند. این، نخستین بار است که چنین افتخاری نصیب آب بازان ما می‌شود . در المپیک ها، بازیهای آبی از تماشائی ترین و پر جمعیت‌ترین بازیها هستند.

یک جمع یازده نفری بهمراه یک مربی گروه واترپلوی ایران را در المپیک مونترال تشکیل میدهد.

تیم واترپلوی قهرمان آسیا عبارتند از: احمد پیدایش — حمید رشنجانی — فیروز محمدی — احمد یاقوتی — رضا کامرانی — بهرام توکلی — عبدالرضا مجدپور — حسین نسیم — داریوش موحدی وحسین توکلی ومنصور گروسی (مربی)

دو روز پیش از این ، سحرگاه روز شنبه نوزدهم تیر ماه ، کاروان بزرگ ورزشی ایران برای شرکت در بازیهای بیست و یکمین دوره لمپیک راهی مونترال شد.

قهرمانان و پهلوانان و ورزشکاران برومند سرزمین ما که برای هشتمین بار در بازیهای المپیک حضور می‌یابند ، در نه رشته ورزشی شرکت خواهند کرد.

ورزشکاران ایرانی در رشته های کشتی (آزاد و فرنگی) — وزنه برداری — فوتبال — شمشیر بازی — دوچرخه سواری — مشت زنی — واترپلو — دوومیدانی با حریفان خود زورآزمائی خواهند کرد. ناگفته پیداست که ورزشکاران ما در اغلب رشته‌ها میدانی برای عرض اندام نخواهند داشت ، بخصوص در رشته هائی چون دو و میدانی — شنا (واترپلو) — مشت زنی و دوچرخه سواری وشمشیربازی.....

ولی باید توجه داشت که تمام قهرمانان ما در این رشته‌های ورزشی صاحب عنوانهای آسیائی هستند و به حد نصاب های ورودی المپیک دست یافته اند.

تیمور غیاثی که دربازیهای آسیائی تهران با رکورد جالب ۲/۲ متر قهرمان آسیا شد، حریفانی دارد که براحتی ازمرز ۲/۲ متر میگذرند... یا تیم واترپلو که ان نیز دربازیهای

سفر بخیر!

آسیائی تهران بمقام نخست دست یافت، بعنوان نماینده آسیا در بازیهای المپیک مونترال شرکت میکند. اغلب قهرمانان مشت زنی وشمشیربازی و دوچرخه سواری ما نیز چنین وضعی دارند. در فوتبال نیز که برای سومین بار در المپیک شرکت میکنیم (بار اول سال ۱۹۶۴ المپیک توکیو بار دوم ۱۹۷۲ المپیک مونیخ) شانس صعود ازدورمقدماتی را داریم.

تیم ایران (نماینده آسیا) در گروه خود با تیم های فوتبال لهستان (قهرمان المپیک مونیخ) — کوبا (نماینده آمریکای لاتین) و نیجریه (نماینده افریقا) روبروست. تیم فوتبال لهستان را میشناسیم. بخاطر بدوش کشیدن عنوان قهرمانی المپیک مونیخ و مقام سومی جام جهانی ۱۹۷۴ و نیز آخرین خبری که چند روز پیش از ورشو رسید، مبنی براینکه تیم المپیک لهستان در یک دیدار دوستانه تیم المپیک برزیل را با نتیجه جالب سه بر صفر مغلوب کرده است تیم برزیلی همان تیمی است که تیم المپیک ما در ورزشگاه فرح با آن ۲ — ۲ مساوی کرده بود. از فوتبال کوبا و نیجریه اطلاعات زیادی در دست نداریم. بنظر میرسد که نیجریه که بعنوان نماینده فوتبال قاره سیاه در بازیهای مونترال حضور می‌یابد، سختی برای گفتن داشته باشد، ولی کوبا حریف خطرناکی بنظر نمیرسد. گرچه چنین پیشگوئی‌ها در فوتبال — با تجربه ها و رویدادهای نسبه سازگار نیست، ولی در جریان معمولی کارها، به اعتقاد فوتبال شناسان، تیم ایران بهمراه لهستان شانس صعود از دسته خود را دارد.

ولی فراموش نکنید که دنیای توپ گرد همیشه باشگفتی همراست ومسائل زیادی وجود دارد که تمام پیش بینی‌ها را نقش برآب میکند.

اولین مدال طلا وآخرین مدال....

در وزنه برداری، بیشترین امید را به «محمد نصیری» اعجوبه وزنه برداری جهان داریم. نصیری، بی تردید، از پدیده‌های شگرف جهان وزنه برداری است. نصیری که برای چهارمین بار در بازیهای المپیک شرکت میکند، در المپیک توکیو (۱۹۶۴) در خروس وزن شرکت کرد آنوقت ها، نصیری یک تازه وارد گمنام به باشگاه خروس وزنهای جهان بود. ولی چهار سال بعد، در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی، نصیری خالق شگفتی شدو در یک میدان رقابت بسیار فشرده و حساس با حریف کهنه کارش ایمره فولدی مجارستانی به مرز معجزه رسید، بدین معنی که وقتی حرکات یک ضرب و پرس نصیری تمام شد، حریف مجار.... هر سه حرکت خود را تمام کرده بود. نصیری مانده بود و وزنه ۱۵۰ کیلوئی! اگر این وزنه را بالا سرمیبرد وسه چراغ سفید پاداش می‌گرفت، اولین مدال طلای المپیک رانصیب ایران میکرد والا زیر دست «فولدی» که با نگرانی مراقب حرکت دو ضرب نصیری بود، قرار میگرفت. نصیری استعداد ذاتی و نبوغ وزنه برداریش را نشان داد و با بلند کردن وزنه ۱۵۰ کیلوئی که ۳۸ کیلو بیش از وزن بدنش بود، دنیائی را به تحسین واداشت. در المپیک مونیخ نیز مبارزه فولدی و نصیری تماشائی بود که این بار نصیری در مکان دوم ایستاد و مدال نقره گرفت. نصیری، تنها قهرمان ایرانی است که برای چهارمین بار پیاپی به المپیک میرود که از این المپیک‌ها یک مدال طلا و یک نقره با خود به ارمغان آورده است. نصیری صاحب ۶ مدال طلای جهانی، سه مدال طلای آسیائی، دو مدال نقره و دو مدال برنز جهانی است. آخرین مدال طلای نصیری، چند هفته پیش بگردنش آویخته شد و آن نیز در مسابقه های جهانی راه آهن بود.

نصیری ۳۱ ساله، ۱/۵۰ مترقد و ۵۶ کیلو وزن از امیدهای بزرگ ما در مگس وزن (۵۲ کیلو) است.

دیگر وزنه برداران ما در المپیک مونترال فیض‌الله ناصری، جوان ۲۱ ساله و با استعدادی است که برای اولین بار راهی المپیک میشود. او در خروس وزن صاحب رکورد ۲۴۷ کیلو است. به اعتقاد منوچهر برومند، مربی تیم ملی وزنه برداری، ناصری جوان از چنان استعداد و قدرتی بر خوردار است که بعید نیست در المپیک روی سکو برود.

در خروس وزن، ایران یک شرکت کننده دیگر هم دارد که او فضل الله دهخدا وزنه بردار ۲۸ ساله اصفهانی است. در پروزن (۶۰ کیلو) یک کارگر قهرمان و افتخار آفرین پیراهن تیم ملی را بتن دارد. او، داود ملکی، کارگر تهران کارخانه دخانیات است. او که اخیراً چند رکورد تازه ملی از خود بجای گذاشته است، صاحب یک مدال برنز جهانی در حرکت یکضرب، و یک عنوان چهارمی جهانی است. داود، همچنین در جام دوستی ملتها در شوروی

یک مدال نقره، دومدال طلا ونقره از جام شمشیربازی آلمان شرقی در کلکسیون مدالهای خود دارد. ملکی ۲۳ سال دارد، باآینده‌ای درخشان...

در میان وزن، مهدی عطار اشرفی یک بچه گیلک دوست‌داشتنی است. علی‌وائی، توی‌سرس سنگین وزن ایران [illegible] سنگین وزن وزنه‌بردار [illegible]

سنگین وزن دیگر [illegible] هوشنگ [illegible] که صاحب سه مدال طلای [illegible] تهران [illegible] دوضرب ومجموع [illegible]

[illegible] عکس [illegible] اردوی داود [illegible] سنگین [illegible] ملی [illegible] علی وائی (وزنه‌بردار) [illegible] عکسی می‌خندد...

اضافه کنیم که تیم وزنه‌برداری ایران را منوچهر برومند سرمربی ورضا استکی کمک مربی همراهی میکنند. منوچهر برومند که ۴۲ سال‌دارد، از نو جوانی به وزنه‌برداری روی آورد واولین آسیائی است که از مرز ۵۰۰ کیلوگذشت وبه‌عنوان‌قوی‌ترین مرد آسیا انتخاب شد. برومند که یک‌انسان دوست‌داشتنی‌است، درسالهای ۶۲—۱۹۶۱ بمقام چهارم جهان رسیدودر بازیهای آسیائی بانکوک صاحب مدال طلاشد(۱۹۶۶) برومند از المپیک مکزیک به‌جرگه مربیان پیوست و سالهاست که‌در نهایت صداقت وصمیمت وباحداقل حقوق ومزایا (ماهیانه ۱۰۰۰ تومان) به جوانان خدمت میکند.

رضا استکی کمک‌مربی تیم‌وزنه‌برداری نیز از چهره‌های سرشناس وزنه‌برداری ایران بود وامید می‌رود که تیم وزنه‌برداری ایران بادست‌هائی پرونخاطراتی فراموش‌نشدنی از مونترال بازگردد.

سه‌مدال‌طلا از کشتی

سرانجام به‌مردان بزرگ وپهلوانان صاحب نام کشتی می‌رسیم که‌هریک بادنیائی شورو التهاب درانتظارروياروئى باحریفان خود هستند. کشتی، این ورزش باستانی ما، بیش از همه‌ورزشها برای ما در جهان ورزش کسب شهرت واعتبار وافتخار نمود وعلیرغم نزول سالهای اخیر، همچنان یکی‌ازورزشهای مورد علاقه‌مردم ورزشدوست‌ما می‌باشد.

در طول بیست‌وهشت‌سالی که ازشرکت

Montreal '76

آنکه روی تشک راحت و بی خیال نشسته و نیششش تا بنا گوش باز شده اسکندر فیلابی است وآن دیگر که زانوبه زمین زده و با نگرانی به نقطه نامعلومی خیره‌شده، داود ایوب است. جالب اینکه این عکس یک روز پیش از دیدار نهائی این دو درسالن تمرین امجدیه برداشته شده. طالقانی و یکی دیگر از کشتی‌گیرها نیز کنار هم لم داده‌اند. مثل اینکه، از پیش، فیلابی میدانست که ایوب در برابرش حاضر نخواهد شد و او برای سومین بار بپابی راهی المپیک خواهدشد...

قهرمانان ایران در بازیهای المپیک می‌گذرد (از المپیک ۱۹۴۸ لندن) ماصاحب چهارمدال طلاشدیم که‌سه‌تای آن ازکشتی‌گیران صاحب‌نام بود. واز ۹مدال نقره و ۴ مدال برنزی که‌از هفت المپیک‌گذشته نصیب قهرمانان ماشد، بازهم کشتی‌گیران بیشترین سهم‌را دارند واز این‌روست که در بازیهای مونترال نیز ورزشدوستان از کشتی‌گیران انتظارات بیشتری دارند.

اولین مدال طلای کشتی را درالمپیک امامعلی حبیبی اعجوبه کشتی جهان درالمپیک ملبورن برای ملت ما به‌ارمغان آورد. وحالا همشهری‌های او سبحان‌روحی ورمضان‌خدر می‌خواهند جاپای اوبگذارند.

سبحان‌روحی یک‌بچه روستائی مازندرانی است. اهل جویبار، نزدیکی ساری که سه‌سال است پیراهن تیم‌ملی را به‌تن کرده است.

روحی، کشتی‌گیران روس وبلغار وژاپن را حریفان اصلی خود می‌داند و به رفتن روی‌سکوخیلی امیدواراست.

رمضان خدریکی دیگر ازکشتی‌گیران مازندرانی است که تیم‌ملی کشتی‌آزاد را در المپیک مونترال همراهی‌می کند. خدر، که در المپیک مونیخ نیزشرکت کرده بود و بایک شکست غیرمنتظره از سکو ومدال دور مانده بود، این بار، سخت امیدواراست که بدشانسی مونیخ را جبران کند ویک‌مدال طلای‌المپیک برای هموطنانش به‌ارمغان بیاورد.

خدر، هم‌چون روحی فقط به حریفان‌روس وبلغار وژاپن می‌اندیشد. دیگر از امیدهای بزرگما منصوربرزگر، کارگر صاحب‌نام است که‌مدال طلا وعنوان جهانی ۷۴ کیلوئی‌های جهان را در ۱۹۷۳ بیدک می‌کشد.

برزگر، درمونیخ در یک‌حال غیرمنتظره مغلوب حریف فرانسوی‌شد وبا همین یک‌باخت، بمقام پنجم سقوط کرد. ولی‌سال بعد از آن، برزگر با کسب مدال طلا،شکست مونیخ را بدست‌فراموشی سپرد. ودر مسابقات جهانی ۱۹۷۴ نیزبه‌مدال نقره دست‌یافت. برزگر که یک مکانیک مطلع‌است، ۲۸ سال دارد وبا مادرش زندگی‌می کند. می‌گوید: درمونترال باید با کشتی‌گیران روس، امریکا، بلغار، ژاپن مغول وچکسلواکی دست وپنجه نرم کنم. به‌مدال‌طلاخیلی امیددارم.

فردوشی که آخرین کشتی‌اش با جهاندار عبدالباقر وبعلت صدمه‌دیدن حریف بدون‌حریف بدون کنکور پیراهن تیم‌ملی را پوشید، در ۶۲ کیلو کشتی خواهدگرفت.

فردوشی که صاحب یک‌مدال طلای جهانی است، در سالهای گذشته اوج‌چشم‌گیری داشت. در یکسال اخیر آنطورکه انتظار می‌رفت، خودش را نشان نداد، ولی‌باوجود این «محسن» که سخت بخودامیدوار است، پیش‌ازعزیمت به‌مونترال، به‌خبرنگارما گفت: «ازاینکه باآخرین حریفم جهاندار عبدالباقر کشتی‌نگرفتم ،متأسفم.چون بهرحال او را می‌بردم وبرخلاف‌گفته دیگران، هیچ‌نزول هم‌ندارم. این را درالمپیک نشان خواهم داد. عبدالله نوائی، کشتی‌گیر وزن ۶۸ کیلو برای نه ناظره کردن سدعباسی، نام و صدای زیاد صاحب پیراهن تیم ملی این وزن شد، در حالیکه ناراحتی‌های ناشی از انهمه جنجال را پشت‌سرگذاشته بود، اعتمادداشت حالا که «سیده اینهمه برای من کر کری خوانده است، باید باو نشان بدهم که من مردالمپیک هستم واز برابر هیچ حریفی هم

لطفا ورق بزنید

ورزش کارگر

جوان‌ترین عضو کاروان ورزشی ایران

هاشم کلاهی عضو تیم فرنگی المپیک با وجود ۹۰ کیلووزن، تنها ۱۹ سال دارد و جوان‌ترین عضو کاروان المپیک مونترال ایران می‌باشد.

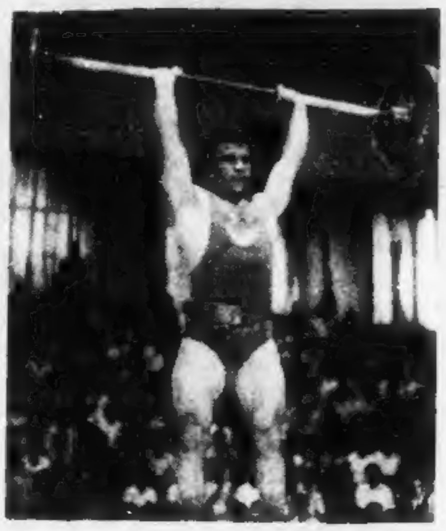

محمد نصیری در چهارمین المپیک

محمد نصیری، تنها قهرمان ایرانی است که در چهار المپیک پیاپی شرکت می‌کند. کارنامه کار او در المپیک‌ها چنین است: یک مدال طلا (المپیک مکزیک) — یک مدال نقره (المپیک مونیخ) و مقام پانزدهم (المپیک توکیو) و یک.... (المپیک مونترال)

فرار نخواهم کرد...

رضا سوخته‌سرائی که چهار پنج سال است به کشتی روی آورده، خیلی زود خودش را نشان داد. سه سال است که عضو تیم ملی است با ۵ مدال طلا و ۲ مدال نقره داخلی و یک مدال برنز از مسابقه‌های بین‌المللی.

سوخته‌سرائی در کلاس ۱۰۰ کیلو کشتی می‌گیرد، و بالاخره باید از سد اسکندر فیلابی، مرد فوق‌سنگین کشتی ایران یاد کرد که از المپیک مکزیکوسیتی عضو تیم ملی بود و این سومین المپیک اوست. کشتی‌گیران آزاد را محمدعلی صنعتکاران (سرمربی) و ابراهیم جوادی (کمک‌مربی) که هردو از قهرمانان المپیک بودند همراهی می‌کنند. در کشتی فرنگی نیز بزرگترین افتخار را کشول یک کارگر برای کشورمان آورده است.

او رحیم علی‌آبادی بود که در المپیک مونیخ در ۴۸ کیلوگرم مدال نقره گرفت. تیم کشتی فرنگی ایران برای اولین بار است که با یک تیم هفت‌نفره راهی المپیک می‌شود. کشتی فرنگی همیشه طفیلی و سربار کشتی آزاد بود و بعلت این پیوند اجباری هرگز موفق نشد از سایه «آزادی» خارج شود و خودی نشان دهد. اعزام یک تیم هفت‌نفری به مونترال شاید سرآغاز درخشش این ورزش باشد. تیم کشتی فرنگی ایران در المپیک مونترال را خلیل رشید محمدزاده (۴۸ کیلو) مراد علی‌شیرانی (۵۲ کیلو) غلامرضا قصاب (۶۲ کیلو) جعفر عشرزاده (۶۸ کیلو) هوشنگ منتظرالظهور (۸۲ کیلو) هاشم کلاهی (۹۰ کیلو) و بهرام مشتاقی (۱۰۰ کیلو) تشکیل میدهند.

جالب توجه این است که هاشم کلاهی با ۹۰ کیلووزن، تنها ۱۹ سال دارد و جوان‌ترین عضو کاروان ورزشی ایران در المپیک مونترال می‌باشد. تیم کشتی فرنگی را حسین ملاقاسمی چهره معروف کشتی فرنگی ایران همراهی می‌کند. در پایان جا دارد از اولین قهرمان ایرانی که در بازیهای المپیک به روی سکوی قهرمانی قرار گرفت و صاحب مدال شد یادی بکنیم، او جعفر سلماسی قهرمان ارزنده وزنه‌برداری ایران بود که در المپیک ۱۹۴۸ لندن با [illegible] کیلوگرم در دسته پروزن به مقام سوم رسید و مدال برنز گرفت.

این، آخرین ترکیب تیم ملی فوتبال در برابر تیم ملی رومانی است.

فقط عسگرخانی (نفر پنجم از چپ) خط خورد، بقیه مهره‌ها سرجایشان هستند باضافه یکی دوتا پشت کنکوری که بالاخره بار سفر بستند و بسوی مونترال پرواز کردند. تیم ملی فوتبال ایران در آخرین دیدار خود در برابر رومانی دو چهره متفاوت داشت. در اوائل بازی، و پانزده دقیقه به آخر مسابقه شتاب زده، بی برنامه و ابتدائی عمل کرد و چشم بسته تسلیم حریف بود، ولی در دیگر وقتها، نه تنها با حریف برابری میکرد، بلکه در دقایقی زیاد چنان فشار برحریف وارد کرد و او را در لاک دفاعی فرو برد که گوئی «کواکس» و شاگردانش را بهیچ گرفته است. تیم بالا با ترمیمی که شد، یک گروه هفده نفری را زیر نام تیم فوتبال ایران راهی المپیک مونترال کرد. این هفده نفر عبارتند از: منصور رشیدی و ناصر حجازی (دروازه‌بان‌ها) حسن نظری - بیژن ذوالفقارنسب - نصرالله عبدالهی و سهام‌الدین میرفخرائی - آندرانیک اسکندریان - حسن ثابت آقا (مدافعان) - پرویز قلیچخانی - علی پروین - ابراهیم قاسمپور - علیرضا عزیزی - (هافبک‌ها) حسن روشن - غلامحسین مظلومی - ناصر نورائی - علیرضا خورشیدی و غفور جهانی (مهاجمان)

(نفر دوم از چپ) جعفر نامدار داور بین‌المللی است که از طرف فدراسیون جهانی فوتبال برای قضاوت مسابقه‌های فوتبال به المپیک دعوت شده است. نامدار که از داوران طراز اول ماست، در آخرین قضاوت خود (در بازی ایران - رومانی) از یک پنالتی بنفع میهمان آسان گذشت..

آقای کواکس!

پس بفرمائید چی داریم؟!

تیمی که نه تکنیک دارد نه قدرت بدنی و نه روحیه به دردچی می خورد

آخرین دیدار تدارکاتی تیم ملی فوتبال ایران در برابر تیم ملی رومانی حاوی نکات جالب و عبرت‌آموز بود. تیم ما در این دیدار دو چهره متفاوت داشت. چهره‌ای وحشت‌زده هراسان با یک بازی ابتدائی که این در دقایق شروع مسابقه و قریب بیست دقیقه آخر آنرا دربر می‌گرفت و چهره دیگر شجاع، کوبنده، با برنامه که نه تنها شانه بشانه حریف می‌سائید بلکه در دقایقی فراوان چنان اورا زیر فشار گذاشت و درلاک دفاعی فرو برد که گوئی «کواکس» و شاگردانش را برای زنگ تفریح به تهران فراخوانده است! تیم ما، با ترس از نام حریف و زیر سایه برتری شهرت و آوازه‌اش بازی را شروع کرد و هنوز از بند افسون برتری حریف رها نشده بود که گل او را، تردید مدافعان پذیرا شد، گلی که شاید حریف رانیز غافلگیر کرد واشتهای گل زدن را از او گرفت.

منطقی‌ترین تحلیل از نابسامانی دقایق آغاز بازی را، اظهارات فوتبالیست‌ها، بعد از مسابقه بنظر می‌رساند. تقریباً همه‌ی فوتبالیست‌ها، در یک نظرخواهی بعد از مسابقه گفتند:

«که از حریف وحشت داشتند و با ترس و تردید بازی را آغاز کردند» این، عیب اول کار است. چرا که این ترس، در جریان رویدادهای المپیک، و در برابر حریف بلندآوازه‌ای چون لهستان که عنوان قهرمانی المپیک گذشته را نیز یدک می‌کشد، ممکن است بار دیگر شیرازه تیم ما را متلاشی کند. پس باید با این روحیه «ترس ازحریف» مبارزه کرد، و این جز باشناخت و آگاهی کامل از تیمی که به میدان می‌آید، امکان پذیر نیست.

دقایق ترس و اضطراب دیری نپائید، بخصوص که فرار روشن و پایه‌گذاری یک حمله از جناح راست نشان داد که حریف یک اسطوره نیست و بعد، حملات و شوت‌ها، که از یک بازی دستجمعی مایه‌گرفته بود بازی را متعادل ساخت تاجائیکه در یک موقعیت بسیار مناسب که پروین، برای قلیچخانی خلق کرده بود، کاپیتان با تجربه سنگین‌شوت ما با یک شوت غیر قابل مهارگل مساوی را زد. وضع متعادل بازی تاگل زیبا و برتر ناصرنورائی — که بجای مظلومی وارد زمین شده بود — ادامه داشت.گل نورائی سرآغاز ازهم پاشیدگی نظام تیم ما بود درمدتی کوتاه، تیم که گوئی حفظ نتیجه برایش ارزش حیاتی دارد، چنان درلاک دفاعی فرو رفت که جز دروازه‌بان تیم رومانی تمام بازیکنان در زمین ایران گرد آمده بودند. در این زمان که تیم ایران به یک مدیر، یک رهبر میانه میدان و یک آرام‌ساز نیاز داشت، از این پس، شاگردان «کواکس» هرچه خواستند کردند. میانه میدان راکاملا در اختیار گرفتند وسد دفاعی ایران که فشار ده‌پانزده دقیقه‌ای را تحمل کرده بود، سرانجام فرو ریخت و روی اشتباه مدافعان، مساوی بنام حریف تثبیت‌شد. فشارحریف بخصوص ازناحیه چپ ادامه داشت وسرانجام باچشم پوشی داوراز یک پنالتی به نفع رومانی بازی با نتیجه مساوی ۲ — ۲ پایان یافت.

بعد از پایان بازی آقای «استفان کواکس» مربی پر سرو صدای رومانی به رخت کن تیم ملی ایران رفت، به مربی تیم ایران و بازیکنان کلی تعارف تحویل داد و از پیشرفت فوتبال ایران تعریف و تمجید کرد. جالب اینجاست، همین آقای «کواکس» وقتی از رخت کن تیم ایران بیرون آمد، به جرگه خبرنگاران پیوست و درچند کلمه درست وحسابی پنبه‌فوتبال ما رازد!

آقای «کواکس» گفت: از تاکتیک سخن نگوئیم که نشانه‌ای از آن در تیم شما ندیدم، بچه‌های شما روحیه ندارند، بخصوص بعد از خوردن‌گل ... گذشته از این قدرت‌بدنی‌شان هم چنگی به دل نمی‌زند....

معلوم نیست آقای کواکس، که مجتهد این کار است، اگر میخواست به بازگو کردن نقطه ضعف‌های فوتبال ما ادامه دهد، دامنه اظهارنظرهایش به کجاختم می‌شد...

آقای «کواکس» و شاگردانش روز بعد راهی ترکیه شدند و فرصت نشد ازایشان سوال شود حضرت! پس ما چی داریم؟ تیمی که نه تاکتیک دارد، نه روحیه و نه قدرت بدنی بدردچه میخورد؟!

شاید، در فرصتی مناسب در مونترال یا بخارست، یا جای دیگر، بتوان جواب این سوال را ازآقای کواکس پرسید!

بزرگداشت پنجاهمین سال سلسله پهلوی

امسال سالی پربرکت و پرشور و شعف برای ملت ایران ، سالی است که همه دلها بخاطر عظمت و شکوه و پیشرفت های همه‌جانبه ایران در دوران شاهنشاهی پهلوی می‌طپد. و دنیائی از غرور در چشمان همه ملت ایران موج میزند ، بخاطر همین عظمت و پیشرفت است که ملت ایران یکپارچه و از صمیم قلب به شادی و سرور برخاسته است در هرگوشه‌ای دلهای آکنده از شادی فریاد برمی‌آورند شاهنشاها سپاس

در این میان کارگران و کارکنان گروه صنعتی رنا از دیگرخواهران و برادران هم‌وطن خویش بدور نبوده و روز شنبه ۲۸ خردادماه با تشکیل مجلس جشن و سرور درمحل کارخانه سهم خود را در بزرگداشت پنجاهسالشاهنشاهی دودمان پهلوی ادا کردند.

درحالیکه محل برگزاری جشن مملو از جمعیت بود و محوطه با طرز بسیار جالبی آذین — بندی یافته بود بانوای سرود شاهنشاهی کلیه حاضران بپا خاستند و بعد ازنواختن سرود ملی مجری برنامه چنین آغاز نمود.

من صادق توکلی این جشن فرخنده پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی را به عموم مدعوین محترم و همکاران عزیزم تبریک عرض می کنم و برای آغاز این جشن از جناب آقای نصیرپور مدیرعامل محترم گروه صنعتی رنا استدعا می کنم برای ایراد سخنانشان به پشت میکروفون تشریف فرما بشوند.

سخنان آقای نصیرپور:

بنام خدا . بنام نامی شاهنشاه آریامهر ، بنده قبل ازشروع عرایضم میخواستم که سپاس و تشکر بی‌پایان همه همکارانم را خدمت میهمانان عزیزیکه زحمت کشیده و از راه نسبتاً دور تشریف آوردند باینجا تشکر بنمایم ضمناً اگر تقارن امروزچنین جشنی که ما در این واحد صنعتی برپا کردیم با روز مبارک تولد حضرت فاطمه‌زهرا دخت عزیز حضرت رسول اکرم . حضرت محمد(ص) فکر میکنم که آقایان اطلاع داشته باشند که تصادفی نبوده بلکه ما سعی کردیم این روز مبارك را بااین جشن فرخنده با همدیگر و تواماً امروز اینجا داشته باشیم ، ما امروزاینجا دورهم جمع شدیم که بمناسبت پنجاهمین سال سلطنت شکوهمند دودمان پهلوی جشن بگیریم ، بنده فکرمی کنم که دراین دوسه ماهی که ازآغاز جشن های فرخنده گذشته سخنرانان خیلی بارزتر از بنده و نویسندگان توانا در موقعیت‌های مختلف موضوع جشن را ، اهمیت آنرا ، علت برگزاری آنرا ، مفصلا درموقعیت‌های مختلف بیان کرده‌اند ، وشاید بنده بعنوان یک سخنران قاصر باشم بتوانم چیزی به مطلب سایر آقایان اضافه بکنم ، ولی من همینطور که برنامه جشن تهیه میشد ، همکارانم یادآوری میکردند که من سخنرانی بکنم و حتی نشستم سخنرانی را تهیه بکنم ولی فکر کردم حالا که من سخنران نیستم ، حالا نویسنده نیستم ، بلکه همه شما میدونید ما کسی هستیم که ساعت ۶ صبح می‌آئیم اینجا کارمیکنیم و آخرشب هم میرویم ، خیلی نمیتوانیم این کلمات را پس و پیش بگذاریم و خوب صحبت بکنیم ، ولی پیش خودم فکر کردم که شاید بدنباشد ، چون سن خود من هم در حدود همین دوره پنجاه ساله است ،یعنی با یکی دوسال اختلاف ، حالا یا بالاتر یا پائین‌تر بهرجهت همینقدر هست . ومن فکر میکردم که شاید آنچه که خودم در دوره حیاتم ، ازدوره کوچکی دیدم تا به امروز شاید خودش یک قصه‌ای باشد از این تحول ، بنده یادم می‌آید در شهری بنام شهر خرمشهر بدنیا آمده‌ام ، من شاید آندوران کودکیم بوده و برایم تعریف میکردند در خانواده‌ام ، در آنزمان یعنی آغاز سلطنت رضاشاه کبیر ، درآنشهر حکومت مرکزی هیچ قدرتی نداشت نماینده دولت ما در آنموقع باو میگفتند کارگزار ، آنها تنها نماینده دولت بودند که آنهم کاری را که می‌خواستند بکنند بایستی با اجازه شیخ وقت باشد ، وقتی که شما یک همچین موقعیتی را درنظر بگیرید و بارها این صحبتش شده بود و من بارها از پدرم میشنیدم هیچ کاری آنجا انجام نمیگرفت .

بهداشت ، یعنی آمدن هرچند سالی یکبار طاعون و وبا در آن شهر و کشت و کشتار . تجارت ، تجارت آنموقع بندرمملکت عبارت بود از رفتن عده‌ای ازبازرگانان این مملکت به هند و خرید کردن از تجار هندی و آوردن کالا به مملکت از دست دوم سازندگان خارجی ، یعنی خودشان تازه تولید کنندگان دنیا را نمیشناختند تاجر ایرانی عبارت از: دلال تاجر خارجی بود که ازیک جای دیگر خرید میکرد ، حالا شما خودتان بقیه موارد را میدانید و شاید خوانده باشید و اطلاع داشته باشید چگونه رضاشاه کبیر توانست ، سنگر بسنگر ، امنیت را در این مملکت و قوه حاکمه دولت مرکزی را در شهرستانهای از دست رفته مملکت بدست بیاورد.

بانک شاهی در آنموقع بود که آنهم مربوط بما نبود ، اوایل دوره بانک ملی . و نفت‌مان هم که همه شما میدانید که اصلا چیزی تا سالهای بعدهم که تا آن تحولات عظیمی که اتفاق افتاد و مبارزاتی شد اصلا ملت ایران ازاو انتفاعی نمی برد . بگذریم .

سالهای اول برای ما تعریف کردند چون بچه بودیم ، ولی سالی که من بدبیرستان رسیدم ما باهواز منتقل شدیم ، درمرکز استان خوزستان تنها یک دبیرستان وجود داشت ، یعنی تمام شهرستان های مملکت بچه‌هایشان را بایستی میفرستادند بمرکز استان دیگر از تحصیلات عالی ، دانشگاه و غیره اصلاخبری نبود . راهی نبود ، ازاهواز بمشهد رفتن ، باید خداحافظی میکردند ، وصیتنامه را می‌نوشتند ، کارها را تمام می کردند ، سوارقافله میشدند و می‌آمدند ، از کوههای لرستان رد میشدند اگر مورد حمله راهزنان قرار میگرفتند که فاتحه ، من اینها را که می گویم شاید عده کمی باشند که‌شنیده باشند ولی خوشبختانه جوانان ما که اکثریت را دراینجا دارند ، این مسائل را قصه و داستان فکر نکنند . این مسائل ، اوضاع و احوال یک مملکتی بوده که در اثر یک تحولاتی امروز به آنجا رسیده که یک محیط کارگری کوچکش دراینجا ۱۸۰۰ نفر کارگرش نشسته‌اند ، امروز توی هندوستان من چون مسئله هندوستان قدیم از خاطرم محو نمیشود ، ما امروز در هندوستان پالایشگاه‌نفت میسازیم ، خودمان آنرا میسازیم ، در افریقا و در کره نیز مشغول اینکار هستیم ، صنعت ما نه تنها دیگر آنطور خریدنمی کنیم ، بلکه امروز ما داریم صادرات می کنیم ، و داریم خودمان را آماده می کنیم که آن مقام صنعتی را دردنیا بدست بیاوریم . (این همه آوازه‌ها از شه بود) . .

امروز جامعه ما به آن سطحی از زندگی و کاروفهم رسیده که خوب و بدش را می‌تواند تشخیص بدهد ، من ، در این مقوله ، خیال مقایسه ندارم فقط یکی دومورد شخصی بود که بیان کردم ، امروز ما یک جشن ملی‌داریم با وجود اینکه درگروه ما تقسیم بندی ، کارمندو کارگر که بتصدیق همه شما از تمام موارد از بین رفته است معهذا محیطی است کارگری ، اغلب دوستان عزیزم ، نماینده کارگران اینجا تشریف دارند ، من خواستم بدین مناسبت فقط کمی راجع به تحولاتی که درجامعه کارگری ما اتفاق افتاده ، من امیدوارم و آقایان همگی اینجا هستند ، واجازه‌میدهند که‌من این‌عرایض را لااقل آن مسئله که ازدید ما هست بعرضتان برسانم . امروزمن مسائل کارگری ، آن چیزی که درقوانین مترقی درمملکت داریم ونصیب کارگران است وشده آنها را من درباره تک تک آنها صحبت نمی کنم ، بیمه‌های اجتماعی ، تعاونیها ، سودویژه اینها مسائلی است که‌مدتها دارید وصحبتی ندارد ، من بیشتر توجه شما را یکی از فرمایشات شاهنشاه آریامهر جلب می کنم امیدوارم همه کارگران تاسرحدامکان درجائی که کار میکنند شریک شوند . من خواستم فقط همین یک مسئله را خدمت آقایان عرض کنم وتوجه شانرا با همیت این موضوع نه تنها از نظر مالی که شاید بعضی‌ها بحث می کنند صحبت کنم ، توجه شانرا باندیشه رهبربزرگمان جلب کنم ، وتوجه باین بدهم که این مسئله چقدراهمیت دارد که ما بتوانیم در یک محیطی با همدیگر با شرایط مساوی کار بکنیم واز نظر پرستیژ وحیثیت انسانی چقدر اهمیت دارد که ما مسئله را بصورت ، مزدورو مزد بگیر و نمی‌دانم وغیره بطور کلی از بین ببریم . وبگوییم با همدیگر هستیم ، اینجا، که داریم ، این کار را باهم انجام میدهیم ، این از نظر انسانی بی‌اندازه مورد توجه هست ومن لازم دانستم همانطوریکه قبلا گفتم نمی‌خواهم تمام موارد را اینجا صحبت کنم آن چیزی که بدل خودم نشسته ، دارم خدمتتان عرض میکنم ، و یا واقعاً بگویم که داریم بکجا میرویم ، کجا بودیم ، کجا هستیم و داریم بچه طرقی راه بجلو پیدا می کنیم ، روز که همه ما با یکدیگر در مسائلی که داشته باشیم باهم شریک ، برادر ، دوست باشیم ، حب وبغض ها ، کینه ها ، عقده‌ها کنارگذاشته بشود ویاهم محیطی داشته باشیم که درپرتوآن درآرامش زندگی بکنیم واینها را بخوبی و روشنی رهبر مملکت ما آگاه است وما را راهنمائی کرده‌شاید بد نباشد درپایان عرایضم یک مسئله دیگر را باطلاع آقایان برسانم ، همه آقایان اطلاع دارین ، وبخوبی آگاه هستید که یکی ازمشکلات وگرفتاریهایمان که حقیقتاً باز هم بارها مورد توجه‌شهریارما بوده‌مسئله مسکن است من میخواستم این را بعنوان خبری در عرایضم گفته باشم که بعنوان برنامه کارهایمان برای امسال به همکارانم اطلاع بدهم ما این مشکل را بخوبی به آن آشنا هستیم و تمام محاسباتمان را که می کنیم نسبت به مزدها ، نسبت به حقوقها همیشه غول مسکن برایمان حقیقتاً مشکلی است واین را ما امسال

قربانی نسب نماینده کارگران درمجلس شورایملی

جزو سرلوحه کارهایمان قرارداده‌ایم ، که بهر طریقی هست ، چه ازطریق واحدهای مسکونی ساختمانی با فراهم کردن اعتبارات اضافی ، یا مشارکت در واحدهای ساختمانی بخش خصوصی طریقی ما بتوانیم باین درد باندازه خودمان (ما ادعای بزرگی نمی کنیم) باندازه‌ای که ازدستمان ساخته بشود بتوانیم این مشکل را حل بنمائیم

هستم با تایید همه تان ، با شما کارگران ، کارمندان ، سهامداران ، هیئت مدیره ، سپاس بی پایان خودمانرا به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر برای آنچه که در این پنجاه سال سلطنت شکوهمند دودمان پهلـــــــــوی

نصیب همه ملت ایران شده است تقدیم بداریم و از پروردگار بزرگ مسئلت کنیم که رهبر خردمند ما را درپناه و عنایات خودش برای ما برای سالیان دراز نگهداردفظ با عرض تشکر.

پس ازسخنان آقای نصیر پور مدیرعامل گروه صنعتی رنا (شرکت زامیاد) آقای سورن عیوضیان دبیر سندیکای کارگران گروه صنعتی رنا پشت تریبون قرارگرفت وچنین اظهارداشت:

با کسب اجازه ازحضورنمایندگان مجلس شورای ملی و هیئت مدیره گروه صنعتی رنا آغاز سخن می کنم.

خانمها آقایان

با نهایت افتخار مقدم همگان را درگردهم آئی هیئت مدیره محترم و کارمندان و کارگران شرکت زامیاد و گروه صنعتی رنا که بمنظور بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان با عظمت پهلوی تشکیل یافته گرامی میداریم با درود فراوان بروان سردار نامی ایران اعلیحضرت رضا شاه کبیر سرسلسله شاهنشاهی پهلوی آغازسخن می‌نمایم.

درآن زمان که وطن عزیزما دراثر اعمال سیاستهای استعماری وضعف حکومت مرکزی دستخوش طوفانهای سهمگین خارجی اخلال یاغیان داخلی درخطرسقوط حتمی قرارگرفته بود بخواست خدای متعال سردارنامی ایران با قلبی مملو ازحب وطن برای نجات کشور با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ قیام ودرسمت فرمانده کل قوا هرج ومرج این مرز وبوم کهن را سامان بخشیده وملت نجیب ایران آرامش و امنیت از

درگروه صنعتی رنا بطرز باشکوهی برگزار شد

دست رفته را برای العین احساس کرده لذا بپاس خدمات تحسین انگیز آن سردار بزرگ بنا بر حق شناسی و استدعای ملت ایران دیهیم پادشاهی بر سر نهاده وسکان کشتی نجات این مملکت را با دست توانای خود بسر منزل مقصود رهنمون فرمود.

با این ترتیب دوران سلطنت شکوهمند خاندان پهلوی که شالوده همه ترقیات ایران در آن نهفته است پا برجا و درمدتی کوتاه کشور بظاهر فاقد همه چیز دارای همه چیز گردید و استحکام زیر بنای استقلال وتجدید عظمت دیرینه این آب وخاک تا سال ۱۳۲۰ چنان حرمت آور شد که بدبینی استعمارگران که با انگیزه استقلال طلبانه درستیزبودند تحریک و سوء فرصت جنگ جهانی دوم مستمسک نقشه های اشغال گرانه شوی گردید که قلب آن راد مرد بزرگ و هر ایرانی وطن پرست را

سورن عیوضیان دبیرسندیکای کارگران

جریحه دار نموده است.

در چنین موقعیتی بود که رهبری میهن عزیز بفرزند برومند ایران اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی آریامهر سپرده شده وشاهنشاه آریامهر به پیروی از افکار بلند پدر تاجدار خود با استقامتی وصف ناپذیر با مشکلات فراوانی که راه پیشرفت های مملکت را سد کرده بود به مبارزه برخاستند واز جمله با سرکوبی غائله آذربایجان عزیز وطرد عمال خارجی تا مرداد ۱۳۳۲، زمینه برای ساختمان ایرانی آباد و آزاد بر پایه های خواست سردار بزرگ ایران مساعد با طرح وتصویب انقلاب شاه وملت نقطه عطفی در تاریخ ایران آغاز شد. در سال ۱۳۴۳، شاهنشاه آریامهر شرکت سهامی زامیاد را افتتاح فرمودند شرکت زامیاد که امروز افتخار میزبانی این جشن بزرگ را احراز نموده است یکی از واحدهای تولیدی مشابه تمام واحدهای صنعتی کشور می‌باشد که از مزایای قانونی تأمین اجتماعی وسواد آموزی و آموزشگاه فنی و خدمات رفاهی ناشی از اجرای اصل چهارم انقلاب یعنی سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات مشارکت در سرمایه گذاری شرکت وموضوع قانون مترقی گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و تشکیل سندیکاهای کارگری ووحدت وهمبستگی ملی ره آورد حزب رستاخیز ملت ایران برخوردار و مسرور از آنند.

اینک که ملت شریف ایران درسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی بزرگداشت پنجاهمین سال دوران سلطنت دودمان پهلوی را جشن میگیرد مانیز

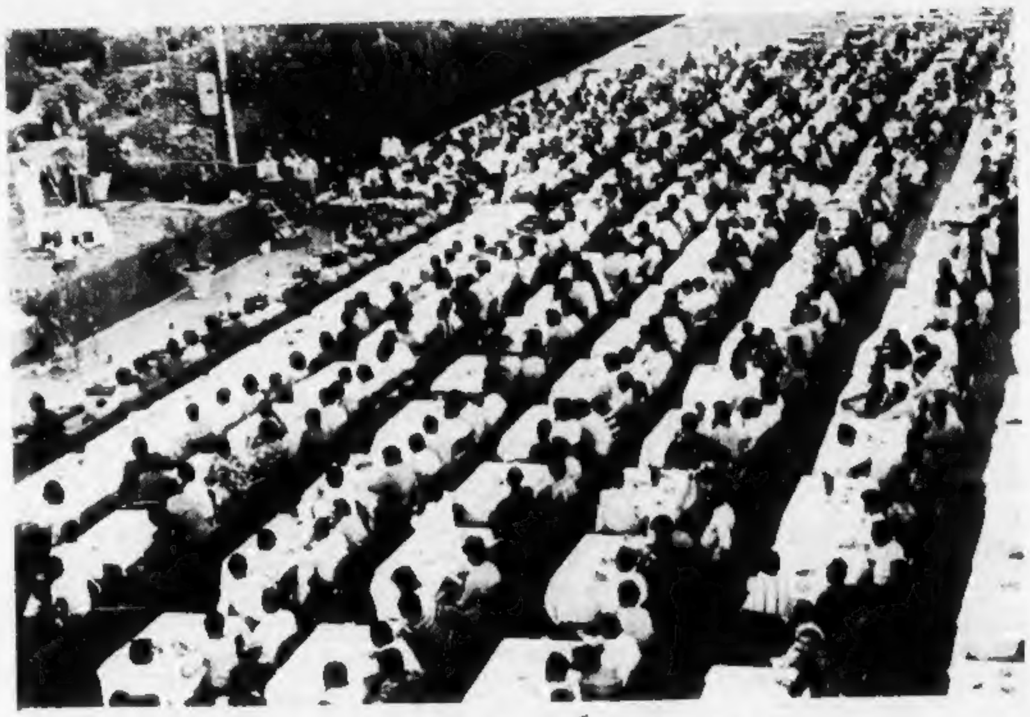
نصیرپور مدیرعامل گروه صنعتی رنا درحال سخنرانی

فرض میدانیم که بپاس این موهبتها از رهبریهای تحسین انگیز سردار بزرگ ایران و سرسلسله جلیل دودمان پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر به نیکی تجلیل نمائیم و سپاس بی‌شائبه خود را به پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه آریامهر و شهبانوی محبوب و گرامی و والاحضرت ولایتعهد عزیز ایران تقدیم، بقاء عمر خاندان جلیل سلطنت پهلوی را از درگاه خداوند یکتا مسئلت نمائیم.

جاویدشاه—پاینده ایران

پس از سخنان آقای عیوض زاده، بخواهش مجری برنامه آقای قربانی نسب نماینده کارگران درمجلس شورای ملی و عضو هیأت رئیسه سازمان کارگران ایران، پشت میکرفن قرار گرفت وضمن سخنانی گفت:

شاهنشاه بزرگ ما در آرامگاه سردودمان پهلوی فرمودند: درود گرم من به ملت بزرگ ایران بملتی که نیروی لایزالش بار دیگر در آئین شکوهمند همبستگی شاه وملت متجلـــــی شده است، درودمن بشاهنشاهان بزرگ و سرداران دلیر تاریخ ایران و به همه مردان وزنان ایران که پرچم پرافتخار این شاهنشاهی کهن را چون ودیعه‌ای مقدس ازنسلی به نسلی دیگرسپرده‌اند. درود من بررضاشاه کبیر سردار بزرگ تاریخ ایران و بنیانگذار شاهنشاهی پهلوی، مردی که ازمیان ملت برخاست و هرگز جزبایران نیاندیشید برای ایران زیست و برای ایران مرد. در پیشگاه تاریخ ایران اعلام میدارم که ما خاندان پهلوی مهری جز مهر ایران وعشقی جز سرفرازی ایران نداریم ایران امروز، ایران سازندگی ایران ایمان و اعتقاد و امید. ایران معنویت و بشر دوستی است، دنیا میتواند روی کشورما و نیروی ما بعنوان یک پشتوانه محکم حق و عدالت حساب کند و ما این رسالت انسانی را با همه مسئولیتهای آن با وثوق کامل می‌پذیریم. هیچ عاملی نمی‌تواند مانع پیشرفت روزافزون کشورما و رسیدن به هدفهای ملی و تحیبا به آن گردد، ما خوشبختی و رفاه خویش را دررفاه وخوشبختی همه ملل جهان وبحساب دیگران می‌جوئیم.

ما برای همه ملل جهان خواستار صلح و ترقی، خواستار رفاه و نیکبختی هستیم و صدای ما در هر مورد صدای حق و عدالت است.

برادران عزیز، خواهران گرامی. انقلابی که در بهمن ماه سال ۱۳۴۱، بوقوع پیوست دگرگونی عمیقی در کلیه شئون اجتماعی واقتصادی و سیاسی این مملکت ایجاد نمود و دروازه‌های طلائی تمدن بزرگ را بروی ملت ایران نمایان کرد، ملت ایران برای هرچه زودتر رسیدن به تمدن بزرگ احتیاج بیک تفاهم ملی داشت ما خوشحال هستیم که دراسفندماه سال ۱۳۵۳، اعلام حزب رستاخیز ملت ایران تنها واحد سیاسی این مملکت بفرمان شاهنشاه بزرگ ما بنا نهاده شد و خوشحالتر از آن هستیم که موقعیکه بنای این حزب اعلام شد فرمودند: من یقین دارم که کارگران نخستین کسانی خواهند بود که به حزب رستاخیز ملت ایران خواهند گروید، و ما کارگران اولین کسانی بودیم بندای ناجی ملت ایران، بندای کسیکه کارگران و کشاورزان و زنان این مملکت را آزاد کرد پاسخ دادیم و به حزب رستاخیز ملت ایران گرویدیم، اما دوستان عزیز ما باید در کانونهای حزب رستاخیز ملت ایران متمرکز بشویم، شرکت کنیم در کانونهای حزب رستاخیز ملت ایران باین علت، که درسندیکا فقط مسئله عموم کارگران را می‌شود مطرح کرد اما در کانون حزب تمام مسائل، اموراجتماعی، اقتصادی و سیاسی این مملکت را ما می‌توانیم و به حزب بگذاریم. موقعیکه مورد بحث قرار گرفت یک ارتباط مستقیم بین یک عضو با عالیترین ارکان حزب یعنی دفتر سیاسی برقرار می‌گردد. بامید روزیکه باتفاق هیئت‌مدیره سازمـــــــان کارگــــــــران تهـــــران و شرح کـــه الان تشـــریف دارنـــد جنـــاب پورمیرد بامیری نماینده محترم مجلس شورایملی و جناب بوداغزاده عضو هیئت مدیره سازمان خدمات اجتماعی که دراین جمع حاضر هستند بیائیم اینجاو در جلسات کانونهای تشکیل شده درگروه صنعتی رنا شرکت کنیم، یک‌روزی ناهار دراین واحد بودیم‌و از آقای نصیرپور خواستیم که‌ما میخواهیم باتفاق هیئت‌مدیره سندیکا میخواهیم کانونهای حزبی دراین‌واحد تشکیل بدهیم آقای نصیرپور گفتند این یکی‌را از من نخواهید باین علت که کارگرو کارمند من دراین زمینه خودشان مختار هستند اینها درهرزمینه‌ای که بخواهید، تسهیلاتی برای شما فراهم می کنم اما دیکته نمی کنیم، این‌ساز مرا خوشحال کرد درهرصورت‌من زیاد صحبت نمی کنم چون حتماً منتظربرنامه‌های هنری هستند، بامید روزیکه کارگران این مملکت و کشاورزان‌ضمنا کارآمایان‌هم همینطورچون فقط کارگران از این نعمت انقلاب برخوردار نشده‌اند کارآمایان نیز برخوردار شدند‌چرا؟ وقتی که شکم ماسیرشد امنیت بوجودمی‌آید، موقعیکه‌امنیت بوجودآمد، ما کاربیشتری کنیم وقتی تولید بیشترشدو کاربیشتر انجام گردید— مدیریت‌هم از جهت بهبود وضع بیشتروراحتر خواهد بود. بامید روزیکه تمام ملت ایران‌به‌آن تمدن بزرگ که نیت یگانه‌مرد ایران است برسیم همه‌صلوات بفرستیم.

جناب‌آقای نصیرپور، همگی کارکنان گروه صنعتی رنا (البته‌ما فقط درواحدخودمان صحبت‌می کنیم) همه عضواین مملکت هستیم، وهمه ازتشکیل وارشاد این واحدصنعتی ازشما واز هیئت‌مدیره‌محترم سپاسگزاریم.

بعد از سخنان آقای قربانی‌نسب وتشکر مجری برنامه ازآقای نصیرپور برنامه‌های هنری و پذیرائی ازمدعوین آغاز گردیدو در خاتمه مجری برنامه چنین اعلام داشت.

اهداءجوایز

این واحد صنعتی ما منظور ازما کارگران— کارمندان‌و کارآما بطورکلی، که‌هم سهیم هستیم تنها فقط کارش ساخت‌وفروش نیست، هیئت مدیره آنقدر بماپولن‌ها داده‌اند که‌من از گفتن آنها قاصرم‌و صحبتی‌نمی کنم‌ومهمترین آن اینست که برای پرورش جوانان همکاران ما دراین واحد صنعتی ورزشهای مختلفی درنظر گرفته‌اند. وخوشبختانه تااین ساعت‌هرکجا که این برادران ما رفته‌اندجهت دادن‌مسابقه همه موفق‌و به‌اخذ جوائزی نائل آمده‌اندما در رشته فوتبال، والیبال، پینگ‌پنگ، کشتی‌و ورزشهای دیگر نیز میباشد که ما درآن رشته‌ها کمتر موفقیتی داشته‌ایم ولی این چهار رشته‌ای که گفتیم بیشتر موفق بودیم، سرپرست این گروهها در حال‌حاضر آقای عباسعلی ناظری هستند که من از ایشان استدعا می کنم برای توضیح بیشتر معرفی آنها و گرفتن جوائز ازدست آقای نصیرپورتشریف بیاورند.

آنگاه آقای عباسعلی ناظری پس از توضیحات لازم، ورزشکارا موفق را نام برد، که ازدست آقای نصیرپورجوایز خود را دریافت داشتند...

یکی از برنامه‌های جالب جشن گروه صنعتی رنا هنرنمائی هنرمندان رادیو‌و‌تلویزیون بود که با اجرای برنامه‌های متنوع وجالب، شادیبخش هرچه بیشترجشن بود. این هنرمندان با اجرای برنامه های شاد و همراه با رقص و پایکوبی کارگران شور و شعف فوق العاده به مجلس داده بودند جشن گروه‌صنعتی رنا تاساعت ۹ بعد ازظهرادامه یافت ودرحالیکه فریادهای زنده باد شاهنشاه آریامهر، جاوید باد دودمان پهلوی سرفراز باد شهبانوی گرامی ایران و ولیعهد محبوب فضای محوطه و اطراف را پر کرده بود خاتمه یافت و بدین ترتیب ما بار دیگرشاهد یکپارچگی‌وحق‌شناسی ملت بودیم که خالصانه ترین سپاس خود را بپای رهبر عالیقدرخویش نثارمیکرد.